



قدم به قدم، همراه دانشجو...

WWW.GhadamYar.Com

جامع ترین و به روز ترین پرتال دانشجویی کشور (پرتال دانش)
با ارائه خدمات رایگان، تحصیلی، آموزشی، رفاهی، شغلی و...
برای دانشجویان

- ۱) راهنمای ارتقاء تحصیلی. (کاردانی به کارشناسی، کارشناسی به ارشد و ارشد به دکتری)
- ۲) ارائه سوالات کنکور مقاطع مختلف سالهای گذشته، همراه پاسخ، به صورت رایگان
- ۳) معرفی روش‌های مقاله و پایان‌نامه نویسی و ارائه پکیج‌های آموزشی مربوطه
- ۴) معرفی منابع و کتب مرتبط با کنکورهای تحصیلی (کاردانی تا دکتری)
- ۵) معرفی آموزشگاه‌ها و مراکز مشاوره تحصیلی معتبر
- ۶) ارائه جزووات و منابع رایگان مرتبط با رشته‌های تحصیلی
- ۷) راهنمای آزمون‌های حقوقی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- ۸) راهنمای آزمون‌های نظام مهندسی به همراه دفترچه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- ۹) راهنمای آزمون‌های کارشناسان رسمی دادگستری به همراه سوالات سالهای گذشته (رایگان)
- ۱۰) آخرین اخبار دانشجویی، در همه مقاطع، از خبرگزاری‌های پر بازدید
- ۱۱) معرفی مراکز ورزشی، تفریحی و فروشگاه‌های دارای تخفیف دانشجویی
- ۱۲) معرفی همایش‌ها، کنفرانس‌ها و نمایشگاه‌های ویژه دانشجویی
- ۱۳) ارائه اطلاعات مربوط به بورسیه و تحصیل در خارج و معرفی شرکت‌های معتبر مربوطه
- ۱۴) معرفی مسائل و قوانین مربوط به سربازی، معافیت تحصیلی و امریه
- ۱۵) ارائه خدمات خاص ویژه دانشجویان خارجی
- ۱۶) معرفی انواع بیمه‌های دانشجویی دارای تخفیف
- ۱۷) صفحه ویژه نقل و انتقالات دانشجویی
- ۱۸) صفحه ویژه ارائه شغل‌های پاره وقت، اخبار استخدامی
- ۱۹) معرفی خوابگاه‌های دانشجویی معتبر
- ۲۰) دانلود رایگان نرم افزار و اپلیکیشن‌های تخصصی و...
- ۲۱) ارائه راهکارهای کارآفرینی، استارت آپ و...
- ۲۲) معرفی مراکز تایپ، ترجمه، پرینت، صحافی و ... به صورت آنلاین
- ۲۳) راهنمای خرید آنلاین ارزی و معرفی شرکت‌های مطرح
- (۲۴)



WWW.GhadamYar.Ir

۰۹۱۲ ۳۰ ۹۰ ۱۰۸

WWW.PortaleDanesh.com

باما همراه باشید...
WWW.GhadamYar.com

WWW.GhadamYar.Org

۰۹۱۲ ۰۹ ۰۳ ۸۰۱

بسم الله الرحمن الرحيم

آین دادرسی کیفری

جلد پنجم

کاربردی

آخوندی ، محمود

تدوین جزو ۵

بهنام اسدی

مدیر وب قانون یار

بانک جامع کتب و مقالات و جزوات حقوقی در تمام مقاطع

www.ghanonyar.ir

تألیف دکتر محمود آخوندی. تهران :

کاربردی

آین دادرسی کیفری

مجمع علمی و فرهنگی مجد

جلد پنجم، ویراست دوم - شابک: ۳-۶۲-۷۸۲۰-۹۶۴

ISBN: 964- 7820-62-3

فهرستنویسی بر اساس فیپا.

مندرجات: ج ۱. کلیات و دعاوی ناشی از جرم - ج ۲. ج ۳. اجرای احکام

کیفری - جلد ۴. اندیشه ها - جلد ۵. کاربردی

۱. آین دادرسی جزایی - ایران. الف. ایران. ب. عنوان.

3946 KMH	۱۹۳۱۹
345	5505

کتابخانه ملی ایران

آین دادرسی کیفری

جلد پنجم - کاربردی

دکتر محمود آخوندی

انتشارات مجد

چاپ اول مجد: ۱۳۸۴

تعداد: 5000 نسخه

حق چاپ محفوظ و منحصر «مجد» است.

دفتر مرکزی:

تهران، میدان انقلاب، ابتدای خیابان 12 فروردین، پلاک 10، طبقه دوم

تلفن: 6495034 - 6490998 دورنگار: 6950841

شابک: 3 - 62 - 7820 - 964

ISBN: 964-7820-62-3

دیباچه 9
پیش گفتار 11
تحقیقات مقدماتی 13
#بخش یکم: کلیات #
بخش یکم: کلیات 17
فصل یکم: ویژگی های تحقیقات مقدماتی 19
فصل دوم: مراجع انجام دهنده تحقیقات مقدماتی 29
فصل سوم: شروع به تحقیقات مقدماتی 49
#بخش دوم: جمع آوری دلایل #
بخش دوم: جمع آوری دلایل 61
فصل یکم: تحقیق از شاکی 69
فصل دوم: تحقیق از متهم 83
۸۶۸
#بخش سوم: تأمین کیفری #
بخش سوم: تأمین کیفری 129
فصل یکم: مبنای تأمین کیفری 131
فصل دوم: انواع قرارهای تأمین کیفری 141
فصل سوم: تناسب تأمین 215
فصل چهارم: ضمانت اجرای قرارهای تأمین 235
فصل پنجم: مدت تأمین کیفری 249
#بخش چهارم: قرارهای نهایی #
بخش چهارم: قرارهای نهایی 257
فصل یکم: قرار موقوفی تعقیب 261
فصل دوم: قرار منع تعقیب 299
فصل سوم: قرار مجرمیت 307
نوشتار ویژه: اعدام در نظام کیفری ایران 309
ضمائمه 325

به نام خدا

چاپ نخست جلد پنجم آیین دادرسی کیفری، زمانی صورت گرفت که در یکی از بیمارستان های لندن بستری بودم. توان نداشتم تا بر چاپ آن نظارت کنم.

وقتی ببودی نسبی یافتم و توانستم قلم به دست گیرم، به سوی یادداشت‌های پیشین رفتم، آنها را خواندم، پیراستم و آراستم؛ و به صورتی درآوردم که میبینید.

از غفلتی که پیش آمده بود پوزش می خواهم و امیدوارم خوانندگان ارجمند بر من منت نهند و کاستی ها و نارسایی ها را یادآوری کنند تا در چاپ های بعدی مورد بهره برداری قرار گیرد.

دکتر محمود آخوندی

تهران – تابستان 1383

دیباچه

میخواستم آیین دادرسی کیفری کاربردی را در سه بخش جداگانه بنویسم. در بخش نخست آن، خوانندگان محترم با تعریف و اصول کلی تحقیقات مقدماتی و مراجعی که این تحقیقات را انجام میدهند و چگونگی شروع، جریان و پایان آن آشنا شوند و از دستورها و نمونه های قضایی و اداری مربوط آگاه گردند. در بخش دوم، جریان دادرسی در دادگاه های کیفری را بنگارم تا با روش ها و نمونه های عملی موجود در دادگاه ها آشنایی یابند؛ و بالاخره در بخش سوم با اقداماتی که از زمان صدور حکم قطعی تا خاتمه اجرای مجازات ها و یا اقدامات تأمینی و تربیتی صورت می گیرد، آگاه شوند.

بر مبنای طرح فوق، بخش نخست کتاب را نیز اماده کردم، اما از ادامه آن باز ماندم؛ زیرا از یک سو، حجم کتاب گسترده و صفحات آن از تعداد صفحه های یک کتاب آموزشی افزون تر می شد؛ و

از سوی دیگر با تصویب قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب(۱) و رویکرد به دادسرا و تقسیم دادگاه ها به حقوقی و کیفری و تشکیل دادگاه کیفری استان و به وجود آوردن شعبه تشخیص،

1381.\$ 7 28\$ مصوب-

10

نگاشتن مطالب جدیدی را ضروری دیدم؛ از این رو بر آن شدم درباره دادسرا و نقش مهم سازمان و بنیادی آن در انجام تحقیقات مقدماتی، مطالب جدایگانه ای بنگارم و سازمان، نیروی انسانی، صلاحیت و شیوه های رسیدگی در این نهاد را بشکافم.

تغییرات قانونی به وجود آمده، در دادگاه های جزایی نیز دگرگونی هایی ایجاد نمود، در نتیجه بازنگری در بخش های دوم و سوم کتاب نیز ضرورت پیدا کرد؛ از این رو تصمیم گرفتم بخش نخست آین دادرسی کیفری کاربردی را به صورت مجلدی جداگانه در اختیار علاقه مندان قرار دهم. اگر نارسایی هایی در تقسیم بندی متن حاضر کتاب وجود داشته باشد، ناشی از این تبدیل و تغییر است.

امیدوارم خوانندگان ارجمند و نکته بین، بر من منت نهند و هر کاستی را که در کتاب می یابند، یا هر پیشنهاد راهگشا را که در اندیشه دارند، با مؤلف در میان نهند و آرامنده و آسوده خاطر باشند در چاپ های بعدی کتاب به پند و رهنمودشان توجه خواهد شد.

در پایان بر خود واجب می دانیم آقای سید عباس حسینی نیک، مدیر مسئول محترم مجمع علمی و فرهنگ مجد و همکارانشان که در چاپ این کتاب زحمت زیادی متحمل شده اند، صمیمانه سپاس گزاری نمایم.

دکتر محمود آخوندی

تهران

تابستان 1384 خورشیدی

قانون مبنای نگارش. — در کشور ما، تحقیقات مقدماتی به دو روش انجام می گیرد: 1

1378.	6	و قانون آینین دادرسی کیفری مربوط به آن، مصوب 28	4	الف. بر مبنای اصول و مقررات موجود در قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب 15
		1381.	7	ب. بر مبنای اصول و مقررات قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب 29

هر چند این دو روش، از جهات مختلف با هم متفاوتند و هر یک تابع اصول و مقررات خاص خود می باشند؛ لیکن در نهایت، هر دو مجزا بوده و در قلمروهای جداگانه ای سیستم دادرسی کیفری جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می دهند؛ و به نوبه خود عدالت قضایی کیفری را تأمین می کنند.(1)

۱. افرون بر دو روش پیش گفته، آینین نامه دادرساهای ویژه روحانیت نیز روش خاصی مقرر کرده است که در نهادهای مذکور اجرا می شود. سازمان تعزیزات حکومتی هم مقررات دیگری دارد که

در این کتاب چون تحقیقات مقدماتی بر مبنای روش اول نگارش یافته است، لذا در حوزه های قضایی زیر می تواند کاربرد داشته باشد:

یک — در کلیه حوزه های قضایی که هنوز دادرسرا در آنجا تشکیل نشده است.

دو — در حوزه های قضایی دارای دادرسرا، در موارد زیر:

I. دادگاه های بخش. (1)

II. دادگاه های عمومی کیفری، نسبت به جرایمی که راساً رسیدگی می کنند.(3)

III. دادگاه های کیفری استان، نسبت به جرایمی که مستقیماً رسیدگی می کنند.(4)

خاص همان سازمان می باشد.

هرگاه آین دادرسی سازمان نیروهای مسلح نیز بر این روش اضافه شود، به خوبی در می یابیم که روش های گوناگون دادرسی

جزایی در

روش های گوناگون دادرسی جزایی در گشور حکمفرما است.

3. و 4. طبق تبصره 3 ماده قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب:

(۱) ریال می باشد و جرایم اطفال مستقیما در دادگاه های مربوط مطرح می شود، مگر آن که به تشخیص دادستان، تحقیقات راجع به سایر جهات ضرورت داشته باشد \$.	000	«پرونده هایی که موضوع آنها جرایم مشمول حد زنا و لواط است، همچنین جرایمی که مجازات قانونی آنها فقط تا سه ماه حبس و یا جزای نقدی تا یک میلیون (000
---	-----	--

13

تحقیقات مقدماتی (1)

1378	نیز تعریف جامعی دیده نمی شود. در سایر قوانین موضوعه هم، تحقیقات مقدماتی تعریف نشده است. (۲) در فرهنگ حقوقی - قضایی کشور ما نیز تعریف خاصی در این مورد دیده نمی شود. (۳) از نظر کاربردی شاید بتوان آن را چنین تعریف کرد :	6	1290 شمسی، به رغم آن که عنوان ماده ۱۸ آن «در تفییش جرم و تحقیقات مقدماتی «می باشد و مواد متعددی در این باره دارد؛ تعریف مشخصی از تحقیقات مقدماتی «ارایه نداده است. در قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، مصوب 28	6	2. تعریف. - قانون اصول محکمات جزایی، مصوب 11
------	--	---	---	---	--

مجموعه اقدامات، تدابیر و تصمیماتی که برای کشف جرم، جمع آوری دلایل، شناسایی مرتکب، جلوگیری از فرار و یا مخفی شدن او اظهار نظر درباره بزهکار بودن و یا نبودن متهماً

L'INSTRUCTION PREPARATOIRE .1

2. قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب 1318، که به نوبه خود قانون بسیار جالب توجه و جامعی بود نیز از تحقیقات مقدماتی تعریفی ارایه نمی داد.

3. آقای جعفری لنگرودی (محمد جعفر) در تعریف تحقیقات مقدماتی چنین نوشته اند: «تحقیقات راجع به جرم که توسط مستنبط یا ضابطین دادگستری به عمل می آید و منتهی به صدور قرار مجرمیت یا منع تعقیب می شود.»

ترمینولوژی حقوق، ص 141 (مدخل ش 1150).

14

از طرف مقامات خاص قضایی انجام می‌گیرد، تحقیقات مقدماتی نامیده می‌شود.

ماده 19 (ق.آ.د.ک) جدید، (1) تحقیقات مقدماتی را با تحقیقات ضابطین دادگستری یکسان دانسته و می‌گوید:

تحقیقات مقدماتی مجموعه اقداماتی است که برای کشف جرم حفظ آثار و ادله وقوع آن و تعقیب متهم از بدو پیگرد قانونی تا تسلیم به مرجع قضایی صورت می‌گیرد. ضابطین دادگستری حق اخذ تأمین از متهم را ندارند.»

باید دانست تحقیقات مقدماتی مفهومی وسیع تر از تحقیقات پلیسی دارد و یکی پنداشتن آنها خطأ است.

در حقیقت، تحقیقات مقدماتی مجموعه اقدامات قضایی بسیار مهم و حساس و سرنوشت ساز بوده و مقدمه واجب دادرسی های مهم جزایی است. تحقیقات مقدماتی قلمرو وسیع تری دارد و سه دسته اعمال قضایی را در بر می‌گیرد:

الف. جمع آوری دلایل و قرائن و امارات جرم.

ب. جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم و امحای آثار و علایه جرم.

ج. اظهار نظر درباره بزهکار بودن یا نبودن متهم.

هر دسته از اعمال قضایی مذکور، در بخشی جداگانه بررسی می‌شود؛ لیکن لازم است نخست ویژگی های مهم تحقیقات مقدماتی، مراجع انجام دهنده و چگونگی شروع آن شناخته شود. در نتیجه این کتاب دارای چهار بخش به شرح زیر می‌باشد:

بخش یکم - کلیات: ویژگی های مهم تحقیقات مقدماتی، مراجع انجام دهنده و چگونگی شروع آن.

بخش دوم جمع آوری دلایل له و علیه متهم.

بخش سوم - جلوگیری از فرار و یا مخفی شدن متهم.

بخش چهارم - اظهار نظر قضایی درباره وقوع و یا عدم وقوع جرم و بزهکار بودن و یا نبودن متهم.

1378	\$
می باشد.	

6

\$ در این کتاب، منظور از قانون آینین دادرسی کیفری جدید، یا قانون آینین دادرسی کیفری، یا ق.آ.د.ک، قانون مصوب 28

3. تقسیم بندی . – در این بخش ابتدا ویژگیهای مهم تحقیقات مقدماتی بیان خواهد شد. آنگاه مراجع انجام دهنده این تحقیقات معرفی می شوند و بالاخره با بررسی چگونگی شروع به تحقیقات مقدماتی این بخش پایان می یابد.

بنابراین بخش حاضر شامل فصل های زیر است:

یکم – ویژگی های تحقیقات مقدماتی.

دوم – مراجع انجام دهنده تحقیقات مقدماتی.

سوم – شروع به تحقیقات مقدماتی.

ویژگی های تحقیقات مقدماتی

. 4. صفات چهارگانه. – با توجه به اصول کفی حقوقی و قضایی، مانند اصل لزوم دادرسی منصفانه و اصل رعایت عدالت کیفری و تأمین امنیت و آسایش عمومی و با عنایت به فلسفه حقوق جزا، برای تحقیقات مقدماتی می توان چهار ویژگی مهم ذکر کرد. خوشبختانه قانونگذاران ایران در دوران مختلف، کمایش به این ویژگی های اساسی توجه داشته، در مقررات موضوعه، آنها را رعایت نموده اند. ویژگی های مهم تحقیقات مقدماتی عبارتند از: سریع بودن، غیرعلنی بودن، کتبی بودن و غیر تدافعی بودن آن که هر یک در گفتاری جداگانه بیان می شود. بدیهی است نقض هر یک از این قواعد موجب بی اعتباری تحقیقات مقدماتی شده، آنها را از قابلیت استناد در مراحل بعدی دادرسی ساقط می کند. اینک درباره این ویژگی های مهم، توضیح مختصری بیان می شود.

5- کلیات. - تحقیقات مقدماتی باید سریع باشد. قاضی تحقیق و یا هر مقامی که تحقیقات مقدماتی را انجام می دهد باید در تحصیل و جمع آوری اسناد و دلایل جرم تعکل ورزد و مکاف است اقدامات ضروری را بدون فوت وقت به انجام رساند و بکوشد برای پیشگیری از امحای آثار جرم و ممانعت از فرار و یا مخفی شدن متهم لحظه ای تأخیر نشود. تسامح در تحقیقات مقدماتی ممکن است نتیجه زیان باری داشته باشد و سبب شود که آثار و علایم جرم از بین برود و یا متهم فرار کند و یا مخفی گردد، که تدارک آن بعدها امکان نداشته، یا دشوار باشد.

قانونگذاران ایران، در دوره های مختلف قانون گذاری، همگام با سایر قانونگذاران دنیا، در مواد قانونی متعدد به لزوم تسريع در انجام تحقیقات مقدماتی تأکید نموده اند و لذا در ماده 58 قانون اصول محاکمات جزایی می خوانیم:

تحقیقات مقدماتی باید به قدر امکان سریع باشد و لذا روزهای تعطیل مانع از تحقیقات نمی شود.

در ماده 40 (ق.آ.د.ک) نیز تصریح شده است به این که:

دادرسان و قضاط تحقیق مکلفند اقدامات فوری برای جلوگیری از امحای آثار و علایم جرم به عمل آورده و در تحصیل و جمع آوری اسباب و دلایل جرم به هیچ وجه باید تأخیر نمایند.

همچنین برای ماده 42 قانون مذکور:

مقامات رسمی و ضابطین دادگستری موظفند دستورات دادرسان و قضاط تحقیق را فوری به موقع اجرا گذارند. متخلف از این ماده به

مجازات مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد.

در ماده 61 قانون یاد شده با صراحة هر چه تمام قر اعلام شده است:

تحقیقات مقدماتی باید سریع انجام شود و تعطیلات مانع از انجام تحقیقات نمی شود.

و بالاخره ماده 20 قانون مذکور می گوید:

ضابطین دادگستری مکلفند در اسرع وقت و در مدتی که مقام قضایی تعیین می نماید نسبت به انجام دستورات و تکمیل پرونده، اقدام کنند....

با توجه به لزوم انجام فوری تحقیقات مقدماتی، بهتر است مقامات قضایی هنگام ارجاع پرونده به ضابطین دادگستری یا اعطای نمایندگی به آنان و یا صدور دستور برای انجام تحقیقات مقدماتی هر بار این نکته مهم و الزام قانونی را به آنان یادآوری نماید.

22

گفتار دوّم

غیرعلنی بودن

6- کلیات . - تحقیقات مقدماتی غیرعلنی است. این تحقیقات، خواه به وسیله مقامات قضایی، و خواه به وسیله ضابطین دادگستری انجام پذیرد، در هر حال باید سری و غیرعلنی باشد. غیر از کسانی که در امر جزایی دخالت دارند، افراد دیگر نباید در جلسه تحقیق حضور یابند.

هر مقام رسمی و دولتی که در تحقیقات مقدماتی شرکت می کند مکلف به حفظ اسرار آن است. اهل خبره و کارشناسان نیز مکلف به حفظ اسرار حرفه ای خود هستند.

متهم، شاکی و شاهد منفردا بازجویی می شوند و نباید با همدیگر داخل در مذاکره و موضعه (تبانی) شوند و از اظهارات یکدیگر اطلاع حاصل کنند.

در ارتباط با غیرعلنی بودن تحقیقات مقدماتی می توان از قانون اصول محاکمات جزایی(1) و همچنین از قانون آیین دادرسی کیفری جدید مواد متعددی را به عنوان شاهد نقل کرد. از جمله، در ماده 130 قانون اخیرالذکر آمده است:

از متهمین جز در مورد مواجهه، به صورت افرادی بازجویی به عمل می آید و نباید با همدیگر وارد در گفتگو و موضعه شوند. رعایت موازین شرعی در مورد متهمین زن ضروری می باشد.

و نیز در ماده 152 همان قانون آمده است:

تحقیق و بازجویی از شهود و مطلعین، قبل از محاکمه غیرعلنی است.

غیرعلنی بودن تحقیقات مقدماتی مانع از آن نیست که متهم بتوازد

1. ماده 126 قانون اصول محاکمات جزایی: «متهمین منفرداً استنطاق می شوند و نباید با همدیگر داخل در مذاکره و موضعه شوند»

23

وکلای رسمی دادگستری را همراه خود داشته باشد. در این مرحله، وکیل متهم بدون مداخله در امر تحقیق، پس از خاتمه بازجویی از متهم می‌تواند مطالبی را که برای روشن شدن حقیقت و یا دفاع از متهم یا حسن اجرای قوانین لازم می‌داند تذکر دهد. اظهارات وکیل مدافع در صورت جلسه مربوطه درج می‌شود.

برابر ماده 128 (ق.آ.د.ک):

متهم می‌تواند یک نفر وکیل(1) همراه خود داشته باشد. وکیل متهم می‌تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بدانند به قضای اعلام نماید. اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس می‌شود.

تبصره – در مواردی که موضوع جنبه محترمانه دارد یا حضور غیرمتهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین در خصوص جرایم علیه امنیت کشور، حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود.

جز در حدود اقتضای تبصره ماده 128 مزبور، نمی‌توان به بهانه غیرعلی بودن تحقیقات مقدماتی، از حضور وکیل مدافع متهم در جلسه تحقیقات ممانعت کرد.(2)

افشای مندرجات پرونده کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی ممنوع است. مطبوعات و سایر رسانه‌های عمومی نیز مجاز نیستند جریان تحقیقات مقدماتی را منتشر کنند.

1. به نظر می‌رسد منظور قانونگذار از عنوان «وکیل» در ماده 128 ق.آ.د.ک. وکیل رسمی دادگستری است و شامل کسانی که بر اساس ماده 187 قانون برنامه سوم توسعه به عنوان مشاور حقوقی عمل می‌کنند و یا لیسانسیه‌های حقوق که می‌توانند بدون داشتن پروانه وکالت، از دعاوی بستگان خود دفاع کنند نمی‌شود. در هر حال باید منتظر آینده بود تا رویه قضایی محاکم، ماده مذکور را با توجه به شرایط زمان تفسیر کند.

2. برای اطلاع بیشتر ر.ک: آخوندی، محمود، آین دادرسی کیفری، ج 4، ص 235 الی 242.

7- کلیات ... تحقیقات مقدماتی کتبی است. صورت جلسه‌های بازجویی از متهم، معاینه و تحقیقات محلی و کلیه تحقیقات مقدماتی هر شکلی که باشد نشانگر نحوه اقدام و عملکرد مجری مرحله تحقیقات مقدماتی است. جریان وقوع جرم و چگونگی کشف آن را برای دیگران بازگو می‌کند و پایه و مبنای دادرسی‌های کیفری قرار می‌گیرد. دلایل، قرایین و امارات درج شده در آن، بزهکاری یا بی‌گناهی

متهم را می رساند. در حقیقت سرنوشت قضایی متهم بستگی زیادی به چگونگی شکل گیری این اوراق دارد. باید در تحریر و تنظیم و نگهداری آنها نهایت دقّت به عمل آید تا از تضییع حقوق شاگی، متهم و جامعه جلوگیری شود. طبق تبصره 2 ماده 69 (ق.آ.د.ک.):

چنانچه عرض حال ناقص یا شفاهی باشد مراتب در صورت جلسه تنظیمی نوسط دفتر دادگاه منعکس و به امضا یا اثر انگشت شاگی می رسد.

و برابر ماده 131 همان قانون:

پاسخ سوالات همان طوری که بیان می شود باید بدون تغییر و تبدیل یا تحریف نوشته شود. متهمن با سواد می تواند شخصاً پاسخ سوالات را بنویسد.

مواد 157 و 158 قانون یاد شده ، افزون بر کتبی بودن تحقیقات مقدماتی، نحوه نوشتن پرسش ها و پاسخ های نیز توجه دارد.

ماده 157 قانون یاد شده به شرح زیر می باشد:

پس از این که ابراز شهادت یا اظهار اطلاعات به اتمام رسید متن آن

25

قرائت و به امضای شاهد یا مطلع می رسد. هرگاه شاهد یا مطلع فاقد امضا باشد انگشت می زند و اگر از امضا یا زدن انگشت امتناع ورزد یا قادر به امضا و زدن انگشت نباشد مراتب در برگ تحقیق قید می شود، در این صورت تمامی اوراق تحقیق باید به امضای قاضی و منشی برسد.

و ماده 158:

در اوراق بازجویی نوشتن بین سطور و تراشیدن کلمات به کلی ممنوع است. اگر یک یا چند کلمه اضافه نوشته شده باشد، باید بر روی آن خطی نازک کشیده و این موضع قید شود و قاضی و شخصی که از وی تحقیق می شود آن را امضا نمایند، همچنین اگر یک یا چند کلمه از قلم افتاده و در حاشیه نوشته شود باید اشخاص یاد شده، زیر آن را امضا نمایند و هر گاه این ترتیب رعایت نشود کلمات مذبور از درجه اعتبار ساقط است.

هر چند قانون صراحةً درباره مورخ بودن صورت جلسه ها ندارد، مع الوصف باید کلیه صورت جلسه ها و اوراق تحقیقات مقدماتی تاریخ نگارش و ثبت داشته به امضای قاضی تحقیق و یا هر مقامی که متصدی امر تحقیق است، برسد.

تمام پرسش های قاضی تحقیق و پاسخ های شاگی، مطلع، گواه، کارشناس ، متهم و غیر اینها باید با دقّت هر چه بیشتر در صورت جلسه نوشته شود. ماده 127 قانون اصول محاکمات جزایی و ماده 131 (ق.آ.د.ک) تغییر و تبدیل و تحریف گفته ها را ممنوع کرده اند طبق ماده 131 یاد شده:

و تحریف نوشته شود.

نوشتن بین سطور اوراق تحقیق و صورت جلسه ها ممنوع است. تراشیدن، خراشیدن، محو و سیاه کردن کلمات آنها قابل توجیه نیست و باید از آن خودداری شود. در صورتی که هنگام تنظیم صورت جلسه و یا نوشتن اوراق، اشتباهی رخ دهد و یک یا چند کلمه به غلط در آن درج گردد، باید روی آن خط نازک کشیده شود و متصدی تحقیق و شخصی که از او تحقیق شده است، صحّت آن را تأیید کنند. همچنین اگر یک یا چند کلمه و یا جمله به اشتباه از قلم افتاده باشد بایست در حاشیه و یا در ذیل صورت جلسه مربوطه نوشته شود و به امضای افراد ذیفع برسد.

به طور کلی هر اقدام متصدی امر تحقیق اعم از دستور، بازجویی، تصمیم، اظهار نظر و قرار باید کتبی باشد. تصمیم ها، دستورها و اظهارنظرهای شفاهی که در پرونده امر مندرج نیست و سابقه کتبی از آن وجود ندارد فاقد ارزش و اعتبار قضایی است.

به علاوه، مستنداً به اصل 15 قانون اساسی⁽¹⁾ و مستفاد از صدر ماده 51 (ق.آ.م.م.)⁽²⁾ در دادرسی های کیفری نیز هر نوشته ای باید به زبان فارسی باشد. نوشته ها و گفته های به زبان خارجی باید فوری ترجمه رسمی گردند.

۱. اصل 15 قانون اساسی مقرر می دارد: «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است.»

1379 مقرر می دارد: «دادخواست باید به زبان فارسی در روی برگ
های چاپ مخصوص نوشته شده ... باشد ...». \$

1

۲. ماده 51 قانون آین دادرسی
مدنی، مصوب 21

گفتار چهارم

غیر تدافعی بودن

۸. کلیات .— تحقیقات مقدماتی غیر تدافعی است. منظور از غیر تدافعی بودن این است که در آن تناظر بین شاکی و متهم و یا وکلای آنان به نحوی که در جریان دادرسی در دادگاه ها می گذرد وجود ندارد.

عدم حضور وکیل مدافع، در تحقیقات مقدماتی، موقعیت دفاعی متهم را با مشکل مواجه می کند. متهم مکلف است به پرسش ها شخصاً جواب دهد. طبق روال عمومی، پاسخ های از پیش ساخته شده، در این مرحله فاقد ارزش قضایی است.

در قوانین بسیاری از کشورهای پیشرفته جهان امروزی، این روش تغییر شده است و به متهم اجازه و امکان داده می شود تا در مرحله تحقیقات مقدماتی، همانند مرحله دادرسی، از حضور و شرکت فعالانه یک وکیل مدافع بهره مند شود.⁽¹⁾

در کشور ما تبصره ماده 112 قانون اصول محاکمات جزایی به طور محدود تری امکان حضور وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی را پذیرفته بود و این امید وجود داشت که در اصلاحات بعدی قانون، شرکت فعالانه وکیل مدافع در مرحله سرنوشت ساز تحقیقات مقدماتی گسترش یابد؛ اما بر خلاف این توقع حق، تبصره ماده 128 ق.آ.د.ک جدید قلمرو آن را باز هم محدودتر کرده و در مواردی که موضوع جنبه محرومانه دارد یا حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد

1. طبق ماده 114 (ق.آ.د.ک) فرانسه، مصوب 1993: «متهم یا شاکی خصوصی را، جز در مواردی که به صراحت از آن صرف نظر نمایند فقط در حضور وکلای آنان یا پس از دعوت از وکلا طبق ضوابط قانونی می توان مورد تحقیق یا مواجهه قرار داد.»

28

گردد و هم چنین در جریام علیه امنیت کشور، حضور وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی را به اجازه دادگاه منوط نمود.⁽¹⁾ اینک این نکرانی وجود دارد که با تفسیر موسّع این سه عنوان، عملاً حقوق متهم تضییع گردد.

1. برای اطلاع بیشتر ر.ک: آخوندی، محمود، آین دادرسی کیفری، ج 4، ص 235 الی 242.

29

فصل دوم

مراجع انجام دهنده تحقیقات مقدماتی

9- طرح موضوع . - در روش های جدید و پیشرفته دادرسی های کیفری معمولاً، تحقیقات مقدماتی، در جنایات اجباری، در جنحه ها اختیاری⁽¹⁾ و در امور خلافی موقعیت قانونی ندارد.⁽²⁾ تحقیقات مقدماتی به وسیله یک نفر قاضی انجام می گیرد

1. طبق ماده 306 قانون اصول محاکمات جزایی:

در جنایات لازم است قبل از محاکمه، تحقیقات مقدماتی و استنطاقات به عمل بیابد ولی در مورد جنحه هر گاه مدعی العموم بتواند بیان ادعای خود را بدون تحقیقات و استنطاقات مستنبط به محکمه بدهد می تواند همین که امری را از صلاحیت محکمة جنحه دید اقدام نماید تا در محکمة مذکور، رسیدگی شود.

جرائم از حیث شدت و ضعف مجازات بر سه نوع است:

1- جنایت.

2- جنحه.

3- خلاف.».

برابر ماده 8 همان قانون: «مجازات های اصلی جنایت به قرار زیر است: ۱-اعدام، ۲-حبس دائم، ۳-حبس جنایی درجه یک از سه سال تا ۱۰ سال، ۴-حبس جنایی درجه ۲ از دو سال تا ده سال. و برابر ماده ۹ قانون یاد شده

30

که او را مستنطق، بازپرس و یا قاضی تحقیق می نامند. این سه عنوان یک مفهوم دارد و به فردی گفته می شود که تحقیقات مقدماتی را انجام می دهد.

همان گونه که در (ش 2) گفته شد تحقیقات مقدماتی مشتمل بر سه دسته اعمال قضایی است.

۱- جمع آوری دلایل

۲- جلوگیری از فرار متهم.

۳- اظهار نظر نهایی.

برای انجام هر سه دسته از اعمال مذکور که تحقیقات مقدماتی نامیده می شود، نظارت مقام قضایی ضروری است. این نظارت ممکن است مستقیم و یا غیر مستقیم باشد. در انجام بعضی از آنها نظارت تنها کافی نیست؛ بلکه اقدام و مبادرت شخص قاضی ضرورت دارد و غیر مقام قضایی نمی تواند آنها را انجام دهد.

بدین توضیح که اعمال دسته اول ممکن است به وسیله غیر مقام قضایی و با ارجاع و یا درخواست او به وسیله ضابطین دادگستری صورت گیرد؛ و حتی امکان دارد گاهی ضابطین دادگستری رأساً آن را انجام دهند و نتیجه را به مقام قضایی گزارش کنند. همان گونه که در ماده 18 (ق.آ.د.ک.) آمده است:

ضابطین دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، ... در خصوص جرایم مشهود تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و علایم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی، معمول و تحقیقات مقدماتی را انجام و بلافاصله به اطلاع مقام قضایی می‌رسانند.

مجازات‌های اصلی جنحه به قرار زیر است: ۱- جبس جنحه ای از ۶۱ روز تا سه سال، ۲- جزای نقدی از ۵۰۰۱ ریال به بالا. و برابر

ماده ۱۲

مجازات خلاف جزای نقدی از ۲۰۰ ریال تا ۵۰۰۰ ریال است.

31

ولی اعمال قضایی نوع دوم و سوم – اخذ تأمین از متهم (۱) و اظهارنظر نهایی باید از طرف مقام قضایی صورت گیرد. مداخله غیر مقام قضایی توجیهی ندارد.

بدیهی است اعمال نوع سوم را تنها مقام قضایی رسیدگی کننده می‌تواند انجام دهد. این دسته از اعمال قضایی راحتی نمی‌توان مورد نیابت قضایی و یا نمایندگی قرار داد.

در نتیجه، می‌توان به این اعتبار، انجام دهنده‌گان تحقیقات مقدماتی را به دو گروه تقسیم کرد:

یک – مراجع قضایی.

دو – ضابطین دادگستری.

۱. طبق قسمت اخیر ماده ۱۹ (ق.آ.د.ک.).

... ضابطین دادگستری حق اخذ تأمین از متهم را ندارند.

32

گفتار یکم

مراجع قضایی

۱۰- روش‌های دوگانه دادرسی. – توضیح داده شد که چگونه هم اینک در کشور ما دو روش متفاوت دادسی کیفری وجود دارد: روش برخاسته از قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب؛ و روش باقیمانده از قانون اصول محاکمات جزایی و سنت‌های قدیمی. روش اول در دادگاه‌های عمومی و انقلاب اجرا می‌شود که بخش مهم و عظیم دادرسی‌های کیفری را تشکیل می‌دهد.

روش دوم در سازمان نیروهای مسلح، لازم الاجرا است(1) که هر یک جدایگانه توضیح داده می شود.(2)

مالحظه خواهد شد که بر حسب نوع مرجع قضایی، مقام قضایی انجام دهنده تحقیقات مقدماتی متفاوت است.

بند - یک

دادگاه های عمومی و انقلاب

11- تقسیم بندی . - تا پیش از تصویب قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های

1. با تصویب قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب در تاریخ 28 مهرماه 1381، تحقیقات مقدماتی در حوزه های قضایی که دادسرای تشکیل می شود، به عهده نهاد مذکور می باشد.

در جلد ششم آین دادرسی کیفری، روش انجام تحقیقات مقدماتی در دادسرای بروزی خواهی گرد. در حال حاضر باید توجه داشت که تحقیقات مقدماتی در محل هایی که دادسرای تشکیل شده بر مبنای قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب صورت می پذیرد و در بقیه محل ها با عنایت به قانون تمدید مهلت اجرای آزمایشی قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری به ترتیبی است که در این مباحث گفته می شود.

2. هر گاه آین دادرسی ویژه روحانیت را نیز یک روش مستقل بشناسیم، با سه نوع روش دادرسی روبرو خواهیم بود.

33

عمومی و انقلاب، دادگاه و قاضی تحقیق. روشی که هم اکنون در بسیاری از حوزه های قضایی حکم فرماست	7	29 مصوب
--	---	---------

12- الف. حاکم دادگاه. - منظور از این حاکم دادگاه اعم از رئیس و شعبه و یا دادرس آن است. طبق ماده 27 قانون آین دادرسی دادگاههای عمومی در امور کیفری:

رئیس یا دادرس هر شعبه مکلف است تحقیقات لازم را شخصاً انجام دهد...(1)

بنابراین انجام تحقیقات مقدماتی با حاکم دادگاه است. وقتی رئیس دادگاه حضور دارد رسیدگی به عهده او است و وقتی حضور نداشته باشد، دادرس دادگاه جانشین او بوده و کلیه اختیارات و صلاحیت های قانونی او را دارا می باشد. در صورت حضور رئیس دادگاه، دادرس تابع ارجاع می

باشد و تنها نسبت به پرونده هایی که به او ارجاع می شود و در حدودی که ارجاع شده است رسیدگی می نماید و دارای استقلال تصمیم گیری و رأی می باشد.(2)

1373اداره حقوقی قوه قضاییه در این باره چنین اظهار نظر شده است :	7	28	7 مورخ	\$1. در نظریه مشورتی شماره 5191
---	---	----	--------	---------------------------------

«با توجه به ماده 14 قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب رئیس دادگاه و عضو علی البدل در عرض هم قرار گرفته اند. وجود هر یک از آنان جهت تشکیل جلسه دادگاه کافی است. بنابراین زمانی که رئیس شعبه اوّل در مرخصی و یا شعبه بلا منتصدی باشد تشکیل دادگاه به تصدی دادرس علی البدل بلا اشکال است.»

1374به این شرح اظهار نظر کرده است: «حدود وظایف و اختیارات دادرس علی البدل، در ماده 20 قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب و تبصره ذیل آن صریحاً روشن شده است. دادرس علی البدل با حضور رئیس دادگاه صرفاً در حدود ارجاعات رئیس دادگاه شروع به رسیدگی و اتخاذ تصمیم می نماید و در \$ 5 در این خصوص اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره 2360 مورخ ⁴

34

نظر به این که علی الاصول رتبه و پایه و سابقه قضایی رئیس دادگاه از دادرس بیشتر است باید سعی شود پرونده های ساده تر به دادرسان ارجاع گردد. پرونده های مشکل و مهم را بهتر است روسای دادگاه ها شخصاً رسیدگی کنند.

13- ب. قاضی تحقیق.— صدر ماده 27 (ق.آ.د.ک)، پس از انشای حکم کلی و نخستین درباره تحقیقات مقدماتی به وسیله شخص رئیس یا دادرس دادگاه اضافه می کند:

... این امر مانع از آن نیست که با لحاظ موازین شرعی و مقررات قانونی، پاره ای از تحقیقات و تصمیمات به دستور و زیر نظر قاضی دادگا، به وسیله قضات تحقیق یا ضابطین دادگستری به عمل آید.

طبق ماده 10 قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب 1373، هو حوزه قضایی به تعداد لازم قاضی تحقیق خواهد داشت؛ و وفق قسمت آخر ماده 27 (ق.آ.د.ک):

تعیین قاضی تحقیق با ریسی حوزه قضایی یا معاون وی خواهد بود.

و برابر ماده 28 همان قانون:

قاضی تحقیق زیر نظر قاضی دادگاه انجام وظیفه خواهد نمود و می تواند پاره ای از اقدامات و تحقیقات را مطابق مقررات ماده قبل از ضابطین دادگستری بخواهد، در این صورت نتیجه به قاضی تحقیق اعلام می شود.

با توجه به صراحت مواد مذکور، به خوبی معلوم می شود، علاوه بر این که ارجاع پرونده به قاضی تحقیق، در هر مورد، باید از سوی رئیس و یا دادرس دادگاه صورت

صورتی که مشارالیه مختص شعبه خاصی نباشد با تعیین رئیس شعبه اوّل دادگاه و یا قائم مقام وی می تواند در سایر شعب انجام وظیفه نماید.

35

گیرد؛ بلکه کلیه اقدامات قاضی تحقیق باید مورد موافقت و تأیید آنان باشد. حاکم دادگاه می تواند برای نظارت مستقیم در عملکرد قاضی تحقیق، در تحقیقات مقدماتی حضور یابد و بر نحوه تحقیقات نظارت نماید.(1)

به طور کلی، قاضی تحقیق در موقع تحقیقات، دستورهای حاکم دادگاه را اجرا نموده و نتیجه آن را در صورت جلسه درج می کند. چنانچه در اجرای دستور حاکم دادگاه دچار مشکلی شود که از حل آن بازماند، مراتب را به قاضی دادگاه اعلام و طبق نظر حاکم دادگاه اقدام می نماید.(2)

با وجود آن که ماده 34 ق.آ.د.ک اجازه صدور قرار بازداشت موقت و سایر انوع قرارهای تأمین کیفری را به قاضی تحقیق داده است، به نظر می رسد که این اختیار بیشتر جنبه تشریفاتی دارد؛ زیرا هر نوع قرار تأمینی که قاضی تحقیق صادر می کند و به ویژه قرارهای بازداشت موقت و سایر قرارهای تأمین منجر به بازداشت متهم، باید ظرف 24 ساعت نزد قاضی دادگاه فرستاده شود و در صورتی که قاضی دادگاه با آن موافق باشد اعتبار خواهد داشت در غیر این صورت حاکم دادگاه آن را ملغی و به صدور قرار متناسب اقدام می نماید.(3) با این توضیح می توان گفت که قاضی تحقیق اختیار و استقلال قضایی ندارد و به طور کامل تحت نظارت حاکم دادگاه انجام وظیفه می کند.(4)

. 1. ماده 30 همان قانون.

2. ماده 31 همان قانون.

3. ماده 34 همان قانون.

4. برای آشنایی بیشتر با اختیارات قاضی تحقیق، چند نمونه از نظریه های مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه نقل می شود:

الف – نظریه مشورتی شماره 5269	7مورخ 10	1373اداره حقوقی قوه قضائیه :	8
-------------------------------	----------	------------------------------	---

منظور از سایر قوانین جاریه مذکور در ماده 24 آین نامه اجرایی قانون دادگاه های عمومی و انقلاب قوانینی است که روش دادرسی و تحقیق را بیان می نماید و هیچ گونه ارتباطی با اختیارات و وظایف قضات دادسرما مندرج در آین دادرسی کیفری ندارد. زیرا وظایف قضات دادسرما حسب مورد به رؤسای

36

گفتنی است هر چند قاضی تحقیق استقلال خاص قضایی ندارد، قانونگذار از لحاظ جهات رد قضایی، او را همانند دادرسان پنداشته و مقررات مواد 46 الی 50 (ق.آ.د.ک) جدید در مورد رد دادرسان را شامل قضات تحقیق نیز دانسته است. در نتیجه قضات تحقیق هم قابل رد هستند.

کاربردی

14- ارجاع به قاضی تحقیق. - حاکم دادگاه هنگام ارجاع پرونده به قاضی تحقیق باید مفاد ماده 27 قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری(1) را به دقت مورد توجه قرار دهد و تا حدودی که قانون معین کرده است پاره ای از اقدامات و تصمیمات را به قاضی تحقیق ارجاع نماید. به نظر می رسد ارجاع کلی پرونده به قاضی تحقیق با روح ماده 27 مذکور سازگار نباشد. ماده مذبور به شرح زیر انشا شده است:

ریس یا دادرس هر شعبه مکلف است تحقیقات لازم را شخصاً انجام

دادگستری و دادگاه ها تفویض شده است نه به قضات تحقیق.

ب – نظریه شماره 6796	7مورخ 5	1373همان اداره :	10
----------------------	---------	------------------	----

ارجاع پرونده به قضات تحقیق از طرف دادگاه های عمومی هیچ گونه محدودیتی ندارد دادگاه ها پس از وصول شکواییه یا وصول پرونده از مراجع انتظامی بایستی در وقت فوق العاده رسیدگی نمایند و یا در صورت لزوم انجام پاره ای از تحقیقات و اقدامات را به استناد تبصره یک ذیل ماده 14 قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب از قضات تحقیق یا ضابطین دادگستری بخواهند.

مستفاد از تبصره یک ماده 14 قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب آن است که قاضی تحقیق فقط آنچه را که دادگاه از او خواسته است باید انجام دهد و حق اصدار قرار نهایی در خصوص مجرمیت منع تعقیب یا موقوفی تعقیب را ندارد.

مستفاد از مجموع مواد قانونی و آین نامه دادگاه های عمومی و انقلاب آن است که قضاط تحقیق مذکور در آن قانون نمی توانند عهده دار کشیک باشند مگر در معین حاکم محکمه؛ زیرا حق اتخاذ تصمیم در امور قضایی را بالاستقلال ندارند.

1. طبق تبصره 1 ماده 14 قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب:

راعیت دستور این ماده مانع از آن نیست که با لحاظ موازین شرع و قانون پاره ای از اقدامات و تحقیقات و تصمیمات به دستور و زیر نظر حاکم دادگاه به وسیله قضاط تحقیق به عمل آید.... .

37

دهد. این امر مانع از آن نیست که با لحاظ موازین شرعی و مقررات قانونی پاره ای از تحقیقات و تصمیمات به دستور و زیر نظر قاضی دادگاه وسیله قضاط تحقیق یا ضابطین دادگستری به عمل آید.

با توجه به متن این ماده، نمونه هایی از ارجاع به قاضی تحقیق ارایه می گردد:

نمونه 1:

آقای قاضی محترم تحقیق حوزه قضایی.....

خواهشمند است از متهم، تحقیق لازم را به عمل آورده با اخذ تأمین متناسب پرونده را اعاده فرماید.

دادرس دادگاه

نمونه 2:

آقای قاضی محترم تحقیق حوزه قضایی

خواهشمند است با تحقیق از طرفین و انجام تحقیقات محلی و معاينه محل و در صورت لزوم کسب نظر کارشناس و صدور قرار تأمین متناسب پرونده را اعاده فرماید.

دادرس دادگاه

نمونه ۳:

آقای قاضی محترم تحقیق حوزه قضایی.....
خواهشمند است در این پرونده اقدامات و تحقیقات لام را انجام داده و نتیجه را ضمن اعاده پرونده اعلام فرماید.

ریس شعبه دادگاه عمومی

38

نمونه ۴:

آقای قاضی محترم تحقیق حوزه قضایی
چون از کلیه شهود معرفی شده از طرف شاکی، تحقیق به عمل نیامده است و در خواست متهم در خصوص انجام معاينه محل و تحقیقات محلی نیز بلا اقدام باقی مانده است لطفاً با رعایت مقررات قانونی، از شهود استماع شهادت به عمل آورده، تحقیق محلی و معاينه محل را نیز انجام داده و سپس ضمن اعلام نتیجه پرونده را اعاده فرماید.

ریس شعبه.....

بند دو

سازمان نیروهای مسلح

۱۵—دادسرای نظامی.—از آنجا که درسازمان قضایی نیروهای مسلح، داسرا فعالیت می کند لذا تحقیقات مقدماتی در دادسرای نظامی انجام می گیرد. بازپرسان نظامی، دادستان ها و دادیاران نظامی حسب مورد، تحقیقات مقدماتی را به عهده دارند. اصول کلی تحقیقات مقدماتی در دادسراهای نظامی و در دادسراهای عمومی سابق یکسان بود و در حال حاضر نیز این اصول با آنچه که در دادگاه های عمومی و انقلاب اجرا می شود تقاضت زیادی ندارد. در مباحث بعدی، این

تفاوت های اندک بیشتر توضیح داده خواهد شد و روابط خاص دادستان نظامی و بازپرس نظامی بررسی خواهد گشت.(1)

1. برای اطلاع بیشتر از سازمان دادسرای آخوندی، محمود، آینندادرسی کیفری، ج 2، ص 63 الی 88.

39

گفتار دوّم

ضابطین دادگستری

16- تعریف.— ماده 15 (ق.آ.د.ک) ضابطین دادگستری را چنین تعریف کرده است:

ضابطین دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعليمات مقام قضایی، در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می نمایند...

سپس، ضابطین دادگستری را چنین معرفی می کند:

1- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.

2- رؤسا و معاونین زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان.

3- مأمورین نیروهای مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به موجب قوانین خاص و در محدوده وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می شوند.

4- سایر نیروهای مسلح در مواردی که شورای عالی امنیت ملی تمام یا بخشی از وظایف ضابط بودن نیروی انتظامی را به آنان محول کند.

5- مقامات و مأمورینی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می شوند.(1)

6- تقسیم جرایم به مشهود و غیر مشهود. — عملکرد ضابطین دادگستری بر حسب این که جرم ارتکابی غیر مشهود و یا مشهود باشد، متفاوت است؛ بنابراین ابتدا باید به این تقسیم بندی توجه کرد.

قانون آینندادرسی کیفری جرایم مشهود را تعریف نکرده است. قانون اصول

محاكمات جزایی نیز تعریفی از جرایم مشهود ارایه نمی دهد. هر دو قانون به ذکر مصاديق جرایم مشهود اکتفا کرده اند. به مصوب ماده 21 (ق.آ.د.ک) جرم در موارد زیر مشهود محسوب می شود:

- 1 – جرمی که در مرئی و منظر(1) ضابطین دادگستری واقع شده و یا بلاfacسله مأمورین یاد شده در محل وقوع جرم حضور یافته یا آثار جرم را بلاfacسله پس از وقوع مشاهده کنند.
- 2 – در صورتی که دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده اند و یا مجنی علیه بلاfacسله پس از وقوع جرم شخص معینی را مرتکب جرم معرفی نماید.
- 3 – بلاfacسله پس از وقوع جرم علایم و آثار واضحه یا اسباب و دلایل جرم در تصرف متهم یافت شود یا تعلق اسباب و دلایل یاد شده به متهم محرز شود.
- 4 – در صورتی که متهم بلاfacسله پس از وقوع جرم قصد فرار داشته یا در حال فرار یا فوری پس از آن دستگیر شود.
- 5 – در مواردی که صاحب خانه بلاfacسله پس از وقوت جرم، ورود مأمورین را به خانه خود تقاضا نماید.
- 6 – وقتی که متهم ولگرد(2) باشد.

18- الف. وظایف ضابطین دادگستری در مقابل جرایم غیر مشهود.— ضابطین دادگستری مکلفند به محض اطلاع از وقوع جرم غیر مشهود مراتب را جهت اطلاع، کسب تکلیف، اخذ راهنمایی دستور لازم به مقام قضایی صالح خبر دهند و تا

1. مرأی و منظر بروزن مُفْعَل، اسم مکان در زبان عربی است که در اینجا به معنای «در برابر چشمان»، «در نظرگاه»، «در معرض دید» و «تماشاگاه» می باشد.

2. ماده 273 قانون مجازات عمومی سابق، ولگرد را چنین تعریف گرده بود:

کسانی که وسیله معاش معلوم ندارند و از روی بی قیدی و تبلی در صدد تهیه کار برای خود برnomی آیند، ولگرد محسوب می شوند.

ماده 712 قانون مجازات اسلامی، ولگردی را جرم شناخته و برای مرتكب آن از یک تا سه ماه حبس تعیین کرده است.

41

حضور مقام قضایی و یا رسیدن دستور و راهنمایی وی اقدامات لازم را جهت حفظ آثار و علایم جرم و جلوگیری از فرار و یا مخفی شدن متهم به عمل آورند.(1)

کاربردی

19- نحوه اعلام جرم.— خبر دادن از وقوع جرم؛ اعلام جرم نامیده می شود. اعلام جرم از طرف ضابطین دادگستری به مقام قضایی باید سریع و یا به وسیله مطمئن صورت گیرد. نوشتن گزارش وقوع جرم و انداختن آن در صندوق های پستی، یا ارسال آن به وسیله افراد غیرمسئول و یا نگه داشتن آن در دفتر پاسگاه انتظامی قابل توجیه نیست. استفاده از تلگراف، تلکس و دورنویس و پیک ویژه توصیه می شود.(2)

نمونه:

از پاسگاه شماره

13..احتراماً: طبق اطلاع رسیده از خانه شماره.....، خیابان دوم، خیابان، جوانی با ضربات چاقو به قتل رسیده است. مراقب جهت صدور هر گونه دستور لازم اعلام می شود .	به دادگاه عمومی تاریخ
--	------------------------	-------------------

رییس پاسگاه انتظامی

مقام قضایی دریافت کننده اعلام جرم، در صورت دارا بودن صلاحیت رسیدگی، مکلف است حسب مورد یکی از دو اقدام زیر را انجام دهد: 1— شخصاً به محل وقوع جرم عزیمت نموده، انجام تحقیقات را به عهده بگیرد. 2— به ضابطین دادگستری نمایندگی اعطای کند. (3)

1. ماده 18 (ق.آ.د.گ.).

2. درباره Email، هنوز رویه قضایی مشخصی در ایران وجود ندارد.

3. برای اطلاع بیشتر ر.ک: امراهی، محمد میرزا، نقش ضابطین دادگستری تا مداخله مقام قضایی، پایان

20- اول: عزیمت به محل وقوع جرم.- بهتر است مقام قضایی سعی کند تا به محل وقوع جرم عزیمت کرده و صحنه آن را در ساعات اولیه و از نزدیک مشاهده نماید. این روش مطمئن ترین طریق جهت شروع تحقیقات مقدماتی است و هر گونه احتمال امحای آثار جرم و از بین بردن دلایل را منتفی می کند و به بسیاری از نگرانی ها پایان می بخشد.

21- دوم: اعطای نمایندگی... اگر عزیمت شخص مقام قضایی به محل وقوع جرم، به هر دلیلی ممکن نباشد، می تواند به ضابطین حوزه قضایی مربوطه نمایندگی اعطای کند تا اقدام قضایی لازم را انجام دهد.

اعطای نمایندگی باید صريح و شفاف بوده و قلمرو محدود و معینی داشته باشد. دادن نمایندگی مطلق و بدون قید و شرط خطأ است و باید از آن اجتناب کرد.

ضابطین دادگستری از حدود اختیاراتی که در نمایندگی به آنان تفویض شده است و یا جزو اختیارات قانونی آنان می باشد نباید تخطی نمایند. توصیه می شود بعضی از نکات مهم و حساس که در پرونده معینی باید رعایت شود در سند نمایندگی قید گردد، تا مورد توجه ضابط قرار گیرد مثلًا در صحنه های قتل، باید تذکر داد که ضابط همراه پزشک قانونی یا پزشک معتمد محلی اقدام کند و معاینه جسد از طرف آنان صورت گیرد. ضابطین تاریخ و علت فوت را به طور جداگانه از پزشک قانونی یا پزشک معتمد سؤال کنند و در صورت جلسه بنویسند و علایم و آثار ظاهری جسد را نیز به دقّت صورت جلسه کنند.

نامه دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، 1382.

کاربردی

22- نمونه قرار اعطای نمایندگی.

شماره یک سیار از

..13	...	به..... تاریخ
------	-----	---------------------

آقای ریس محترم پاسگاه انتظامی.....

13.. به شما نمایندگی داده می شود که همراه پزشک قانونی و در صورت نبودن پزشک قانونی با حضور پزشک معتمد از جسد بازدید، آثار ظاهری آن را در صورت جلسه درج، علت و تاریخ فوت را از پزشک قانونی سؤال نموده و به وسیله پزشک در پرونده نوشته و چنانچه دفن از نظر پزشکی قانونی بلاائع باشد اجازه دفن نیز صادر گردد. از شکات، متهمان و گواهان طبق مقررات تحقیق و در صورت لزوم، معاینه محل و تحقیقات محلی را نیز انجام داده و نتیجه آن را ضمن اعلام گزارش و معرفی متهمان و هدایت شکات در اسرع وقت اعلام کنید.

بازگشت به
نامه شماره
.....
موخ ...

مقام قضایی

یادآوری می شود که مقامات قضایی تنها برای انجام برخی از وظایف و اقدامات می توانند به ضابطین دادگستری نمایندگی دهند. تفویض نمایندگی در صورتی می تواند وجهه قانونی داشته باشد که مداخله شخص مقام قضایی برای انجام آن ضرورت نداشته باشد. در نتیجه نسبت به انجام اموری مانند بازجویی از متهم، تحقیق از شهود، اخذ نظریه کارشناس، تحقیق محلی و معاینه محل را می توان به ضابطین دادگستری نمایندگی داد؛ برعکس، در خواست از آنان مبنی بر اخذ تأمین

44

از متهم توجیه قانونی ندارد. این نوع نمایندگی خلاف موازین قضایی است.

طبق قسمت اخیر ماده 19 ق.آ.د.ک:

... ضابطین دادگستری حق اخذ تأمین از متهم را ندارند.

ماده 20 قانون مزبور ضابطین دادگستری را مکلف می کند که:

... در اسرع وقت و در مدتی که مقام قضایی تعیین می نماید نسبت به انجام دستورات و تکمیل پرونده اقدام کنند. چنانچه به هر علت اجرای دستور و یا تکمیل میسر نگردد، موظفند در پایان هر ماه گزارش آن را با ذکر علت به مقام قضایی ذی ربط ارسال نمایند. مخالف از این امر به مجازات مقرر در ماده 16 این قانون محکوم خواهد شد. (1)

23- ب. وظایف ضابطین دادگستری در جرایم مشهود. - در جرایم مشهود، ضابطین دادگستری تمامی اقدامات لازم به منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و علایم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی با شهود یا متهمان دیگر را، معمول داشته و تحقیقات مقدماتی را انجام می دهند؛ و

بلافاصله به اطلاع مقام قضایی می رسانند. این وظایف، از ماده ۱۹ ق.آ.م.ک. که تحقیقات مقدماتی را تعریف می کند، دانسته می شود:

تحقیقات مقدماتی مجموعه اقداماتی است که برای کشف جرم و حفظ آثار و ادله وقوع آن و تعقیب متهم از بدو پیگرد قانونی تا تسليم به مرجع قضایی صورت می گیرد...

چنانچه گفته شد، تحقیقاتی که به وسیله ضابطین دادگستری صورت می گیرد غیر از تحقیقات مقدماتی به معنای وسیع کلمه است. به همین دلیل قسمت اخیر

۱. طبق ماده ۱۶ قانون مذکور:

ضابطین دادگستری مکلفند دستورات مقام قضایی را اجرا کنند. در صورت تخلف به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمت دولت و یا از یک تا شش ماه حبس محکوم خواهند شد.

45

ماده ۱۹ مزبور، ضابطین دادگستری را از گرفتن تأمین ممنوع و قلمرو این تحقیقات را تا تسليم پرونده به مرجع قضایی محدود کرده است.(۱)

کاربردی

۲۴. یک . مرجع صالح.— قانون مقرر داشته است:

ضابطین دادگستری نتیجه اقدامات خود را به اطلاع مرجع صالح قضایی می رسانند.(۲)

منظور از (مرجع صالح قضایی)، در قلمرو دادگاه های عمومی و انقلاب، رئیس حوزه قضایی و یا معاون وی؛ و در دادگاه هایی که در معیت آنها دادسرما انجام وظیفه می نماید، دادستان و یا جانشین او می باشد. ضابطین دادگستری باید بکوشند تا با توجه به صلاحیت ذاتی دادگاه ها و دادسراهای، پرونده ها را به (مراجع قضایی صالح) بفرستند تا موجب معطلی و سرگردانی اصحاب دعوا نشوند. بهتر است در صورت امکان پرونده های دادگاه های نظامی و یا دادسرما و یا دادگاه های ویژه روحانیت را از گام نخست تقییک کنند و هر کدام را به مرجع ویژه خود ارسال نمایند تا کمتر به صدور قرارهای عدم صلاحیت منجر گردد.

اگر مقام قضایی خاصی به ضابط دادگستری دستور انجام تحقیقی را داده و یا مأموریتی را از آنان خواسته باشد، ضابطین مکلفند در این مورد نتیجه عملکرد خود را به مقام درخواست کننده اعلام کنند.

با این لحاظ و سایر جهات مشابه و حساس که هر یک به نوبه خود مهمن

1. برای اطلاع بیشتر ر.ک: رحیمی، شاهین، ضرورت احیای پلیس قضایی، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق و جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز، 1382.

2. صدر ماده 24 ق.آ.د.ک.

46

بوده و رعایت آن از طرف ضابطین دادگستری، سلامت و سرعت تحقیقات مقدماتی را تأمین می کند، گذراندن دوره های خاص آموزش قضایی تحت نظارت مقامات قضایی را برای ضابطین دادگستری به خوبی توجیه می کند.

25-دو. تحت نظر نگهدارشتن متهم. - ضابطین دادگستری حق ندارند «متهم را در بازداشت نگه دارند و چنانچه در جرایم مشهود بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلا فاصله کتاباً به متهم ابلاغ شود و حداقل تا مدت (24) ساعت می توانند متهم را تحت نظر نگهداری نموده و در اوّلین فرصت باید مراقب را جهت اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع مقام قضایی برسانند.(2)

26- سه. حق ورود به منازل افراد. - ضابطین دادگستری حق ورود به منازل مسکونی و بازرسی افراد و اشیا و اماكن را ندارند، مگر در موارد زیر:

الف. اجازه خاص مقام قضایی.

ب. جرایم مشهود.

ج. درخواست صاحب منزل.

1. برابر ماده 15 قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست:
مأموران سازمان که از طرف سازمان مأمور کشف و تعقیب جرایم فوق الذکر می شوند در صورتی که وظایف ضابطین دادگستری را در کلاس مخصوص زیر نظر دادستان شهرستان تعليم گرفته باشند از لحاظ این قانون ضابطین دادگستری محسوب می شوند.

به موجب ماده واحده قانون حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی رویه درخت:

گزارش مأموران کشاورزی و منابع طبیعی و سایر مأموران دولتی و شهرداری های مأمور اجرای این قانون که وظایف ضابطین دادگستری در کلاس مخصوص تحت نظر دادستان شهرستان تعلیم گرفته باشند در این موارد به منزله گزارش ضابطین دادگستری است.

.2. ماده 24 (ق.آ.د.ک).

47

برای ورود به منازل مسکونی و بازرسی آن در هر مورد اجازه مخصوص لازم می باشد. ارجاع کلی تحقیقات از طرف مقام قضایی به ضابط دادگستری دلیل بر اجازه ورود نیست. (1)

27- چهار. جرم مشکوک . – ماده 22 ق.آ.د.ک.

هر گاه علایم و امارات وقوع جرم مشکوک بوده و یا اطلاعات ضابطین دادگستری از منابع مؤنّق نباشد قبل از اطلاع به مقامات قضایی، تحقیقات لازم را بدون این که حق دستگیری یا ورود به منزل کسی را داشته باشند به عمل آورده و نتیجه را به مقامات یاد شده اطلاع می دهند.

8- پنج . ورود مقام قضایی به صحنه وقوع جرم . – طبق ماده 25 قانون مذکور:

ضابطین دادگستری پس از ورود مقام قضایی تحقیقاتی را که انجام داده اند به وی تسليم نموده و دیگر حق مداخله ندارند، مگر به دستور مقام قضایی و یا مأموریت جدیدی که از طرف وی به آنان ارجاع می شود.(2)

1. ر.ک: قسمت اخیر همان ماده.

2. برای اطلاع بیشتر در این خصوص ر.ک: کتاب فرماندهی در پاسگاه های انتظامی، انتشار یافته از سوی معاونت آموزشی ناجا، سرهنگ گل محمدی خامنه، تهران، 1375، در ص 17 و 18 منبع مذکور از جمله وظایف فرمانده پاسگاه انتظامی در ارتباط با جرایم آمده است: «...فرمانده پاسگاه باید بر تشکیل پرونده های قضایی، امور اجرایی، نظام وظیفه و سایر موارد قضایی نظارت داشته با مطالعه دقیق سوابق کنترل نماید تا خواسته های مقام قضایی به نحو صحیح اجرا شده باشد...»

فرمانده پاسگاه با بررسی جرایم و جمع آوری دلایل و مدارک باید کلیه جرایم را پیگیری کرده در کشف آنها تلاش و پیگیری مستمر داشته و مسئول کشف جرایم را روزانه آموزش دهد...

48

فصل سوم

شروع به تحقیقات مقدماتی

29- جهات شروع به تحقیق .- قانون اصول محاکمات جزایی، به حق، جهات شروع به (تحقیقات مقدماتی) (1) و جهات شروع به (دادرسی)(2) را از یکدیگر تفکیک

1. ماده 60 قانون اصول محاکمات جزایی مقرر می کند:

جهات ذیل، جهات قانونی برای شروع به تحقیقات محسوب می شود:

(1) شکایت و اعلام مدعی خصوصی و سایر اشخاص.

(2) اظهار و اعلام اداره نظمیه و ژاندارم و امنیه.

(3) اظهار و اقرار مقصّر.

(4) تکلیف مدعی العموم.

(5) نظر مستنطق در موقع جرایم مشهوده، در صورتی که خودش شاهد قضیه باشد.

2. وفق ماده 209 قانون مذبور:

محکمه صلحیه در یکی از موارد ذیل شروع به رسیدگی می کند:

1- به موجب شکایت اشخاص به واسطه ضرر و زیانی که از جرم به آنان وارد آمده.

2- به موجب اختیار کمیسرهای نظمیه و مأمورین رسمی.

3- در موارد جرم مشهود.

همچنین برابر ماده 305 همان قانون: محاکم جنحه در یکی از موارد ذیل اقدام به رسیدگی جرمی که از درجه جنحه های بزرگ است می نماید:

اول) به موجب تقاضانامه مدعی العلوم ابتدایی

(1) کرده است.

این روش با ماهیّت سیستم دادرسی های مختلط به خوبی سازگار می باشد؛ زیرا طبق روش مذکور، هر یک از این مراحل باید به وسیله مرجع خاصی صورت گیرد.

با توجه به ماهیّت خاص دادگاه های عمومی و انقلاب، قانون آیین دادرسی کیفری این دادگاه ها بین جهات شروع به تحقیقات مقدماتی و جهات شروع دادرسی تفاوتی نگذاشته است و در ماده 65 قانون مذکور به طور مطلق و کلی اعلام گردیده است که:

جهات قانونی برای شروع به تحقیقات و رسیدگی، به قرار زیر است:

الف. شکایت شاکی.

ب. اعلام و اخبار ضابطین دادگستری یا اشخاصی که از قولشان اطمینان حاصل شود.

ج. جرایم مشهود در صورتی که قاضی، ناظر وقوع آن باشد.

د. اظهار و اقرار متهم.

(دوم) بر حسب عرض حال مدعی خصوصی.

(سوم) به موجب صدور حکم محکمه استیناف در تعقیب امر جزایی.)

۱. قانون تشکیل دادگاه های کیفری ۱ و ۲ مصوب ۳۱ خرداد ۱۳۶۸ نیز جهات شروع به دادرسی را غیر از جهات شروع به تحقیق دافنته و آنها را جداگانه معرفی کرده بود. طبق ماده ۲۲ قانون مذبور:

دادگاه های کیفری در موارد زیر شروع به دادرسی می نماید:

۱ (اقامه دعوا و شکایت شاکی یا مدعی خصوصی به واسطه وقوع جرم یا ضرر و زیانی که از جرم به آنان وارد آمده است.

۲) در مورد جرایم مشهودی که جنبه عمومی دارد و یا جرایمی که زمینه را به تشخیص قاضی برای جرایم عمومی فراهم می آورد.

۳) اعلام و اخبار ضابطین دادگستری یا اشخاصی که از قولشان اطمینان حاصل شود (در جرایمی که دارای جنبه عمومی است).

۴) تقاضانامه و یا کیفر خواست دادسرای.

۵) حکم دادگاه کیفری ۲ در تعقیب امر جزایی در مقام حل اختلاف عقیده بین بازپس و دادستان.

تبصره — شروع به تحقیقات و رسیدگی منوط به ارجاع رئیس حوزه قضایی می باشد.

دقّت در جهات مذکور در این ماده نشان می دهد که شروع به تحقیق و دادرسی در کشور ما، منحصر آناشی از دو موضوع است:

یک. شکایت.

دو. اعلام جرم.

سایر روش های احصا شده، از مصادیق دو روش مزبور دور نیستند. اظهار و اقرار متهم(1) ناظر بودن قاضی در جرایم مشهود و یا اخبار ضابطین دادگستری یا اشخاصی که از قولشان اطمینان حاصل شود، در حقیقت نوعی اعلام جرم می باشد.

— تفاوت های شکایات و اعلام جرم. — خبر دهنده است از وقوع جرم، چنانچه از آن متضرر شده باشد «شکایت»(2) در غیر این صورت «اعلام جرم»(3) نامیده می شود. این، تفاوتی اساسی و بنیادی است. علاوه بر آن، بین شکایت و اعلام جرم فرق های زیر نیز وجود دارد:

الف. شکایت برای شروع به تحقیقات کافی است؛ طبق ماده 63 قانون اصول محاکمات جزایی:

شکایات برای شروع به تحقیقات کافی است؛ نه مستنبط می تواند

1. اظهار و اقرار متهم ارتکاب جرم، هر چند در عمل بسیار کمتر دیده می شود، ولی به هر صورت وجود دارد؛ و گاهی مراجع قضایی و پلیس با این گونه پرونده ها روبرو می شوند. در آذر ماه 81، روزنامه های تهران خبر دادند که مردی 30 ساله ساعت 3 بامداد به یکی از پاسگاه های انتظامی اطراف شهرستان کرج مراجعت و اعلام داشته است که لحظاتی پیش همسر و چهار فرزند خود را با تنگ به قتل رسانده است. اینک خود را معرفی و اسلحه را تحويل می دهد.

2. در شکایت، خبر دهنده از وقوع جرم، شخصاً از وقوع جرم متضرر شده است؛ مثل این که فردی به نیروی انتظامی خبر می دهد که دیشب جواهراتش به سرقت رفته است یا فردی او را تهدید به مرگ نموده است.

3. در اعلام جرم، خبر دهنده شخصاً از وقوع جرم متضرر نشده است و تنها وقوع آن را خبر می دهد؛ مثل این که بگوید در فلان اداره رشوه خواری صورت می گیرد.

در این مورد استنکاف ورژد و نه مدّعی العموم.

ماده ۶۸ ق.آ.د.ک. با تکرار مفاد ماده ۶۳ مذکور چنین مقرر می دارد:

شکایت برای شروع به رسیدگی کافی است؛ قاضی دادگاه نمی تواند انجام آن خودداری نماید.

گفتنی است هر اعلام جرمی برای شروع به تحقیقات کافی نیست. اعلام جرم وقتی می تواند برای شروع به تحقیقات پایه و اساس قرار بگیرد که اعلام کننده آن مدّعی شهادت عینی وقوع جرم بوده و جرم مربوط به نظم عمومی باشد. طبق ماده ۶۶ ق.آ.د.ک.

هر گاه کسی اعلام نماید که خود، ناظر وقوع جرمی بوده و جرم مذکور دارای جنبه عمومی باشد، این اظهار برای شروع به رسیدگی کافی است، هر چند دلایل دیگری بری انجام تحقیقات نباشد؛ ولی اگر اعلام کننده شاهد قضیه نبوده به صرف اعلام نمی توان شروع به تحقیق نمود؛ مگر این که دلایل صحت ادعا موجود باشد.

از متن ماده مرقوم معلوم می شود برای شروع به تحقیقات، بر مبنای اعلام جرم، وجود دو شرط ضروری است:

یک – جرم اعلام شده دارای جنبه عمومی باشد.

دو – اعلام کننده مدّعی شهادت عینی باشد.

برابر ماده ۶۷ قانون مزبور:

گزارش ها و نامه هایی را که هویت گزارش دهنده کان و نویسنده کان آنها مشخص نیست، نمی توان مبنای شروع به رسیدگی قرار داد، مگر آن که دلالت بر وقوع امر مهمی کند، که موجب اخلال در نظم عمومی است...

بدیهی است منظور از کافی بودن شکایت برای شروع به تحقیقات و رسیدگی

این نیست که بلا فاصله متهم را احضار، دستگیر، زندانی و یا مجازات کنند؛ بلکه هدف قانونگذار آغاز رسیدگی است. بنابراین ارشاد شاکی به تقدیم دادخواست حقوقی به لحاظ جرم نبودن موضوع شکایت و یا صدور قرار عدم صلاحیت و نظایر اینها خود رسیدگی می‌باشد. (۱)

ب. با شکایت، هر جرمی، اعم از مهّم یا غیر مهّم، قابل گذشت و یا غیر قابل گذشت را می‌توان تعقیب کرد. در حالی که جرایم قابل گذشت را نمی‌توان تنها با اعلام جرم مورد تعقیب قرار داد. (۲) برای تعقیب این نوع جرم‌ها شکایت متضرر از جرم الزامی است.

ج. شاکی حق دارد هنگام تحقیقات، شهود خود را معرفی و دلایل خود را ابراز نماید؛ و نیز می‌تواند از صورت جلسه تحقیقات مقدماتی که منافی با محترمانه بودن تحقیقات نباشد با پرداخت هزینه رونوشت بگیرد. (۳) همچنین می‌تواند تأمین ضرر و زیان خود را از دادگاه درخواست کند. (۴) اعلام کننده جرم از این نوع حقوق و مزايا

۱. تصريح قانونگذار به این که: «شکایت برای شروع به رسیدگی کافی است» این معنی را دارد که مراجع انتظامی یا قضات یا دادستان‌ها همین که شکایتی را دریافت کرده مکلف به رسیدگی به آن هستند و حق امتناع از رسیدگی را ندارند. قانون مقرر داشته است که ضابطین قوه قضاییه و قضات در تمام اوقات شبانه روز مکلف به پذیرش شکایت هستند. مراد از همه اوقات، ساعات خارج از وقت اداری است و الا در اوقات اداری وقت قضات در اختیار دولت است. برای قاضی خارج از ساعت اداری بودن یا تعطیل و جمعه بودن مفهومی ندارد.

برای حسن اجرای مقررات یاد شده، معمولاً در شهرهای بزرگ قاضی کشیک برای اوقات غیر اداری و ایام تعطیل تعیین می‌شود و در شهرهای کوچک اگر قضات متعدد باشند بین خودشان به نوبت کشیک را تنظیم می‌کنند و اگر قاضی یکی باشد باید تمام اوقات آدرس و محل حضور خود را در اختیار ضابطین دادگستری قرار دهد تا در صورت لزوم از او کسب تکلیف کرده و در موقع ضروری به او دسترسی داشته باشند.

۲. ماده ۶۶ ق.آ.د.ک.

۳. ماده ۷۳ همان قانون.

۴. ماده ۷۴ همان قانون.

د. شاکی خصوصی یا وکیل یا نماینده قانونی او حق اعتراض و درخواست تجدیدنظر از آرای دادگاه ها را دارند.(۱) اعلام کننده جرم حق اعتراض و یا تجدیدنظر خواهی ندارد.

هـ. نتیجه تصمیمات مراجع قضایی باید به شاکی خصوصی ابلاغ گردد، تا بتواند در هنگام لزوم و به موقع، حقوق قانونی خود را استیفا کند. ابلاغ نتیجه تصمیمات قضایی به اعلام کننده جرم لازم نیست.

و. شاکی و یا مدّعی خصوصی می تواند شخصا و یا توسط وکیل اعلام شکایت کند.(۲) برای اعلام جرم توسط وکیل، نصّ خاص قانونی دیده نمی شود؛ (۳) اما می توان به استناد عمومات و اطلاقاتی که جانشینی وکیل نسبت به موکل را تأیید می کند، آن را صحیح دانست. باید توجه داشت، مواردی را که قانونگذار اجازه نمی دهد تا فرد به وسیله وکیل خود آنها را انجام دهد به دقت تعیین و معرفی کرده است. به عبارت دیگر اصل بر این است هر عملی را که انسان شخصا می تواند انجام دهد، می تواند آن را به وسیله وکیل خود نیز انجام دهد؛ مگر این که خلاف آن در قانون تصریح شده باشد در خصوص اعلام جرم توسط وکیل، ممنوعیتی در قوانین وجود ندارد. ماده ۳۵ ق.آ.د.م. نیز تنها مواردی را احصاء کرده است که ذکر آن در وکالت نامه ضرورت دارد.

ز. گذشت شاکی، حسب مورد، ممکن است از جهات موقوفی تعقیب با تخفیف

۱. ماده ۲۳۹ همان قانون.

۲. ماده ۶۹ همان قانون.

۳. در مواردی که وازرتخانه ها و سازمان ها و نهادهای دولتی به عنوان شاکی خصوصی اعلام شکایت کرده اند – مانند شکایت بانک مرکزی ایران در جرایم پولی و ارزی و یا شکایت وزارت جهاد کشاورزی در ارتباط با جرایم موضوع قانون حفظ منابع طبیعی – نتیجه تصمیم گیری های قضایی باید به سازمان های ذی نفع ابلاغ گردد؛ لیکن در سایر موارد چنین ابلاغی لازم نیست.

مجازات باشد. در حالی که گذشت اعلام کننده جرم تأثیری در ماهیت امر ندارد و مسموع نیست.

۳۱ – ارجاع.— در سیستم قضایی کشور ما، شروع به تحقیقات و رسیدگی، منوط به ارجاع رئیس حوزه قضایی است.(۱) در حوزه هایی که شعبه های متعدد دادگاه تشکیل شده باشد، پرونده ها و شکایت ها و اعلام جرم های رسیده، توسط رئیس حوزه قضایی بشعبه ها ارجاع می شود.(۲)

ریس حوزه قضایی می تواند این وظیفه را به یکی از معاونان خود تفویض نماید؛ در غیاب ریس حوزه قضایی یا معاون وی و فوریت امر، رئاسای شعبه های دیگر به ترتیب تقدم، عهده دار ارجاع پرونده خواهند بود.(3)

به نظر می رسد دادرسان و رئاسای شعب دادگاه ها مجاز نباشند که بدون ارجاع، به پرونده ای رسیدگی کنند.

در اوقات کشیک که دادرسان معمولاً بدون ارجاع رسیدگی می نمایند باید تنها اقدامات ضروری و فوری و فوتی را انجام دهند. ادامه تحقیقات و صدور رأی مستلزم ارجاع بعدی پرونده می باشد.(4)

مستفاد از مجموع قوانین و مقررات موجود و به ویژه مواد 26 و 27 ق.آ.د.ک. این است که پرونده باید به شعبه دادگاه ارجاع گردد. ارجاع پرونده به قاضی مشخص و

1. قبصه ماده 65 ق.آ.د.ک.

1379	اداره حقوقی آمده است: «با توجه به ماده 262 قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری و تبصره ذیل آن، اخذ پرونده از دادگاه و ارجاع آن به شعبه دیگر مجوز قانونی ندارد ولی در صورت ارجاع، قاضی مرجع الیه مکلف به رسیدگی است ». 9	7 مورخ 30	در نظریه مشورتی شماره 9478
------	--	-----------------	----------------------------------

3. ماده 26 ق.آ.د.ک.

1378	اداره حقوقی قوه قضائیه: «بین متن ماده 65 قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب و تبصره آن تعارضی وجود ندارد، شروع به رسیدگی در جرم مشهود، وضع اضطراری - ویژه ای است که نیاز به ارجاع از طرف ریس حوزه ندارد؛ ارجاع بیشتر در مورد شکایت شاکی و پرونده های وارد از سوی ضابطین دادگستری صدق می کند ». 10	7 مورخ 22	طبق نظریه مشورتی شماره 7385
------	---	-----------------	--------------------------------------

32- ارجاع به پاسکاه انتظامی .- ارجاع کلی شکایه ها و اعلام جرم ها به پاسکاه های انتظامی، قبل از ارجاع به یکی از شعبه های دادگاه، که گاهی از طرف رؤسای حوزه های قضایی دیده می شود، توجیه قانونی ندارد.

کلیه پرونده ها، شکایت ها و اعلام جرم ها ابتدا باید در دفتر کل دادگاه ها ثبت شود؛ آنکه به یک شعبه دادگاه ارجاع گردد. سپس رئیس و یا دادرس دادگاه، در صورت اقتضا، می تواند تصمیم بگیرد و انجام بعضی از تحقیقات و یا اقدامات را از قاضی تحقیق و یا از ضابطین دادگستری بخواهد. زیرا حاکم هر دادگاه مکلف است تحقیقات لازم را شخصاً انجام دهد⁽¹⁾ و چنانچه مقتضی تشخیص دهد با لحاظ موازین شرعی و قانونی به انجام پاره ای از تحقیقات و تصمیمات را از قضات تحقیق یا ضابطین دادگستری بخواهد. بدیهی است بدون ارجاع پرونده به دادگاه، اعمال مفاد ماده 27 قانون آینین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری عملی نیست.⁽²⁾

1. ماده 27 ق.آ.د.ک. و ماده 14 قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب.

1380 اداره حقوقی قوه قضاییه آمده است: طبق ماده 26 قانون آینین دادرسی	در نظریه	2.
دادگاه های عمومی و انقلاب، رئیس دادگستری نمی تواند در پرونده های	7	مشورتی
ارسالی از مراجع انتظامی ابتدا به ساکن دستور به انجام تحقیقات و تکمیل	5	شماره
پرونده دستورات قضایی دیگر بدهد و بعد از عودت و برگشت پرونده را به یکی	11	4466
از شعبات دادگاه ارجاع نماید .		

57

بنابراین تنها قاضی دادگاه رسیدگی کننده می تواند با لحاظ موازین شرع و یا قانون پاره ای از اقدامات و تصمیمات را به ضابطین دادگستری ارجاع کند.⁽¹⁾

نمونه ارجاع به شعبه:

در شعبه دوم دادگاه عمومی تهران رسیدگی شود.

رئیس کل دادگاه های عمومی تهران

رئیس یا معاون حوزه قضایی بایستی اول عرايض و شکایات و دادخواست ها را به شعب دادگاه ارجاع نمایند تا آنها وفق مقررات قانونی شکایه را جهت انجام تحقیقات و اقدامات مورد نظر به نحو مصرح به مرجع انتظامی ارسال نمایند، مگر این که رئیس حوزه قضایی که رئیس شعبه اول دادگاه عمومی است پرونده را به شعبه خود ارجاع کند که در این صورت در صورت لزوم مجاز است شکایه را جهت انجام تحقیقات قانونی لازم و ضروری به مرجع انتظامی ارسال دارد.⁽²⁾

1. رؤسای حوزه های قضایی و دادگستری ها می توانند نسبت به پرونده های مربوط به شعبه تحت تصدی خود اقدام لازم معمول دارند.

بخش دوم

جمع آوری دلایل

بخش دوم

جمع آوری دلایل

33 – کلیات و تقسیم بندی . – از نظر تاریخ حقوق جزا، روش های اثبات دعوی کیفری، همانند مفهوم کیفر دادن و هدف از آن، در طول زمان تغییر و تکامل یافته است. در این تحول عظیم تاریخی می توان پنج دوره مشخص را از یکدیگر تفکیک نمود، که هر یک جداگانه توضیح داده می شود. این دوره ها عبارتند از:

الف. دوره باستان.

ب. دوره دلایل مذهبی.

ج. دوره دلایل قانونی.

د. دوره دلایل معنوی .

هـ. دوره دلایل علمی.(1)

34 – الف. دوره باستان . – در این دوره ارزش و اعتبار دلیل به نظر رؤسای قبال بستگی داشت. امارة برائت شناخته نشده بود. متهم می بایست بی گناهی خود را اثبات می کرد. بی گناهی یک امر عدمی است و اثبات آن مشکل می باشد و به تنها یی قابل اثبات نیست. در حقیقت، دستور به اثبات یک امر عدمی تکلیف

1. هدایتی، دکتر محمد علی، آین دادرسی کیفری، ص 60 و 61

مala يطاق می باشد.

برای اثبات بی گناهی، راهی نمی شناختند جز این که متهم را وادار نمایند به آزمایش های خارق العاده و ماوراء الطبیعه متولّ شود. ریختن سرب گداخته بر روی بدن متهم، یا مجبور کردن او به راه رفتن میان شعله های آتش، شنا در رودخانه با دست های بسته امور متداولی بود. آنان انتظار داشتند تا این گونه آزمایش ها، بزهکاری یا بی گناهی متهم را آشکار کند؛ بدین معنی که اگر متهم بی گناه باشد جان سالم به در می بود و هر گاه بزهکار باشد در میان شعله های آتش می سوزد یا در رودخانه غرق می شود که در این صورت به مجازات عمل ارتکابی می رسد. تاریخ از این نوع آزمایش ها نمونه های فراوانی ثبت کرده و به خاطر دارد.(1)

35 - ب. دوره دلایل مذهبی. - در این دوره احکام به نام خداوند صادر می شد. گناهکار بودن یا بی گناه بودن متهم به وسیله رؤسای ادیان مشخص می گشت و مجازات آن نیز از طرف آنان تعیین می گردید. در نتیجه، به جرأت می توان گفت که ارزش و اعتبار دلایل در هر مورد منوط به نظر رؤسای ادیان بوده است.

36 - ج. دوره دلایل قانونی. - بر حسب اقتضای این روش، دلایل اثبات هر جرم را باید قانون تعیین و معروف نماید. در حقیقت، دلیل از عناصر تشکیل دهنده جرم به شمار می آید. بدون وجود دلیل تبیین شده از سوی قانون، جرم مورد نظر قابل اثبات نیست. مثلًا «سرقت» با شهادت دو نفر و یا با اقرار سارق و «زن» با شهادت چهار مرد یا چند بار اقرار مرتکب ثابت می گردد.(2)

1. همان، ص 60.

2. طبق ماده 68 ق.م: «هرگاه مرد یا زنی چهار بار نزد حاکم اقرار به زنا گند محکوم به حد زنا خواهد شد و اگر کمتر از چهار بار اقرار نماید تعزیر می شود.»

به موجب ماده 74 همان قانون: «زن چه موجب حد جلد باشد و چه موجب حد رجم، یا شهادت چهار مرد عادل یا سه مرد عادل و دو زن عادله ثابت می شود.»

به گواهی تاریخ استفاده از روش دلایل قانونی قرن ها به داراز کشیده و در تمام قرون وسطایی حاکمیت داشته است، و یک روش متداول در دادگاه های تقییش عقاید بود؛ حتی تا پیش از پیدایش انقلاب بزرگ (رنسانس) فرهنگی – اجتماعی اروپایی غربی و ظهور مکتب های جدید حقوق جزا و تحول و دگرگونی های ناشی از آن در بسیاری از کشورهای جهان، آثار آن دیده می شد.

یکی از نکات مهم و بسیار جنبالی روش دلایل قانونی این بود که اقرار متهم به تنها یکی برای اثبات هر جرمی کافی شمرده می شد، و در صورت اقرار متهم، قاضی از هر دلیل دیگری بی نیاز بود و می بایست او را محکوم می کرد.

به همین مناسبت مقامات قضایی و اجرایی می گوشیدند تا از متهم اقرار بگیرند. در این دوره اقرار، (شاه دلیل) به شمار می آمد و در امور کیفری همان ارزش اعتبار اثبات کننده ای را داشت که امروزه در امور حقوقی – تجاری دارد.⁽¹⁾ به نظر می رسد شکنجه برای اخذ اقرار نیز از این دوره رواج یافته است، زیرا از یک طرف اقرار شاه دلیل شمرده می شد و از طرف دیگر مقامات قضایی – اجرایی راه های علمی منطقی کشف و اثبات جرم را نمی دانستند. مضارفاً به این که، بسیاری از افراد جامعه نیز به لحاظ داشتن ایمان قوی و باطنی حاضر نبودند تا شهادت کذب بدھند و یا سوگند دروغ یاد کنند. در این شرایط ساده ترین راه اثبات جرم توسل به شکنجه بود تا از متهم اعتراف بگیرند.

برابر ماده 199 قانون فوق: «سرقتی که موجب حد است با یکی از راه های زیر ثابت می شود:

(1) شهادت دو مرد عادل.

(2) دو مرتبه اقرار سارق نزد قاضی، به شرط آن که اقرار کننده بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد.

(3) علم قاضی...»

1. طبق ماده 1275 قانون مدنی: «هر کس اقرار به حقی برای غیر کند ملزم به اقرار خود خواهد بود» و برابر ماده 202 قانون آین دادرسی مدنی مصوب 1379: «هر کاه کسی اقرار به امری نماید که دلیل ذی حق بودن طرف او باشد، دلیل دیگری برای ثبوت آن لازم نیست.»

به این ترتیب ملاحظه می شود که در امور حقوقی و مدنی اقرار کامل ترین دلیل اثبات است.

گاهی اذیت و آزار تحمیل شده به متهم، جهت گرفتن اقرار، از زجر حاصل از نفس مجازات شدیدتر بوده است. تاریخ نشان می دهد که آزارها و شکنجه های شدید بدنی و یا روحی، گاهی به مرگ انسان های بی گناه منجر می شد و زمانی نیز اعتراف های غیرواقعی به بار می آورد؛ که هر دو آزاردهنده و غیرانسانی بود. جان سپردن در زیر شکنجه های بی رحمانه و غیر انسانی دژخیمان بازجو، خاطره های بس ناگوار در تاریخ به ثبت رسانده است. بشریت هیچ وقت این ناگوارایی ها را فراموش نمی کند.(۱)

37 - د. دوره دلایل معنوی . - بر حسب اقتضای روش دلایل معنوی، ارزش و اعتبار دلیل در امور کیفری را نباید قانون تعیین کند، بلکه قاضی و هیأت منصفه با استقلال و آزادی کامل و الهام از وجودان پاک خود باید بتواند هر دلیلی را به طور جداگانه ارزیابی کند و در صورت اطمینان بر وقوع جرم و انتساب آن به متهم و اقنانع کامل وجودانی و جرم دانستن عمل ارتکابی، بر مبنای هر دلیل و قرینه یا اماره ای که این اقنانع وجودانی حاصل شده باشد رأی صادر نماید.

در این روش، دلیل در معنای واقعی و عرفی کلمه وجود ندارد و هیچ امری به

1. در واکنش نسبت به این پیشینه قباه و برای پیشگیری از ادامه و تکرار آن است که اعلامیه جهانی حقوق بشر که نمایانگر آرمان های مشترک بشری است، در ماده 5 اعلام می کند: «احدى را نمی توان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه یا بر خلاف انسانیت و شوئون بشری یا موهن باشد.» و بند 1 ماده 14 کنوانسیون جهانی حقوق مدنی و سیاسی، به عنوان حمایت از افراد در برابر این رفتارهای غیر انسانی مقرر می نماید: «هر کس حق دارد در برابر تعقیب، شکنجه و آزار پناهگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناه اختیار کند.» اصل سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز هر نوع شکنجه بروای اخذ اقرار از متهم را ممنوع اعلام کرده و اقرار ناشی از شکنجه را قابل توقیب اثر ندانسته است و ماده 129 ق.آ.د.ک. نیز آن را ممنوع کرده است. علاوه بر اینها ماده 578 ق.م.ا. شکنجه را یک جرم معرفی می نماید. طبق ماده فوق: «هر یک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضایی دولتی برای این که متهم را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید، علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به جبس از شش ماه تا سه سال محکوم می گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستور دهنده به مجازات جبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر، مجازات قاتل و آمر، مجازات آمر قتل را خواهد داشت»

نهایی و فی نفسه نمی تواند مثبت دعوای کیفری باشد؛ بلکه کلیه قراین، امارات، مدارک، اسناد و شواهد هر یک به منزله یک قرینه کاربرد دارد. اگر اوضاع و احوال، قراین و امارات با یکدیگر همخوانی داشته و مقرن به صحت باشد و نسبت به قاضی و یا هیأت منصفه منجر به اقنانع وجودانی

شود، موجب محکومیت متهم فراهم می شود. در این مرحله نفس دلیل مهم نیست؛ بلکه، ایمانی که در قاضی ایجاد کرده است مهم می باشد.

در روش دلایل معنوی، قانون از قاضی نمی پرسد به چه دلیل متهم را محکوم کردی بلکه سؤال می کند آیا واقعاً قانون شدی؟ به این ترتیب دادگاه می تواند به گفته های یک نفر شاهد بیشتر اعتماد کند و بر آن مبنای حکم دهد ولی به گواهی ده نفر شهروند دارای شرایط شهادت اعتبار نگذارد.(1)

38-هـ. دوره دلایل علمی .- این دوره تحول و تکامل یافته دوره روش دلایل معنوی است.
طبق این روش دادرس برای تحصیل

اقناع وجودانی خود باید از یافته های جدید علمی بهره گیرد. استفاده از نظرات کارشناسی، بهره مندی از ابزارهای علمی، نمونه ای از کاربردهای علمی در حقوق جزا و دادرسی کیفری

<p>1344 چنین اظهار نظر کرده است: «در امور جزایی مدارک و دلایل احصا شده و محدود نسبت و قاضی تحقیق یا دادرس دادگاه جزایی در کشف حقیقت و حصول یقین وصول به حقیقت از هر امر و نشانه ای می تواند به عنوان دلیل و مدرک استفاده کند و ارزش دلایل هم با تطبیق به اوضاع و احوال خاص هر مورد بسته به نظر قاضی است. چنان که ممکن است در مواردی اقرار صریح و مصراوه متهمی را تلقینی و غیر واقعی تلقی کند و بالعکس در مورد دیگر گواهی طفلی صغیر را با افبطاق بر اوضاع و احوال کافی بر ثبوت اتهامی تشخیص دهد. بنابراین اعتنا و استناد به نوار ضبط صوت با توجه به دلایل و قرایین دیگر منوط به نظر قاضی جزایی است.» کشاور صدر (سید محمدعلی)، آینین و رویه دادرسی کیفری، ص 83.</p>	4	<p>در حکم شماره \$1.1211 موrex 10</p> <p>کمیسیون مشورتی آینین دادرسی کیفری اداره حقوقی در جلسه مورخ 1</p>
<p>1311 شعبه 2 دیوان عالی کشور آمده است: «حکم به ثبوت جرم به موجب گواهی یک نفر گواه در صورتی که موجب اطمینان دادگاه وقوع شود مانع قانونی نخواهد داشت.»</p>	9	

برای اطلاع بیشتر در این خصوص ر.ک: آخوندی، دکتر محمود، آینین دادرسی کیفری، ج 2، ص

.94

39 – تلفیق دلایل قانونی، معنوی و علمی . – با توجه به مجموع قوانین موضوع در کشور ایران، در قلمرو بعضی از جرایم روش دلایل قانونی حاکمیت دارد (مانند جرایم موضوع مواد 48 و 114، 128، 168، 199 و 231 ق.م.ا) ولی در بیشتر موارد روش دلایل معنوی حاکم می باشد. (مانند جرایم عنوان شده در بخش تعزیرات و مجازات های بازدارنده ق.م.ا). گاهی مقتن از روش دلایل علمی نیز غفلت نورزیده است؛ مانند ماده 88 ق.آ.د.ک. که مقرر می دارد:

برای معاینه اجساد و جراحت ها و آثار و علایم ضرب و صدمه های جسمی و آسیب های روانی و سایر معاینه ها و آزمایش های پزشکی، قاضی از پزشک قانونی معتمد دعوت می نماید و اگر پزشک قانونی نتواند حضور یابد و یا در جایی پزشک قانونی نباشد پزشک معتمد دیگر دعوت می شود. هر گاه پزشک قانونی در امری تخصص نداشته باشد، قاضی می تواند از پزشک متخصص دعوت به عمل آورد.

برابر ماده 83 همان قانون:

از اهل خبره هنگامی دعوت به عمل می آید که اظهار نظر آنان از جهت علمی یا فنی و یا معلومات مخصوص لازم باشد. از قبیل پزشک، داروساز، مهندس، ارزیاب و دیگر صاحبان حرف...

از آنجا که در امور کیفری، در اغلب موارد، دلایل، قرایین و امارات محدود و منصوص نیست(2) و هر امری می تواند برای قاضی اقناع وجدانی به وجود

1319دیوان عالی کشور تأیید شده است که : «در تشخیصاتی که محتاج به اعمال نظریات فنی و کارشناسی است، دادگاه نمی تواند تشخیص خود را منشأ حکم قرار دهد ».«	9	\$ در حکم شماره 1. 2940 مورخ 16
--	---	---------------------------------

2. در سیستم قناعت وجدانی، قاضی در کمال آزادی دلایل عرضه شده را ارزیابی می کند. قاضی بر

67

آورده(1) لذا دادرس نباید از هر اقدامی که در کشف واقعیت موثر است، غافل بماند.(2)

با این وجود، از لحاظ منطقی عقلی، بعضی از امور می تواند دادرس را به سوی کشف حقیقت بهتر راهنمایی کند. تحقیق از شاکی، بازجویی از متهم، معاینه محل، تحقیقات محلی، استفاده از نظریه کارشناس، تحقیق از شهود، گزارش ضابطین دادگستری، اسناد کتبی و نظایر آن، هر یک می تواند به نوبه خود برای کشف واقعیت راهنمای باشد؛ که باید هر یک با تشریفات خاص قانونی صورت گیرد تا موجب تضییع حقوق شهروندی نشود.

به دلیل اهمیت موضوع، پس از ذکر نکته ای درباره ماهوی و شکلی بودن دلایل،

مبنای وجود خود، حکم برأته یا محکومیت به اعتبار این که معتقد به بی گناهی و یا مجرمیت هست صادر می کند بدون اینکه مجبور باشد ارزش اثباتی را که به دلایل مورد نظر خود قابل هست، توجیه کند. آین دادرسی کیفری، تأییف گاتو استخانی، ژرژ لواسور و برفارد بلوك، ترجمه دادبان (دکتر حسن)، ج 1، ص 36.

1. دلیل در امور جزایی خیلی بیشتر از امور مدنی آزاد است، با این وجود در بعضی از امور اجازه رسیدن به حقیقت را نمی دهد. نه تنها در مورد روش های دلیل بلکه در مورد ارزش اثباتی آن نیز این که، مانند حقوق مدنی قبل از طرف قانون تعیین نشده و به ارزیابی قاضی واگذار شده است یکی دیگر از خصوصیت های تئوری دلایل در امور جزایی است. همان، ص 35.

2. برای آشنایی بیشتر خوانندگان ارجمند، نمونه از آرای دیوان عالی کشور نقل می شود:

<p>35 شعبه 5 دیوان عالی کشور: «در امور جزایی تنها اقرار متهم موضوعیت ندارد و فقط ممکن است طریق علم و استنباط دادگاه در تشخیص تقسیر متهم واقع شود، نه این که به طور کلی و قطع نظر از طریقیت آن بر ضرر متهم دلیل و حجت قانونی به شمار رود؛ بلکه در مقام حکم به ارتکاب، فقط دلایل و شواهد اقنان کند، حکم مناط اعتبار خواهد بود. جز در مواردی که قانون صراحتاً امر دیگری قرار داده باشد.»</p>	<table border="1"> <tr> <td style="width: 15%;">12</td><td style="width: 15%;">24 همان</td><td style="width: 15%;">24 شعبه و</td><td style="width: 15%;">7</td><td style="width: 15%;">الف - حکم شماره - 1204 26</td></tr> <tr> <td>-</td><td>شعبه و</td><td>- 41 25</td><td></td><td></td></tr> <tr> <td>- 2855</td><td>28</td><td></td><td></td><td></td></tr> </table>	12	24 همان	24 شعبه و	7	الف - حکم شماره - 1204 26	-	شعبه و	- 41 25			- 2855	28			
12	24 همان	24 شعبه و	7	الف - حکم شماره - 1204 26												
-	شعبه و	- 41 25														
- 2855	28															

(مجموعه متنین).

<p>20 شعبه 5 دیوان عالی کشور: «در امور جزایی اعتراف متهم طریقت دارد و اگر دادگاه به ملاحظه قراین و امارات دیگر اقرار متهم را از دلایل خارج نماید، موجب شکستن حکم می شود.» (مجموعه متنین).</p>	<table border="1"> <tr> <td style="width: 15%;">2</td><td style="width: 15%;">415 شماره - 31</td><td style="width: 15%;">ب. حکم</td></tr> </table>	2	415 شماره - 31	ب. حکم
2	415 شماره - 31	ب. حکم		
<p>19 شعبه دیوان عالی کشور در امور جزایی در تشخیص سن متهم و امثال آن و اعتراف به نهای مناط اعتبار نیست و در صورتی که تشخیص دادگاه بخلاف اعتراف متهم باشد، اعتراف مذبور تأثیری نخواهد داشت. و تشخیص سن متهم محوّل به نظر دادگاه است که از اوضاع و ملاحظه و قیافه متهم و غیره سن او را تعیین می کند.» (مجموعه متنین).</p>	<table border="1"> <tr> <td style="width: 15%;">10</td><td style="width: 15%;">3561 شماره - 30</td><td style="width: 15%;">ج. حکم</td></tr> </table>	10	3561 شماره - 30	ج. حکم
10	3561 شماره - 30	ج. حکم		

1- از نظر ماهیت - هر گاه اعتبار، قدرت اثباتی و میزان حجیت دلیل ملاک قرار گیرد، در این صورت دلایل از جمله قوانین ماهوی خواهد بود.

2- از لحاظ شکلی - هر گاه شرایط، نحوه جمع آوری و به کارگیری دلیل در دادرسی ها ملاک قرار گیرد؛ در این صورت دلایل از جمله قوانین شکلی خواهد بود.

به همین سبب است که قانون مدنی و قانون آئین دادرسی مدنی که اولی مربوط به حقوق ماهوی و دومی ناظر به حقوق شکلی است، هر یک موادی از مقررات خود را به دلایل اختصاص داده اند؛ (1) بدون این که در قلمرو هم وارد شوند. یکی اعتبار و میزان حجیت دلایل را بیان می کند و دیگری طرز اقامه و به کارگیری آنها را قانونمند می نماید. (2)

در گفتار حاضر که اختصاص به دلایل در امور کیفری دارد، از ارزش، ماهیّت و قدرت اثباتی دلایل گفتگویی خواهد شد. سنجش اعتباری آنها، نیز مورد نظر نیست. سعی می شود، به جای این بحث ها، طرز جمع آوری دلایل، قراین، امارات و تشریفات مربوط به این امر بررسی گردد.

1. مواد 1257 الی 1335 قانون مدنی و مواد 194 الی 294 ق.آ.د.م. مصوب 1379 (برابر مواد 353 الی 469 قانون آئین دادرسی مدنی سابق).

2. دو نفر از استادان به نام معاصر حقوق ایران، مرحومان سید حسن امامی و دکتر احمد متین دفتری که از بنیانگذاران مکتب جدید حقوق می باشند، هر دو، قسمتی از نوشه های خود را به دلایل اختصاص داده اند؛ اما مژ برسی ها را محفوظ نکه داشته اند. مرحوم دکتر سید حسن امامی در این باره چنین توضیح می دهد: «... عده ای معتقدند ادله اثبات دعوا از نظر ارزشی که باید به آن داده شود از موضوعات حقوق مدنی می باشد و عده ای دیگر برآند که ادله اثبات دعوا از نظر آن که مورد استناد متدعین در دادگاه می باشد و دادرس به آن رسیدگی می نماید از موضوعات آئین دادرسی مدنی به شمار می رود.» حقوق مدنی، ج 6، ص 2.

41- تعریف شاکی .- هر کس از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان شود بزه دیده و یا متضرر از جرم نامیده می شود؛ مجني علیه و قربانی نیز همان مفهوم را دارد. (1) ضرر و زیان، اعم از مادی، معنوی و جسمانی است.

هرگاه بزه دیده در مقام شکایت برآید، شاکی خصوصی نامیده می شود و چنانچه دادخواست مطالبه ضرر و زیان نیز تقدیم کند مدعی خصوصی خواهد بود؛ و مادام که دادخواست ضرر و زیان تسلیم نکرده است شاکی خصوصی است.⁽²⁾

در قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، به ظاهر، در بعضی موارد بین مدعی خصوصی و شاکی خصوصی تفاوتی دیده نمی شود. ماده ۹ قانون مذبور مقرر می دارد:

شخصی که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان شده و یا حقی از قبیل قصاص و قذف پیدا کرده و آن را مطالبه می کند مدعی خصوصی و

۱. شاکی خصوصی، متضرر از جرم، بزه دیده، مجني علیه و قربانی مفاهیم مشابهی دارند.

۲. ماده ۹ قانون اصول محاکمات جزایی: «شخصی که از وقوع جرمی متحمل ضرر و زیان شده و یا حقی از قبیل قصاص و قذف پیدا کرده و آن را مطالبه می کند مدعی خصوصی و شاکی نامیده می شود...»

شاکی نامیده می شود...

در صدر ماده ۶۹ قانون مذبور، باز هم شاکی خصوصی و مدعی خصوصی یک مفهوم پیدا کرده است.⁽¹⁾ شاید توجه به تغییرهای بنیادی قوانین جزایی و تصویب قوانین با دیدگاه های جدید و عنایت به ماهیت و کیفیت خاص قوانین جزایی اسلامی، مقتن را واداشته است که دیگر تفکیک سنتی شناخته شده بین شاکی و مدعی خصوصی را کنار بگذارد.

مشخص نبودن حد و مرز بین شاکی و مدعی خصوصی، در حقوق جزای اسلامی و همین طور عدم امكان ارایه یک روش علمی مطلوب رد رابطه با تفاوت این دو، نیز قانونگذار را بیشتر بر آن واشته است؛ تا نسبت به روش سنتی و جا افتاده مذکور وفادار نماند.⁽²⁾

تردید در امكان سازگاری و تطبیق روش سنتی یاد شده با سیستم مجازات های اسلامی هم، به نوبه خود، می توانست علتی بر این تصمیم گیری باشد. برای اجرای مجازات قصاص، دیه، قذف و نظایر آنها درخواست صاحبان حق ضروری است. لیکن به درستی معلوم نیست که درخواست کنندگان قصاص، قذف، دیه و غیره را باید شاکی خصوصی دانست و یا مدعی خصوصی به شمار آورد.⁽³⁾

1. طبق ماده 69 ق.آ.د.ک: «شاكى و مدعى خصوصى مى تواند شخصاً يا توسط وکيل شكایت کند...»
2. با اين وجود، نمى توان گفت که قانونگذار تقاوٽ شاكى و مدعى خصوصى را نادیده گرفته است.

چنانچه در ماده 12 قانون مذکور آمده است: «هرگاه دادگاه مهم را مجرم تشخيص دهد، مکلف است ضمن صدور حکم جزایی حکم ضرر و زیان مدعى خصوصى را نيز طبق دلایل و مدارک موجود صادر نماید»

ماده 301 نيز بیان مى دارد: «شاكى باید هزینه شكایت کيفري را برابر مقررات، هنگام شكایت تأديه نماید. مدعى خصوصى هم به امر کيفري مطالبه ضرر و زیان مى نماید باید هزینه دادرسی را مطابق مقررات مربوط به امور مدنی پردازد، هرگاه مدعى خصوصى ممکن نبوده و...»

از متن دو ماده مذکور به دست مى آيد که در قانون جديد نيز بین مدعى خصوصى و شاكى خصوصى تقاوٽ قابل شده است هر چند در ماده 9 آن دو را در رديف هم قرار داده است. برای اطلاع ييتر بهتر است به مواد 302 و 305 همین قانون نيز عنايت گردد.

11داره حقوقی قوه قضائيه آمده است: «با توجه \$	1	19 مورخ	در نظر يه مشورتى شماره 48
---	---	---------	---------------------------

71

گفتار يكم

شكایت

42- شکواييه يا شكایت نامه . - شكایت به وسیله شکواييه به مقامات قضائي و انتظامي اعلام مى گردد. طبق دستور ماده 69 ق.آ.د.ک. در شکواييه موارد زير باید قيد شود:

الف. نام، نام خانوادگي، نام پدر و نشانى دقيق شاكى.

ب. موضوع شكایت و ذکر تاريخ و محل وقوع جرم.

ج. ضرر و زیان مالي که به مدعى وارد شده و مورد مطالبه است.

د. مشخصات و نشانى مُشتگي عنه يا مظنون در صورت امكان.

هـ. ادله و اسامي و مشخصات و نشانى شهود و مطلعين در صورت امكان.

شكایت ممکن است کتبی و يا شفاهی باشد. شكایت های شفاهی توسط دفتر دادگاه در صورت جلسه نوشته مى شود و به امضای شاكى مى رسد. اگر شاكى سواد نداشته باشد آن را انگشت مى زند.(1)

43. — شکایات کتبی و شفاهی . — از لحاظ قانون گذار ارزش و اعتبار شکایت های کتبی و شفاهی یکی است. مقامات قضایی و انتظامی مکلفند شکایت ها را به همان ترتیب که اقامه می شود پیذیرند. دعوت و یا اجبار شاکی به این که کتاب شکایت خود را اعلام کند و بی اعتمایی به شکایت های شفاهی، توجیهی ندارد و خلاف حقوق

به تعریف شاکی خصوصی در ماده 9 قانون آیین دادرسی کیفری و با عنایت به بند 2 ماده 171 همان قانون، در صورتی که اعلام کننده جرم متضرر از آن نباشد عنوان شاکی خصوصی بر او صادق نخواهد بود. بنابراین ابلاغ قرار به او هم لازم نیست و تجدید نظرخواهی هم وجه قانونی ندارد.»

1. قسمت آخر تبصره 2 ماده 69 ق.آ.د.ک.

72

شهروندی است. حتی ارشاد شاکی به عرضه نویسی که موجب تضرر مادی او است، از کم کاری مقامات مسئول ناشی می شود. در هر صورت وظیفه قانونی مقامات قضایی و انتظامی این است که شکایت های شفاهی را به دقت گوش دهند و آنها را به قریبی که گفته خواهد شد در صورت جلسه ای بنویسند.

44- ثبت شکواییه . — در حوزه هایی که شب دادگاه متعدد باشد، شکواییه در دفتر کل ثبت و توسط رئیس حوزه قضایی به یکی از شب ارجاع می شود. (1) در حوزه هایی که دادگاه یک شبیه بیشتر ندارد ارجاع منتفی است، اما ثبت در دفتر کل باید صورت گیرد. هر گونه اقدام قضایی و یا دستور اداری، قبل از ثبت شکواییه فاقد توجیه قانونی است.

کاربردی

45- لزوم ثبت . — ثبت پرونده ها، شکواییه ها و اعلام جرم ها، آثار حقوقی - قضایی مهمی دارد و باید آن را نادیده گرفت. تاریخ ثبت مبدأ شروع به تعقیب شکایت ها و اعلام جرم ها است و گاهی قاطع مرور زمان کیفری می باشد. تعیین نوبت رسیدگی در دادگاه ها، علی الاصول، باید بر مبنای تاریخ ثبت صورت گیرد . از این ها مهم تر ، این که تا زمانی شکواییه و یا اعلام جرمی در دفتر دادگاه و یا دفتر دادسرای ثبت نشده و شماره و تاریخ ثبت نداشته باشد ورق پاره ای بیش به شمار نمی آید. از زمان ثبت در دفتر، ارزش و اعتبار اسناد رسمی و یا دولتی را می یابد و مسئولان دفتری را مکلف می کند تا در حفظ و حراست آن بگوشند.

ثبت دفتری پرونده ها، شکواییه ها و اعلام جرم ها و شماره گذاری

1. ماده 26 ق.آ.د.ک.

73

مرتب و مورخ نمودن آنها احتمال مفقود شدن و از بین رفتن اسناد و مدارک را منتفی می کند و یا به حداقل کاهش می دهد؛ در نتیجه، امنیت مهمی برای حفظ حقوق اصحاب دعوا و نظم عمومی به شمار می آید. بایکان، مدیر دفتر و سایر کارکنان دفتری در نگهداری آن بیشتر احساس مسئولیت می کنند و در موقع مطالبه بدون هیچ عذر و بهانه ای آن را در اختیار دادگاه و یا اصحاب دعوا قرار می دهند.

46 - طرز صدور دستور ثبت . - این دستور که نخستین اقدام هر آغاز رسیدگی به شکایت ها ، اعلام جرم ها و پرونده ها می باشد؛ خطاب به دفتر دادگاه و یا دفتر دادسرا صادر می شود. متن آن را می توان بسیار ساده و آسان و چنین نوشت:

دفتر ثبت و به نظر برسد.

مقام قضایی

دستور فوق خیلی ساده و شناخته شده به نظر می رسد، با این وجود ارزش فراوانی دارد و نباید از آن غفلت ورزید. یادآوری می شود بدون ثبت در دفتر نباید روی ورقه ای دستور صادر کرد و یا آن را ضمیمه پرونده نمود.(1)

در کشور ما ثبت پرونده ها در اوقات کشیک، در اغلب شهرستان ها وضع مطلوبی ندارد. به ثبت در دفاتر پاسگاه های نیروی انتظامی اکتفا می شود. در نتیجه از عملکرد مقامات قضایی، در دادگاه ها و دادسراهای سابقه ای باقی نمی ماند و تا برگشت پرونده از پاسگاه مربوطه، دادگستری از جریان امر خارج می شود. در نتیجه، میزان و کیفیت نظارت قضایی بر پرونده ها کاهش می یابد؛ و این احتمال را افزایش می دهد که دستورها و قرارهای قضایی به موقع و به درستی اجرا نشود و سابقه ای نیز از آن در دست نباشد تا پیگیری گردد.

گفتار دوم

شاکی

47 - طرز تحقیق از شاکی . - در نخستین تحقیق از شاکی باید مشخصات کامل او را پرسید و در صورت جلسه نوشت. این مشخصات عبارتند از: اسم، آسم پدر، شهرت ، نام خانوادگی، سن، شغل، تابعیت و محل اقامت اعم از شهرستان، شهر، بخش ، دهستان، روستا، خیابان، کوچه، شماره منزل و نشانی محل کار؛ به طوریکه ابلاغ اوراق قضایی به آسانی مقدور باشد.

علاوه بر آن به دستور تبصره 1 ماده 129 ق.آ.د.ک. باید به شاکی تفہیم کرد که:

محلى را که برای اقامت خود اعلام می کند، محل اقامت قانونی او است و چنانچه محل اقامت خود را تغییر دهد باید محل اقامت جدید را به گونه ای که ابلاغ ممکن باشد، اعلام کند. در غیر این صورت احضاریه ها به محل اقامت سابق فرستاده خواهد شد. تغییر محل

اقامت به منظور تأخیر و طفره و تعیل به گونه‌ای که ابلاغ اوراق متعسر باشد، پذیرفته نیست و کلیه اوراق به همان محل سابق ابلاغ خواهد شد. تشخیص این موضوع با مقامی است که رسیدگی می‌نماید. رعایت مقررات این ماده از نظر تعیین محل اقامت شاکی یا مدعی خصوصی لازم است.

آنگاه قاضی شکایت وی را استماع می‌نماید. هر گاه جرم ارتکابی، از جرایم قابل گذشت باشد، دادگاه باید بکوشد تا موضع را با صلح خاتمه دهد. (۱) و هر گاه امکان

۱. ماده ۱۹۵ ق.آ.د.ک. در این خصوص اعلام می‌دارد: «در اموری که ممکن است با صلح طرفین قضیه

75

سازش نیافت تحقیقات را ادامه دهد.

باید به شاکی اجازه و امکان داده شود تا شکایت خود را به طور مشروح و با ذکر دلایل بیان کند؛ و اسناد و مدارک خود را ارایه دهد. اگر سواد داشته باشد بهتر است شکایت خود را شخصاً بنویسد. اگر سواد نداشته باشد قاضی دادگاه و یا به دستور او منشی دادگاه موضوع شکایت را برابر با گفته‌های شاکی در صورت جلسه می‌نویسد و شاکی آن را امضا می‌کند و یا انگشت می‌زند.

قطع کلام شاکی ممنوع است، شاکی باید بتواند به هر کیفیتی که مایل است و می‌تواند، شکایت خود را بگوید یا بنویسد. چنانچه از موضوع شکایت خارج شود، حاکم دادگاه می‌تواند به او تذکر دهد.

بعد از اتمام گفته‌های شاکی، چنانچه برای روشن شدن جریان امر، اخذ توضیحی لازم باشد، حاکم دادگاه اقدام به پرسش‌های مناسب می‌نماید تا ماجرا به درستی برای او روشن گردد.

دلایل و مدارک اعلام شده از طرف شاکی را باید به دقت بررسی کرد، اما این اسناد و مدارک قاضی را از جستجوی دلایل دیگر بی نیاز نمی‌کند. مقامات قضایی نباید تنها به دلایل و مدارک و اسناد ارایه شده شاکی بسنده کنند؛ بلکه چون هر جرمی دارای جنبه عمومی نیز می‌باشد، خود نیز مکلفند در صدد جمع آوری دلایل، قرائن و امارات دیگر برآیند و از این طریق، در کشف جرم و شناسایی منتهی کوشش و در نتیجه به بزه دیده مساعدت نمایند.

— تکلیف سازش . — در ماده ۶۶ قانون اصول محاکمات جزایی پیش بینی شده بود:

در مواردی که ممکن است ادعای جزایی به صلح ختم شود (یعنی در

خاتمه پیدا کند، دادگاه کوشش لازم و جهد کافی در اصلاح ذات البتین به عمل می‌آورد و چنانچه موفق به برقراری صلح نشود، رسیدگی و رأی مقتضی صادر خواهد نمود.

مواردی که بعد از صلح طرفین، مدعی العموم تعقیب نمی کند) طرفین را مستنطق احضار کرده تکلیف صلح می نماید و هر گاه صلح انجام یافت یا مدعی بدون عذر موجه حاضر نشد تحقیقات موقوف می شود. اگر مشتکی عنه حاضر نشد حکم جلب او را می دهد.

بر اساس ماده مذکور، روش دادسراهای این بود که در جرایم قابل گذشت، شاکی را با قید این که نتیجه عدم حضور، گذشت تلقی و قرار موقوفی تعقیب متهم صادر خواهد شد، برای سه روز پس از رؤیت احضار می گردند و اگر شاکی حاضر نمی شد، قرار موقوفی تعقیب صادر می نمودند.

<p>1352 ، ماده فوق نسخ گردید. در علت نسخ آن گفته شد که با اعلام شکایت از طرف بزه دیده فرض بر این است که او شکایت خود را آغاز کرده و در آن باقی است؛ به عبارت دیگر بقای بر شکایت، استصحاب می شود. شاکی در صورت گذشت باید آن را به طور صریح اعلام کند؛ (۱) با گذشت ضمنی نمی توان تعقیب را موقوف نمود. (۲) قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، در این خصوص مقررات تازه ای وضع نموده است که در بحث های بعدی مورد گفتگو قرار خواهد گرفت .</p>	<p>11</p>	<p>این روش برای شاکیان مزاحمت فراوان به وجود می آورد، عدم امکان حضور به موقع نزد مقام قضایی، سبب می شد که حقوق آنان تضییع بشود. خوشبختانه در اصلاحات 2</p>
<p>1368 هیأت عمومی دیوان عالی کشور، بر لزوم احراز گذشت شاکی تأکید شده است. به موجب رأی مذکور: «نظر به ماده ۸ ق.آ.د.ک که موقوفی تعقیب امر جزایی را با شرایط خاصی تجویز نموده که از آن جمله صلح و سازش طرفین در جرایم قابل گذشت است و با توجه به اینکه مطالبه نفقة زوجه از حقوق الناس می باشد لذا تا زمانی که گذشت زوجه از تعقیب شکایت جزای احراز نشود دعوای کیفری قابل رسیدگی خواهد بود و رأی شعبه ۱۲ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد صحیح تشخیص می شود ». \$</p>	<p>1</p>	<p>\$ 1 و 2. در رأی وحدت رویه شماره 525 مورخ 29</p>

76- شکایت افراد محجور . - شکایت کیفری حق مسلم هر شهروندی است. (۱) هیچ انسانی را نمی توان از آن محروم کرد. صغار و افراد محجور نیز می توانند در مقام شکایت کیفری برآیند؛ لیکن اگر جرم موضوع شکایت آنان از جرایم قابل گذشت باشد، ادامه رسیدگی، به درخواست اولیای قانونی آنان منوط می شود؛ و تا زمانی که اولیای قانونی آنان اعلام شکایت نکنند و یا در مقام ادامه تعقیب شکایت مولی علیه خود بر نیایند تعقیب مرتكب نمی تواند موقعیت قانونی داشته باشد.

**50- قبیم موّقت . - مقاد ماده واحده «قانون راجع
به تعیین قیم اتفاقی» مصوب 26**

2

1316 در قوانین جدید، تکرار شده است. هم اینک
ماده 72 ق.آ.د.ک مقرر می دارد :

در مواردی که تعقیب امر جزایی منوط به شکایت شاکی خصوصی است و متضرر از جمر، محجور (صغری، غیر رشید یا مجنون) بوده و دسترسی به ولی یا قیم او نباشد یا مجنی علیه ولی یا قیم نداشته باشد و نصب قیم موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور می شود تا حصور و مداخله ولی یا قیم و یا نصب قیم و همچنین در صورتی که ولی یا قیم، خود مرتکب جرم شده یا مداخله در آن داشته باشد، دادگاه، شخص دیگری را به عنوان قیم موّقت تعیین می کند. و یا خود، امر جزایی را تعقیب نموده و اقدامات ضروری را برای حفظ و جمع آوری دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم به عمل می آورد.

1. ماده 10 اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می کند: «هر کس با مساوات کامل حق دارد که دعوایش به وسیله دادگاه مستقل و بی طرفی، منصفانه و علنا رسیدگی بشود...» بند «ب» از ماده 19 اعلامیه اسلامی حقوق بشر (بیانیه قاهره) نیز می گوید: «مراجعه و پناه بردن به دادگاه حقی است که برای همه تضمین شده است.»

78

کاربردی

51 - نسب قبیم موّقت . - در خصوص شکایت «الف» فرزنه، «ب» مبنی بر ایراد یک فقره ضرب عمدى ساده، با توجه به قابل گذشت بودن موضوع آنها و این که شاکی برابر شناسنامه ارایه شده هنوز صغیر است و طبق گزارش پاسگاه انتظامی ولی خاص و قیم دایر نیز ندارند؛ مستندا به ماده 72 قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، دادگاه آقای «ج» عمومی شاکی را به عنوان قیم موّقت نصب می نماید.

مقام قضایی

52 - تصمیمات مقام قضایی . - مرجع گیرنده اعلام جرم و شکواییه پس از ثبت و بررسی محتوای آن و ملاحظه صورت جلسه اظهارات شاکی و اسناد و مدارک ارایه شده از طرف او، حسب مورد، یکی از تصمیم های زیر را اتخاذ می نماید:

53 - الف . قرار امتناع از رسیدگی . - چنانه یکی از جهات رد دادرس وجود داشته باشد مقام قضایی مکلف است از رسیدگی و هر گونه اقدام خودداری کند و قرار امتناع از رسیدگی صادر نماید. صدور قرار امتناع از رسیدگی، نخستین وظیفه هر حاکم دادگاه است و بر هر اقدام دیگری مقدم می باشد. ابتدا باید درباره آن تصمیم گیری کرد. قاضی مردود حتی حق صدور قرار عدم صلاحیت ذاتی و یا محلی نیز ندارد. جهات رد دادرسان و قضاط تحقیق، در ماده 46 (ق.آ.د.ک) احصا شده است.(1)

1. برابر ماده فوق: «دادرسان و قضاط تحقیق در موارد زیر باید از رسیدگی و تحقیق امتناع نمایند و طرفین دعوا نیز می توانند آنان را رد کنند:

الف) وجود قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس یا قاضی تحقیق با یکی از طرفین

79

کاربردی

13.. در وقت فوق العاده، پرونده تحت نظر است و به شرح زیر اتخاذ تصمیم می نماید: نظر به این که آفای «الف» شاکی پرونده را با این جانب قرابت نسبی درجه دوم از طبقه دوم دارد؛ مستندًا به بند «الف» ماده 46 قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، قرار امتناع از رسیدگی صادر و اعلام می نماید.	...	54— نمونه اقرار امتناع از رسیدگی . به تاریخ ...
قاضی دیگر ارجاع فرمایند.		دفتر، پرونده به نظر ریاست محترم حوزه قضایی برسد تا جهت رسیدگی به شعبه

مقام قضایی

55 — ب. قرار عدم صلاحیت . — چنانچه یکی از جهات رد، در حاکم دادگاه مرجع ایه موجود نباشد، اما دادگاه تحت تصدی او صلاحیت ذاتی یا محلی نداشته باشد، باید قرار عدم صلاحیت صادر کند. بدون داشتن صلاحیت قانونی هیچ اقدام قضایی توجیه پذیر نیست.

دعوا یا اشخاصی که در امر جزایی دخالت دارند.

ب) دادرس یا قاضی تحقیق، قیم یا مخدوم یکی از طرفین مباشر یا متکفل امور قاضی یا همسر او باشد.

ج) دادرس یا قاضی تحقیق یا همسر یا فرزند آنان، وارث یکی از اشخاص باشد که در امر جزایی دخالت دارند

د) دادرس یا قاضی تحقیق در همان امر جزایی قبل اظهارنظر ماهوی کرده و یا شاهد یکی از طرفین باشد.

ه) بین دادرس یا قاضی تحقیق و یکی از طرفین با همسر و یا فرزند او، دعوای حقوقی یا جزایی مطرح باشد و یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی دو سال نگذشته باشد.

و) دادرس یا قاضی تحقیق یا همسر یا فرزندان آنان، نفع شخصی در موضوع مطرح داشته باشند.»

80

کاربردی

شکواییه تحت نظر است و به شرح زیر اقدام به صدور قرار می نماید :	13..در وقت فوق العاده پرونده	...	56—نمونه صدور قرار عدم صلاحیت ذاتی .—به تاریخ ...
--	------------------------------	-----	---

قرار دادگاه — درباره اتهام «ج» فرزند «ب» مبنی بر راه پیمایی غیر مجاز، با توجه به این که مرتکب یک نفر روحانی است و طبق ماده 13 آین نامه دادسراه و دادگاه های ویژه روحانیت به جرایم روحانیون در آن دادگاه ها رسیدگی می شود لذا به اعتبار صلاحیت دادگاه های ویژه روحانیت تهران قرار عدم صلاحیت صادر و اعلام می گردد.

مقرر است دفتر پرونده با کسر از موجودی و ثبت در امار، به دادسرای ویژه روحانیت تهران فرستاده شود.

حاکم دادگاه تهران

یک نمونه دیگر:

13..در وقت فوق العاده پرونده تحت نظر است و به شرح زیر اقدام به صدور قرار می نماید :	...	به تاریخ ...
---	-----	--------------

قراردادگاه — درباره اتهام «الف» مبنی بر قاچاق مواد مخدر، با توجه به این که جرم ارتکابی در صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی است، مستندا به بند 5 ماده 5 قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، قرار عدم صلاحیت به اعتبار صلاحیت دادگاه های مذکور صادر و اعلام می گردد.

81

دفتر، مقرر است پرونده با کسر از موجودی و ثبت امار، جهت رسیدگی به دادگاه های انقلاب اسلامی تهران فرستاده شود.

دادرس دادگاه های عمومی تهران

57—نمونه صدور قرار عدم صلاحیت محلی.— به تاریخ نامعلوم در قوت فوق العاده پرونده تحت نظر است و به شرح زیر اقدام به صدور قرار می نماید:

در خصوص اتهام «الف» مبنی بر ارتکاب یک فقره سرفت، نظر به این که طبق محتويات پرونده بزه ارتکابی در حوزه قضایي شهرستان... واقع شده است، مستنداً به بند «الف» ماده 51 قانون آيین دادرسي دادگاه های عمومي و انقلاب در امور كيفري و صدور ماده 54 همان قانون، قرار عدم صلاحيت به اعتبار صلاحيت دادگاه محل وقوع جرم صادر و اعلام مى نماید.

دفتر، مقرر است با کسر از موجودي و ثبت در آمار، پرونده جهت رسيدگي به دادگاه های عمومي و شهرستان... فرستاده شود.

58- ج. گذشت شاكي . - چنانچه شاكي از شکایت خود صرف نظر كند، دو فرض ممکن است وجود داشته باشد

فرض اول: موضوع شکایت، از جرایم قابل گذشت است؛ در اين فرض تعقيب كيفري موقوف مى شود و باید قرار موقوفي تعقيب صادر (1) گرد.

نمونه هاي مختلف صدور قرارهاي موقوفي تعقيب را در بخش چهارم كتاب ملاحظه فرمایيد.

82

فرض دوم: موضوع شکایت، از جرایم قابل گذشت نیست؛ در اين فرض مرجع قضائي تحقیقات مقدماتي را ادامه مى دهد.

عدم توانايي شاكي در شناسايي متهم و يا ضعف دلائل و مدارك ارایه شده از سوي او نمي تواند از موجبات تعويق يا تعطيل يا توقيف تحقیقات مقدماتي باشد. طبق ماده 70 ق.آ.د.ك:

هرگاه شاكي نتواند متهم را معين نماید يا دلائل اقامه دعواي کافی نباشد و يا شاكي از شکایت خود صرف نظر نموده ولی موضوع از جرایم غير قابل گذشت باشد، دادگاه تحقیقات لازم را انجام مى دهد.

59- د. جرم نبودن عمل ارتکابي . - چنانچه شکایت شاكي فاقد وصف مجرمانه باشد و يا دليل کافی برای انتساب آن وجود نداشته باشد قرار منع تعقيب صادر مى گردد. (1)

1. نمونه هاي مختلف صدور قرارهاي منع تعقيب را در بخش چهارم كتاب ملاحظه فرمایيد.

83

فصل دوم

تحقیق از متهم

60 - تعریف متهم . - به رغم آن که قانونگذار بارها درباره متهم سخن گفته ولی تعریفی از این اصطلاح به دست نداده است. (1) برای رفع این نقیصه می توان گفت:

کسی که در مظان ارتکاب جرم قرار گرفته است؛ متهم نامیده مى شود.

دادرسی های جزایی متهم طرف اصلی و مهم دادرسی ها است. (2) در حقیقت تمامی تشریفات، مقررات و نگرانی ها در دادرسی های کیفری به خاطر انسای می باشد که به حق یا ناحق در مظان ارتکاب جرم قرار گرفته و ممکن است حیثیت، ابرو، آزادی، اموال، تمامیت جسمانی و حتی حیات خود را از دست بدهد. باید امکانات کافی در اختیار او باشد تا بتواند از خود دفاع کند و در صورت بی گناه بودن

1. **مثلاً ضرورت اعاده حیثیت از متهمان در صورت اشتباه قاضی در حکم؛ اصل 171 قانون اساسی؛ ممنوعیت تلقین، اغفال و اکراه و اجبار متهم در باز جویی؛ ماده 125 (اصلاحی بهمن 1335)؛ قانون اصول محاکمات جزایی؛ توافق تعقیب جزایی از سوی دادستان در صورت جنون متهم؛ ماده 8 همان قانون.**

2. در دادرسی های کیفری متهم را مدعی علیه جزایی و یا خوانده نیز می گویند.

84

از مجازات رهایی یابد.

قرنها است که قانون گذاران انسان دوست سعی دارند تا قوانین را طوری تنظیم نمایند که متهم از گام نخستین شکل گیری پرونده های کیفری بتواند از حقوق اولیه انسان بهره مند گردد و بروخورد با او بر اساس موازین عدالت باشد؛ احضار، جلب و خشوفت بار و در نتیجه از استبداد پلیسی – قضایی جلوگیری شود.(1)

مطلوب بسیار مهم و حساس و سرنوشت ساز این فصل در سه گفتار زیر بیان خواهد شد:

گفتار یکم – احضار متهم

گفتار دوم – جلب متهم

گفتار سوم باز جویی از متهم.

1. بند 1 ماده 11 اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می کند: «هر کس که به بزه کاری متهم شده باشد بی گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین های لازم برای دفاع او تأمین شده باشد، تقصیر او قانوناً محرز گردد.»

85

گفتار یکم

احضار متهم

61 – احضار نامه . — متهم برای تحقیق و بازجویی و دادرسی احضار می شود. احضار متهم به دستور مقام های قضایی صورت می گیرد. احدهی را نمی توان به عنوان متهم احضار کرد؛ مگر این که بر این احضار دلیل کافی وجود داشته باشد.(1)

احضار متهم باید از طریق احضار نامه به عمل آید. ماده 108 قانون اصول محاکمات جزایی و ماده 112 ق.آ.د.ک، هر دو نسبت به آن صراحت و تأیید دارند. طبق ماده 112 مذکور:

احضار متهم به وسیله احضار نامه به عمل می آید. احضار نامه در دو نسخه فرستاده می شود. یک نسخه را متهم گرفته و نسخه دیگر را امضا کرده به مأمور احضار رد می کند.

ماده 108 قانون اصول محاکمات جزایی نیز با اندک تفاوتی در عبارت، همان متن را دارد. در حقیقت متن هر دو ماده یکی است.

هر یک از دو ماده مذکور قلمرو اجرایی خاصی دارد؛ اولی در دادگاه های عمومی و انقلاب، و دومی در سازمان نیروهای مسلح اجرا می شود؛ مع الوصف به دستور هر دو، متهم از طریق احضار نامه احضار می گردد. در نتیجه احضار متهم جز از طریق احضار نامه ، مستند قانونی ندارد.

کاربردی

62 – احضار بدون احضار نامه . — گاهی شنیده می شود برخی از مراجع

ماده 124 ق.آ.د.ک و ماده 121 ق.آ.م.ج .

86

قضایی، متهم از طریق تلفن، فاکس و یا پیام شفاهی احضار می کنند و یا از مأموران و نگهبانان دادگستری درخواست می کنند تا فوری متهم را نزد آنان حاضر کنند.

این روش ها و عملکردها توجیه پذیر نیست و فاقد وجاهت و ضمانت اجرای قانونی است. هرگاه متهم در این شرایط به میل و رضای خود حضور پیدا نکند، نمی توان دستور جلب او را صدار کرد؛ زیرا شرایط جلب متهم فراهم نیست.(1)

63 – نکاتی که باید در احضار نامه درج شود. — طبق ماده 113 ق.آ.د.ک.

در احضار نامه اسم و شهر احضار شده و تاریخ و علت احضار و محل حضور نتیجه عدم حضور باید قید شود.

تبصره – در جرایمی که مصلحت اتفاقا نماید، علت احضار و نتیجه عدم حضور ذکر نخواهد شد.

ماده 109 قانون اصول محاکمات جزایی در این باره اعلام داشته است:

در احضار نامه اسم و شهرت احضار شده و تاریخ و محل حضور و نتیجه عدم حضور باید قید شود.(2)

اینک هر یک از نکات مذکور جدگانه توضیح داده می شود:

64- مشخصات متهم . - درج مشخصات متهم در احضارنامه، نقش مهمی در شناسایی و ابلاغ احضارنامه به او را دارد. هرگاه

مشخصات به طور کامل و دقیق در احضارنامه نشود، شناسایی متهم و ابلاغ احضارنامه با اشکال رو برو می گردد. به همین لحاظ هر دو ماده یاد شده به درج مشخصات در احضار نامه تصریح

1. شرایط احضار متهم و ضمانت اجرای آن به تفصیل در گفتار بعدی بیان گردیده است.
2. چنانچه ملاحظه می شود مفاد دو ماده مذکور یکسان است؛ تنها تفاوت آن دو در وجود مقررات تبصره ذیل ماده 113 می باشد که در صفحات بعدی درباره آن توضیح داده شده است.

87

ماده 108 قانون اصول محاکمات جزایی و ماده 113 ق.آ.د.ک هر دو تأکید به درج اسم و شهرت احاضر شده اکتفا گردد و سایر مشخصات را متعرض نشده اند، در حالی که نشانی اقامت گاه از مشخصات مهم هر فرد به شمار می آید. بدون داشتن نشانی کامل، ابلاغ حضار نامه مقدور نیست.

به نظر می رسد منظور از «شهرت» مدرج در مواد مذکور نام خانوایی است. در مواد 125 و 129 همان قوانین کلمه «شهرت» در مفهوم دیگری به کار رفته است.(1)

65 - تاریخ حضور . - ماده 113 ق.آ.د.ک. قید «تاریخ» در احضارنامه را لازم دانسته است؛ اما مشخص نموده «تاریخ» به چه ترتیب باید تعیین شود. ماده 108 قانون اصول محاکمات جزایی نیز روش مشابهی دارد؛ البته قانونگذاران عصر گنونی، با توجه به تحولات نوین آین دادرسی کیفری، می توافسند در این مورد گام های ارزشمندی بردارند. در عرف قضایی کشور ما، متهم برای تحقیقات مقدماتی به دو روش احضار می گردد:

1. وقت معین.

2 دادن مهلت.

66 - الف. وقت معین . - منظور از وقت معین این است که مقام قضایی، تاریخ مشخصی را تعیین می کند و از متهم دعوت به عمل می آورد تا در آن زمان نزد مقام قضایی حاضر گردد. در تعیین وقت معین باید ساعت، روز، ماه و سال مشخص

ماده 125 قانون اصول محاکمات جزایی (اصلاحی بهمن 1335): «بازپرس ابتدا هویت و مشخصات متهم را دقیقا (اسم - اسم پدر - شهرت - فامیل - سن - شغل - عیال و اولاد و تابعیت) سوال نموده...» و ماده 129 ق.آ.د.ک.« قاضی ابتدا هویت و مشخصات متهم (اسم - اسم پدر - شهرت

– فامیل – سن – شغل – عیال – اولاد و تابعیت) و همچنین آدرس... او را دقیقاً سؤال نموده...» با توجه به این که قانون، محل به کارگیری الفاظ مرادف نیست، باید گفت مراد از «فامیل»، نام خانوادگی است و منظور از «شهرت» عنوانی است که ممکن است فرد به آن مشهور و معروف شده باشد.

88

8 صبح روز شنبه 8 دی ماه 1384 .

شود . مثلاً ساعت 5

این طریق بقیرین روشن برای احضار متهم به شمار می آید و می تواند در اغلب موارد کاربرد داشته باشد.

67 – ب. دادن مهلت یا تعیین ضرب الاجل . – برابر این روش، به متهم مهلتی داده می شود تا در آن مهلت خود را به مقام قضایی احضار کننده معرفی کند. در کشور ما، طبق عرف موجود، مبدأ این مهلت تاریخ ابلاغ احضارنامه قرار داده می شود. لازم به یادآوری است که تاریخ ابلاغ احضارنامه یک زمان مشخص و شناخته شده می باشد و مشکل خاصی هم به وجود نمی آورد.

مدت مهلت در کشور ما، طبق عرف قضایی سه روز تعیین می شود؛ لیکن مقام قضایی احضار کننده، می تواند با توجه به کیفیت پرونده و لزوم تسریع در تحقیقات و سایر اوضاع و احوال موجود، این مهلت را افزایش و یا کاهش دهد. مثلاً آن را 5 روز، یک هفته، در مواقع خیلی فوری حتی 24 ساعت تعیین کند. به هر حال مقام احضار کننده باید متهم را در تنگنا قرار دهد. باید مهلت به ترتیبی تعیین گردد که متهم امکان حضور در آن مهلت را داشته باشد.

68 – عدم کارآیی مهلت یا ضرب الاجل . – تعیین مهلت و یا ضرب الاجل در همه موارد کاربرد ندارد؛ به ویژه در مواردی که دو نفر توأمًا احضار می شوند، تعیین وقت معین ضروری است، تا همه احضارشدنگان در ساعت، روز، ماه و سال معین نزد مرجع احضار کننده حضور به هم رسانند. بنابراین احضار شاکی و متهم برای مواجهه حضوری و یا شاهد و متهم برای مواجهه و یا شهود برای مواجهه با یکدیگر و نتایج اینها نمی توان با روش ضرب الاجل احضار نمود. در این گونه موارد تعیین وقت معین ضرورت دارد.

69 – اعلت احضار . – هر احضار شده حق دارد که از اعلت احضار خود آگاه گردد.

89

ماده 113 ق.آ.د.ک. با صراحت اعلام می دارد که اعلت احضار باید در احضار نامه قید شود.(1) بی اطلاعی فرد از اعلت احضار خود از طرف مقامات قضایی، موجب نقض آرامش وی و نابسامانی در زندگانی او و خانواده اش می شود. ماده 14 میثاق بین المللی در حقوق مدنی و سیاسی نیز بر ضرورت حفظ حقوق انسانی متهم در کلیه مراحل دادرسی تأکید گرده است.(2)

چنانچه گفته شد، تبصره ذیل ماده 113 ق.آ.د.ک اعلام داشته است:

در جرایمی که مصلحت اقتضا نماید، علت احضار ... ذکر نخواهد شد.

استثنای مذکور در تبصره یاد شده با موازین حقوق بشر و اصول دادرسی های جزایی سازگار نیست. (۳) بدیهی است در کشور ما این آمید در انتظار وجود دارد که دادرسان آموزش دیده و آشنا با اصول و موازین حقوق جزا و انسان دوست، گوشش گشته تا در پیاده کردن این گونه قوانین نامناسب، که می توانند به نقض حقوق متهمان منجر شوند، دقّت کافی به عمل آورده و با حسن تدبیر و حسن عمل خود، ناپاختگی قانون را جبران کنند.

70- محل حضور .- محل حضور احضار شده باید به طور کامل و با صراحة در احضارنامه نوشته شود.

کاربردی

70- ناقص نوشتمن محل حضور .- ناقص نوشتمن محل حضور سبب

1. ماده 109 قانون اصول محاکمات جزایی این قید را ندارد؛ ولی عملاً در احضاریه های متهمان قید می گردد.
2. این ماده در 7 بند (که بند 3 آن، خود 7 قسمت دارد) به طور مفصل حقوق بنیادین و غیر قابل نقض متهم را بیان می کند.
3. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به آخوندی، دکتر محمود، آین دادرسی کیفری، ج 4، بخش دوم.

90

سردرگمی، بلا تکلیفی و پریشانی متهم می شود. به ویژه در شهرهای بزرگ و پر جمعیتی مانند تهران و اصفهان پیدا کردن نشانی محل حضور امر ساده ای نیست.

برای نمونه می توان نوشت:

شعبه 14 دادگاه عمومی تهران، واقع در مجتمع امام خمینی، میدان ارگ، طبقه سوم، تا متهم بتواند به سهولت، محل مراجعته را پیدا کند.

72- نتیجه عدم حضور .- نتیجه عدم حضور متهم نیز باید در احضار نامه قید شود؛ طبق ماده 117 ق.آ.د.ک. نتیجه عدم حضور متهم، جلب است. بنابراین در اظهارنامه متهم باید قید شود که در صورت عدم حضور جلب خواهد شد. اما تبصره ذیل ماده 113 قانون مذکور می گوید:

در جرایمی که مصلحت اقتضا نماید... نتیجه عدم حضور ذکر نخواهد شد.

معنای قبصه یاد شده این است که در صورت اقتضايد مصلحت، نتیجه عدم حضور متهم در احضارنامه نوشته نشود؛ اما به راستی معلوم نیست در کدام جرم این مصلحت وجود دارد؟ مصلحت چه کسی باید مورد نظر باشد؟ مصلحت متهم با مصلحت شاکی خصوصی و یا مصلحت هر دو؟ و یا مصلحت جامعه؟

مضافاً به این که تشخیص مصلحت علی الظاهر با مرجع احضار گننده است. این روش، دادرسی کیفری را به سوی استبداد قضایی می‌کشاند.

به علاوه چنانچه متهم از نتیجه عدم حضور خود اطلاع نداشته باشد و با وجود رؤیت احضارنامه و از روی تسامح و نادانی نزد مرجع قضایی حاضر نگردد و در نتیجه این رفتارش، برای ماده ۱۱۷ ق.آ.د.ک. جلب شود، آیا با انصاف قضایی سازگار خواهد بود؟

91

به ویژه در کشورهایی که اطلاعات عمومی و حقوقی شهروندان، در سطح پایین تری قرار دارد و اکثر شهروندان به درستی نتیجه عدم حضور خود را نمی دانند، جلب، بسیار غیرعادلانه خواهد بود. دادرسان خوش ذوق کشور ما، در اجرای این نوع مقررات نسبتی نجده، نبوغ و عظمت دادگری خود را نشان خواهد داد.

73- احصار افراد با عنوانی غیر متهم . - فرد مورد تعقیب کیفری به عنوان متهم و با رعایت نکاتی که توضیح داده شد باید احضار گردد. احصار متهم، جز با شرایط فوق مستند و وجاهت قانونی ندارد. احصار افراد به عنوان شاکی، مطلع و یا گواه و سپس تعقیب و تحقیق از آنان به عنوان متهم در شأن فرشته عدالت نیست؛ و در حقیقت اغفال فرد مورد تعقیب می باشد و او را از حقوق دفاعی محروم می کند. در اکثر کشورهای جهان این نوع اقدامات و احصارها، فریب کارانه به شمار می آید و از موجبات ابطال تحقیقات مقدماتی می باشد.(۱)

کاربردی

۷۴- دستور احصار . - برای صدور احصار نامه، نخست باید از طرف مقام قضایی دستور احصار داده شود . دستور احصار باید صریح و روشن باشد و کلیه نکات لازم جهت درج در احصارنامه را در برگیرد. دستور احصار، حسب مورد، خطاب به دفتر دادگاه و یا دادسرا صادر می گردید.

نمه نه

دفتر: «الف» مقیم تهران، خیابان.....، کوچه.....، شماره ۵.....، متنیم به

۱. در اغلب کانتون های کشور سویس هرگاه فردی به عنوان شاکی یا شاهد و یا مطلع احضار شود و در مظان اتهام قرار گیرد، نمی توان در همان جلسه به او تفهیم اتهام کرد و به عنوان متهم مورد بازجویی قرار داد.

برای مطالعه و اطلاع بیشتر ر.ک: به امیری، محمد: اثبات جرم با توصل به روش های نامشروع، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه قم، ۱۳۸۲.

92

سرقت، برای سه روز پس از رویت احضارنامه، با قید نتیجه عدم حضور جلب، حضار گردد.

مقام قضایی

اگر دستور احضار مقام قضایی به طور کامل و با صراحت نوشته نشود، ممکن است کارکنان دفتری مرتکب اشتباه شوند؛ و مقررات مربوط به صدور احضارنامه ها را با دقت به موقع اجرا نگذارند. گاهی مشاهده می شود در پرونده ای که مقام قضایی نوشته است

«دفتر – متهم احضار شود.» این دستور غیر کافی و ناقص است. در حقیقت، مقام قضایی با صدور این گونه دستور بار سنگین استخراج مشخصات متهم، موضوع اتهام، مهلت و نتیجه عدم حضور را به عده کارکنان دفتری می گذارد، که روش پسندیده ای نیست. به ویژه در پرونده های مهم و سنگینی که کارکنان دفتری به زحمت می توانند متهم و یا متهمان آن را تشخیص دهند و ضمانت اجرای عدم حضور متهم را بشناسند و مهلت مناسب برای حضور را تعیین کنند، باید از این گونه دستورها اجتناب ورزید. مقام قضایی این نکات را بهتر می داند و راحت تر می تواند با حسن اجرای قانون، عدالت را در این موارد تأمین کند. فرض قانونگذار نیز بر این است که مقام قضایی داناتر و آگاه تر است؛ البته کارمندان آموزش دیده دادگستری می توانند در این مورد برای مقام های دادسرا و دادرسان دادگاه ها کمک های ارزشمند ارایه دهند؛ اما به هر حال صدور کامل و صریح وظیفه مقام قضایی بوده و می تواند برای حسن جریان کارها راهنمای خوبی باشد.

75 – امضای احضار نامه . – دستور احضار را مقام قضایی صادر می کند. متن احضارنامه را کارکنان دفتری تهیه و آن را امضا نیز می کنند. البته منعی وجود ندارد.

93

که مقام قضایی خود احضار نامه را تنظیم و یا امضا کند؛ اما در عمل دادرسان و مقام های دادسرا از این نوع کارها امتناع می ورزند و چه بسا آن را مغایر شان خود می دانند.

76 – شماره، تاریخ و مهر . – علاوه بر نکاتی که شرح داده شد و درج آنها در احضار نامه لازم است، نکات دیگری نیز وجود دارد که در قانون پیش بینی نشده است، اما با توجه به این که احضارنامه یک سند قضایی می باشد و آثار و نتایج مهمی دارد باید دارای شماره و تاریخ صدور و مهر باشد.

77 – ابلاغ احضارنامه . – چنانچه گفته شد، احضار متهم به وسیله احضارنامه به عمل می آید. احضارنامه در دو نسخه فرستاده می شود. یک نسخه آن را متهم تحويل گرفته و نسخه دیگر را امضا کرده به مأمور احضار رد می کند؛(1) و هرگاه احضار شده سواد نداشته

باشد، مضمون احضارنامه در حضور دو نفر شاهد ابلاغ می‌شود. ترتیبات ابلاغ احضارنامه به گونه مقرر در فصل مربوط به آینین دادرسی مدنی خواهد بود. (2) و (3)

1. ماده 112 ق.آ.د.ک.
2. ماده 114 همان قانون.

3. جهت اطلاع بیشتر خوانندگان ارجمند و سهولت مراجعه آنان، موادی از قانون آینین دادرسی مدنی مصوب 21	آینین دادرسی مدنی مصوب 21	می‌شود :	1	در زیر نقل 1379
---	---------------------------	----------	---	-----------------

بحث دوم – ابلاغ

ماده 67 پس از دستور دادگاه دایر به ابلاغ اوراق دعوا، مدیر دفتر یک نسخه از دادخواست و پیوست های آن را در پرونده بایگانی می کند و نسخه دیگر را با ضمایم آن و اخطاریه جهت ابلاغ و تسلیم به خواننده ارسال می دارد.

ماده 68. مأمور ابلاغ مکلف است حداکثر ظرف دو روز اوراق را به شخص خواننده تسلیم کند و در برگ دیگر اخطاریه رسید بگیرد. در صورت امتناع خواننده از گرفتن اوراق، امتناع او را در برگ اخطاریه قید و اعاده می نماید.

تبصره 1. ابلاغ اوراق در هر یک از محل سکونت یا کار به عمل می آید. برای ابلاغ در محل کار کارکنان دولت و مؤسسات مأمور به خدمات عمومی و شرکت ها، اوراق به کارگزینی قسمت مربوط یا نزد

94

ریسیس کارمند مربوط ارسال می شود. اشخاص یاد شده مسوول اجرای ابلاغ می باشند و باید حداکثر به مدت 10 روز اوراق را اعاده نمایند، در غیر این صورت به مجازات مقرر در قانون رسیدگی به تخلفات اداری محکوم می گرددند.

تبصره 2. در مواردی که زن در منزل شوهر سکونت ندارد ابلاغ اوراق در محل سکونت یا محل کار او به عمل می آید.

ماده ۶۹. هر گاه مأمور ابلاغ نتواند اوراق را به شخص خوانده برساند باید در نشانی تعیین شده به یکی از بستکان یا خادمان او که سن و وضعیت ظاهری آنان برای تمیز اهمیت اوراق یاد شده کافی باشد، ابلاغ نماید و نام و سمت گیرنده اخطاریه را در نسخه دوم قید و آن را اعاده کند.

ماده ۷۰. چنانچه خوانده یا هر یک از اشخاص یاد شده در ماده قبل در محل نباشد یا از گرفتن برگ های اخطاریه استنکاف کنند، مأمور ابلاغ این موضوع را در محل نسخه اخطاریه قید نموده، نسخه دوم را به نشانی تعیین شده الصاق می کند و برگ اول را با سایر اوراق دعوا عودت می دهد. در این صورت خوانده می تواند تا جلسه رسیدگی به دفتر دادگاه مراجعه و با دادن رسید، اوراق مربوط را دریافت نماید.

ماده ۷۱. ابلاغ دادخواست در خارج از کشور به وسیله مأموران کنسولی یا سیاسی ایران به عمل می آید. مأموران یاد شده دادخواست و ضمایم آن را وسیله مأمورین سفارت یا هر وسیله ای که امکان داشته باشد برای خوانده می فرستند و مراتب را از طریق وزارت امور خارجه به اطلاع دادگاه می رسانند. در صورتی که در کشور محل اقامت خوانده، مأموران کنسولی یا سیاسی نباشند این اقدام را وزارت امور خارجه به طریقی که مقتضی بداند انجام می دهد.

ماده ۷۸، هر یک از اصحاب دعوا یا وکلای آنان می توانند محلی را برای ابلاغ اوراق اخطاریه و ضمایم آن در شهری که مقر دادگاه است انتخاب نموده، به دفتر دادگاه اعلام کنند. در این صورت کلیه برگ های راجع به دعوا در محل تعیین شده ابلاغ می گردد.

ماده ۸۰. هیچ یک از اصحاب دعوا و وکلای دادگستری نمی توانند مسافرت های موقتی خود را تغییر محل اقامت حساب کرده، ابلاغ اوراق دعوا مربوط به خود را در محل نامبرده درخواست کنند. اعلام مربوط به تغییر محل اقامت وقتی پذیرفته می شود که محل اقامت برابر ماده ۱۰۰۴ قانون مدنی به طور واقعی تغییر یافته باشد. چنانچه بر دادگاه معلوم شود که اعلام تغییر محل اقامت برخلاف واقع بوده است، اوراق به همان محل اولیه ابلاغ خواهد شد.

ماده ۸۱. تاریخ و وقت جلسه به خواهان نیز برابر مقررات این قانون ابلاغ می گردد.

تبصره – تاریخ امتناع خوانده از گرفتن اوراق یاد شده در ماده ۶۷ و ندادن رسید به شرح مندرج در ماده ۶۸، تاریخ ابلاغ محسوب خواهد شد.

ماده ۸۲. مأمور ابلاغ باید مراتب زیر را در نسخه اول و دوم ابلاغ نامه تصریح و امضا نماید:

1. نام و مشخصات خود به طور روشن و خوانا.

2. نام کسی که دادخواست به او ابلاغ شده با تعیین این که چه سمتی نسبت به مخاطب اخطاریه دارد.

3. محل و تاریخ ابلاغ با تعیین روز، ماه و سال با تمام حروف.

95

78- احضار متهم از طریق روزنامه . – طبق ماده 115 ق.آ.د.ک.

هرگاه در امر جزایی ابلاغ احضاریه به واسطه معلوم نبودن محل اقامت ممکن نشود و به طریق دیگری هم ابلاغ احضاریه ممکن نگردد با تعیین وقت رسیدگی، متهم یک نوبت وسیله یکی از روزنامه های کثیرالانتشار یا محلی، احضار و در صورت عدم حضور، قاضی رسیدگی و با لحاظ مواد (217) و (218) این قانون اظهار عقیده می نماید.(1)

تاریخ نشر آگهی تاریخ دادرسی کمتر از یک ماه نباید باشد.(2)

ماده 83. در کلیه مواردی که به موجب مقررات این مبحث اوراق به غیر شخص مخاطب ابلاغ شود در صورتی دارای اعتبار است که برای دادگاه محرز شود که اوراق به اطلاع مخاطب رسیده است.

1379	اداره کل حقوقی قوه قضائیه: «با توجه به اصلاحات بعدی آن مواد 1007 و 1008 قانون مدنی در دستور العمل های نحوه احضار و جلب فرماندهان، احضار و جلب افراد نظامی می یابد از طریق ادارات ذی ربط توسط اداره کارگزینی انجام پذیرد، لکن اگر به این طریق امکان ابلاغ میسور نباشد مثلاً امکان ابلاغ احضاریه به شخص نظامی که به علت غیبت طولانی و یا فرار ممکن نگردد طبعاً بایستی بر اساس ماده 111 قانون یاد شده از طریق مطبوعات اقدام شود».	5	7	3	برابر نظريه مشورتی شماره 1381
------	--	---	---	---	--

2. یادآوری می گردد ماده 111 قانون مذکور (اصلاحی بهمن 1335) مقرر می دارد: «هرگاه در امر جزایی ابلاغ احضاریه به واسطه معلوم نبودن محل اقامت ممکن نباشد و به طریق دیگری هم ابلاغ احضاریه ممکن نگردد، موضوع اتهام 3 نوبت متوالی در یکی از جراید یومیه کثر الانتشار اعلان، و پس از انقضای دو ماه از تاریخ آخرین آگهی بازپرس رسیدگی و اظهار عقیده می نماید.»

میان ماده 115 قانون دید و ماده 111 قانون مصوب 1290 تفاوت هایی وجود دارد. از جمله این که در قانون اصول محاکمات کیفری سه نوبت نشر آگهی پیش بینی شده، اما در قانون جدید، یک

بار؛ همچنین برابر قانون مذکور، موضوع اتهام در آگهی ذکر می شود، اما برابر قانون جدید، مفاد اطلاعیه فقط احضار است، حتی ذکر نتیجه عدم حضور، الزامی نیست. نکته سوم آن است که فاصله آگهی تا روز دادرسی در قانون قبلی بیشتر و مشخصاً 2 ماه است، اما در قانون جدید کمتر و مبهم است.

96

گفتار دوم

جلب متهم

79 – ضمانت اجرای احضارنامه . – «متهم احضار شده مکلف است در وقت مقرر و یا در مهلت تعیین شده شخصاً نزد مرجع احضار گشته حاضر شود. معرفی وکیل مدافع و یا نوشتمن لایحه دفاعیه نمی تواند متهم را از حضور در نزد مرجع قضایی معاف کند. اگر متهم نتواند حضور یابد، چنانچه عذر موجه داشته باشد می تواند آن را اعلام کند. قانونگذار 6 مورد را به عنوان عذر موجه، بر شمرده است. (1) متهمی که حضور پیدا نکرده و گواهی عدم امکان حضور هم نفرستاده

1. ماده 116 (ق.آ.د.ک): متهم موظف است در موعد مقرر حاضر شود و اگر نتواند، باید عذر موجه خود را اعلام نماید.

جهات زیر عذر موجه محسوب می شود:

(1) نرسیدن احضار نامه یا دیر رسیدن، به گونه ای که مانع از حضور در وقت مقرر شود.

(2) مرضی که مانع از حرکت است.

(3) فوت همسر یا یکی از اقرباً تا درجه سوم از طبقه دوم

(4) ابتلا به حوادث مهم از قبیل حریق و امثال آن.

(5) عدم امکان تردد به واسطه حوادث قهری مانند طغیان رودخانه و امراض مسری، از قبیل وبا و طاعون.

(6) در توقیف بودن.»

ماده 113 قانون اصول محاکمان جزایی مقرر می کند: «جهات ذیل عذر موجه محسوب است:

(1) نرسیدن احضار نامه یا دیر رسیدن به قسمی که مانع از حضور در وقت مقرر شود.

(2) مرضی که مانع از حرکت است.

(3) فوت یکی از والدین یا زوجه یا اولاد و یا مرض سخت یکی از اشخاص مذکوره.

(4) ابتلای بزرگی از قبیل حريق و امثال آن.

(5) عدم امکان مراوده به واسطه بليات سماوي از قبیل امراض مسری (وبا و طاعون و غیره) یا طغيان رودخانه و امثال آن.

(6) در توقيف یا حبس بودن.»

از مقایسه این ماده معلوم می شود بند 3 ماده 116 از جهت خویشاوندان اعم است، اما شامل مرض

97

باشد به دستور قاضی جلب می شود. (1) پس ضمانت اجرای عدم تمکین به احضار نامه، جلب است.

80 – برگ جلب . – جلب متهم، به موجب برگ صورت می گیرد. برای ماده 119 ق.آ.د.ک:

جلب متهم به موجب برگ جلب به عمل می آید. برگ جلب که مضمونش، مضمون احضاریه است باید به متهم ابلاغ شود.

بنابراین در برگ جلب نیز باید مشخصات متهم از قبیل نشانی، نام و نام خانوادگی به دقّت نوشته شود. به علاوه دارای امضای مقام مسئول قضایی بوده و شماره و تاریخ صدور داشته باشد.

81 – تفاوت های دو روش مذکور را می توان به شرح زیر خلاصه کرد:

یک. در احضاریه ، برای متهم فرصت کافی داده می شود تا در مهلت تعیین شد شخصاً نزد مرجع احضار گننده حاضر شود، برعکس، در جلب مهلتی وجود ندارد تا متهم خود را به مقام قضایی معرفی نماید.

طبق ماده 120 ق.آ.د.ک:

مأمور جلب، پس از ابلاغ برگ جلب، متهم را دعوت می نماید که با او نزد قاضی حاضر شود. چنانچه متهم امتناع نماید او را جلب و تحت الحفظ به مرجع قضایی قسلیم خواهد نمود و در صورت نیاز می تواند از سایر مأموران استمداد نماید. کسانی که در امتناع متهم، به

سخت آنان نمی شود و از حیث بیماری بستگان متهم ماده 113 مناسب تر به حال متهم است. همچنین بند 6 ماده 113 اعم است؛ زیرا شامل دو عنوان «توقیف و حبس» است، اما بند 6 ماده 116 فقط در برگیرنده عنوان «توقیف» است.

1. ماده 117 همان قانون و ماده 114 قانون اصول محاکمات جزایی.

98

او کمک نمایند تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت.(1)

دو. هر چند دستور احضار و دستور جلب متهم را مقام قضایی صادر می کند، پس نباید از یاد برد که ررقه احضاریه را کارکنان دفتری امضا می کنند، اما جلب را حتماً مقام قضایی باید امضا نماید. جز مقامات قضایی احدي حق ندارد دستور جلب بدهد و یا برگ جلب متهمی را امضا کند.

سه. عذر های موجہی که برای عدم حضور متهم، در موقع احضار، در قانون پیش بینی شده است، در جلب متهم دیده نمی شود. نتیجه این که برای عدم جلب متهم عذر موجه قانونی وجود ندارد.

82 – شرایط جلب متهم . – برای جلب متهم وجود شرایط زیر ضروری است:

الف . متهم احضار شده باشد.

ب . احضار نامه به متهم ابلاغ شده باشد.

ج. ابلاغ احضار نامه صحیحاً صورت گرفته باشد.

د. متهم حاضر نشده باشد.

هـ . متهم برای عدم حضور خود عذر موجہی اعلام ننموده باشد.

شرایط پنج گانه مذکور باید توأمًا وجود داشته باشد. در صورت عدم تحقق هر یک از آنها باید از جلب متهم امتناع ورزید، به نحوی که حتی اگر یکی از این شرایط وجود نداشته باشد نمی توان متهم را جلب کرد. در این صورت مقام قضایی چاره ای ندارد جز این که مجدداً متهم را احضار نماید.

قانون اصول محاکمات جزایی نیز در این مورد مقررات مشابه ای دارد. به موجب ماده 117 این قانون:

«رساننده» ورقه جلب بعد از تبلیغ، متهم را دعوت می نماید که با او نزد مستنطق برود و هر گاه متهم امتناع نماید، مأمور از قوای عمومی (نظمیه و مأمورین دولتی) استعانت می نماید و هر کس به متهم کمک بنماید، مسئول بوده و موافق قانون، مجازات می شود.»

99

کاربردی

83 – نمونه دستور احضار مجدد . – به تاریخ ... آذر ماه 13 پرونده تحت نظر است و به شرح زیر اقدام می شود:

دفتر – چون تاریخ ابلاغ احضاریه متهم به حروف نوشته نشده است، لذا مقرر می شود مجدداً متهم طبق دستور قبلی احضار و به مأموران ابلاغ تذکر داده شود که باید تاریخ ابلاغ احضاریه ها به حروف نوشته شود.

فعلاً جهت عدم رکود امور، وقت احتیاطی تعیین گردد.

مقام قضایی

84 – الزامي بودن جلب . – چنانچه شرایط جلب موجود باشد، مقام قضایی مکلف است متهم را جلب کند؛ به عبارت صريح تر، در اين خصوص مقامات دادسرا و دادرسان دادگاه ها، آزادی عمل ندارند و نمی توانند با متهم اتفاق آمیز رفتار نمایند، مثلآ برای بار نخست او را از جلب معاف کنند و به احضار مجدد پردازنند. برابر ماده 117 ق.آ.د.ک:

اشخاصی که حضور پیدا نکرده و گواهی عدم امکان حضور هم نفرستاده باشند، به دستور قاضی جلب می شوند.

85 – دستور جلب . – جلب متهم همانند احضار او نیاز به دستور مقام قضایی دارد. چنانچه کفته شد دستور جلب را تنها مقامات قضایی می توانند صادر کنند. دستور جلب باید موجه، مستدل، صريح و کامل باشد.

کاربردی

86 – نمونه دستور جلب . – دفتر: چون آقای «الف» متهم به ارتکاب

100

یک فقره سرقت، با وجود ابلاغ احضاریه و سپری شدن مهلت مقرر حاضر نشده و عذر موجهی نیز برای عدم حضور خود اعلام نکرده است، برگ جلب وی تنظیم و به نظر برسد.

مقام قضایی

دستور فوق نشان می دهد که مقام قضایی متهم را احضار کرده است، احضاریه ها، به طور صحیح، به متهم ابلاغ گردیده، اما متهم حاضر نشده و عذر موجه نیز اعلام نکرده است.(۱)

87 – جلب بدون احضار . – علی الاصول، برای تحقیق مقدمات، متهم باید احضار شود و اگر حضور نیافت و عذر موجه هم ارایه ننمود جلب گردد. در بعضی موارد ضرورت ایجاد می کند تا متهم بدون احضار قبلی جلب شود؛ زیرا اگر متهم احضار شود و سپس جلب گردد، ممکن است فرار کند و یا خود را مخفی نماید. در این صورت فرصت مناسب برای دست یابی به متهم از بین می رود، فرصتی که شاید بعدا نیز تدارک آن میسر نباشد. این است که قانون گذار قبول کرده است تا در شرایطی، مقام قضایی بتواند، بدون آن که ابتدا متهم را احضار کند رأساً او را جلب نماید. این موارد را جهات جلب بدون احضار می نامند.

این جهات را قانون نعین می کند و تشخیص ضرورت لب بدون احضار با مقام قضایی رسیدگی کننده است.

در ماده 118 ق.آ.د.ک. می خوانیم:

قضی می تواند در موارد زیر بدون این که بدؤاً احضاریه فرستاده باشد دستور جلب متهم را صادر نماید:

1. برای اطلاع بیشتر ر.ک: آخوندی، دکتر محمود، آین دادرسی کیفری، ج 2، ص 105 و 106.

101

الف . در جرایمی که مجازات قانونی آنها قصاص، اعدام و قطع عضو می باشد.

ب. متهمینی که محل اقامت یا شغل و کسب آنها معین نبوده و اقدامات قضی برای دست یابی به متهم به نتیجه نرسیده باشد.(۱)

چون جهات مذکور در ماده مرقوم حصری و استثنایی می باشد لذا نمی توان آن را به موارد دیگر تسری داد؛ باید به طور مضيق تفسیر گردد و تنها در موارد متنی اعمال شود.

کاربردی

88 – دستور جلب بدون احضار . – دستور جلب بدون احضار، نیز از طرف مقام قضایی صادر می شود و با دستور جلب معمولی، اندکی تفاوت دارد.

نمونه:

دفتر: آقای «ج» متهم به قتل عمدى، با توجه به مجازات عمل ارتکابی و بیم فرار و مخفی شدن، مستندا به آخر بند «الف» ماده 118 قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری برگ جلب تنظیم و به نظر برسد.

مقام قضایی

1. موارد جلب بدون احضار در ماده 115 قانون اصول محاکمات جزایی به شرح زیر می باشد:
«مستنطق می تواند در موارد ذیل بدون این که بدوا احضار نامه فرستاده باشد، حکم جلب را
بدهد.»

1) درمورد اتهام به جنایتی که مجازات آنها جزای ترهیبی و تردیلی است. (رجوع به قانون
جزا).

2) در مورد اتهام به جرمی که در اهمیت، کمتر از فقره اول است، ولی بیم فرار و مخفی شدن
متهم می رود.

3) در مورد متهمینی که محل اقامت یا شغل و کسبشان معین نیست.

102

چنانچه متن ماده 118 مرقوم نشان می دهد، متن برای هر نوع قصاص، (اعم از قصاص نفس و یا قصاص اطراف)، اعدام و قطع عضو
اجازه داده است تا قاضی بتواند متهم را رأساً جلب کند. درباره جرایم مستلزم مجازات رجم و صلب، حکم خاصی در قانون دیده نمی
شود. با نبودن نص، شاید بتوان پذیرفت که رجم نوعی طریق اجرای مجازات اعدام است(1) و جلب بدون احضار متهم، مستنداً به بند
«الف» ماده 118 مذکور، در جرایم مستلزم رجم بلامانع می باشد. اما در موارد صلب(2) که قصد کشتن متهم وجود ندارد، و تنها به
صلیب کشیدن او منظور می باشد، جلب متهم مستنداً به بند «الف» ماده 118 فوق توجیهی ندارد.

بند «ب» ماده یاد شده، جهت دیگری نیز برای جلب بدون احضار پیش بینی کرده است:

متهمینی که محل اقامت یا شغل و کسب آنها معین نبوده و اقدامات قاضی برای دست یابی به متهم به نتیجه نرسیده باشد.

کاربردی

89 – نمونه دستور درباره متهم فاقد محل اقامت و شغل معین . –

دفتر نظر به این که ... متهم ... محل اقامت و شغل معینی ندارد مستنداً به

1. از دیدگاه دیگر، رجم ملازمه ای با اعدام ندارد، لذا ماده 103 ق.م.ا.فرضی را مطرح کرده که
محکوم به رجم، در صورت قرار، برای اجرای رجم، برگردانده نمی شوند. از سوی دیگر تفسیر
 مضيق مقررات جزایی و لزوم تفسیر به نفع متهم، اقتضاء می کند در مورد حدود، از جمله حد رجم
نوان ماده 118 را جاري کرد.

2. مانند مورد ماده 195 ق.م. که مقرر می کند: «مصلوب کردن مفسد و محارب به صورت زیر انجام می گردد:

الف) نحوه بستن موجب مرگ او نگردد.

ب) بیش از سه روبرو بر صلیب نماند، ولی اگر در اثنای سه روز بمیرد، می توان او را پایین آورد.

ج) اگر بعد از سه روز زنده بماند، باید اورا کشد.»

103

بند «ب» ماده 118 قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری برگ جلب وی تنظیم و به نظر برسد.

مقام قضایی

نظیر این مقررات در بند «ج» ماده 115 قانون اصول محاکمات جزایی نیز وجود دارد. تنها قسمت اخیر آن، یعنی عبارت «اقدامات قضی برای دست یابی به متهم به نتیجه نرسیده باشد» جدیداً به آن اضافه شده است. قید مذکور ظاهراً مفهوم خاصی ندارد و مشخص نیست منظور از این که اقدامات قضی به نتیجه نرسد چه نوع اقداماتی ممکن است باشد و آیا برای دسترسی به متهم، جز احضار و یا جلب، طریق دیگری نیز وجود دارد؟

90 – جلب سیار . – طبق رویه عمومی و متدالول در دارسی های کیفری، برگ جلب صادر و به پاسگاه انتظامی فرستاده می شود تا متهم، در فرصتی مناسب یا تعیین شده به وسیله مأموران مربوط ، جلب و نزد مقام قضایی جلب کننده معروف شود. بدینهی است، در این روش حقوق انسانی و دفاع متهم بهتر تأمین می شود، و از امنیت قضایی بیشتری بهره مند می گردد.

اما در روش دیگری که جلب سیار نامیده می شود امنیت قضایی و حقوق انسانی و دفاعی متهم به مخاطره می افتد؛ زیرا جلب سیار، عبارت از این است که مقام قضایی، برگ جلب را بعد از صدور و امضاء، در اختیار شاکی و یا مدعی خصوصی قرار می دهد تا با معرفی او مأموران مربوط متهم را جلب و نزد مقام قضایی معروف نمایند. در نتیجه سرنوشت قضایی متهم به اراده شاکی خصوصی پیوند می خورد.

نویسنده کان قانون اصول محاکمات جزایی، همکام با سایر قانون نویسان خوش ذوق و اندیشمند، ماده 119 قانون مذبور را مبنی بر روش اول تنظیم کرده اند که با

104

موازین شناخته شده دادرسی های جزایی سازگار می باشد. طبق ماده یاد شده:

در صورتی که متهم غایب باشد، ورقه جلب به نظمیه داده می شود که متهم را نزد مستنبط حاضر نمایند.

متن ماده 122 قانون آینین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، هر چند، روش منطقی و انسانی قانون اصول محاکمات جزایی را پذیرفته و از آن پیروی کرده است و در حقیقت متن ماده مذبور جز تکرار مفاد ماده 119 قانون اصول محاکمات جزایی مطلبی ندارد؛ اماً تبصره ای به آن افزوده است که قابل تأمل می باشد. به موجب این تبصره:

در صورت ضرورت، قاضی می تواند برگ جلب را در اختیار شاکی قرار دهد تا به معروفی او، ضابطین، متهم را جلب و تحويل مرجع قضایی نمایند.

با این اقدام، جلب سیار که در عرف قضایی کشور ما، گاهی در عمل دیده می شد و توجیه قانونی نداشت، جایگاه قانونی پیدا کرده است. البته جلب سیار مغایر آشکار حقوق شهروندی است و امنیت و آزادی متهم را سخت به خطر می اندازد و برای او نکرانی های غیر قابل توجیه به وجود می آورد:

اشکال دیگر جلب سیار، آن است که طبعاً مرجع تشخیص ضرورتی که به موجب آن می توان برگ جلب را در اختیار شاکی قرار داد، قاضی است و او نیز موظف نیست درباره مبنای تشخیص این ضرورت به مقامی، توضیح دهد. این وضعیت می تواند زمینه ساز اعمال فشار بر قاضی گردد یا احیاناً مورد استفاده وسیع برخی قضايان سختگیر قرار گیرد که به استبداد قضایی منجر می شود.

ایراد دیگر آن که، ممکن است شاکی، بعد از گرفتن برگ جلب سیار، اقدام لازم برای جلب متهم به عمل نیاورده و پرونده مدت ها (حتی تا آنجا که مشمول مرور

105

زمان تعقیب گردد)، بلا اقدام بماند. به ویژه در جرایم غیر قابل گذشت تحويل برگ جلب به شاکی توجیهی ندارد.

کاربردی

91 - شرایط جلب سیار . - قانون، شرط خاصی برای جلب سیار پیش بینی نکرده است، ولی از آنجا که این روش خلاف موازین شناخته شده عدالت کیفری می باشد و ممکن است برای شهروندان به ناحق مزاحمت ایجاد کند، به قضايان نکته سنج و بشردوست و عدالت مدار کشورمان، توصیه می شود با رعایت نکات زیر در صدور برگ جلب سیار، کاستی های قانون در این زمینه را جبران نمایند:

1. برگ جلب ابتدا به پاسگاه انتظامی فرستاده شود. هر گاه طبق گزارش ضابطین دادگستری، جلب متهم مقدور نباشد، در مرحله بعد، به شاکی تحويل داده شود. به عبارت روشن قر، در این مورد نباید به گفته شاکی مبنی بر عدم امکان جلب متهم اکتفا گرد.

2. شاکی کتاباً چنین درخواستی را بنماید؛ و اگر بی سواد است تقاضای او در صورت جلسه ای منعکس گردد.

3. برگ جلب سیار مدت داشته باشد و خارج از آن مدت نتوان به موجب همان برگ متهم را جلب گرد.

این مهلت حداقل یک یا دو هفته تعیین شود.(1)

1. اگر ثابت شود، پس از به دست آوردن برگ جلب سیار، در صدد سوء استفاده برآمده و از آن، به عنوان تهدید ناحقی علیه متهم، سوء استفاده می نماید، قاضی موظف است با این وضعیت مقابله کند.

106

سیار خودداری شود.

5. تنها مقام قضایی می تواند کتبأ دستور دهد تا برگ جلب در اختیار شاکی قرار گیرد. کارکنان دفتری، بدون دستور قضایی، مجاز به چنین اقدامی نیستند.

نمونه:

با توجه به گزارش پاسگاه انتظامی....، چون «الف» متهم به صدور یک فقره چک بلا محل، تغییر آدرس داده و جلب او مقدور نیست و شاکی خصوصی در نامه ای اعلام داشته است که متهم در بعضی محله ها دیده می شود و تقاضا نموده است ضابطین با معرفی او متهم را دستگیر کنند، مستنداً به تبصره ماده 122 قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مقرر می شود تا برگ جلب در اختیار شاکی خصوصی قرار گیرد تا ظرف دو هفته نسبت به معرفی و جلب متهم به وسیله ضابطین دادگستری اقدام گردد.

مقام قضایی

92 – جلب شبانه . – جلب متهم باید در روز به عمل آید. جلب شبانه جز در موارد استثنایی ممنوع است؛ زیرا، برای متهم و اعضای خانواده او نگرانی به وجود می آورد. علت و دلیل خاصی باید ضرورت جلب شبانه را توجیه کند. طبق ماده 121 ق.آ.د.گ.:

جلب متهم به استثنای موارد فوری، باید در روز به عمل آید.

هر چند ماده مرقوم تنها به ذکر فوری بودن مورد اکتفا کرده و توضیحی درباره آن نداده است؛ اما به نظر می رسد علت و دلیل خاصی باید لزوم آن را توجیه کند؛ و

107

مقام قضایی ضمن صدور دستور جلب ، امکان شبانه بودن آن را به طور موجه مستدل در برونده قید کند و در هر مورد به مأموران جلب نیز نذکر دهد.

کاربردی

13.. در وقت فوق العاده پرونده تحت نظر است و به شرح زیر اقدام می شود: با توجه به گزارش پاسگاه انتظامی چون «الف» متهم به سوت، در ساعات روز در شهر رفت و آمد ندارد و جلب او در روز مقدور نیست، مستنداً به ماده 121 قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، شبانه جلب شود.

93- نمونه
قرار جلب شبانه
- به تاریخ ...

مقام قضایی

به نظر می رسد بهتر است ابتدا متهم به طور معمولی و در ساعات روز جلب شود. اگر جلب روزانه او به دلیل موجبه مقدور نشود، دستور جلب شانه صادر گردد. البته ممکن است چنین استنباطی از متن ماده 121 مذکور دور از ذهن به نظر رسد اما باید دانست که با موازین دادرسی های کیفری و اصول حقوق بشر و اندیشه های عدالت خواهی اनطباق بیشتری دارد. ناگفته نماند که از متن ماده 118 قانون اصول محاکمات جزایی این اندیشه راحت تر به ذهن متبادر می شود.

94 - وضعیت متهم محلوب . - ماده 123 ق.آ.د.ک مقرر داشته است:

متهم از هنکام ابلاغ برگ جلب تا حضور نزد قاضی، تحت نظر و محافظت خواهد بود.

با وجودی که مقررات این ماده با موازین قانون اصول محاکمات جزایی یکی است و تفاوت چندانی بین آن دو وجود ندارد، اما باید دانست که تبصره ای بر آن

108

اضافه شده است که جالب توجه می باشد و در اعمال آن باید هشیار بود. به موجب این تبصره:

مأمورین مکلفند متهم جلب شده را بلا فاصله تحويل مقام قضایی دهند و در صورتی که می توانند وی را بازداشت نمایند که بیم تبانی و خوف فرار و امحای آثار جرم باشد و در هر صورت حق نگهداری وی را بیش از 24 ساعت بدون اجازه مقام قضایی ندارد.

بدون تردید، ضابطین دادگستری و مأموران جلب مکلفند بلا فاصله متهم محلوب را تحويل مقام قضایی دهند. این روش بسیار معقول و با اصول دادرسی های کیفری و موازین شناخته شده حقوق بشر منطبق می باشد. ولی این که مأموران بتوانند به بهانه های گوناگون متهم را بازداشت نمایند، ولو به بهانه بیم تبانی و خوف فرار و امحای آثار جرم، قابل تأمل است. به ویژه آنکه تشخیص بیم تبانی و خوف فرار و امحای آثار جرم نیز با مأمور مربوطه می باشد. نگرانی و ناامنی متهم محلوب زمانی دو چندان می شود که مأموران جلب آموزش کافی نیز ندیده باشند.

علاوه بر اینها، امکان بازداشت متهم محلوب، با اجازه مقام قضایی، حتی برای بیش از 24 ساعت نیز تجویز شده است؛ بدون این که مدت آن مشخص باشد. روش ترکویم طبق قسمت اخیر تبصره یاد شده، اگر مقام قضایی اجاره دهد، مأمور جلب می تواند متهم محلوب را به هر مدت در بازداشت نگه دارد.(1)

95 – جلب بدون دستور مقام قضایی . – جلب متهم باید به دستور مقامات قضایی صورت گیرد. بدون دستور مقام قضایی و با داشتن نمایندگی و اجازه صریح از طرف او نمی توان احدي را به عنوان متهم جلب کرد. شاید تنها یک مورد بتوان در قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران نشان داد که بدون دستور مقام قضایی

1. دادرسان با وجودان و آشنا به موازین قضایی کشور ما به این نکات توجه خاص مبذول می کنند؛
واز صدور اجازه توقيف بیش از 24 ساعت در اينگونه موارد خودداری می نمایند.

109

ممکن است متهمی را جلب کرد؛ و آن در قلمرو جرایم مشهود است. در این نوع جرایم طبق ماده 24 ق.آ.د.ک.

... و چنانچه در جرایم مشهود بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافصله کتبأ به متهم ابلاغ شود و حداقل تا مدت 24 ساعت می توانند متهم را تحت نظر نگهداری نموده و در اولین فرصت باید مراقب را جهت اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع مقام قضایی برسانند...»

نیز وفق ماده 18 همان قانون:

... و در خصوص جرایم مشهود تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات و ادوات و آثار و عالیم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی، معمول و تحقیقات مقدماتی را انجام و بلافصله به اطلاع مقام قضایی می رسانند.«

جلب از اقدامات مهم و شناخته شده سالب حقوق و آزادی های شهروندی است که ماده 18 مذبور آن را سخاوتمندانه در اختیار ضابطین دادگستری قرار میدهد بدون این که به دستور مقام قضایی نیاز مند باشد.

96 – دستور جلب و اجازه ورود به منازل مسکونی . – دستور جلب، به معنای اجازه ورود به منازل مسکونی افراد نیست. چنانچه برای جلب متهم، نیاز به ورود به منزل مسکونی باشد، مقام قضایی باید آن را در دستور جلب قید کند و یا درباره آن به طور جداگانه دستور دهد و به مأموران جلب نیز تذکر لازم داده شود.

ضابطین دادگستری هم به نوبه خود باید به این نکته توجه کنند و بدون اجازه صریح مقام قضایی از ورود به منزل مسکونی افراد خودداری نمایند.(1)

شرایط و تشریفات قانونی ورود به منازل مسکونی افراد در گفتارهای بعدی بیان خواهد شد.

110

گفتار سوم

تحقیق در منزل (1)

97 – کلیات . – اگر متهم احضار شده، برای عدم حضور خود عذر موجه داشته باشد، باید او را مجدد احضار کرد و هر گاه عذر موجهی نداشته باشد باید او را جلب نمود. گاهی ممکن است عدم حضور متهم ناشی از ابتلای او به بیماری سختی باشد که مانع حضور او نزد مقام قضایی شود. در این فرض احضار مجدد او بی فایده است و جلب او غیرعادلانه و شاید ناممکن باشد. راه حل مناسب این است که مقام قضایی، در صورت لزوم، به منزل متهم مریض رفته و از او بازجویی به عمل آورد.

در ماده 125 ق.آ.د.ک آمده است:

هر گاه شخصی که دستور احضار یا جلب او داده شده به علت بیماری نتواند نزد قاضی حاضر شود در صورت اهمیت و فوری بودن امر جزایی، قاضی نزد او رفته و بازجویی لازم را به عمل می آورد و یا منتظر رفع مانع می شود.

با توجه به متن ماده مرقوم معلوم می شود که برای تحقیق در منزل وجود چند شرط لازم است:

1. بیماری متهم به نحوی باشد که مانع حضور او نزد قاضی گردد.

2. تحقیق اهمیت و فوریت داشته باشد.

3. قاضی، تحقیق فوری را ضروری تشخیص دهد.

1. تحقیق در منزل از موضوعات احضار و جلب خارج است، اما با آنها ارتباط بسیار نزدیک دارد. به هر صورت برای آشنایی بهتر و دقّت بیشتر، تحقیق در منزل در گفتاری جداگانه توضیح داده شد.

111

در این شرایط مقام قضایی می تواند اقدام به تحقیق از متهم در منزل بنماید.

کاربردی

98 – قرار تحقیق از منزل . – در قانون آینین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری و یا در قانون اصول محاکمات جزای اشاره ای به قرار تحقیق در منزل نشده است و در عرف قضایی نیز این نوع قرار کمتر دیده می شود. لزوم آن از نظر اصول دادرسی های کیفری قابل توجیه نیست؛ زیرا وقتی ضرورتی، فوری بودن تحقیق را ایجاب می نماید، صدور قرار، تأخیر در انجام آن به وجود می آورد. این است که در امور کیفری صدور قرار تحقیق در منزل، به ویژه در مراحل نخستین تشکیل پرونده منداول نیست.

اما سایر شرایط ورود به منازل مسکونی افراد که در گفتار بعدی خواهد آمد باید با دقّت مورد توجه قرار گیرد.

99 – تحقیق از شاکی، شاهد و مطلع در منزل . – ماده 125 ق.آ.د.ک در مبحث اول فصل چهارم قانون مزبور نوشته شده است و این فصل اختصاص به احضار و بازجویی از متهم دارد، اما متن آن عام و کلی است. طبق صدر ماده مذکور:

هر گاه شخصی که دستور احضار یا جلب او داده شده به علت بیماری نتواند نزد قاضی حاضر شود...

منطق ماده مرقوم به نحوی انشا شده است که شامل هر احضار شده ای خواه متهم، خواه شاکی، شاهد و یا مطلع می گردد. امید است در آینده، رویه قضایی قلمرو اجرایی ماده یاد شده را به درستی محدود کند.

112

گفتار چهارم

بازجویی از متهم

100 – کلیات . – هنگام بازجویی از متهم، نکات فراوانی باید مورد توجه بازجو قرار گیرد، با تواند در کنار پی بردن به واقعیت و کشف جرم، حقوق قانونی – انسانی متهم را نیز مرااعات نماید.

مقام بازجو باید بداند که نادیده گرفتن هر یک از نکات زیر، در هر حال، خطای نابخودنی است. احساس امنیت، سرعت در شروع بازجویی، امکان حضور وکیل مدافعان، تفہیم اتهام، معقول و صریح و مفید بودن پرسش‌ها و ارتباط آنها با موضوع اتهام، محترم شمردن حق سکوت متهم، عدم اعمال شکنجه و تزویر و تلقین، اخذ آخرین دفاع و دقت و امامت داری در نوشتن پاسخ‌ها و... از جمله نکاتی است که باید فراموش کرد، اینکه هر یک به طور مختصر توضیح داده می‌شود.

101 – احساس امنیت . – در تمام طول تحقیقات مقدماتی و دادرسی؛ به ویژه هنگام بازجویی، متهم باید احساس امنیت کند. وجود این احساس، برای حسن جریان بازجویی و جلب اعتماد متهم به بی‌نظر بودن دستگاه اجرای عدالت و شخص بازجو، برای رفع نگرانی‌های او از تضییع حقوق شهروندی نقش ارزنده ای دارد؛ در نتیجه؛ متهم را به بیان واقعیت، تشویق گردد، او را از دروغگویی باز می‌دارد.

متهم باید با چشم اندازه داشته باشد و احساس راحتی کند. سریعاً نکه داشتن متهم، برای مدتی طولانی و خسته کننده توجیهی ندارد. احتمال حمله متهمان خطرناک می‌توان از مأموران محافظ استفاده کرد.

متهم باید امکان نشستن داشته باشد و احساس راحتی کند. سریعاً نکه داشتن متهم، برای مدتی طولانی و خسته کننده توجیهی ندارد.

102 – تأخیر ناپذیری تحقیق . – نخستین وظیفه مقام قضایی در برابر متهم

113

احضار شده و یا جلب شده، این است که از او بازجویی به عمل آورد. تأخیر در بازجویی متهم در هیچ شرایطی قابل توجیه نیست. در این رهگذر نمی‌توان هیچ عذر و بهانه ای را پذیرفت و به آن جهت متهم را بلا تکلیف نگاه داشت. مقام قضایی مکلف است وضع متهم را مشخص کند. اگر علت خاصی وجود دارد و یا مجالی نمی‌یابد تا به بازجویی متهم پردازد، باید انجام آن را از قاضی دیگر درخواست کند.(1)

اگر دلیلی بر وقوع جرم یا انتساب آن وجود ندارد، قاضی باید سریعاً متهم را مرخص کند. چنانچه امارات کافی بر وقوع جرم و انتساب آن وجود داشته باشد، با تفہیم اتهام بازجویی را آغاز نماید. بالاتکلیف گذاشتن متهم از نظر انسانی خطا است و وجاهت قانونی نیز ندارد و در هر صورت نمی‌توان او را بیش از 24 ساعت تحت نظر نگه داشت.

برابر ماده 127 ق.آ.د.گ:

قاضی مکلف است بلافضله پس از حضور یا جلب متهم تحقیقات را شروع و در صورت عدم امکان حداقل ظرف (24) ساعت مبادرت به تحقیق نماید. در غیر این صورت بازداشت، غیر قانونی تلقی و مرتکب

1. در نظریه مشورتی شماره 6817	7 مورخ 29	9	1378 اداره کل حقوقی قوه قضاییه آمده است :
-------------------------------	-----------	---	---

همان گونه که در ماده 127 قانون فوق تصریح شده است قاضی مکلف است پس از حضور یا جلب متهم تحقیقات را شروع و در صورت عدم امکان حداقل ظرف مدت 24 ساعت مبادرت به تحقیق نماید؛ حال چنانچه شروع به تحقیق از متهم یا تفہیم اتهام به وی مستلزم انجام تحقیقاتی از جمله استماع شهادت شهود یا جلب نظر خبره و یا... باشد قاضی باستی ظرف 24 ساعت، خود شخصاً از پرونده رفع نقص ب عمل آورده و آن را تکمیل نماید و یا انجام تحقیقات و اقدامات مورد نظر را به قاضی تحقیق یا ضابطین دادگستری با ذکر و تصریح آنها محول نماید، به هر حال باستی ظرف مدت 24 ساعت پس از حضور یا جلب متهم، تحقیقات از متهم شروع شود، حکم مقرر در تبصره ذیل ماده 123 راجع به مورد خاص است و مأمورین حق بازداشت متهم محظوظ را ندارند مگر این که جهات مذکور در ماده 123 وجود داشته باشد که در این صورت باستی متهم را ظرف مدت 24 ساعت تحويل مقامات قضایی بدھند.»

114

به مجازات مقرر قانونی محکوم خواهد شد. (1)

ماده ۱۰۳ مرقوم نشان می‌دهد که مقتنن برای تضمین هر چه بیشتر حقوق و آزادی های متهم و جلوگیری از بازداشت های خودسرانه و پایان دادن به هر گونه بهانه، این نوع رفتار را شدیدتر از یک تخلف انتظامی دانسته و آن را از مصادیق جرم به شمار آورده است.

قانون اصول محاکمات جزایی در این باره مقررات جالب تری دارد.(2)

۱۰۳- امکان داشتن وکیل مدافع . - شرکت وکیل مدافع در نخستین بازجویی متهم، اهمیت فراوانی دارد؛ و برای تضمین حقوق دفاعی او تضمین ارزشده ای می باشد. شرکت وکیل مدافع در نخستین بازجویی، از پیشرفت های جدید حقوق جزا است که در یک قرن اخیر نصیب انسان ها شده است و به روش های گوناگون اعمال می گردد.(3)

۱. ماده ۵۷۰ ق.م مقرر می دارد: «هر یک از مقامات و مأمورین دولتی که بر خلاف قانون، آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید علاوه بر انفال از خدمت و محرومیت ۳ تا ۵ سال از مشاغل دولتی، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.»

۲. به موجب ماده ۱۲۳ قانون یاد شده: «مستنطق مکلف است که در ظرف ۲۴ ساعت از زمان حاضر شدن یا حاضر گردن متهم استنطاقات اولیه را به عمل آورد و در ظرف این مدت اگر شروع در استنطاقات نشده باشد مستحفظین متهم را نزد مدّعی العموم ابتدایی بروده و مشارالیه استنطاق فوری او را از مستنطق می خواهد و اگر مستنطق امتناع ورزد و یا غایب باشد و یا این که عذر موجّهی در تأخیر استنطاق داشته باشد، مدّعی العموم استنطاق را از رسیس یا یکی از اعضای محکمه ابتدایی که خودش معین می کند، می خواهد.»

و به موجب ماده ۱۲۴ همان قانون: «هر گاه متهمی که بر حسب احضار یا جلب بیش از ۲۴ ساعت در توقيف بماند بدون این که مستنطق از او استنطاق نماید و به طوری که در ماده قبل ذکر شد پس از حاضر شدن متهم در نزد مدّعی العموم اقدامی در استنطاق او نشود این گونه توقيف در ودیف توقيفاتی است که به اراده شخصی به عمل آمده. در این صورت هر یک از مستحفظین که مرتکب چنین جرمی شده اند از شغل خود منفصل می شوند. مستنطق و مدّعی العموم نیز در ازای تخلفی که از وظایف قانونی خود نموده اند از شغل خود منفصل خواهند شد.»

۳. در کشور فرانسه حق داشتن وکیل مدافعان در مرحله تحقیقات مقدماتی ضمن تغییم اتهام به متهم

115

در کشور ما، ضمن اصلاحات قانون اصول محاکمات جزاًی به سال ۱۳۳۵، در تبصره ای که به ماده ۱۱۲ همان قانون اضافه گردید، به متهم اجازه داده شد تا در مرحله تحقیقات مقدماتی یک نفر وکیل مدافعان خود داشته باشد. طبق روش قانونگذار کشور ما، وکیل مدافعان در این مرحله نقش دفاعی مهمی ایفا نمی کند؛ تنها همراه متهم در جلسه تحقیقات مقدماتی حضور می یابد. متهم شخصاً به پرسش ها پاسخ می گوید. پس از پایان بازجویی از متهم، چنانچه برای حسن اجرای قانون و یا کشف جرم مطالبی ضرورت داشته باشد وکیل مدافعان آنها را بیان می کند که در صورت جلسه تحقیقات درج می شود.

روش مذکور بسیار نارسا، ابتدایی و ناکافی می باشد. مع الوصف قدم نخستین بوده و این امید را به وجود می آورد که به تدریج در کشور ما سیستم استفاده از وکیل مدافعان در مرحله تحقیقات مقدماتی، یعنی در نخستین بازجویی از متهم، رونق و رواج بیشتری یابد و در این مرحله بسیار حساس و مهم و سرنوشت ساز پونده کیفری، از تضییع حقوق شهروندی جلوگیری بنماید.

گذشت زمان این خوش بینی را تأیید نکرد. در قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری متن تبصره یاد شده به صورت یک ماده مستقل انشا گردید (ماده ۱۲۸) اما

تبصره‌ای بر آن اضافه شد که قلمرو شرکت وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی و در نتیجه حضور او در نخستین بازجویی را محدودتر کرد.

یادآوری می‌شود. برای اطلاع بیشتر ر.ک: مؤذن زادگان، دکتر حسنعلی، حق دفاع متهم در آین دادرسی کیفری و مطالعه تطبیقی آن، پایان نامه دکترای حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، 1373.

1. تبصره یاد شده (الحاقی بهمن 1335) مقرر می‌کند: «متهم می‌تواند یک نفر از وکلای رسمی دادگستری را همراه خود داشته باشد؛ وکیل متهم بدون مداخله در امر تحقیق، پس از خاتمه بازجویی، می‌تواند مطالبی را که برای روشن شدن حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به بازپرس تذکر دهد. اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس می‌گردد.»

116

متن ماده و تبصره آن چنین است:

متهم می‌تواند یک نفر وکیل همراه خود داشته باشد. وکیل متهم می‌تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام نماید. اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس می‌شود.

تبصره — در مواردی که موضوع جنبه محترمانه دارد یا حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین در خصوص جرایم علیه امنیت کشور، حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود.

دقّت در مفاد تبصره مذکور به خوبی می‌رساند که در سه مورد، شرکت وکیل مدافع در تحقیقات مقدماتی باید با اجازه دادگاه باشد. این موارد که بسیار مهم، حساس و سرنوشت ساز می‌باشند، عبارتند از:

— 1. مواردی که جنبه محترمانه دارد . — قانون صراحت خاصی ندارد که منظور از محترمانه بودن تحقیقات، در این مرحله چه می‌باشد. به نظر می‌رسد منظور از موارد محترمانه، همان موارد احصا شده در ماده 188(1) همین قانون است.(2)

— 2. حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد . — این بند، به نحوی انشا شده است که راه را برای استبداد قضایی مفتوح نگه می‌دارد. اگر منظور از فساد تنها جرایم منافی عفت باشد شاید بتوان برای اعمال آن حد تعیین کرد لیکن هر گاه (فساد) شامل هر گونه نادرستی باشد، چون در هر عمل خلافی (فساد) وجود

1. طبق ماده 188 ق.آ.د.ک : «محاكمات دادگاه علی است، به استثنای موارد زیر به تشخیص دادگاه:

(1) اعمال منافی عفت و جرایمی که بر خلاف اخلاق حسن است.

(2) امور خانوادگی یا دعاوی خصوصی به درخواست طرفین.

(3) علنی بودن محاکمه محل آمنیت یا احساسات مذهبی باشد.»

2. نظریه مشورتی اداره حقوقی، حاکی از تأیید این نظر می باشد.

117

دارد، قلمرو آن گسترش زیادی می یابد؛ و این احتمال را به وجود می آورد که قاضی، به بهانه وجود فساد در خیلی موارد از حضور وکیل مدافعان جلوگیری کند.(1)

3. جرایم امنیتی . – منظور از جرایم امنیتی بزه هایی است که زیر عنوان «جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور» در مواد 498 تا 512 قانون مجازات اسلامی احصا شده است.

این نکته را نباید از خاطر برد که در هر حال، ممنوعیت شرکت وکیل مدافع در این گونه موارد بسته به نظر قاضی است. چنانچه دادگاه اجازه دهد، در موارد سه گانه مذبور نیز وکیل مدافع متهم در تحقیقات مقدماتی و نتیجتاً در بازجویی نخستین شرکت می کند.

کاربردی

13..در وقت فوق العاده پرونده تحت نظر است. ملاحظه می شود که «الف» متهم به ارتکاب یک فقره زنای به عنف، تقاضا نموده است تا تحقیق از او با حضور یک نفر وکیل صورت گیرد. نظر به این که جرم ارتکابی عملی منافی عفت بوده و حضور غیرمتهم در تحقیق موجب فساد می گردد، مستنداً به تبصره ماده 128 قانون آینین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری تقاضای مذبور رد می شود .

107 – نمونه قرار رد
درخواست حضور وکیل
در مرحله تحقیقات
مقدماتی . – به تاریخ ...

در همین مورد، قاضی می تواند جهت حفظ حقوق متهم، از اختیار

1. برای اطلاع بیشتر و نگرانی های ناشی از عدم امکان شرکت وکیل مدافع در مرحله تحقیقات مقدماتی به ویژه، در جرایم مستلزم مجازات اعدام، رجم، صلب، قطع و حبس دائم ر.ک، آخوندی، دکتر محمود، آینین دادرسی کیفری، ج 4.

118

قانون خویش که در همان تبصره منعکس است حسن استفاده کرده و تقاضای مزبور را پذیرد. بدیهی است اگر محتوای پرونده وضعیت دیگری را به قاضی تحمیل نکند، بهتر است که اجازه دهد وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی هم حضور بیدا کند.

108 - تفہیم اتهام . - منظور از تفہیم اتهام این است که متهم از موضع جرم یا جرایم انتسابی به خود و کلیه دلایل و مستندات آن آگاه شود، تا بتواند آگاهانه از خود دفاع کند. نمی توان از انسانی انتظار داشت تا در برابر جرم فاشناخته و دلایل غیر معلوم پاسخگو باشد و بی مقدمه از خود دفاع نماید.

تفہیم اتهام مقدمه واجب برای بازجویی از متهم است. پیش از آن که تفہیم اتهام صورت گیرد، هیچ پرسشی از متهم، در ارتباط را جرم انتسابی، توجیه قانونی ندارد.

طبق ماده 129 ق.آ.د.ک:

قاضی ابتدا هویت و مشخصات متهم (اسم، اسم پدر، شهرت، فامیل، سن، شغل، عیال، اولاد و تابعیت) و همچنین آدرس (شهر، بخش، دهستان، روستا، خیابان، کوچه و شماره منازل) او را دقیقاً سؤال نموده و به نحوی که ابلاغ احضاریه و سایر اوراق به آسانی مقدور باشد و متذکر می شود که مواطن اظهارات خود باشد و سپس موضوع اتهام و دلایل آن را به صورت صریح به متهم تفہیم می کند. آنگاه شروع به تحقیق می نماید.

سؤالات باید مفید و روشن باشد. سوالات تلقینی یا اغفال یا اکراه و اجبار متهم ممنوع است. چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع نماید، امتناع او در صورت جلسه قید می شود.(۱)

ماده 125 قانون اصول محاکمات جزایی (اصلاحی بهمن ۱۳۳۵) نیز مفادی مشابه ماده مرقوم

119

با توجه به ماده مرقوم، می توان گفت که در تفہیم اتهام باید سه نکته اساسی به طور صریح به متهم اعلام گردد:

الف . تذکر به این که مواطن اظهارات خود باشد. شاید در نگاه نخست بر این تذکر ارجی نهاده نشود و بعضی آن را بی فایده و حتی مضر بدانند؛ ولی با اندکی دقیقت معلوم می شود که متهم باید هوشیار باشد و بداند که هر گفته او در زمان بازجویی مسئولیت آور می باشد. بی جهت و با کم

توجهی و بی دقّتی پاسخ ندهد که نتیجه آن گمراه کننده باشد. به همین مناسبت قانونگذار چه در قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری و چه در قانون اصول محاکمات جزایی این تذکر را مصلحت دیده و آن را اجباری اعلام کرده است.

ب . منظور از تفہیم اتهام، تفہیم عمل، به نحوی که به متهم منتب است، می باشد. در تفہیم اتهام نباید به ذکر عنوان قانونی عمل ارتکابی اکتفا کرد، بلکه باید عمل را تشریح نمود. گاهی متهم در تشخیص و شناسایی مصادیق قانونی جرم انتسابی با عمل ارتکابی مشکل دارد. بسیاری از انکار جرم ها از اینجا ناشی می شود.(1) بسیاری از شهروندان نمی توانند بین اختلاس، تصرف غیر قانونی، تصرف عدوانی و ... تفکیک قابل شوند. مقام قضایی باید فعل را تفہیم کند. تطبیق آن با عنوان قانونی از وظایف دادگاه می باشد.

ج. کلیه دلایل و مستندات موجود در پرونده باید به طور دقیق به متهم بازگو گردد. ارایه دلایل و مستندات جرم کمال ضرورت را دارد، تا متهم بتواند از خود

دارد؛ لذا کلیه بحث هایی که در این رابطه گفته می شود در قلمرو اجرایی قانون مذبور هم کاربرد پیدا می کند.

1. در جریان یک محاکمه معروف، بارها دیده شد که متهم و با وکیل مدافع او ایراد می گرفتند که عمل ارتکابی از مصادیق جرم تفہیم شده، خارج است و با این عنوان جرمی تفہیم اتهام نشده است. متهم را به عنوان اختلاس تعقیب می کنند، در حالی که عمل ارتکابی تصرف غیر قانونی است و با بالعکس. ایراد وارد بوده و ناشی از نادرستی تفہیم اتهام می باشد.

120

دفاع کند. به ویژه باید شهود به طور کامل، برای متهم معرفی شوند، تا امکان رد و یا جرح آنان وجود داشته باشد. شاهد ناشناخته را نمی توان جرح یا رد کرد و این وضعیت توان دفاعی متهم را از بین می برد.(1)

کاربردی

13.. شب هنگام از دیوار «ب» همسایه شرقی خود پریده و با شکستن شیشه پنجره سالن پذیرایی، یک جفت قالیچه ابریشمی، بافت قم، متعلق به ایشان را برداشته اید. زمانی که فرش ها را به تاکسی بار می گذاشته اید دو نفر از همسایه های روبروی شما به اسامی و شما را دیده اند و بر این امر شهادت داده اند و قالیچه ها از منزل شما کشف شده است. مال باخته شما را به	109— نمونه تفہیم اتهام .— پس از شروع به بازجویی و درج مشخصات کامل متهم در صورت جلسه، به تویی که گفته شد، نوبت تفہیم اتهام می رسد. بدین شرح: «الف» متهم هستید که در تاریخ ...
--	--

عنوان سارق معرفی می نماید. مواطن اظهارات خود بوده و از خود دفاع کنید.

110 ساهمنیت تبصره . — تفهیم مفاد تبصره ماده 129 ق.آ.د.ک ضروری است و نباید از آن غفلت کرد.(2) طبق تبصره یک ماده 129 ق.آ.د.ک:

قاضی در ابتدای تحقیق به متهم تفهیم می کند محل را که برای اقامت خود اعلام می کند محل اقامت قانونی او است و چنانچه محل اقامت خود را تغییر دهد، باید محل اقامت جدید را به گونه ای که ابلاغ

1. بعضی پنهان کاری ها مانند مکتوم داشتن مشخصات شهود و یا شاکی و اعلام کننده جرم از متهم توجیه قانونی و عقلی ندارد و دفاع متهم را سخت به مخاطره می اندازد.

2. ماده 125 قانون اصول محاکمات جزایی، نیز تبصره مشابهی دارد. چون مفاد دو تبصره یکسان است از ذکر آن خودداری می شود.

121

ممکن باشد، اعلام کند؛ در غیر این صورت احضاریه ها به محل اقامت سابق فرستاده خواهد شد. تغییر محل اقامت به منظور تأخیر و طفره و تعلل به گونه ای که ابلاغ اوراق متعسر باشد، پذیرفته نیست و کلیه اوراق به همان محل سابق ابلاغ خواهد شد. تشخیص این موضوع با مقامی است که رسیدگی می نماید...

چنانچه توضیح داده شد تبصره ماده 125 قانون اصول محاکمات جزایی نیز مفاد مشابه ای دارد. رعایت مقررات تبصره در قلمرو هر دو قانون برای شاکی، مدعی خصوصی، شاهد و مطلع نیز لازم می باشد.(1)

111 — کیفیت بازجویی . — پس از تفهیم اتهام، نوبت بازجویی از متهم فرا می رسد. پرسش از متهم قبل از تفهیم اتهام قابل توجیه نیست.(2) بعد از تفهیم اتهام نیز تنها در خصوص اتهام یا اتهاماتی که تفهیم شده است می توان از متهم بازجویی کرد.(3)

1. تفهیم تبصره ماده 129 ق.آ.د.ک با تبصره ماده 125 قانون اصول محاکمات جزایی، برای متهم، شاکی، شاهد و مطلع ضروری است. ولی تفهیم مفاد خود مواد تنها به متهم اختصاص دارد، باید با بی دقتی متن مواد یاد شده به شاکیان و یا شهود و مطلعین تفهیم گردد. 2. به یاد دارم در یکی از شعبه های تحقیق بودم متهمی که احضاریه ای در دست داشت نزد مقام قضایی حاضر شد:

قاضی: برای چه آمده ای؟

متهم: قربان شما احضار فرموده اید.

قاضی: به چه علتی احضار کردید؟

متهم: به عنوان متهم.

قاضی: بسیار خوب، مرتکب چه جرمی شده ای؟

متهم: نمی دانم. من مرتکب جرمی نشده ام.

قاضی: اگر مرتکب جرم نشده بودی که به عنوان متهم احضار نمی شدی.

بهتر است خودت جریان را بگویی؛ وای به حال تو اگر پرونده را بیاورم و از روی آن جرمت را بگویم.»

چنین برخوردي با متهم کاملاً غلط و فاقد وجاهت قانوني است.

3. گاهی شنیده می شود که در بعضی مراجع، متهم را می نشانند و او را وابسته دارند تا هر جرمی در عمر

122

بازجویی از متهم یک هنر است. نبوغ و عظمت فکری قاضی زمانی آشکار می شود که بتواند از عهده این مهم برآید و وظیفه سنگین بازجویی را به درستی انجام دهد. در حقیقت، به وسیله بازجویی، دادرس می کوشد تا با پرسش از متهم و شنیدن پاسخ های او، ناشناخته ای را بشناسد، واقعیت مجهولی را بداند و وقوع یا عدم آن را کشف کند.

قانونگذار برای بازجویی از متهم طرز خاصی تعیین نکرده است؛ و دادرس را محدود ننموده که بازجویی را از کجا آغاز کند و به کجا پایان دهد. چه مطالبی را از او سؤال کند و یا آنها را چگونه پرسش نماید. تعداد سؤال ها نیز محدود نیست. همه اینها به نظر، ذوق و سلیقه قاضی وابسته است؛ او است که تصمیم می گیرد که چگونه آغاز کند و چه طور پرسش ها را با هم مرتبط نماید تا هر سؤالی تکمیل کننده سؤال پیشین باشد و او را به کشف واقعیت راهنمایی کند.

هر چند قانونگذار دادرس را در نحوه سؤال آزاد گذاشته است تا به دلخواه رفتار کند؛ اما چند ضابطه مهم نیز جهت ارشاد او ارایه کرده است که توضیح داده می شود.

112 - صريح بودن پرسش ها . - پرسش ها باید صريح و روشن باشد تا متهم بفهمد از او چه پرسيده می شود. (1) از به کار بردن کلمات و عناوين غير متعارف و نامأنوس باید اجتناب ورزید.

113 - مفيد بودن پرسش ها . - سؤالات باید مفيد باشد.(2) منظور از مفيد بودن سؤال اين است که سؤال به کشف جرم و احراز واقعيت کمک کند؛ سؤالی که نتواند قاضی را به کشف جرم هدایت کند، مفيد به شمار نمي آيد.(3)

خود مرتکب شده است بگويد و يا بنويسد. خلاف قانون و غير انساني و ناعادلانه بودن اين گونه عملکردها نياز به توضيح ندارد.

و2. قسمت اخير ماده 129 ق.آ.د.ک و ماده 125 قانون اصول محکمات جزا ي.

در بخشنامه شماره 18871	موrex 17	10	81	1381 رئيس قوه قضائيه آمده است: «...شاغلان \$
------------------------	----------	----	----	--

123

114 - معقول بودن پرسش ها . - سؤال ها باید منطقی و اصولی و در ارتباط با موضوع باشد و در عین متعدد و متنوع بودن، هدف مشخصی را دنبال کند. همانند حلقه های يك رشته زنجير که هر کدام مستقل می باشد و در مجموع رشته زنجير را تشکيل می دهد و به هم مربوط می شوند.

115 - ق سکوت . - سکوت و يا جواب ندادن به پرسش ها از حقوق دفاعي متهم به شمار می آيد و با محترم شمرده شود:

چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع نماید، امتناع او در صورت مجلس قيد می شود.(1) ...

اگر متهم صورت جلسه های بازجویی را نیز امضا نکند تنها امتناع او، در صورت جلسه درج می شود و نمی توان او را مجبور به سخن گفتن کرد. در بعضی از کشورهای جهان، داشتن حق سکوت، ضمن تفییم آنها می شود تا او بداند که می تواند از دادن پاسخ خودداری کند.(2)

116 - ممنوعیت شکنجه . - هر نوع شکنجه و يا اکراه و اجراء متهم برای اعتراف و يا دادن پاسخ ممنوع است. شکنجه اعم از مادی و معنوی جایگاه قانونی ندارد. علاوه بر ماده 129 ق.آ.د.ک و ماده 125 قانون اصول محکمات جزا ي که هر دو با صراحة آن را ممنوع کرده است؛ برابر ماده 578 ق.م. شکنجه برای اخذ اقرار، در کشور ما، جرم می باشد و مجازات شدیدی دارد. اين ماده مقرر می دارد:

هر يك از مستخدمين و مأمورين قضائي يا غير قضائي دولتی برای این که متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید، علاوه بر قصاص يا پرداخته ديه حسب مورد، به حبس از شش ماه تا سه سال

قضا... در جريان تحقيقات و ضمن گفتگوها، از به کار بردن عبارت ها و واژه های موهن و کنایه آمیز و آنچه را که موجب جريحة دار شدن عواطف و احساسات مخاطبان شود، اجتناب ورزند...».

1. همان.

2. ر.ک: مؤذن زادگان، دکتر حسنعلی، منبع پیشین.

124

محکوم می گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد، فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور خواهد شد و اگر متهم به واسطه اذیت و آزار فوت کند مباشر، مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت.

بالاتر از قوانین عادی، قانون اساسی که مهم ترین سند قانونی و حقوقی کشور است، نیز در اصل سی و هشتم تصریح می نماید:

هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع منوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است. متفاوت از این اصل طبق قانون مجازات می شود.

ملاحظه می شود این اصل قانون اساسی اقرار و شهادت و سوگند ناشی از شکنجه را هم بی اثر و غیرقابل استناد معرفی می کند، هم پیشهاد می کند برای شکنجه کننده، مجازات پیش بینی شود. به عبارت دیگر؛ برای عمل مختلف، هم مسئولیت مدنی (بطلان) و هم مسئولیت کیفری (مجازات) قائل شده است. (۱)

117 – پرسش های تلقینی . – منظور از سؤال تلقینی این است که متهم را به دادن

1. افزون بر قوانین داخلی، مقررات بین المللی و منطقه ای حقوق بشر نیز بر منع هر گونه شکنجه تصریح دارند، از جمله: ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده ۲۰ اعلامیه اسلامی حقوق بشر (بیانیه قاهره)، ماده ۷ و بند ۱ ماده ۱۰ ميثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مواد ۱۵ و ۱۶ اعلامیه آمریکایی حقوق بشر، ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، ماده ۵ منشور آفریقا ای حقوق بشر.

اعلامیه حمایت از کلیه افراد تحت شکنجه و سایر رفتارها و مجازات های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز که به اتفاق آرا در ۵ دسامبر ۱۹۷۵، به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسیده است، در تعریف شکنجه می گوید: «شکنجه یعنی هر عملی که به سبب آن، درد یا رنج شدید، خواه جسمی یا روحی، به طور عمدى توسط، یا به اشاره مقام رسمی، برای مقاصدی از قبیل کسب اطلاعات از شکنجه شونده، یا از شخص ثالث، یا اعتراف یا تنبیه به خاطر عمل ارتکابی، یا تهدید و ارعاب شکنجه شونده یا سایر افراد، بر فردی اعمال شود. این امر شامل درد و رنج... همراه با مجازات قانونی، به میزانی که مطابق با قواعد حداقل استاندارد رفتار با زندانیان است، نمی باشد.»

جواب مشخص و معمولی بکشاند. طبق ماده 129 ق.آ.د.ک و ماده 125 قانون اصول محاکمات جزایی، طرح سؤالات تلقینی ممنوع

است.(1)

118 - فریب متهم . - اغفال و فریب متهم و امیدوار کردن او به وعده های غیر قانونی، برای گرفتن اقرار، فاقد مستند قانونی است. این عملکرد علاوه بر این که مخالف آشکار قانون و موازین قضایی است، با اصول انسانی نیز سازگار نمی باشد و در شأن مقام قضایی نیست که به این گونه شیوه ها متسلی گردد و باید به طور جدی از آن پرهیز کرد.(2)

119 - بازجویی انفرادی و بازجویی دسته جمعی . - از آنجا که تحقیقات مقدماتی سری است، تحقیق از متهم نیز باید به طور انفرادی صورت گیرد. طبق ماده 130 ق.آ.د.ک:

از متهمین جز در مورد مواجهه، به صورت انفرادی بازجویی به عمل می آید و باید با همدیگر وارد در گفتگو و مواضعه شوند...

120 - رعایت موازین شرعی . - طبق دستور قسمت اخیر ماده 130 ق.آ.د.ک، در بازجویی از زنان رعایت موازین شرعی ضروری می باشد. به طور کلی در جرایم منافی عفت تحقیق از بانوان به وسیله ضابطین دادگستری ممنوع است.

121 - اخذ آخرین دفاع . - پس از تکمیل تحقیقات مقدماتی و پایان بازجویی از متهم، مقام قضایی بار دیگر، موضوع جرم و کلیه دلایل آن را به متهم تفهیم می کند و از او می خواهد که اگر مطلبی در دفاع از خود دارد به عنوان آخرین دفاع بیان کند.

در دادسراهای اخذ آخرین دفاع ، در تحقیقات مقدماتی، اجرایی است مگر در دو مورد:

1. به متهم دسترسی نباشد و احضار و جلب او ممکن نگردد. طبق ماده 161

1. برای اطلاع بیشتر ر.ک: آخوندی، دکتر محمود، آین دادرسی کیفری، ج 2.

2. برای اطلاع بیشتر ر.ک: امیری، محمد، م. پیشین.

مکرر قانون اصول محاکمات جزایی (الحاقی بهمن 1317):

در امور جزایی در مواردی که مستنطق به متهم دسترسی ندارد، یا به علت شناخته نشدن در محل اقامت احضار و جلب مقدور نیست، مستنطق می تواند بدون استماع آخرین دفاع در صورتی که دلایل اتهام کافی باشد، رسیدگی و قرار مقتضی صادر نماید.

2. در صورت صدور قرار موقوفی تعقیب و یا قرار منع تعقیب نیز به نظر می رسد اخذ آخرین دفاع مورد نداشته باشد.

در دادگاه های عمومی و انقلاب، در تحقیقات مقدماتی، به شرحی که گفته خواهد شد، اخذ آخرین دفاع ضروری نیست.

لازم به یادآوری است که پس از اخذ آخرین دفاع، نباید هیچ گونه اقدام تحقیقی در پرونده انجام گیرد؛ مگر این که متهم در آخرین دفاع خود، مطلب تازه ای عنوان کند که نیاز به تحقیق داشته باشد. در این صورت اگر قاضی، تحقیق درباره آن را لازم تشخیص دهد، جریان تحقیقات مقدماتی را در آن زمینه ادامه میدهد که پس از پایان تحقیق جدید باید مجدداً از متهم آخرین دفاع اخذ شود.

کاربردی

122 – نوونه آخرین دفاع . – «الف» اتهام شما مبنی بر ارتکاب یک فقره سرقت ساده از منزل «ب» و دلایل آن برای دیگر به شما تقهیم می شود. هر مطلبی دارد به عنوان آخرین دفاع بیان کنید.

متهم: دفاعیات من همان بود که عرض کردم، دیگر مطلب خاصی برای گفتن ندارم. بی گناه هستم.

امضا یا اثر انگشت متهم

مقام قضایی

127

بخش سوم

تأمین کیفری

129

بخش سوم

تأمین کیفری

123 – تقسیم بندی . – صدور قرار تأمین کیفری از مباحث مهم و شناخته شده دادرسی های جزایی است که در مرحله تحقیقات مقدماتی و در مرحله دادرسی اعمال می گردد و کاربرد زیادی دارد.

برای آشنایی بیشتر با قرارهای تأمین کیفری، موضوعات این بخش، به ترتیب زیر بررسی می شود:

فصل یکم – مبنای تأمین کیفری: در این فصل موضوعاتی مانند فلسفه، جهات و لزوم اخذ تأمین کیفری بررسی می شود.

فصل دوم – انواع قرارهای تأمین کیفری: این فصل عهده دار بررسی انواع تأمین کیفری و چگونگی صدور هر یک از آنها می باشد.

فصل سوم – لزوم رعایت تناسب در صدور قرار تأمین: در این فصل ضوابط عام و مقررات خاص در صدور قرار تأمین و مسایل مربوط به نشدید و تخفیف تأمین توضیح داده می شود.

فصل چهارم – ضمانت اجراهای قرارهای تأمین: این فصل پس از اشاره به انواع

130

ضمانت اجراء، این موضوع را در خصوص هر یک از قراردادهای تأمین بررسی می کند.

فصل پنجم – پایان قرار تأمین: موارد منتفی شدن قرار تأمین (شامل چهار مورد) موضوع فصل پایانی این بخش است.

131

فصل یکم

مبنای تأمین کیفری

124 – کلیات . – رویه بر این است که در قوانین جدید آین دادرسی کیفری، برای افرادی که تحت تعقیب کیفری هستند، محدودیت هایی ایجاد کنند. این محدودیت ها نسبت به افرادی اجرا می شود که هنوز حکم قطعی محکومیت درباره آنان صادر نشده است. قبول این روش ، در زمانه ای که احترام به اصل برائت و حفظ آزادی های فردی و رعایت عدالت جزایی از اصول مسلم و پذیرفته شده جهانیان می باشد و همه روش فکران و آزاد مردان با دیده احترام به آن می نگرند، حالی از ایراد نیست.

بدون قردید عدالت کیفری ایجاب می کند پیش از تعیین تکلیف نهایی موضوع اتهام و صدور حکم قطعی هیچ گونه محدودیتی نسبت به آزادی های شخصی و یا اموال افرادی که تحت پیگرد جزایی هستند، صورت نگیرد و تا متهمی به موجب حکم قطعی دادگاه صالح محکومیت نیابد و مورد تعرض قرار نگیرد.

132

لذا تأمین کیفری که با اصول یاد شده مغایرت آشکار دارد و زیان های آن غیر قابل جبران است و شاید از جهاتی دیگر نیز قابل توجیه نباشد، نباید اعمال شود و یا لااقل مورد اعمال آن باید محدودتر گردد و به صورت استثنایی پذیرفته شود. این موارد خاص و استثنایی را هم باید قانون گذار بر پایه و اساس و دلیل موجهی قرار دهد تا قابل توجیه باشد، یعنی تا مصلحتی اهم ایجاد نکند، هرگز نتوان به بهانه های گوناگون، اصول حمایت شده عدالت کیفری را نادیده گرفت.

لزوم اجرای مجازات یا اقدامات تأمینی و تریتی، متنبه کردن متهم و دیگران، حفظ نظم عمومی و رعایت حقوق بزه دیدگان می تواند در بعضی موارد قانون گذار را بر آن دارد تا به مقامات قضایی اجازه دهد که پیش از تعیین تکلیف نهایی موضوع اتهام و صدور حکم قطعی محکومیت بعضی از آزادی های متهم را سلب کنند و یا محدودیت هایی برای او به وجود آورند.

گفتار یکم

جهات اخذ تأمین

125 – علل قانونی . – قانون اصول محاکمات جزایی مبنای اخذ تأمین کیفری را جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم معرفی می کند. (1)

در حالی که قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، مبنا و اساس اخذ تأمین را تنها به دو جهت یاد شده منحصر ندانسته و جهات دیگری نیز بر ان افزوده است. طبق صدر ماده 132 قانون مذکور:

به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی در موارد لزوم و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن یا قبانی با دیگران، قاضی مکلف است پس از تفہیم اتهام به وی، یکی از قرارهای تأمین کیفری زیر را صادر نماید... .

بنابراین جهات قانونی صدور قرار تأمین کیفری در کشور ما عبارتند از:

یک – دسترسی به متهم.

دو – حضور به موقع وی در موارد لزوم .

سه – جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم .

چهار – قبانی متهم با دیگران .

پس در صدور قرار تأمین کیفری قانوناً هدف های زیر می تواند لحاظ شود:

126 – یک . امکان دسترسی به متهم . – تأمین کیفری این فایده مهم را در بر دارد که متهم را در اختیار و دسترس مقام قضایی قرار می دهد تا هر وقت برای تحقیقات

1. ماده 129 قانون اصول محاکمات جزایی و معادل آن در ق.آ.د.ک (ماده 132) در ادامه مطالب کتاب، نقد و بررسی می شود.

مقدماتی و یا دادرسی و اجرای احکام نیاز باشد، بتواند به سهولت او را احضار کند.

127 - دو . حضور به موقع متهم . - صرف در اختیار بودن متهم، برای انجام تحقیقات مقدماتی و یا دادرسی، کافی نیست. متهم باید در موقعی که مرجع قضایی نیاز داشته باشد و به موقع مقتضی در دسترس آن مرجع قرار گیرد تا اقدامات قضایی موadge با تعطیلی نشده و دادرسی ها با تأخیر و تعجل موadge نشوند.

128 - سه - جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم . - از آنها که هر انسانی به حکم فطرت از مجازات می ترسد و از محکمه یمناک می باشد و امکان دارد خود را مخفی کند، قانون گذار، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم را نیز از جمله اهداف مهم تأمین کیفری به شمار آورده است. مقام قضایی با صدور قرار تأمین کیفری می تواند این منظور را به خوبی فراهم کند.

129 - چهار - تباني متهم با دیگران . - آزاد گذاشتن بدون قيد و شرط و نامحدود متهم، گاهی ممکن است سبب شود تا متهم با شهود و یا متهمان دیگر تباني کند و در نتیجه آثار و دلایل جرم از بین برود و یا شهود از ادای شهادت امتنا ورزند. جلوگیری از این ناهنجاری یک ضرورت اجتناب ناپذیر است. تأمین کیفری پاسخ گوی این نیاز می باشد.

جهات فوق می رساند که قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری با افزایش علل و جهات صدور قرار تأمین به طور ضمنی، موجبات افزایش صدور این نوع قرارها را فراهم نموده است.

علاوه بر این، در شرایطی که گفته خواهد شد صدور قرار تأمین کیفری را اجباری نیز اعلام کرده است که در گفتار بعدی مورد گفتگو قرار می گیرد.

135

گفتار دو

لزوم تأمین کیفری

130 - اجباری یا اختیاری بودن قرار تأمین . - آیا در هر پرونده جزایی، صدور قرار تأمین کیفری الزامی است؟ به عبارت دیگر آیا می توان در پرونده ای بدون اخذ تأمین کیفری متهم را محکمه نمود؟

برای پاسخ دقیق به این پرسش بهتر است مقررات قانون اصول محاکمات جزایی و قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری را جداگانه بررسی کرد:

131 - الف . مقررات قانون اصول محاکمات جزایی . - طبق صدر ماده 129 قانون مذکور:

برای جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم بازیرس می تواند یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر نماید...

توجه به متن ماده مرقوم سه احتمال را در ذهن مبتادر می کند:

احتمال اول – فعل «می تواند» در متن ماده فوق به معنای آن است که اخذ تأمین از متهم اجباری نبوده و اختیاری است؛ زیرا مقام قضایی در صورت وجود بیم فرار و یا پنهان شدن متهم از او تأمین می گیرد. در نتیجه، اگر چنین بیمی وجود نداشته باشد، اخذ تأمین نیز لازم نخواهد بود.

احتمال دوم – لازمه پرونده کیفری گرفتن تأمین از متهم است. نمی توان پذیرفت که پرونده جزایی در جریان رسیدگی تأمین نداشته باشد. طرفداران این نظریه معتقدند درباره هر متهم، احتمال فرار یا پنهان شدن وجود دارد و نمی توان آن را نادیده گرفت. فعل «می تواند» که در صدر ماده 129 یاد شده آمده است ناظر به

136

قسمت اخیر همان ماده می باشد و گویای اختیار قاضی در انتخاب نوع قرار تأمین کیفری است نه اصل اخذ آن؛ به عبارت ساده تر چون هیچ انسانی حاضر به تحمل کیفر و یا اقدامات تأمینی و تربیتی نیست، پس به حکم فطرت، بیم فرار و پنهان شدن او همیشه وجود دارد؛ لذا اخذ تأمین اجباری است. اختیار مقام قضایی و توانایی او در انتخاب نوع تأمین، از انواع تأمین ها می باشد و بیشتر از آن تسری ندارد.

احتمال سوم – هر گاه در پرونده امر، دلیل کافی بر وقوع جرم و انتساب آن به متهم وجود داشته باشد، اخذ تأمین الزامی می باشد در غیر این صورت ممنوع است.

وقتی به نظر مرجع قضایی، اعم از مرحله تحقیق و یا دادرسی، وقوع جرم محرز بوده و دلیل کافی نیز علیه متهم وجود داشته باشد، نمی توان با خوش بینی به متهم نگریست و از گرفتن تأمین صرف نظر کرد. ولی اگر دلیلی در پرونده امر وجود نداشته باشد و با دلایل موجود بر وقوع جرم و یا انتساب آن به متهم کافی تشخیص داده نشود، گرفتن تأمین خطأ است.

وقتی قانون اصول محاکمات جزایی مقام قضایی را حتی در احضار افراد به عنوان متهم و یا جلب آنان، بدون دلیل کافی منع می کند(1) به طریق اولی اجازه نمی دهد از فردی که علیه او دلیل کافی وجود ندارد، تأمین اخذ شود.

اگر به دیده تحقیق بنگریم ملاحظه می شود که اختیار مقام قضایی در اخذ تأمین محدود می باشد و مکلف است بین باید و نباید یکی را برگزینند. حق انتخاب مستبدانه و خودسرانه را ندارد؛ بدین توضیح که اگر دلیل کافی علیه متهم وجود داشته باشد اخذ تأمین اجباری است و اگر دلیل کافی وجود نداشته باشد نمی توان تأمین گرفت.

1. ماده 121 قانون اصول محاکمات جزایی به شرح زیر می باشد: «مستنطق نباید کسی را احضار یا جلب کند، مگر دلایل کافی برای احضار یا جلب در دست داشته باشد.»

137

آشکار است تأمین باشد با قوت و ضعف دلایل متناسب باشد.(1) هر چه دلیل بیشتر و قوی تری باشد، همان نسبت تأمین نیز شدیدتر خواهد بود و اگر دلایل ضعیف می باشد، تأمین خفیف تری اخذ می گردد.

کاربردی

132 – آزادی بدون قید و شرط متهم . – چنانچه دلیل کافی علیه متهم وجود نداشته باشد، اعم از اینکه عمل ارتکابی فاقد خصیصه جزایی بوده و یا قابل انتساب به او نباشد – مرجع قضایی مکلف است متهم را بلاقید آزاد کند.(2)

در این گونه موارد باید در پرونده مربوط نوشت:

دفتر – متهم بلاقید آزاد می گردد.

مقام قضایی

در موارد فوق نمی توان به بهانه کشف جرم و یا جمع آوری دلایل، متهم را در اختیار مقامات انتظامی و یا امنیتی قرار داد. این گونه عملکردها خطأ است و توجیه قانونی ندارد و باید از آن اجتناب نمود. از نظر قضایی متهم باید بدون قید و شرط آزاد گردد.(3)

1. ماده 130 قانون اصول محاکمات جزایی مقرر می دارد: «تأمین باید با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام... متناسب باشد.»

1378 اداره حقوقی آمده است: «در مواردی که هیچ دلیلی علیه متهم اقامه نگردیده، صرف شکایت، موجبی برای صدور قرار تأمین نیست و در این صورت مورد اخذ تأمین مجوز قانونی ندارد.»	7	7 مورخ 20	2. در نظریه مشورتی شماره 4406
---	---	-----------	-------------------------------

3. وقتی متهم بدون قید و شرط و تأمین آزاد می شود، بعدها ممکن است در بعضی موارد دسترسی به او امکانپذیر نباشد. این موارد نادر نباید قاضی را بر آن وا دارد تا هر مظنون و یا متهمی را که نزد او

138

133 – ب . مقررات آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری . – درباره اخذ تأمین از متهم، صدر ماده 132 قانون یاد شده اعلام می دارد:

به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی در موارد لزوم و جلوگیری از قرار یا پنهان شدن یا تبانی با دیگری، قاضی مکلف است پس از تفہمی به وی، یکی از قرارهای تأمین کیفری زیر را صادر نماید...

چنانچه ملاحظه می شود، صدر ماده مرقوم، با عنوان کردن «قاضی مکلف است» صدور قرار تأمین کیفری را اجباری اعلام داشته است در نتیجه همین که مقام قضایی به تهم تفہم اتهام کرد مکلف می باشد از او تأمین بگیرد.

هر چند قانون گذار با اتخاذ این روش، به اختلاف نظرهای موجود در باره لزوم اخذ تأمین کیفری پایان داده است؛ لیکن این مشکل را هم به وجود آورده است که پس از تفہیم اتهام، هر گاه دفاعیات متهم به نظر موجه رسد، تکلیف مرجع قضایی چیست؟ آیا باز هم باید از او تأمین گرفت؟

134 – مشکل عملی اجباری بودن صدور قرار تأمین کیفری – صدر ماده مذکور به نحوی انشا شده است که می‌رساند، قاضی پس از تفہیم اتهام، ناچار باید از متهم تأمین بگیرد. ظاهر ماده می‌گوید که بعد از تفہیم اتهام، حتی اگر متهم دفاعیات موجهی نیز به عمل آورد نمی‌توان آن را مورد توجه قرار داد. تکلیف؛ به اخذ تأمین

معرفی می‌شود زندانی کند و یا با اخذ تأمین آزاد نماید و اصل برائت و بی‌گناهی افراد را نادیده انکارد. اخذ تأمین این نگرانی را به وجود می‌آورد که متهم زندانی شود و چنین عملی قابل توجیه نیست.

همچنین نوشتمن دستوراتی برای مأموران انتظامی، از قبیل: «متهم به نحوی که در دسترس باشد آزاد گردد» و یا «متهم با معروفی ضامنی معتبر آزاد شود» و نظایر اینها مستند قانونی ندارد. مقام قضایی با این گونه دستورها متهم را در اختیار ضابطین قوه قضاییه قرار می‌دهد که روش مناسبی نیست. قاضی باید هوشیارتر از آن باشد که اختیار قضایی خود را به غیر مقامات قضایی واگذارد.

139

باز هم باقی است؛ ولو منجر به زندانی شدن متهم گردد، زیرا، به حکم قانون پس از تفہیم اتهام، اخذ تأمین اجباری است. این روش، غیر عادلانه و خلاف موازین قضایی و اصول حقوق بشر است.

در هر صورت، مقام قضایی در برابر چنین نصی قرار دارد. برای پیاده کردن آن به نظر می‌رسد بهتر باشد مرجع قضایی پیش از تفہیم اتهام، به ماهیت عمل ارتکابی و کیفیت دلایل و مستندات آن توجه بیشتری مبذور دارد و آنها را با دقیق ارزیابی نماید. چنانچه دلایل را بر توجه اتهام، کافی تشخیص دهد تفہیم اتهام به عمل می‌آورد تا از یک سو با مشکل دفاعیات موجه متهم و از سوی دیگر تکلیف قانونی بر لزوم اخذ تأمین روبرو نشود.

امید آن می‌رود که ضمن اصلاحات قانون آینین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری این نکته نیز مورد عنایت قرار گیرد.

در حال حاضر، قانون گذار تکلیف مقام قضایی را به این ترتیب مشخص کرده است که پس از تفہیم اتهام، اخذ تأمین کند و برای اقدام به آن، شرطی را نیز ضروری ندیده است. بنابراین، همین که تفہیم اتهام به عمل آمد باید قرار تأمین کیفری صادر کرد. البته خطاب بودن این نحوه قانون گذاری آشکار است. برای کاستن از نتایج ناپسند آن، چنانچه گفته شد باید کوشید تا تفہیم اتهام زمانی صورت گیرد که دلایل بسیار قوی و مستند در دست باشد.

هر چند نادیده گرفتن دفاعیات متهم خطابوده و نابخشودنی است و باید از آن دوری جست؛ اما در حال حاضر چاره‌ای نیست جز این که، پس از تفہیم اتهام هر کاه دفاعیات متهم موجه و قابل پذیرش باشد، به ترتیب زیر رفتار شود:

الف. اگر پرونده امر آماده و معدّ جهت تصمیم گیری نهایی باشد، بهتر است، حسب مورد، با صدور قرار موقوفی تعقیب یا منع تعقیب و یا حکم برآئت به جریان

140

پرونده پایان داد، صدور قرار تأمین نیز به تبع آن منتفی می‌شود.

ب. اگر پرونده هنوز آماده و معد برای تصمیم گیری نهایی نباشد، می‌توان از متهم تأمین خفیف تری گرفت. اخذ ساده ترین تأمین پیشنهاد می‌شود تا که به زندانی شدن متهم منجر نشود، اتخاذ این گونه روش‌ها، شاید بتواند تا حدی پاسخ‌گوی نیازهای فعلی جامعه قضایی باشد.(۱)

اداره حقوقی آمده است: «هیچ گونه تعارض و یا تناقضی در جهت آثار و تکالیف قانونی مترتبه بین مواد ۱۲۹ و ۱۳۲ از ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ مشهود نمی‌باشد، ضمن آن که تکلیف مقرر در ماده ۱۳۲ از قانون مذکور مکمل تکالیف مقرر در ماده ۱۲۹ همان قانون می‌باشد که قاضی رسیدگی کننده متعاقب انجام تحقیقات مقدماتی و بازپرسی از متهم پس از تفہیم اتهام و وجود ادله و احراز مجرمیت متهم، مکلف است به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی در موارد لزوم و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن یا تبانی با دیگری، یکی از قرارهای مندرج در بندهای ۱ تا ۵ منصوص در ماده ۱۳۲ قانون مذکور را از متهم اخذ نماید و مستنبط از مفاد مرقوم تا زمانی که دلیلی بر ثبوت اتهام انتسابی به متهم بلادلیل باشد نیاز به اخذ یکی از تأمینات مذکور در ماده ۱۳۲ مذکور نمی‌باشد و به فرض اخذ و صدور قرارهای تأمین با رعایت ماده ۱۳۴ قانون مذکور در صورت وجود دلایل اتهام علیه متهم می‌باشد و مآل هیچ گونه تعارضی در مواد مرقوم مشاهده نمی‌شود.»

10	7	\$ 1. در نظریه شماره 8365
	17	مورخ

141

فصل دوم

أنواع قرارهای تأمین کیفری

135 – احصای انواع قرارهای تأمین . – قانون اصول محاکمات جزایی، مصوب 1290 هجری شمسی، پنج نوع قرار تأمین کیفری پیش بینی کرده است. در عرف قضایی کشور ما این پنج نوع قرار تأمین شناخته شده بوده و جایگاه خاصی دارد. در ماده 129 قانون مذکور (اصلاحی بهمن 1335) آمده است:

برای جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم، بازپرس می تواند یکی از قرارهای تأمین ذیل را صادر نماید:

- 1- التزام عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف.
- 2- التزام عدم خروج با تعیین وجه التزام تا ختم محاکمه و اجرای حکم .
- 3- اخذ کفیل؛ در صورتی که متهم تقاضا نماید به جای کفیل وجه نقد یا مال منقول یا غیر منقول بدهد، بازپرس مکلف به قبول آن است.
- 4- اخذ وثیقه (وثیقه اعم است وجه نقد و مال منقول و یا غیر منقول) .

142

قانون آینین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری نیز، همانند قانون اصول محاکمات جزایی، نخست پنج نوع قرار تأمین کیفری پیش بینی می نماید. این پنج نوع، در حقیقت همان قرارهای تأمین متداول و شناخته شده ای هستند که با مختصراً تغییر عبارتی و به شرح زیر، در ماده 132 قانون جدید عنوان گردیده است:

به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی در موارد لزوم و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن یا تبانی با دیگری، قاضی مکلف است پس از تفہیم اتهام به وی یکی از قرارهای تأمین کیفری زیر را صادر نماید:

- 1- التزام به حضور با قول شرف.
- 2- التزام به حضور با تعیین وجه التزام تا ختم محاکمه و اجرای حکم در صورت استنکاف تبدیل به وجه الکفاله.
- 3- اخذ کفیل با وجه الکفاله.
- 4- اخذ وثیقه اعم از وجه نقد یا ضمانت نامه بانکی یا مال منقول و غیر منقول.
- 5- بازداشت وقت با رعایت شرایط مقرر در این قانون...

سپس، قانون جدید نوع دیگری تأمین کیفری را عنوان کرده است که در حقوق کشور ما تا حدودی تازگی دارد و آن قرار عدم خروج متهم از کشور است. ماده 133 قانون مذکور اعلام می کند:

با توجه به اهمیت و دلایل جرم، دادگاه می تواند علاوه بر موارد

143

مذکور در ماده قبل، قرار عدم خروج متهم را از کشور صادر نماید. مدت اعتبار این قرار شش ماه است و چنانچه دادگاه لازم بداند می توانند هر شش ماه یک بار آن را تمدید نماید.

این قرار پس از ابلاغ، ظرف مدت 20 روز قابل اعتراض در دادگاه تجدید نظر استان می باشد.

136 – میزان تأمین . – نوع تأمین را باید با میزان تأمین اشتباه کرد و آن دو یکی دانست. چنانچه توضیح داده شد، انواع تأمین منحصر به مواردی است که اجمالاً بیان شد. منظور از میزان تأمین مبلغ تأمین می باشد. مثلاً وقتی گفته می شود «قرار کفالت»، این گفته نوع تأمین را می رساند و زمانی که گفته می شود به «مبلغ ده میلیون ریال» میزان تأمین می باشد.(1)

بر خلاف نوع تأمین که محدود و منحصر می باشد، میزان آن نامحدود است. قانون حداقل و یا حد اکثر خاصی برای آن تعیین نکرده است.(2) موارد استثنایی توضیح داده خواهد شد.

میزان تأمین با توجه به کاهش و یا افزایش هزینه زندگی متغیر بوده و با آن متناسب می باشد. در کشور ما با توجه به افزایش مستمر هزینه زندگی میزان تأمین رو به افزایش بوده و هست.

137 – تقسیم بندی مطالب فصل دوم . – اگر قرار عدم خروج متهم از کشور هم

1. وقتی گفته می شود: «درباره متهمی قرار کفالت به مبلغ ده میلیون ریال صادر شده است»؛ در این صورت «کفالت» نوع تأمین و «ده میلیون ریال» میزان تأمین را نشان می دهد.
2. قانون گذار علی الاصول مبلغ خاصی برای میزان تأمین مشخص نکرده است، ولی در بعضی موارد به طور استثنایی، ضوابطی درباره آن ارایه می دهد. طبق ماده 136 ق.آ.د.ک: «مبلغ وثیقه یا وجه الکفاله یا وجه الالتزام نباید در هر حال کمتر از خسارت هایی باشد که مدعی خصوصی درخواست می کند.» همچنین طبق ماده 18 اصلاحی قانون صدور چک، مرجع رسیدگی مکلف است در مورد چک بلا محل وجه چک یا قسمتی از آن که مورد شکایت واقع شده است از متهم تأمین اخذ نماید.

144

یک نوع قرار تأمین کیفری تلقی شود، در این صورت ملاحظه خواهد شد که در حال حاضر در کشور ما شش نوع قرار تأمین کیفری وجود دارد که عبارتند از:

۱- التزام به حضور با قول شرف.

۲- التزام به حضور با تعیین وجه التزام.

۳- اخذ کفیل با وجه الکفاله.

۴- اخذ وثیقه.

۵- بازداشت موقت.

۶- عدم خروج از کشور.

هر یک از انواع تأمین ها، به ترتیب در گفتار جداگانه ای بررسی می شود.

145

گفتار یکم

التزام به حضور با قول شرف

۱۳۸- کلیات . - التزام به حضور با قول شرف، سبک ترین و کم اهمیت ترین نوع قرارهای تأمین کیفری است. در این نوع تأمین، متهم آبرو، شرف و حیثیت خود را در گرو مقام قضایی می گذارد تا هر وقت او را احضار کرد، حاضر شود.

قرار مذبور ضمانت اجرایی خاصی ندارد. اگر متهم در موقع احضار حضور نیابد، تنها یک عمل غیر اخلاقی مرتکب می شود و دلیل بر بدقولی او است؛ لذا این قرار را نباید درباره بزه کاران حرفه ای و افراد سابقه دار و یا در جرایم مهم صادر کرد. لیکن به کارگیری آن در جرایم سبک و به ویژه نسبت به متهمانی که از فرهنگ اجتماعی پیشرفتنه ای برخوردارند و به قول و شرف خود ارزش می نهند، موجه و مناسب به نظر می رسد.

کاربردی

نمی خواهم .	نمی شوم رونوشت می خواهم	۱۳۹- نمونه متن قرار آزادی متهم به قید التزام به حضور با قول شرف . قرار آزادی «الف» متهم به رانندگی بدون گواهی نامه، به قید التزام حضور در موقع احضار، با قول شرف صادر و اعلام می گردد. قرار به متهم تفہیم شد اظهار داشت، فهمیدم، ملتزم می شوم
-------------	----------------------------	---

امضای متهم

146

140 – التزام به عدم خروج از حوزه قضایی . – بند 1 ماده 129 قانون اصول محاکمات جزایی، عبارت «التزام عدم خروج از حوزه قضایی» را به کار برده است. منظور از حوزه قضایی، حوزه‌ای است که مقام قضایی تعیین می‌کند و علی‌الاصول باید حوزه قضایی مرجع رسیدگی را شامل گردد، این نکته را از ماده 128 قانون مذکور (اصلاحی خرداد 1311) هم می‌توان استنباط نمود این ماده مقرر می‌کند:

کسانی که تحت تعقیب جزای هستند، باید از حوزه‌ای که مستنبط معین می‌کند بدون اجازه او خارج شوند. در موردی نیز که مدعی العموم بدون رجوع به مستنبط کسی را تعقیب می‌کند خارج شدن از حوزه‌ای که مدعی العموم معین خواهد گرد، بدون اجازه او ممنوع است.

کاربردی

141 – نمونه متن قرار عدم خروج از حوزه قضایی . – چون در بند یک ماده 129 قانون اصول محاکمات جزایی، عبارت «التزام عدم خروج از حوزه قضایی» قید شده است، متن قرار در قلمرو حاکمیت این قانون به صورت زیر نوشته می‌شود:

نمونه:

نمی خواهم .	نمی شوم رونوشت می خواهم	قرار آزادی «الف» متهم به راهپیمایی غیر مجاز، به قید التزام عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف صادر و اعلام می‌گردد. قرار به متهم تفهیم شد؛ اظهار داشت فهمیدم، ملتزم می‌شوم
-------------	----------------------------	---

امضای متهم

مقام قضایی

147

اگر در متن قرارها نتیجه تخلف از آن نوشته نشود، مسأله خاصی به وجود نمی‌آورد؛ زیرا فرض بر این است که همه عالم به قانون هستند و متهم نیز مفهوم التزام را می‌داند.

در این خصوص منظور از حوزه قضایی مرجع رسیدگی است، در نتیجه می‌توان نوشت: قرار آزادی «الف» متهم به اهانت ساده، به قید التزام عدم خروج از حوزه قضایی تهران با قول شرف صادر و اعلام می‌گردد. قرار به متهم تفهیم شد...

متن قرار فوق را به صورت ساده تری نیز می‌توان نوشت:

نمی خواهم .	نمی شوم رونوشت می خواهم	درباره «الف» به ایراد ضرب ساده، اقرار التزام با قول شرف صادر و اعلام می گردد. قرار به متهم تفهیم شد؛ اظهار داشت فهمیدم. ملتزم می شوم
-------------	-------------------------	--

امضای متهم

مقام قضایی

نداشتن ضمانت اجرایی خاص نباید مانع بکارگیری این نوع قرار تأمین شمرده شود. شاید با صدور این تأمین و با اعتمادی که مقام قضایی به متهم نشان می دهد، در او نیز حس اعتماد به وجود آورد و نقش این تقاضا و اهمیت همکاری متهم با مراجع قضایی در حسن جریان دادرسی های جزایی، غیرقابل انکار می باشد.

148

گفتار دوم**التزام به حضور با تعیین وجه التزام**

142 – کلیات . – دومین نوع قرارهای تأمین کیفری، التزام به حضور با تعیین وجه التزام است. این قرار نسبت به تأمین نوع اول شدیدتر می باشد و ضمانت اجرا نیز دارد.

تفاوت تأمین های یاد شده در این است که در نوع اخیر، متهم به جای دادن قول شرف، ملتزم می شود که اگر تخلف ورزد و در موقع احضار حضور نیابد، وجهی را که از طرف مقام قضایی تعیین می شود به صندوق دولت پردازد.

در بند 2 ماده 132 ق.آ.د.ک، قانون گذار مدت اعتبار این قرار را ختم محاکمه و اجرای حکم اعلام کرده است. به نظر می رسد اعلام ختیم محاکمه تأثیری در سرنوشت تأمین مذکور نداشته باشد؛ به سخن دیگر، با اعلام ختیم دادرسی، تأمین مذکور متنفی نمی شود.

چنانچه توضیح داده خواهد شدتا اجرای حکم و یا تا انتقامی آن به جهات قانونی، اعتبار قرار به قوت خود باقی است.(1)

کاربردی

143 – نمونه متن قرار آزادی متهم با قید التزام حضور در موقع احضار – قرار آزادی «الف» متهم به ارتکاب یک فقره سرقت ساده با قید

1. بند 2 ماده 129 قانون اصول محاکمات جزایی هم «اعلام ختم دادرسی» را قید کرده است. در نتیجه ایراد یاد شده، به قانون مذکور نیز وارد می باشد. انتظار می رفت در زمان اصلاح قانون

اصول محاکمات جزایی و انشای قانون آین دادرسی کیفری جدید، ایراد فوق رفع گردد که رفع نشده و هم چنان باقی است.

149

نمی خواهم .	نمی شوم رونوشت می خواهم	التزام حضور در موقع احضار به مبلغ یک میلیون ریال صادر و اعلام می گردد(۱) که در صورت تخلف، مکلف است وجه مذکور را به صندوق دولت بپردازد. قرار به متهم تفہیم شد، اظهار داشت فهمیدم. ملتزم می شوم
-------------	----------------------------	---

امضای متهم

مقام قضایی

نمی خواهم .	نمی شوم رونوشت می خواهم	نمونه دیگر بر مبنای بند ۲ ماده ۱۲۹ قانون اصول محاکمات جزایی - قرار آزادی «الف» متهم به رانندگی بدون گواهینامه، با قيد التزام عدم خروج از حوزه قضایی و حضور مرقب در موقع احضار تا ختم محاکمه و اجرای حکم به مبلغ یک میلیون ریال صادر و اعلام می گردد که در صورت تخلف، مکلف است وجه مذکور را به صندوق دولت بپردازد. قرار به متهم تفہیم شد؛ اظهار داشت فهمیدم. ملتزم می شوم
-------------	----------------------------	--

امضای متهم

مقام قضایی

نمی خواهم .	نمی شوم رونوشت می خواهم	یک نمونه ساده قرار فوق - چون قید همه مقررات قانونی، در متن قرار ضرورت ندارد می توان متن ساده تری برگزید و چنین نوشت: درباره «الف» متهم به رانندگی بدون گواهی نامه، قرار التزام به حضور در موقع احضار به مبلغ یک میلیون ریال صادر و اعلام می گردد. قرار به متهم تفہیم شد؛ اظهار داشت فهمیدم. ملتزم می شوم
-------------	----------------------------	--

امضای متهم

مقام قضایی

در متن قرار مذکور معمولاً نوشته می شود: از حال تا ختم دادرسی و اجرای دادنامه. اگر این تأکیدات نوشته نشود مشکل خاصی به وجود نمی آورد؛ زیرا در اینجا نیز فرض بر این است که هر کس، از جمله متهم، حکم قانون را می داند.

وقتی متّهم معنی و مفهوم قرار التزام را به درستی نمی داند، بهتر است مفهوم قرار به وی تفهیم شود و در صورت تقاضاً رونوشتی فیز به او تسلیم گردد.

144- تبدیل وجه التزام به وجه الکفاله - در بند 2 ماده 132 ق.آ.د.ک تصریح شده است به این که:

التزام به حضور تا ختم محاکمه و اجرای حکم در صورت استنکاف تبدیل به وجه الکفاله.

يعني اگر متّهم ملتزم نشود در موقع احضار به طور مرقب نزد مقام قضایی حضور یابد، این مقام قرار التزام را به وجه الکفاله تبدیل می کند.

کاربردی

نمی خواهیم .	ندرام رونوشت می خواهیم	<p>145- نمونه متن قرار التزام به حضور با وجه التزام به وجه الکفاله . - درباره «الف»</p> <p>متّهم به راهپیمایی غیر مجاز که قرار التزام به حضور با وجه التزام به مبلغ یک میلیون ریال صادر شده است؛ ون از التزام به حضور امتناع نمود، مستنداً به قسمت اخیر بند 2 ماده 132 قانون آینین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، قرار مذبور به همان مبلغ وجه الکفاله تبدیل می شود که متّهم در صورت معرفی کفیل و صدور قرار قبولی کفالت آزاد و در غیر این صورت بازداشت خواهد بود. قرار حضوراً به متّهم ابلاغ شد، اظهار داشت فهمیدم. کفیل دارم</p>
--------------	------------------------	---

امضای متّهم

مقام قضایی

مقررات قانون اصول محاکمات جزایی در ارتباط با التزام متّهم به حضور در موقع احضار، با مقررات قانون آینین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مغایط می باشد. در قانون اصول محاکمات جزایی تعیین تکلیف نشده است که اگر متّهم ملتزم نشود تکلیف چیست و مرجع قضایی چگونه باید رفتار کند. در بعضیاز مراجع قضایی که این قانون حاکمیت دارد نظریه های متفاوتی دیده می شود و هنوز بلا تکلیفی وجود دارد: (1)

نظریه اول - در این گونه موارد ، قرار التزام را باید به قرار کفالت تبدیل کرد و همان مبلغ قرار کفالت صادر نمود. قانون آینین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری هم به ظاهر از این نظر تبعیت کرده است.

نظریه دوم – طبق این نظر، چنانچه متهم ملتزم نشود باید او را به زندان معرفی کرد تا با یان التزام راضی گردد، به همان ترتیب که برای معرفی کفیل و یا ابداع وثیقه عمل می شود.

اداره حقوقی قوه قضاییه این نظریه را تأیید کرده است.

146 – ارزیابی نظریه های فوق . – تبدیل قرار التزام به قرار کفالت، از مصادیق تشدید تأمین می باشد. تشدید تأمین مجوز قانونی لازم دارد و یا علت قضایی خاصی باید آن را توجیه کند. در زمان صدور قرار التزام، مقام رسیدگی کننده، قرار تأمین مناسب را التزام تشخیص داده است و بدون نص قانون و یا علت خاص قضایی تشدید آن مورد ندارد.

بر نظریه دوم نیز این ابراد مهم وارد است که متهم بازداشت می شود تا مجبور به التزام شود. چنین التزامی قابل توجیه نیست. قیاس آن با موردی که متهم به جهت عدم معرفی کفیل یا ابداع وثیقه به زندان معرفی می شود قیاس مع الفارق است.

1. پیش از تصویب و اجرای قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری ، در کلیه مراجع قضایی وجود داشت.

152

در مورد معرفی متهم به زندان، در صورت عجز از معرفی کفیل و یا ابداع وثیقه، نص خاص قانونی وجود دارد.(1) که شامل التزام نیست. واقعیت امر این است که مقام قضایی در صدور قرار عدم خروج با وجه التزام، مانند سایر انواع قرارهای تأمین کیفری، به طور آمرانه ای تصمیم می کیرد و متهم مجبور به تمکین از آن است. کما این که در صدور سایر انواع قرارها نیز اراده متهم مدخلیتی ندارد. ابلاغ قراب به متهم تنها از این لحاظ است که از مفاد آن آگاه گردد و به عواقب تخلف از قرار آشناشی یابد.(2)

1. ماده 135 قانون اصول محاکمات جزایی (اصلاحی خداداد 1311) مقرر می کند: «متهمی که در مورد او قرار کفیل یا وثیقه داده شده، تا اجرای مفاد قرار، در توقيف مانده و پس از آن نیز مشمول ماده 128 خواهد بود.»

2. برای اطلاع بیشتر ر.ک: آخوندی، دکتر محمود، آین دادرسی کیفری، ج 2، ص 147.

153

گفتار سوم

أخذ کفیل با وجه الکفاله

147 – قرار کفالت . – سومین نوع قرارهای تأمین کیفری اخذ کفیل با وجه الکفاله است. در عرف قضایی ایران، این تأمین معمول تربیت و شناخته شده ترین نوع تأمین ها است. در دادسراهای همچنین دادگاه ها، عادت بر این شده است که در بیشتر جرایم قرار کفالت صادر کنند. این تأمین نسبت به دو نوع تأمین های گفته شده شدیدتر می باشد.

تفاوت عمدۀ قرار کفالت با قرار وجه التزام در این است که در تأمین نوع اخیر متهم خود متعهد می شود تا هر وقت مرجع قضایی او را حضار کند حضور یابد و اگر تخلف نماید وجه التزام را بپردازد؛ لیکن در قرار کفالت، فرد دیگری از متهم ضمانت می کند تا در موقع حضار، اگر متهم حضور نیافت، او را معرفی نماید و در غیر این صورت، وجه الکفاله را به صندور بپردازد. به بیان دیگر حضور مرقب متهم در موافه احضار به عهده فرد دیگری واگذار می شود که او را کفیل و یا ضامن می نامند.

کاربردی

نمی خواهیم .	ندارم رونوشت می خواهیم	148— نمونه متن قرار کفالت . — قرار آزادی «الف» متهم به تخریب عمدى، یا قید معرفی کفیل با وجه الکفاله به مبلغ چهار میلیون ریال صادر و اعلام می گردد که در صورت معرفی کفیل و صدور قرار قبولی کفالت آزاد و در غیر این صورت زندانی خواهد شد. قرار حضورا به متهم ابلاغ شد؛ اظهار داشت فهمیدم. کفیل دارم
-----------------	------------------------------	---

امضای متهم

مقام قضایی

154

نمی خواهیم .	ندارم رونوشت می خواهیم	نمونه دوم — می توان قرار کفالت را به صورت ساده تری هم نوشت: درباره «الف» متهم به سرقت، قرار کفالت با وجه الکفاله به مبلغ ده میلیون ریال صادر و اعلام می گردد. قرار به متهم ابلاغ شد؛ اظهار داشت فهمیدم. کفیل دارم
-----------------	------------------------------	---

امضای متهم

مقام قضایی

لازم نیست کلیه آثار و نتایج قانونی قرار در متن آن قید شود، اما اگر توضیح داده شود اولی است.

به هر حال بعضی نکات باید در قرارهای تأمین کیفری قید گردد. مشخصات دقیق متهم، موضوع اتهام، نوع و میزان تأمین، قابل اعتراض بودن و یا نبودن آن، ابلاغ قرار به متهم و تصریح نتیجه آن، از نکات مهمی است که باید در قرار قید شود.

149— جریان پرونده بعد از صدور قرار کفالت . — وقتی قرار کفالت صادر و به متهم ابلاغ شد، پاسخ متهم از دو صورت خارج نخواهد بود: یکی این که اعلام می نماید کفیل ندارد و نمی تواند معرفی کند؛ دوم این که کفیل دارد و معرفی می کند.

کاربردی

150— فرض اول . — متهم از معرفی کفیل اظهار عجز می کند؛ در این صورت مقام قضایی مکلف است متهم را به زندان معرفی نماید. (1) در نتیجه دستور می دهد:

1. ماده 138 ق.آ.د.ک: «متهمی که در مورد او قرار کفالت یا وثیقه صادر شده، در صورت عجز از معرفی کفیل یا تودیع وثیقه، بازداشت خواهد شد.»

155

دفتر: چون متهم از معرفی کفیل اظهار عجز می نماید به بازداشتگاه معرفی و تذکر داده شود تا اطلاع ثانوی بازداشت خواهد بود.

مقام قضایی.

با توجه به دستور مقام قضایی، دفتر، نامه معرفی متهم به بازداشتگاه را تنظیم می کند. در این معرفی نامه نکات ذیل باید به طور دقیق نوشته شود:

۱- مشخصات متهم.

۲- موضوع آنماه.

۳- نوع و میزان قرار تأمین.

۴- تصریح به این که متهم تا اطلاع بعدی بازداشت و نتیجه آن به مرجع قضایی اعلام شود.

با توضیح بالا، متن معرفی نامه را می توان چنین نوشت:

ریاست محترم بازداشتگاه شهرستان تهران.....

درباره «الف» متهم به سرقت، قرار کفالت به مبلغ دو میلیون ریال صادر شده است؛ چون از معرفی کفیل اظهار عجز می نماید تا اطلاع بعدی بازداشت و نتیجه اعلام گردد.

مقام قضایی

معرفی نامه به زندان را باید مقام قضایی امضا کند. کارکنان دفتری حق امضای این گونه معرفی نامه ها را ندارند. زندان تنها افرادی را به عنوان زندانی می پذیرد که

156

مقامات قضایی آنان را معرفی کرده اند.(1)

قید اعلام نتیجه، در معرفی به بازداشتگاه، ضروری است؛ زیرا وقتی بازداشتگاه خبر تحویل متهم را اعلام می کند، مقام قضایی مطمئن می شود که فرد تحت پیگرد، در بازداشتگاه بوده و تحت پوشش امنیت قضایی قرار دارد. به علاوه مأموران محافظ نمی توانند به بهانه های مختلف در معرفی متهم به بازداشتگاه تأخیر و تعطیل ورزند.(2)

پس از صدور قرار کفالت، هر گاه متهم از معرفی کفیل اظهار عجز نمود باید به بازداشتگاه معرفی شود. نمی توان او را در اختیار مأمور انتظامی و یا امنیتی و غیره قرار داد. این گونه عملکردها توجیه قانونی ندارد. از نظر قانونی متهم باید تنها به

1. طبق ماده 44 آین نامه اجرای سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور: «پذیرش زندانی از زمانی آغاز می گردد که متهم یا محکوم، به موجب برگ رسمی به امضا و مهر مقام قضایی صادر کننده قرار یا حکم، متنضم مشخصات کامل متهم یا محکوم (شهرت - نام - نام پدر - سن - شماره شناسنامه - شغل - نوع جرم و اتهام یا محکومیت - نوع و میزان مجازات - شماره قرار یا حکم - تاریخ شروع بازداشت) وسیله مأمور شناخته شده قبلی که باید کارت شناسایی رسمی ملخص به عکس خود را ارایه دهد بازداشتگاه یا زندان یا سایر مراکز وابسته تحویل می گردد.

تبصره یک - عدم ذکر نام و نام خانوادگی ، نام پدر، نوع اتهام، شماره قرار و نیز عدم مهر و امضا مقام قضایی و قانونی، موجب عدم پذیرش زندانی خواهد بود، مگر در مواردی که به ولگردی یا بی هویتی و امثال آن تصریح گردد که در این صورت زندان و مرجع قضایی بایستی به هر نحو ممکن مشخصات دقیق وی را به دست آورده و در سوابق ثبت کند.

تبصره دو - سازمان مکلف است فهرست مقامات صلاحیت دار قانونی را که بر اساس سایر قوانین موضوعه مجاز به معرفی متهمین یا محکومین به زندان می باشند را به ادارات کل زندان ها اعلام نماید.»

1372	1	1379	8	7	اداره حقوقی
ریاست قوه قضاییه تعریف شده است و نگهداری متهم در غیر آن محل مجوز قانونی ندارد \$.»		اعلام داشته است: «در مواقعي که تحقیق از متهم زندانی لازم و ضروري باشد یا بایستی متهم با اشخاص دیگر مواجهه حضوري داده شود و یا متهم جهت معرفی خریداران مال مسروقه بایستی حضور داشته باشد، قاضی رسیدگی کنده به زندان دستور می دهد که متهم را با تنظیم صورت مجلس تحویل مأمور کشف جرم بدنهند و در خاتمه تحقیقات تا تنظیم صورت مجلس، متهم به زندان اعاده شود. زیرا محل نگهداری متهمی که درباره او قرار تأمین	مورخ	23	قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره 6716

		کیفری صادر و منتهی به بازداشت متهم گردید، زندان است و زندان در ماده ۳ آیین نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندان ها و... مصوب ۷		
--	--	--	--	--

157

بازداشتگاه معرفی شود. هر گاه تحقیقات مقامات دیگر و یا اخذ توضیح از او ضروری تشخیص داده شود با اجازه مقام قضایی و تحت نظارت مأموران بازداشتگاه، می تواند امکان پذیر باشد.(۱)

وقتی متهم به بازداشتگاه معرفی شد، بهتر است علامت ویژه «زنданی دارد» در روی صفحه اول پرونده الصاق گردد؛ و یا آن را با خط درشت خوانا نوشت؛ تا زندانی داشتن پرونده به وضوح مشخص گردد و مقررات خاص این گونه پرونده ها از قبیل رسیدگی های خارج از نوبت و دستورهای قضایی سریع و نظایر اینها فراموش نشود.

151 – فرض دوم . – پس از ابلاغ قرار کفالت، متهم اعلام می نماید کفیل دارد و معرفی می کند. در این فرض مقام قضایی مکلف است در صورت احراز شرایط قانونی، قرار قبولی کفالت صادر نماید و نباید و نمی تواند به ببهانه های مختلف از صدور آن امتناع ورزد یا آن را به تأخیر اندازد.(۲)

152 – قرار قبولی کفالت . – گفته شد کفالت دو جزء دارد. یکی صدور قرار معرفی کفیل است و دیگری صدور قرار قبولی کفالت می باشد. جزء اول آن بیان شد؛ جزء دوم آن نوعی عقد به شمار می آید که متعهد آن کفیل و متعهدله آن مقام قضایی است. به این لحاظ از مصاديق عقد است که دارنده سند مالکیت یا ورقه اعتبار با

«در مواقعي که تحقیق از شخص زندانی لازم و ضروري باشد و یا بايستی نامبرده با اشخاص دیگر مواجهه حضوري داده شود و یا از او اخذ توضیح لازم باشد و یا برای استماع شکایت و ادعای ایشان حضور ایشان در مراجع قضایی دیگر ضرورت داشته باشد، قاضی رسیدگی کننده به زندان دستور می دهد که نامبرده را با تنظیم صورت مجلس تحويل مأمورین بدرقه بدهنده و در خاتمه تحقیقات مجدداً به زندان اعاده نمایند و این امر فاقد اشکال قانونی است ».»		2	7	\$ نظریه مشورتی شماره 1056
--	--	---	---	----------------------------------

26	مورد	1.
----	------	----

180 اداره حقوقی قوه قضاییه به شرح زیر است: «هر موقع که متهم وثیقه و یا وجه نقد موضوع قرار تأمین را آمده و حاضر نماید، مرجع قضایی باید آن را قبول و او را آزاد کند و در توقيف نگهداشت او به علت تعطیل بودن بانک یا معاذیر دیگر قانوناً جایز نیست \$ ».»

11	7 مورخ 14	2.نظریه مشورتی شماره 10957
----	-----------------	-------------------------------------

158

با اراده و میل خود مراجعت و با مقام قضایی قرارداد می‌بندد تا متهم آزاد شود و هر قت مقام قضایی خواست، او متهم را معرفی کند.

در سیستم قضایی ما کفالت، عقدی است که یک ایجاب و یک قبولی دارد و به اداره متهم هیچ اثری مترقب نیست. چه متهم بخواهد و چه نخواهد، توافق کفیل و مقام قضایی برای تحقیق قبولی کفالت کافی است.(1)

آنچه که در صدور قرار قبولی کفالت مهم است، احراز اعتبار کفیل می‌باشد. طبق ماده 135 ق.آ.د.ک:

کفالت شخصی پذیرفته می‌شود که اعتبار او به تشخیص قاضی صادر کننده قرار برای پرداخت وجه الکفاله محل تردید نباشد. در صورت فرار متهم یا عدم دسترسی به او، در مواردی که حضور متهم ضروری تشخیص داده شود، کفیل ملزم به پرداخت وجه الکفاله خواهد بود.

در مواردی که مقام قضایی کفیل را شخصاً می‌شناسد و از اعتبار مالی او خبر دارد، می‌تواند بدون مطالبه سند اعتباری قرار قبولی کفالت صادر نماید؛ ولی اگر قاضی شخصاً کفیل را نشناسد از او دو نوع سند مطالبه می‌نماید:

الف . اسناد مربوط به تشخیص هویت؛ مانند شناسنامه عکس دار، گذرنامه، گواهینامه رانندگی، کارت کارمندی و غیره.

ب. مدارکی دال بر اعتبار مالی کفیل؛ مدارکی که در حال حاضر در دادگاه ها و دادسراهای مورد پذیرش قرار می‌گیرد عبارتند از سند مالکیت ، پروانه کسب و کار، کارت بازرگانی و کارت کارمندی.

بدون تردید سند مالکیت می‌تواند بهترین دلیل بر اعتبار مالی افراد به شمار آید

۱. در بعضی از کشورهای جهان برای صدور قرار قبولی کفالت، قبول کردن خودن متهم نیز لازم است. برای اطلاع بیشتر ر.ک: آخوندی، دکتر محمود، آین دادرسی کیفری، ج ۲، ص ۱۴۸ الی ۱۵۰.

159

و نشانگر این است که دارنده آن لااقل به میزان ارزش مال موضوع سند اعتبار مالی دارد. هر نوع سند مالکیتی پذیرفته می شود؛ سند خانه، آپارتمان، باغ، زمین، اتوبوس، موتور سیکلت و غیره. همچنین کارت بازرگانی و پروانه کسب نیز نشان دهنده اعتبار مالی صاحب آن می باشد. در هر صورت تشخیص اعتبار کفیل با مقام قضایی است.

در مواردی که کفیل نتواند هیچ نوع سندی بر ملائت خود ارایه دهد و نزد مقام قضایی نیز معروف نباشد؛ می توان وضعیت مالی او را از طریق پاسگاه انتظامی محل سکونتش بررسی کرد. در صورت مساعد بودن نتیجه بررسی، صدور قرار قبولی کفالت بر آن مبنای بلاشکال است.

کاربردی

«الف» با در دست داشتن سند مالکیت شماره
در این شعبه حاضر و اظهار داشت حاضر است از «ب»
متهم به سرقت، به مبلغ دو میلیون ریال ضمانت بنماید که
هر وقت مراجع قضایی متهم را احضار کردد او را
معرفی نماید و در صورت تخلف وجه الکفاله را به
صندوق دولت پردازد .

۱۵۳—تشrifات صدور قرار قبولی کفالت و
نمونه متن آن .—برای صدور قرار قبولی
کفالت، ابتدا باید حضور فردی را که
درخواست کفالت می کند، صورت جلسه نمود
و سپس قرار قبولی کفالت صادر کرد؛ به تاریخ
...

با توجه به سند مالیکت مذکور چون اعتبار «الف» برای پرداخت وجه الکفاله محزز می باشد،
قرار قبولی کفالت صادر و اعلام می گردد.

مقام قضایی

160

با توجه به مراتب، می توان گفت که برای صدور قرار قبولی کفالت، به ترتیب، اقدامات زیر باید انجام گیرد:

الف. صورت جلسه کردن حضور کفیل.

- ب. بررسی اسناد کفیل، برای احراز هویت ملائت او
- ج. صدور قرار قبولی کفالت.
- د. ابلاغ قرار قبولی به کفیل.
- ه. دستور آزادی متهم.
- چهار مورد از موارد پنج گانه بالا بیان شد و اینک مورد پنجم نیز توضیح داده می شود.
- دستور آزادی متهم .— در زمان صدور قرار قبولی کفالت، وضعیت متهم از دو حال خارج نیست.
- یک — متهم هنوز به بازداشتگاه معرفی نشده است — در این صورت دستور داده می شود:
- دفتر: با توجه به صدور قرار قبولی کفالت، متهم آزاد است.
- سپس در ادامه رسیدگی هر چه لازم باشد، دستور داده می شود. مثلا: «شهود برای شهادت با قید نتیجه عدم حضور، احضار گردند» و یا «مصدوم برای معرفی به پزشکی قانونی، جهت دریافت گواهی قطعی درباره وجود یا عدم نقص عضو احضار شود».
- دو — متهم به بازداشتگاه معرفی شده است — در این صورت نوشته می شود:
- دفتر : چون درباره متهم قرار قبولی کفالت صادر شده است، پیرو سابقه، شرحی به بازداشتگاه نوشته و تذکر داده شود که متهم مذکور

161

چنانچه به اتهام دیگری بازداشت نباشد، فوری مخصوص و نتیجه اعلام گردد.

مقام قضایی

بر مبنای دستور فوق، دفتر نامه ای به این مضمون تهیه می کند که به امضای مقام قضایی می رسد.

ریاست محترم بازداشتگاه شهرستان.....

پیرو نامه شماره مورخ چون درباره «الف» متهم به ارتکاب یک فقره سرقت، قرار قبولی کفالت صادر شده است، چنانچه به اتهام دیگری بازداشت نباشد، فوری مخصوص و نتیجه اعلام گردد.

مقام قضایی

154 – تبدیل قرار کفالت به قرار وثیقه . – در بند 3 ماده 129 قانون اصول محاکمات جزایی آمده است:

... در صورتی که متهم تقاضا نماید به جای کفیل وجه نقد یا مال منقول یا غیر منقول بدهد، بازپرس مکلف به قبول آن است«.(1)

در بند 3 ماده 132 ق.آ.د.ک، به الزامی بودن پذیرش وثیقه به جای کفالت اشاره ای شده است؛ با سکوت قانون، نظریه های متفاوتی در این باره اظهار می شود از جمله این که:

155 – 1. اجباری بودن قبول وثیقه به جای کفالت . – در قانون جدید، درباره

1. برای پیاده گردن دستور بند 3 ماده مذکور نظریه های مختلفی وجود دارد از جمله این که: در صورت تقاضای متهم مقام قضایی مکلف است کفالت را به همان میزان قرار وثیقه تبدیل کند تشدید قرار به درخواست متهم بلاشکال است.

162

الزامی بودن پذیرش وثیقه به جای کفالت نصی و وجود ندارد، مع الوصف قبول آن، باز هم اجباری است و حذف قسمت اخیر بند 3 ماده 129 از لحاظ بداهت موضوع بوده است. این تبدیل به نفع متهم می باشد.

156 – 2. اختیاری بودن وثیقه به جای کفالت . – قانون گذار در این خصوص تعیین تکلیف نکرده و نص موجود را نیز نسخ کرده است؛ لذا اختیار آن با قاضی است که می تواند آن را بپذیرد یا رد کند.

ایراد مهم نظریه فوق در این است که به استبداد قضایی منجر می‌شود. امکان دارد دادرس در مواردی تبدیل کفالت به وثیقه را بپذیرد و در مواردی آن را رد کند. این روش دلخواه، تالی فاسد دارد.

3 - 157. ممنوعیت پذیرش وثیقه به جای کفالت . - طبق این نظریه، پذیرش وثیقه به جای کفالت مستند قانونی ندارد و ممنوع می‌باشد. مجوز قانونی آن که در قسمت اخیر بند 3 ماده 129 قانون اصول محاکمات جزایی پیش بینی شده است در قلمرو دادگاه‌های عمومی و انقلاب کاربرد ندارد. تشدید تأمین بدون مجوز قانونی هم قابل توجیه نیست. مضافاً به این که درخواست متهم نیز نمی‌تواند موجب تشدید تأمین باشد، زیرا تشخیص تناسب تأمین با مقام قضایی است که کفالت را مناسب دانسته است و قواعد آین دادرسی را نمی‌توان به بناهه مساعد بودن به حال متهم نادیده گرفت.

از اینها مهم تر، قانون تغییر یافته و صلاح شده است. بر اصلاح قانون، اثر مترتب می‌باشد. نمی‌توان گفت که آثار قانون قبل از اصلاح و بعد از آن یکسان می‌باشد و قوّه مقتنه عمل لغوی انجام داده است.

158 - کلیات . - چهارمین نوع قرارهای تأمین کیفری، اخذ وثیقه است. در قرار وثیقه، چون مقام قضایی عین مال را توقيف می‌کند و فراهم کردن آن مشکل تو می‌باشد، لذا این قرار سنگین و مهم تر از قرار کفالت شمرده می‌شود.

159 - تقاووت‌های وثیقه و کفالت . - تقاووت‌های مهم این دو نوع تأمین را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

1- در وثیقه عین مال توقيف می‌شود؛ لذا مال معرفی شده اعم از منقول و غیر منقول باید عینیت داشته و قابل بازداشت باشد، تا در اختیار مقام قضایی قرار گیرد؛ اما در کفالت احراز اعتبار کفیل کافی است. این اعتبار با توجه به اسناد و مدارک ارایه شده از سوی درخواست کننده کفالت احراز می‌شود و سپس به صاحب آن مسترد می‌گردد؛ و توقيف آنها لازم نیست. در نتیجه، اسنادی

از قبیل کارت بازارگانی، پروانه کسب و کار و کارت کارمندی را به عنوان اعتبار اشخاص برای کفالت می‌توان پذیرفت؛ ولی چون قابل توقیف نیستند نمی‌توان آنها را به عنوان وثیقه قبول کرد.

2 - وثیقه تأمین مطمئن تری است؛ زیرا مال مورد وثیقه کمتر در معرض تلف قرار دارد. در کفالت، ممکن است کفیل فرار نماید، فوت کند و یا معسر شود در هر صورت خواهد و یا نتواند وجه الکفاله را پردازد. وثیقه با این گونه نامنی‌ها مواجه نیست.

3 - چنانچه قرار وثیقه منجر به بازداشت متهم گردد، این قرار قابل اعتراض

164

است، اما (۱) قرار کفالت منجر به بازداشت متهم قابل اعتراض نیست.

4 - مستفاد از مقررات قانون اصول محاکمات جزایی، قرار وثیقه‌ای که به بازداشت متهم منجر نمی‌شود، اما از آنجا که قرار وثیقه منجر به بازداشت، قابل اعتراض می‌باشد و به اعتراض متهم باید در دادگاه رسیدگی شود، قرار مذکور باید با نظارت دادستان صادر گردد.

در دادگاه‌های عمومی و انقلاب اگر قرار وثیقه منجر به بازداشت متهم، قابل اعتراض شناخته نشود موافقت رئیس حوزه قضایی نیز لازم خواهد بود.

5 - وثیقه سهل الوصول تر از وجه الکفاله است، چنانچه گفته خواهد شد وصول وجه الکفاله با مشکلاتی توأم می‌باشد.

6 - در قلمرو اجرای قانون اصول محاکمات جزایی، برای ضبط وثیقه، نیاز برای ابلاغ به وثیقه گذار، جهت معرفی متهم وجود ندارد. همین که متهم تخلف کرد، وثیقه به نفع دولت ضبط می‌شود. بعد از ضبط وثیقه به نفع دولت، مراتب به وثیقه گذار ابلاغ می‌گردد تا اگر اعتراضی دارد در فرجه قانونی آن را اعلام کند، ولی در کفالت باید به کفیل اخطار شود که ظرف 20 روز مکفول خود را معرفی نماید و اگر معرفی نکرد دستور وصول وجه الکفاله صادر می‌شود.

قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، از این لحاظ بین کفالت و وثیقه تفاوتی قابل نشده است.(۲)

1. ماده 40 قانون اصول محاکمات جزایی: «...قرار توقيف و قرار وثیقه ای که منتهی به بازداشت متهم شود ظرف ده روز از تاریخ بازداشت قابل شکایت در دادگاه جنحه است، مگر این که صدور قرار وثیقه، قانوناً الزامی باشد...» در ق.آ.د.ک نسبت به قابل اعتراض بودن قرار وثیقه منجر به بازداشت متهم نصی وجود ندارد.

3. ماده 140 ق.آ.د.ک: «هرگاه متهمی که التزام با وثیقه داده، در موقعی که حضور او لازم بوده بدون عذر

165

160 – مال مورد وثیقه . – طبق بند 4 ماده 132 ق.آ.د.ک:

«وثیقه اعم از وجه نقد یا ضمانت نامه بانکی یا مال منقول و غیر منقول» است.

دقّت در متن بند 4 یاد شده به خوبی می‌رساند که وثیقه گذار ممکن است خود متهم و یا شخص ثالث باشد؛ و از این حیث تفاوتی بین شخص متهم و فرد ثالث وجود ندارد و حصر آن به غیر متهم قابل توجیه نیست.

در قبول وجه نقد، ضمانت نامه بانکی و اموال غیر منقول به عنوان وثیقه، تردیدی وجود ندارد. روش متقاضی در دادسراه و دادگاه های کشور ما این است که اموال مذکور را به سهولت به عنوان وثیقه می‌پذیرند؛ اما در قبول اموال منقول به عنوان وثیقه، گاهی مقاومت هایی دیده می‌شود. این مقاومت ها و سختگیری ها فاقد وجهه قانونی است. اگر وثیقه گذار یک قطعه قالی یا یک دستگاه تلویزیون یا یخچال به عنوان وثیقه معرفی کند، باید آن را پذیرفت.

161 – معرفی اموال منقول به عنوان وثیقه . – معرفی اموال منقول به عنوان وثیقه، درگذشته متقاضی بوده و به تبعیت از قانون، عرف قضایی آن را می‌پذیرفت. البته اسناد مالکیت و ضمانت نامه های بانکی و حتی حجم وجه نقد به اندازه امروز زیاد و در دسترس مردم قرار نداشت. در نتیجه، چاره ای جز این دیده نمی‌شد که شهروندان، برای وثیقه، مال منقول معرفی کنند. روشه که در حال حاضر کمتر دیده می‌شود. علت آن را نباید در تغییر قوانین جستجو کرد. زیرا، قوانین موضوعه در این خصوص تغییری نکرده است. مشکلات عملی وجود دارد که از قبول اموال منقول

وجه حاضر نشود، وجه الالتزام به دستور رئیس حوزه قضایی از متهم اخذ و وثیقه ضبط خواهد شد. اگر شخصی از متهم کفالت نموده یا برای او وثیقه سپرده و متهم در موقعی که حضور او لازم بوده، حاضر نشده، به کفیل یا وثیقه گذار اخطار می‌شود ظرف بیست روز متهم را تسليم نماید. در صورت عدم تسليم و ابلاغ واقعی اخطاریه، به دستور رئیس حوزه قضایی وجه الکفاله اخذ و وثیقه، ضبط خواهد شد.»

به عنوان وثیقه امتناع می شود. مشکلات نگهداری این اموال و بیم از بین رفتن و حیف و میل شدن آنها سبب می شود تا در پذیرش اموال منقول به عنوان وثیقه تأمل شود.

البته مشکلات عملی یا اجرایی و یا بیم از بین رفتن اموال و زحمت نگهداری نمی تواند مجوزی برای نادیده گرفتن اصول و مقررات باشد.

یادآوری می نماید که هر دادسرا و یا دادگاه، برای نگهداری این گونه اموال باید مخزنی داشته باشد. اموال منقول را باید به عنوان وثیقه پذیرفت و پس از صدور قرار قبولی وثیقه دستور داد تا در انبارهای مربوط نگهداری شود. عدم امنیت این گونه انبارها نمی تواند بهانه ای برای عدم پذیرش وثیقه به شمار آید و موجبات زندانی شدن متهم را فراهم نماید.

162 – تحلیل قضایی قرار وثیقه . – در قرار وثیقه، همانند قرار کفالت، دو عمل متفاوت قضایی انجام می گیرد:

1- صدور قرار اخذ وثیقه.

2- صدور قرار وثیقه.

عمل قضایی اول که به طور آمرانه ای از طرف مقام قضایی صورت می گیرد، یک ایقاع قضایی است. اراده متهم در تحقیق آن شرط نیست. عمل دوم که قرار قبولی وثیقه نامیده می شود، یک نوع عقد است؛ بدین معنی که وثیقه گذار با آزادی کامل و داشتن قصد و اراده مراجعت می کند و با توافق مقام قضایی مال خود را در قبال آزادی متهم به عنوان وثیقه معرفی می نماید.

کاربردی

163 – نمونه قرار وثیقه . – قرار آزادی «الف» متهم به ارتکاب یک

نمی خواهم .	ندرام رونوشت می خواهم	فقره قتل غیر عمدی مستندأ به بند چهار ماده 132 قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، به قید ایداع وثیقه اعم از وجه نقد یا ضمانت نامه بانکی یا مال منقول و غیر منقول، به مبلغ یکصد و پنجاه میلیون ریال صادر و اعلام می گردد که در صورت معرفی وثیقه و صدور قرار قبولی آزاد، در غیر این صورت
-------------	-----------------------	--

بازداشت خواهد بود. قرار به متهم ابلاغ(۱) شد. اظهار داشت، فهمیدم. وثیقه دارم

امضای متهم

مقام قضایی

ممکن است قرار وثیقه را به صورت ساده تری هم نوشت:

درباره «الف» متهم به قتل غیر عمد، قرار وثیقه به مبلغ یکصد و پنجاه میلیون ریال صادر و اعلام می گردد...

امضای متهم

مقام قضایی

عدد ای می پندارند که نوشتن مقررات قانونی، در متن قرار زاید است؛ به نظر آنان قید وجه نقد، ضمانت نامه بانکی، مال منقول و غیر منقول و تصریح به این که متهم در صورت ایداع وثیقه و صدور قرار قبولی، آزاد، در غیر این صورت زندانی خواهد بود، زاید می باشد. زیرا، از یک طرف فرض بر این است که همه افراد از وجود قانون آگاه هستند و از سوی دیگر در قوانین موضوعه تأکید خاصی بر لزوم قید نکات فوق در متن قرار دیده نمی شود.

به نظر می رسد نوشتن نکات مزبور و آگاه کردن متهم از ماهیت قرار وثیقه، روش

1. به جای «ابلاغ شد» بهتر است نوشه شود: «تفهیم شد»؛ زیرا با این قید معلوم می شود که متهم به طور کامل از مفاد قرار و چگونگی آن آگاهی یافته است.

168

مطلوبی باشد. به ویژه در کشورهایی که شهروندان با حقوق قانونی خود آشنایی کمتری دارند، اولی است متن قرار گویاتر نوشه شود.

کاربردی

164 – اقدامات قاضی پس از صدور قرار وثیقه . – پس از صدور قرار وثیقه و ابلاغ آن به متهم، با توجه به امادگی متهم برای معرفی وثیقه و یا عدم امکان او، عملکرد مقام قضایی متفاوت خواهد بود: فرض نخست – متهم اعلام می دارد که وثیقه دارد و معرفی می نماید. مال مورد وثیقه را

متهم شخصاً و یا به وسیله شخص ثالث می تواند معرفی کند. حصر آن به این که متهم شخصاً وثیقه را معرفی نماید و یا به دیگری آن را معرفی کند توجیهی ندارد. در هر دو صورت باید وثیقه را پذیرفت و در صورت احراز سایر شرایط قانونی قرار قبولی وثیقه صادر کرد.

فرض دوم – متهم اعلام می دارد که توان ایداع وثیقه مورد نظر را ندارد. در این صورت مقام قضایی مکلف است او را به بازداشتگاه معرفی کند. دستور آن چنین می باشد:

دفتر: چون متهم از معرفی وثیقه اظهار ناتوانی می کند به بازداشتگاه معرفی و تذکر داده شود تا اطلاع ثانوی بازداشت و نتیجه اعلام گردد.

مقام قضایی

نموفه متن معرفی به بازداشتگاه:

بازداشتگاه شهرستان تهران: نظر به این که «الف» متهم به ارتکاب یک فقره قتل غیرعمد، از معرفی وثیقه به مبلغ یکصد و پنجاه میلیون ریال اظهار ناتوانی می نماید به این وسیله معرفی می شود. تا اطلاع ثانوی

بازداشت و نتیجه اعلام گردد.

مقام قضایی

ناگفته نماند که در صورت عدم معرفی وثیقه، متهم باید به بازداشتگاه معرفی شود. تحت نظر نگه داشتن او، ولو به مدت 24 ساعت و حتی برای تهیه و فراهم کردن وثیقه، توجیه قانونی ندارد. همچنین نمی توان متهم را در اختیار مقامات انتظامی و یا امنیتی قرار داد.

165 – قرار قبولی وثیقه . – اگر وثیقه معرفی شده به صورت وجه نقد باشد، صدور قرار قبولی وثیقه آسان تر خواهد بود. وجه مورد وثیقه، در حساب دادگستری نزد بانک ملی ایران واریز می شود و رسید آن تحويل مقام قضایی می گردد و با توجه به آن، قرار قبولی وثیقه صادر می شود.

اگر وثیقه معرفی شده مال منقول باشد، به انبار دادگستری تحويل و سپس، قرار قبولی وثیقه صادر می شود.

اگر وثیقه معرفی شده غیر منقول باشد، تشریفات خاصی لازم دارد که توضیح داده می شود.

166 - حضور وثیقه گذار . -1- نخستین شرط برای صدور قرار قبولی وثیقه وجود فردی است که مایل به ایداع وثیقه می باشد. باید حضور او را صورت جلسه نمود.

کاربردی

167- نمونه اظهارات وثیقه گذار . -در
سند مالکیت ملک	...	تاریخ

170

شماره واقع در بخش تهران اظهار داشت که حاضر است ملک موضوع سند مذکور را جهت آزادی «الف» متهم به ارتکاب یک فقره قتل غیر عمد در قبال مبلغ یکصد و پنجاه میلیون ریال وثیقه بسپارد که هر وقت نامبرده را حضار کردند معرفی کند، و در صورت تخلف ، وثیقه مذکور به نفع دولت ضبط و ضرر و زیان شاکی خصوصی نیز از آن محل پرداخت شود.

امضا وثیقه گذار

مقام قضایی

2 - مقام قضایی باید مشخصات ارایه دهنده سند را با مشخصات دارنده آن تطبیق دهد و در صورت تطبیق، سند مالکیت را به اداره ثبت اسناد محل ارسال و اعلام نماید که در صورت بلامانع بودن، آن را به عنوان وثیقه در قبال مبلغ مورد وثیقه، توقيف و نتیجه را اطلاع دهد؛ علت لزوم ارسال به اداره ثبت اسناد محل آن است که مقامات قضایی و یا اداری دادگستری مجاز نیستند در اسناد مالکیت مطلبی را درج و یا در مدرجات آن تغییری صورت دهند.(1)

دادسرها، دادگاه ها و دادرسان، امکانات لازم جهت توقيف اموال و املاک را ندارند. به ویژه این که فهرست افراد ممنوع المعامله نیز در اختیار آنان قرار ندارد و تحقیق درباره عینیت ملک موضوع سند نیز برای مراجع مذکور امکان پذیر نیست؛ چه بسا ممکن است ملک مورد سند، موات و بایر اعلام شده یا به فروش رفته و سند مالکیت آن هنوز باقی مانده باشد.

1. هر گونه عقود و ایقاعات و تعهدات و حک و اصلاحات، در اسناد مالکیت می تواند تنها از سوی دفتر خانه های اسناد رسمی و یا ادارات سازمان ثبت اسناد و املاک صورت گیرد. عملکرد سایر سازمان ها و نهادها و افراد، در این خصوص لغو و باطل است، لذا مقام قضایی مکلف می باشد سند مالکیت را جهت اقدام مقتضی به اداره ثبت مربوط ارسال کند.

171

مقام قضایی با ارجاع امر به سازمان ثبت، مسؤولیت تحقیق درباره منع المعامله نبودن وثیقه گذار و بررسی امکان بازداشت ملک را، از جهات مختلف، به عهده سازمان ثبت واگذار می کند.

3 – چنانچه جواب اداره ثبت مثبت بوده و ملک مورد نظر توقيف شده باشد، مقام قضایی به استناد عملکرد سازمان ثبت، قرار قبولی وثیقه صادر می نماید.

پیش از انجام تشریفات مذکور، صدور قرار قبولی وثیقه، توجیهی ندارد.

کاربردی

168 – نمونه قرار قبولی وثیقه . – با توجه به نامه شماره مورخ ادره ثبت اسناد و املاک شهرستان تهران که پلاک شماره را بازداشت نموده است قرار قبولی وثیقه صادر واعلام می گردد.

دفتر: مقرر است پیرو سابقه مراتب به بازداشتگاه اعلام و تذکر داده شود که چون درباره «الف» متهم به ارتکاب یک فقره قتل غیر عمدى قرار قبولی وثیقه صادر شده است. چنانچه به اتهام دیگری بازداشت نباشد، فوری مخصوص و نتیجه اعلام گردد.(1)

امضای متهم

مقام قضایی

بر مبنای این دستور، دفتر، نامه آزادی متهم از زندان را تهیه می کند که مضمونی شبیه قرار قبولی کفالت دارد.

هر گاه متهم زندانی باشد، به ترتیب فوق رفتار می شود؛ و چنانچه هنوز

1. قرار قبولی وثیقه باید به وثیقه گذار، هم ابلاغ شود تا او مطلع گردد که درخواست او مورد پذیرش قرار گرفته است و مسؤولیتی به عهده او محول می باشد.

متهم به زندان معرفی نشده باشد، باید دستور آزادی وی صادر گردد.

169 – ارزیابی اموال . – ممکن است قاضی قیمت مال معرفی شده برای وثیقه را تا حدودی بداند و به نظریه کارشناسی نیازی نداشته باشد.

باید دقّت داشت که کسب نظریه کارشناس، صدور قرار قبولی وثیقه را با تأخیر مواجه می کند که نتیجه آن زندانی شدن متهم است.

ارجاع امر به کارشناسی شاید موجب فساد نیز باشد، زیرا از یک طرف متهم زندانی شده است و بستگان و آشنایان او به هر وسیله ای متّسل می شوند تا هر چه زودتر متهم آزاد شود و از طرف دیگر کارشناسان، گاهی با اظهارنظرهای دیر هنگام، آنان را وادار به پرداخت مبالغی نامتناسب می کنند تا نظریه های سریع و مساعدی اعلام نمایند.

تقویم ملک به وسیله کارشناس زمانی ضرورت پیدا می کند که خود قاضی نتواند قیمت واقعی آن را خود تشخیص دهد و در سند ارایه شده نیز قیمتی درج شده و یا قیمت درج شده تکاپوی وثیقه را ندهد. در هر صورت، ارزیابی وثیقه را می توان به دو روش انجام داد:

170 – 1. به وسیله کارشناسان رسمی دادگستری . – قبل از معروفی ملک به اداره ثبت اسناد و املاک، مقام قضایی، کارشناس و یا کارشناسانی را تعیین می نماید تا ملک مورد وثیقه را ارزیابی کنند. کارشناس باید از بین کارشناسان رسمی دادگستری انتخاب شود. اگر در حوزه ای کارشناس رسمی وجود نداشته باشد از کارشناسان غیر رسمی نیز می توان به عنوان کارشناس استفاده کرد که باید پس از اتیان سوگند، اظهار نظر کنند.

در این رهگذر، برای انتخاب کارشناس به قرعه نیازی نیست. مقام قضایی به دلخواه کارشناس مورد اعتماد را تعیین می کند.

بعد از مشخص شدن قیمت ملک مورد وثیقه، مراتب به اداره ثبت اعلام می شود.

171 - 2. به وسیله اداره ثبت . - در مواردی قاضی می تواند ارزیابی ملک مورد وثیقه را از خود اداره ثبت اسناد و املاک درخواست کند، تا کارشناسان سازمان مذکور آن را ارزیابی و در ستون ویژه سند مالکیت، درج نمایند.

ارزیابی کارشناسان سازمان ثبت و درج آن در سند مالکیت، این حسن را دارد که در سایر موارد نیز می تواند مورد استناد و بهره برداری قرار گیرد؛ بر عکس، ارزیابی کارشناسان دادگستری موردی است و علی الاصول نمی تواند در سایر موارد اعتبار داشته باشد.

در صورتی که ارزش ملک معادل میزان وثیقه یا بیشتر از آن باشد، اداره ثبت آن را توقیف و نتیجه را به مرجع قضایی اعلام می نماید. در غیر این صورت بدون اقدام بر می گرداند.

بهتر است ملک مورد وثیقه شش دانگ باشد؛ اما الزاماً سهم معینی از ملک مشاع که قابل فروش باشد به عنوان وثیقه، معرفی شود، پذیرش آن بلامانع است و باید نسبت به همان میزان، قرار قبولی وثیقه صادر گردد. مشاع بودن ملک، مانع از قبولی آن برای وثیقه نیست. چنین منعی در قوانین وجود ندارد.

چنانچه ارزش ملی کافی باشد، قبول آن به عنوان وثیقه برای متهمان متعدد فاقد اشکال قانونی است. میزان قرار هر یک از متهمان باید مشخص گردد.

هرگاه سند ملک ارایه شده، در رهن یکی از بانک ها باشد، پذیرفتن مازاد آن، به عنوان وثیقه، بدون موافقت بانک مربوط، قابل توجیه نیست. زیرا، رسم بر این است که بانک ها ولو به طور صوری اسناد مالکیت را به نام خود منتقل کنند و در نتیجه مالک محسوب می شوند. صاحب واقعی ملک تنها اذن در تصرف دارد.

174

172 - وجه الضمان . - اگر وثیقه به صورت وجه نقد باشد به آن وجه الضمان گفته می شود.
(1) هرگاه صراحت خاصی در قانون وجود نداشته باشد، صدور قرار وجه الضمان به جای قرار وثیقه توجیه قانونی نخواهد داشت؛ (2) زیرا طبق بند 4 ماده 132 ق.آ.د.ک و بند 4 ماده 129 قانون اصول محاکمات جزایی، وثیقه اعم از: وجه نقد، ضمانت نامه بانکی، مال منقول و غیرمنقول است. مرجع قضایی نباید اطلاق بند مذکور را به مورد خاصی از آن تخصیص دهد که در نتیجه برای متهم یا وثیقه گذار تضییع حق به وجود آورد.

173 – صدور قرار قبولی بر مبنای وجه نقد . – چنانچه درباره متهم، به حکم قانون قرار وجه الضمان صادر شده و یا وثیقه گذار ترجیح دهد که به عوض ضمانت نامه بانکی و یا مال منقول و غیرمنقول، وجه نقد بسپارد، باید آن را به حساب دادگستری نزد بانک ملی ایران واریز و قبض آن را ضمیمه درخواست قبولی وثیقه به مقام قضایی تسلیم نماید.

کاربردی

	«13..ب» در این شعبه حاضر و با ارایه قبض سپرد موقت شماره بانک ملی ایران اظهار می دارد که وجه مورد وثیقه را به حساب	...	174 – نمونه قرار قبولی وثیقه بر مبنای وجه نقد . – به تاریخ ...
اعلام1378 داشته است :		3 مورخ 6	1. \$ اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره 1300

وجه الضمان یا ضمانت نامه بانکی معتبر نیز نوعی وثیقه شناخته می شود که مقررات مواد 134 و 136 قانون آینین دادرسی کیفری بر آن شمول دارد.»

2. در ماده 18 قانون صدور چک مصوب 1355 با اصلاحات بعدی آن آمده است: «در صورتی که وجه چک در بانک تأمین نشده باشد مرجع رسیدگی مکلف است وجه الضمان نقدی یا ضمانت نامه بانکی (که تا تعیین تکلیف نهایی معتبر باشد) معادل وجه چک یا قسمتی از آن که مورد شکایت واقع شده از متهم اخذ نماید...»

175

دادگستری واریز گردد است و آن را در قبال آزادی «الف» متهم به قتل غیر عمدى در قبال مبلغ یکصد و پنجاه میلیون ریال وثیقه می سپارد ه در صورت عدم معرفی متهم، وجه مذکور به نفع دولت ضبط گردد و ضرر و زیان شاکی خصوصی نیز از این محل پرداخته شود. با توجه به مراتب و این که طبق قبض سپرد موقت شماره..... به مبلغ یکصد و پنجاه میلیون ریال، مورد وثیقه از طرف «ب» ایداع شده است، قرار قبولی وثیقه صادر و اعلام می گردد.

امضای وثیقه گذار

مقام قضایی

بقیه دستورها و عملکردها همانند صدور قرار قبولی وثیقه در اموال می باشد که از تکرار آنها خودداری می شود.

کفیل یا وثیقه گذار در هر مرحله‌ای از دادرسی با معرفی و تحویل متهم می‌توانند درخواست رفع مسئولیت و یا آزادی وثیقه خود را بنمایند.(۱)

۱. اداره حقوقی در یک نظریه مشورتی اعلام داشته است: «با معرفی و تحویل متهم به دادگاه طبق تبصره 1 ماده 139 قانون آین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، کفیل یا وثیقه گذار می‌تواند درخواست رفع مسئولیت و یا آزادی وثیقه خود را بنماید و تا زمانی که چنین درخواستی نکرده است، مسئولیت او باقی است مگر این که مورد مشمول تبصره 2 آن ماده باشد که با شروع به اجرای حکم تأمین ملغی الاثر می‌گردد و نیازی به درخواست ندارد.

176

گفتار پنجم

بازداشت موقت

۱۷۶ – تعریف . – بازداشت موقت، قرار تأمینی است که به موجب آن متهم در تمام و یا در قسمتی از دوران تحقیقات مقدماتی و یا دادرسی باید در بازداشتگاه بماند.

این قرار، شدیدترین نوع قرارهای تأمین کیفری است. درست است که در سایر انواع قرارها، مثل کفالت یا وثیقه، نیز اگر متهم قادر به معرفی کفیل و یا سپردن وثیقه نباشد به بازداشت او منجر می‌شود و از این لحاظ با قرار بازداشت موقت نتیجه یکسانی دارند؛ مع الوصف، در قرار نوع اخیر متهم با وجود امکان معرفی کفیل یا سپردن وثیقه باز هم زندانی می‌شود.

از آنجا که قرار بازداشت موقت با اصل برائت (۱) و آزادی رفت و آمد (۲) افراد مغایر

۱. اصل سیو هفتم قانون اساسی: «اصل ، برائت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود، مگر این که جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.»

بند ۱ ماده یازدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر: «هر کس به بزه کاری متهم شده باشد بی گناه محسوب خواهد شد، تا وقتی که در جریان یک دعوای عمومی که در آن کلیه تضمین‌های لازم برای دفاع از او تأمین شده باشد، تقصیر او قانوناً محرز گردد.»

۲. آزادی رفت و آمد ناشی از آزادی‌های شخصی است و مفهوم آن این است که هر شخص هر وقت بخواهد در داخل کشور رفت و آمد کند و در هر محلی که مایل باشد سکونت نماید و در موقع بخواهد آن کشور را ترک کند و یا به کشور خود بازگردد. با تحولاتی که امروزه در زمینه ارتباطات و حمل و نقل روی داده، تأمین آزادی در فت و آمد و اختیار مسکن به صورت یکی از

نیازهای مهم زندگی در آمده است و هیچ کشوری نمی تواند مزهای خود را به روی خارج بینند و از رفت و آمد اتباع خود جلوگیری نماید.

چنانچه نظم عمومی، بهداشت عمومی و وقایع غیر مترقبه اقتضا کند دولت می تواند آن را محدود نماید به شرط آن که حدود منطقه ممنوعه و مدت رفت و آمد را به آکاهی عمومی برساند و مقامات قضایی مکلف هستند که در این زمینه به شکایات رسیدگی نمایند.

177

است و نتایج زیان بار آن غیر قابل جبران می باشد، قانون گذاران درباره مشروعیت به کارگیری آن تردید کرده و سعی نموده اند آن را از اختیار قاضی خارج کنند و تحت قاعده و قانون درآورند تا دادرسان نتوانند به اراده و دلخواه خود افراد را بازداشت نمابند.

بر خلاف سایر تأمین های کیفری که در اختیار قاضی است تا با احراز تناسب و بر اساس تشخیص خود، قراری را صادر کند، مورد قرار بازداشت موقت، به طور دقیق و حصری از طرف قانونگذار مشخص می گردد و دادرس مجاز نیست در غیر این موارد احصا شده در قانون، قرار بازداشت موقت صادر کند.

در بیشتر اعلامیه های جهانی حقوق بشر و کنوانسیون های بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، توصیه شده است که بازداشت موقت نباید به صورت یک قاعده کلی درآید. موارد آن باید در قانون احصا شود و به حداقل ممکن کاهش یابد. این قرار باید به اشد کیفرها مختص گردد.

منظور از اشد مجازات ها، اعدام است. در کشورهایی که هنوز در قوانین آنها مجازات اعدام وجود دارد، این کیفر تنها برای جرم قتل عمدى با سبق تضمیم و

ماده 9 و بندهای 1 و 2 ماده 13 اعلامیه جهانی حقوق بشر، ماده 8 اعلامیه آمریکایی حقوق بشر، بندهای 1 تا 4 ماده 12 و نیز ماده 13 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، بندهای 1 تا 4 ماده 2 و بندهای 1 و 2 ماده 3 و نیز ماده 4 کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، بندهای 18 مواد 1 و 2 و بندهای 19 مواد 1 و 2 منشور اجتماعی اروپا، بندهای 1 تا 9 ماده 22 کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و بندهای 1 تا 5 ماده 12 منشور آفریقا ای حقوق بشر و ملل ناظر بر این امور است.

آنچه در مجموع توسط این اسناد مورد توجه قرار گرفته به شرح زیر است:

(1) آزادی برای حرکت در داخل محدوده کشور.

(2) آزادی انتخاب محل اقامت در قلمرو کشور

۳) آزادی خروج از کشور.

۴) آزادی ورود به کشور.

۵) عدم اخراج از کشور.

۶) عدم تبعید.

ر.ک: دکتر بهمن، فرهنگ حقوق بشر، ص 75 و 76.

178

تپیه مقدمات پیش بینی می شود.

توضیح بالا می رساند که موارد صدور قرار بازداشت موقت در قوانین چگونه ممکن است کاهش یابد.(۱)

البته متأسفانه در حرکتی قهقهایی و واپسگرایانه که نتیجه تسلط برخی دولت های تمامیت خواه و سلطه طلب در شماری از کشورها است و نیز در اثر ترویج و نفوذ برخی نظریه های استبدادگرایانه، در نیمه دوم قرن بیستم، موارد بازداشت موقت در برخی کشورهای دنیا افزایش یافته است؛ اما هیچ وقت این فکر فراموش نشده است که باید ضوابط و معیارهای قانونی برای آن تعیین شود تا صدور قرار بازداشت موقت از اداره مقام قضایی خارج باشد و قانونمند گردد.

177 – بازداشت موقت در ایران . – نویسندهان قانون اصول محاکمات جزایی، به پیروی از نظرات آزادی خواهانه مكتب های کلاسیک و نئوکلاسیک و به تعبیت از روش دادرسی فرانسوی، با بازداشت موقت متهم نظر موافقی نداشته اند و آن را از اختیار قاضی خارج نموده و قانونمند گرده اند.

تأثیر این روش در قانون گذاری های بعدی نیز آشکارا دیده می شود.(۲)

۱. برخی از دانشمندان حقوق جزا بر این باورند که قرار بازداشت موقت بهترین نوع تأمین کیفری است؛ زیرا سبب می شود تا همه در برابر فرشته عدالت یکسان ظاهر شوند. موقعیت مالی و یا اجتماعی متهمان در وضعیت قضایی آنان تأثیر نمی گذارد. قرار بازداشت موقت تنها تأمینی است که می تواند این هدف را فراهم کند.

در قلمرو اندیشه بالا نحوه عملکرد بدین منوال خواهد بود که هرگاه دلایل کافی علیه متهم وجود داشته باشد باید او را بازداشت کرد و اگر دلیل کافی نباشد باید متهم بلاقید آزاد گردد. این روش در کلیه جرایم و برای همه متهمان یکسان اجرا می شود.

به نظر می رسد در جرایم ساده و کم اهمیت، به ویژه در کشورهایی که شناسایی شهروندان و محل اقامت آنان، برای مقامات پلیسی مشکل خاصی نداشته باشد اخذ تأمین ضرورتی ندارد.

<p>اعلام داشته است: «قرار بازداشت موقت سنگین ترین قرار تأمین کیفری است که به موجب آن قاضی می تواند در مرحله انجام تحقیقات، و در حالی که هنوز بزه کاری متهم ثابت نشده، \$</p>	<p>3</p>	<p>6</p>	<p>7</p>	<p>2. چنانچه اداره حقوقی قوه قضاییه نیز از این تأثیر بی بهره نبود و در نظریه مشورتی شماره 1454</p>
--	----------	----------	----------	--

179

در ایران برای صدور قرار بازداشت موقت ضوابط و معیارهایی تعیین شده است که مهم ترین آنها عبارتند از:

1 – موارد قرار بازداشت موقت در قانون احصا می شود.

2 – قرار بازداشت موقت قابل اعتراض از سوی متهم شناخته می شود.

3 – این حق اعتراض در متن قرار قید می گردد.

4 – به اعتراض متهم در دادگاه و خارج از نوبت رسیدگی به عمل می آید.

5 – قرار بازداشت موقت با توافق دو مقام قضایی (قاضی تحقیق و قاضی

آزادی وی را سلب بنماید. مبنی با توجه به این مطلب، موارد صدور قرار بازداشت موقت را مشخص نموده و در ماده 37 ق.آ.د.ک 1378 تصریح نموده: «کلیه قرارهای بازداشت موقت باید مستدل و موجه بوده و مستند قانونی و دلایل آن و حق اعتراض متهم در متن قرار ذکر شود.» به علاوه در ماده 33 همان قانون مقرر گردیده: «قرار بازداشت موقت توسط قاضی دادگاه صادر و به تأیید رئیس حوزه قضایی محل یا معاون وی می رسد و قابل تجدید نظر خواهی در دادگاه تجدید نظر استان ظرف مدت 10 روز می باشد.» وضع این مقررات برای صدور و تأیید قرار بازداشت موقت به آن سبب است که براساس اصل 156 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع نظارت بر حسن اجرای قوانین در زمرة وظایف قوه قضاییه قرار دارد و تحقق این اهداف مستلزم آن است که رؤسای حوزه های قضایی به لحاظ داشتن بالاترین مسؤولیت قضایی در هر محل، اهتمام به مسائل قضایی را در رأس اقدامات خود قرار دهند. از آنجا که به موجب ماده 11 قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، رئیس حوزه قضایی یا معاون وی نباید توجیهی برای تأیید قرار بازداشت موقت از جانب مقاماتی باشد که قانوناً چنین اختیاری ندارند یا برای قانونی شدن این رویه در صدد تغییر قانون آین دادرسی کیفری باشند. راه حل منطقی قضیه در این موارد آن است که در صورت عدم حضور رئیس حوزه قضایی یکی از معاونان وی در محل حضور داشته و این نظارت را اعمال نماید تا ضمن این که امکان بازداشت اشخاصی که قانوناً برای

آنچنین قرارهایی صادر شده فراهم گردد، مراقبت شود تا صدور این قرارها محدود به موارد و جهات قانونی باشد؛ زیرا در صورتی که در صدور قرار بازداشت موقت دقت و نظارت کافی معمول نگردد و من غير حق آزادی اشخاص سلب شود، هیچ راهی برای جبران آن متصور نیست و مسؤولیت قوه قضاییه ایجاب می نماید که از وقوع چنین مواردی جلوگیری گردد. بنابراین موانع اجرای قانون باید با اتخاذ روش‌های دیگری، من جمله افزایش تعداد معاونان رئیس حوزه قضایی که ابلاغ آنان از سوی رئیس قوه قضاییه صادر شده باشد از میان برداشته شود؛ لذا تغییر مقررات قانونی آین دادرسی کیفری در حال حاضر ضروری به نظر نمی رسد.»

180

تعقیب) صادر می شود.

6 – قرار بازداشت موقت باید موجه و مستدل باشد؛ و علت و جهتی که موجب صدور قرار گردیده است در متن قرار قید شود.(۱)

7 – قرار بازداشت موقت باید مدت داشته باشد. علی الاصول این مدت تا زمانی می تواند ادامه یابد که علت صدور قرار وجود دارد.(۲) و یا تا زمان صدور حکم بدوى که در هر حال باید از مدت حداقل مجازات قانونی جرم ارتکابی بیشتر باشد.(۳)

8 – ابلاغ قرار به متهم ضروری است.

کلیه موارد بالا در جهت حمایت هر چه بیشتر حقوق متهم در دادرسی‌های کیفری است.

178 – انواع قرار بازداشت موقت. – در سیستم قضایی کشور ما، دو نوع قرار بازداشت موقت پیش‌بینی شده است:

الف. قرار بازداشت موقت اختیاری.

ب. قرار بازداشت موقت الاجمی.

چنانچه از عنایین نیز پیدا است در قرار نوع اول مقام قضایی می تواند با احراز شرایط قانونی متهم را بازداشت کند.

جهات، مدت و نحوه صدور هر یک از این دو نوع قرار متفاوت است. هر یک جداگانه توضیح داده می شود.

1. کلیه نکات مذکور، در قانون اصول محاکمات جزایی، از جمله در ماده 38 و در ق.آ.د.ک از جمله در مواد 33 و 37 ذکر شده است.

2. ماده 38 قانون اصول محاکمات جزایی.

3. ماده 35 و قسمت اخیر ماده 37 ق.آ.د.ک.

181

بند الف. قرار بازداشت موقت اختیاری

179 - شرایط صدور قرار . - مبنای قانونی صدور قرار بازداشت موقت اختیاری، ماده 32 ق.آ.د.ک است.(1) به موجب صدر ماده مذبور:

در موارد زیر هر گاه قرایین و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید، صدور قرار بازداشت موقت جایز است...

صدر ماده یاد شده چند پیام مهم و اساسی دارد:

یک - در موارد زیر صدور قرار بازداشت موقت جایز است. قانون گذار با این بیان موارد صدور قرار بازداشت موقت را احصا کرده است تا آن را از اختیار مقام قضایی خارج سازد.

دو - پیام دیگر بیان فوق این است که موارد احصا شده حصری است. دادرسان مجاز نیستند موارد جدیدی بر آن ها بیافزایند.

سه - در این موارد هم صدور قرار بازداشت موقت جایز است؛ یعنی مقام قضایی مجبور نیست متهم را باز داشت نماید. می تواند درباره او قرار بازداشت موقت صادر کند و یا از آن صرف نظر نماید.

چهار - در موارد اعلام شده، وقتی می توان قرار بازداشت موقت صادر کرد که قرایین و امارات موجود بر توجه اتهام به متهم دلالت داشته باشد. بنابراین در صورت

1. ماده 130 مکرر قانون اصول محاکمات جزایی (الحقی خرداد 1311) مقررات مشابهی دارد. به موجب این ماده: «در موارد ذیل توقيف متهم جایز است:

(1) در جنایات مطلقاً

(2) در امور جنحه وقتی که متهم ولگرد بوده و کفیل و یا وثیقه ندهد.

(3) در هر موردی که آزاد بودن متهم ممکن است موجب امحای آثار و دلایل جرم شده و یا باعث مواضعه و تبانی با شهود و مطلعین واقعه گردیده یا سبب شود که شهود از ادای شهادت امتناع کنند و همچنین در موقعی که بیم فرار یا پنهان شدن متهم باشد و به طریق دیگری نتوان از آن جلوگیری نمود...

182

نبودن دلیل کافی علیه متهم صدور قرار بازداشت موقت موقعیت قانونی ندارد.

پنج – علاوه بر نکات مذکور در صدر ماده 32 ق.آ.د.ک، در تبصره 2 ماده یاد شده آمده است:

رعایت مقررات بند «د» در بندھای «الف»، «ب» و «ج» نیز الزامی است. طبق بند «د» مذکور : در مواردی که آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و دلایل جرم شده و یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود مطلعین واقعه گردیده و یا سبب شود که شهود از ادای شهادت امتناع نمایند. همچنین هنگامی که بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگری نتوان از آن جلوگیری نمود.

شش – برای صدور قرار بازداشت موقت در جرایم منافی عفت، علاوه بر شرایط مذکور، برابر تبصره 1 ماده یاد شده:

چنانچه جنبه شخصی نداشته باشد در صورتی بازداشت متهم جایز است که آزاد بودن وی موجب فساد شود.

180 – موارد صدور قرار بازداشت موقت اختیاری . – قانونگذار، در احصای موارد بازداشت موقت، روش معینی ندارد؛ ضوابط و معیارهای گوناگونی را مصلحت دیده و در نظر داشته است. شدت مجازات، اهمیت جرم، بیم فرار و پنهان شدن و تبانی با دیگران و از بین رفتن آثار و دلایل جرم، از جمله جهاتی است که در این احصا تأثیر داشته است.

موارد احصایی، طبق ماده 32 قانون یاد شده عبارتند از:

... الف. جرایمی که مجازات قانونی آن اعدام، رجم، صلب و قطع عوض باشد.

ب. جرایم عمدى که حداقل مجازات قانونی آن سه سال حبس باشد.

ج. جرایم موضوع فصل اول کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی. (1)

۵. در مواردی که آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و دلایل جرم شده و یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعین واقعه گردیده و یا سبب شود که شهود از ادای شهادت امتناع نمایند. همچنین هنگامی که بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگری نتوان از آن جلوگیری نمود.

هـ. در قتل عمد با تقاضای اولیای دم برای اقامه بینه، حداکثر به مدت شش روز.

تبصره دو – رعایت مقررات بند «د» در بندهای «الف»، «ب» و «ج» نیز الزامی است.

هر یک از موارد فوق جداگانه توضیح داده می شود:

الف . قانونگذار در انسای بند «الف» ماده مرقوم به ظاهر، شدت مجازات را مورد توجه قرار داده است. هر یک از مجازات های اعلام شده در بند «الف»، شامل جرایم مختلف می شود. اعدام و رجم، معمولا نتیجه یکسان دارد. هر دو به قطع حیات محکوم علیه منجر می شود.

رجم مختص زنای محسن و محسنه است. در قوانین کیفری ایران اعدام کاربرد فراوانی دارد و منظور از آن قطع حیات محکوم علیه است. طریق اجرای مجازات اعدام در صدور قرار بازداشت وقت تأثیری ندارد.

در مجازات صلب، هدف قطع حیات نیست، بلکه منظور مصلوب کردن محکوم

۱. منظور قانون گذار، جرایم بر ضد امنیت داخلی و خارجی کشور است که از ماده 498 تا 512 (ق.م) می باشد.

184

علیه می باشد و حتی نحوه بستن به صلیب نباید موجب مرگ او گردد(۱) و بیش از سه روز نباید بر صلیب بماند . اگر در این سه روز بمیرد می توان او را پایین آورد. اگر بعداز سه روز زنده بماند نباید او را کشت.(۲)

مجازات قطع عضو به دو جهت ممکن است مورد حکم قرار گیرد. یکی به عنوان حد، مانند حد سرقت که در مرتبه اول چهار انگشت دست راست سارق برویده می شود و در مرتبه دوم پای چپ او قطع می گردد(۳) و دیگری به عنوان قصاص می باشد.(۴)

. قانون گذار در بند «ب» ماده 32 مورد بررسی، اجازه داده است تا در جرایم عمدی که حداقل مجازات قانونی آنها سه سال حبس باشد قاضی بتواند قرار بازداشت موقت صادر کند. به این اعتبار نیز موارد صدور قرار بازداشت موقت افزایش می یابد؛ زیرا در قوانین موضوعه ایران جرایم عمدی که حداقل مجازات قانونی آنها سه سال حبس باشد فراوان است.(5)

برای صدور قرار بازداشت موقت به استناد بند «ب» یاد شده، علاوه بر شرط های عمومی برای صدور قرار بازداشت موقت، وجود دو شرط دیگر نیز ضروری است:

۱- جرم ارتکابی عمدی باشد.

۲- حداقل مجازات قانونی آن سه سال حبس باشد.

۱. بند «الف» ماده 195 ق.م.ا.

۲. بندھای «ب» و «ج» ماده 195 ق.م.ا.

۳. ماده 201 ق.م.ا.

۴. طبق ماده 269 ق.م.ا. «قطع عضو یا جرح آن اگر عمدی باشد موجب قصاص است...»

۵. مثلاً طبق ماده 524 ق.م.ا: «هر کس احکام یا امضا یا مهر یا فرمان یا دستخط مقام معظم رهبری و یا روسای سه قوه را به اعتبار مقام آنان جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال نماید به حسب از سه تا پانزده سال محکوم خواهد شد.» و با طبق ماده 571 همان قانون: «هر گاه اقداماتی که بر خلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باشد بر حسب امضای ساختگی وزیر یا مأمورین دولتی به عمل آمده باشد، مرتکب و کسانی که عالمآن را به کار برده باشند به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهند شد.» همچنین ر.ک ماده 596 م

اگر حداقل مجازات قانونی جرم ارتکابی کمتر از سه سال و حداقل آن حتی بسیار سنگین باشد،(1) باز هم از شمول این بند خارج است.

ج. در بند «ج» ماده 32، قانونگذار با عنوان کردن: «جرائم موضوع فصل اول کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی»، صدور قرار بازداشت موقت در جرایم معروف به امنیتی را مجاز دانسته است.

فصل اول کتاب پنجم قانون مذکور که جرایم صد امنیت داخلی و خارجی کشور عنوان دارد، شامل چهارده ماده می باشد. بسیاری از مجازات های تعیین شده در این موالد ملایم تر و سبک تر از آن است که با ماهیّت موارد صدور قرار بازداشت موقّت سازگار باشد.(2)

جالب توجه این است که قانونگذار با وجود کم و سبک بودن مجازات بعضی از جرایم موضوع فصل مذکور، اجازه صدور قرار یا بازداشت موقت را می دهد. بدون این که توجه به میزان مجازات داشته باشد.

د. در بند «د» ماده مورد بررسی، قانون گذار برای صدور قرار بازداشت موقت، سه جهت دیگر نیز عنوان می نماید. هر سه جهت مهم بوده و موارد صدور قرار بازداشت موقت را افزایش می دهد. این جهات عبارتند از:

یک – آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و دلایل جرم شود.

1. مانند جرم موضوع ماده 518 ق.م. – تهیه و ترویج سکه های قلب – که مجازات مرتكب از یک تا ده سال حبس می باشد.
2. قانون گذار، در این فصل طبق این ماده: «هر کس شبیه هر نوع مسکوک طلا یا نقره داخل یا خارجی از قبیل سکه بهار آزادی، سکه های حکومت قبلی ایران، لیره و نظایر آن را از پول و ارزهای دیگر که مورد معامله واقع می شود، بسازد یا عالمآ داخل کشور نماید یا مورد خرید و فروش قرار دهد یا ترویج سکه قلب نماید به حبس از یک تا ده سال محکوم می شود. رای بعضی از جرایم مجازات های بسیار سبکی در نظر گرفته است، مثلًا مجازات جرم موضوع ماده 506 (تخليه اطلاعاتی شدن مسؤولین امور حفاظتی و اطلاعات طبقه بندي شده، در اثر بی مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی) یک تا شش ماه حبس می باشد

186

دو – آزاد بدون متهم باعث قباني با متهمان دیگر یا شهود و مطلعني واقعه گردیده و یا سبب شود که شهود از ادای شهادت متناع نمایند.

سه – هنگامی که بیم فرار و یا مخی شدن متهم باشد و به طریق دیگری نتوان از آن جلوگیری نمود.

قانون گذار توضیح بیشتری در این باره نداده است و رویه قضایی مطلوب شناخته شده ای نیز هنوز دیده نمی شود؛ با این وجود از لحاظ منطق قضایی شاید بتوان گفت:

1- وقتی معاینه محل انجام گرفت و آثار و علایم جرم در صورت جلسه درج گردید و دلایل جمع آوری شد، جهت اول مورد نظر مقتنی منتفی می شود و دیگر صدور قرار بازداشت موقت متهم به اعتبار آنها نمی تواند توجیهی داشته باشد.

2 - وقتی از شهود و مطلعین واقعه بازجویی گردید و در صورت نیاز مواجهه حضوری نیز به عمل آمد، جهت دوم نیز منتفی می شود.

بنابراین وجود یا عدم وجود به طور ساده تری مشخص می گردد و دادرسان نمی توانند به این گونه بهانه ها متولّ شوند و متهم را بازداشت کنند.

3 - جهت سوم یعنی بیم فرار یا مخفی شدن متهم، چون امری اعتباری و نسبی است احراز آن مشکل می باشد. دادرس باید قرینه و یا اماره ای بر وجود احتمال فرار یا مخفی شدن متهم در اختیار داشته باشد؛ تا بتواند متهم را بازداشت کند.(1)

لازم به یادآوری است که طبق تبصره 2 ماده مورد بررسی، مقررات بند «د» در بندهای «الف»، «ب» و «ج» نیز الزامی است؛ یعنی در هر حال، برای صدور قرار بازداشت موقت یکی از جهات مقرر در بند «د» باید وجود داشته باشد. به بیان دیگر بدون وجود یکی از جهات سه گانه اعلام شده در بند «د»، صدور قرار

1. در رویه قضایی بعضی گشورها، فرار قبلی متهم از مراجع تحقیقاتی و یا پلیسی می تواند نشانگر خطر فرار و یا مخفی شدن به شمار آید.

به علاوه، دقّت در مفاد تبصره یاد شده، می رساند که جهات مذکور در آن نمی توانند هر یک به تنها و یا با هم صدور قرار بازداشت موقت را توجیه کنند. تنها در جرایم احصا شده در بندهای «الف»، «ب» و «ج» ماده مورد بررسی، هر گاه یکی از جهات سه گانه اعلام شده در بند «د» نیز وجود داشته باشد صدور قرار بازداشت موقت جایز است.(1)

181 - هـ. بازداشت با تقاضای اولیای دم . - در بند «هـ» ماده 32، صدور قرار بازداشت متهم برای اقامه بینه، در قتل عمد - تجویز شده است؛ و مدت آن شش روز می باشد. این جهت برای

صدور قرار بازداشت موقت در قوانین موضوعه کشور ما تازگی دارد. گفته می شود مقررات یاد شده مستند فقهی دارد. در حقوق موضوعه سایر کشورهای جهان نیز از آن سابقه ای دیده نمی شود.

برای صدور قرار بازداشت موقت، به جهت مذکور، علاوه بر شرایط عمومی صدور قرار بازداشت، وجود شرایط زیر نیز ضروري است:

1- جرم ارتکابی قتل عمد باشد.

2- اولیای دم تقاضای بازداشت متهم را بنمایند.

3- این تقاضا به منظور اقامه بینه صورت گرفته باشد.

4- مدت آن از شش روز بیشتر نباشد.

182 - تأیید رسید حوزه قضایی . - طبق ماده 33 ق.آ.د.ک قرار بازداشت موقت، توسط قاضی دادگاه صادر می شود و به تأیید رئیس حوزه قضایی محل و یا معاون

1. مقررات قانون اصول محاکمات جزایی، از این جهت، با مقررات قانون آینین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری متفاوت است، در قلمرو اجرای قانون اصول محاکمات جزای بازداشت متهم تنها به لحاظ وجود یکی از شرایط مذکور در بند 3 ماده 130 مکرر همان قانون بلامانع می باشد.

188

وی می رسد. روش قانون اصول محاکمات جزایی این چنین نیست. در قلمرو قانون مذبور قرار بازداشت موقت از طرف بازپرس یا دادیار صادر می شود و به موافقت دادستان می رسد. چنانچه دادستان با آن موافق نباشد و بین این دو مقام توافقی حاصل نشود، حل اختلاف در دادگاه به عمل می آید.

ماده 33 ق.آ.د.ک اعلام داشته است که:

قرار بازداشت موقت توسط قاضی دادگاه صادر و به تأیید رئیس حوزه قضایی محل یا معاون وی می رسد...

و مشخص نکرده است که اگر مقامات مذکور قرار را تأیید نکنند تکلیف چیست؟ (1)

نمی خواهیم .	ندارم رونوشت می خواهیم	<p>183— نمونه متن قرار بازداشت موقت اختیاری . — درباره آقای «الف» ، متهم به ارتکاب یک فقره قتل عمد، با توجه به دلایل قراین و امارات موجود در پرونده بر توجه اتهام به او و عنایت به مجازات قانونی عمل ارتکابی و بیم تبانی با شهود و فرار و پنهان شدن مستندأ به بندهای «الف» و «د» ماده 32 قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری قرار بازداشت موقت، صادر و اعلام می گردد. این قرار ظرف ده روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان می باشد. قرار به متهم تفہیم شد؛ اظهار داشت فهمیدم نسبت به آن اعتراض دارم</p>
-----------------	------------------------------	---

امضای متهم

مقام قضایی

1. برای اطلاع بیشتر رجوع شود به ش 176 همین کتاب .

189

184 — محتوای قرار بازداشت موقت . — هنگام صدور قرار بازداشت موقت، نکات زیر باید مورد توجه مقام قضایی قرار گیرد و در متن قرار قید شود:

1. علت صدور قرار.(1)

2. مستند قانونی قرار.(2)

3. قابل اعتراض بودن قرار.(3)

4. ابلاغ قرار به متهم.(4)

185 — دستورات قضایی بعد از صدور قرار بازداشت . — پس از صدور قرار بازداشت موقت، مرجع تحقیق مکلف است بلافصله دو اقدام قضایی مهم انجام دهد:

1. معزّفی متهم به بازداشتگاه.

2. گسب تأییدیه ریس حوزه قضایی یا معاون او .

186 – معرفی متهم به بازداشتگاه . – وضعیت متهم بعد از صدور قرار بازداشت موقت تا تأیید رئیس حوزه قضایی، که علی الاصول بین آن دو عملکرد فاصله

1. ماده 37 ق.آ.د.ک و مده 38 قانون اصول محاکمات جزایی.

2. همان.

3. ماده 33 ق.آ.د.ک و ماده 38 قانون اصول محاکمات جزایی.

4. صراحت قانونی خاصی وجود ندارد که قرار بازداشت موقت، فوری به متهم ابلاغ گردد؛ لیکن با توجه به صراحت اعتراض متهم و نتیجه عملی بازداشت موقت، که زندافی شدن متهم است، به نظر می رسد فوریت این ابلاغ مسلم و آشکار باشد و حتی در صورت امکان باید حضوری در جلسه بازجویی نیز صورت گیرد تا متهم بتواند به موقع، از جهت و علت بازداشت خود مطلع شود، مستند قانونی آن را بداند و در صورت معتبر بودن آگاهانه آن را اعلام نماید.

در خصوص ابلاغ قرار بازداشت موقت قبل از تأیید رئیس حوزه قضایی، نظریه دیگری هم وجود دارد و آن این که قرار بازداشت موقت قبل از تأیید رئیس حوزه قضایی یا معاون او، از نظر قانون قرار تلقی نمی شود تا بتوان آن را به متهم تفهیم نمود. این قرار پس از تأییدات مقامات مذکور معتبر بوده و قابل تفهیم می باشد. (نشست قضایی در دادگستری استان زنجان، آبان ماه 1379).

190

زمانی وجود دارد، از طرف قانون گذار مشخص نشده است و معلوم نیست در این مدت متهم کجا و چگونه باید نگهداری شود؟

ماده 38 قانون اصول محاکمات جزای در این مورد تعیین تکلیف کرده و اعلام داشته است که متهم تا حل اختلاف بین بازپرس و دادستان در توقيف می ماند.(1)

شاید در حال حاضر نیز بهتر باشد به روش مذکور عمل گردد؛ زیرا، روش یاد شده بهترین و معقول ترین راه حل است. تا زمانی که قانون گذار طریق دیگری ارایه ننماید جز معرفی متهم به بازداشتگاه چاره ای نیست.

187 – ق. کسب نظر ریسی حوزه قضایی یا معاون او . – یکی از دستورهای مهم دادگاه بعد از صدور قرار بازداشت موقت متهم، این است که پرونده را نزد رئیس حوزه قضایی یا معاون او بفرستد تا نظر آنان را در مورد بازداشت موقت بخواهد.

کاربردی

دفتر، پرونده به نظر ریاست حوزه قضایی برسد تا در صورت موافقت با قرار صادر شده برای رسیدگی به اعتراض متهم، پرونده به دادگاه تجدید نظر استان فرستاده شود.

مقام قضایی

وقتی پرونده به نظر رئیس حوزه قضایی یا معاون او می‌رسد، مقام‌های

1. طبق ماده مذکور: «...هر گاه مدعی العموم با توقيف موافق نبوده و همچنین در موردی که مدعی العموم تقاضای توقيف کرده و مستنطق با آن موافق نباشد، حل اختلاف در محکمه بداعیت محل به عمل خواهد آمد و متهم بر حسب مورد به دستور مستنطق یا مدعی العموم تا صدور رأی محکمه توقيف خواهد شد...»

191

مذکور مکلفند خارج از نوبت نسبت به آن رسیدگی و نظر خود را درباره بازداشت متهم هر چه سریع‌تر اعلام کنند. مقام‌های فوق ممکن است با نظر حاکم دادگاه موافق و یا با آن مخالف باشند؛ در هر دو صورت، نظر خود را باید موجه و مستدل در پرونده امر بنویسند.

فرض اول – رئیس حوزه قضایی یا معاون او با قرار صادره موافق می‌باشد؛ در این صورت می‌نویسد:

جناب آقای حاکم محترم شعبه قرار بازداشت موقت آقای «الف» متهم به سرفت مسلحانه، که به لحاظ توجّه اتهام و بیم فرار و تبانی با شهود صادر شده است موجه بوده و تأیید می‌شود. دستور فرمایید پرونده برای رسیدگی در خصوص اعتراض متهم، به دادگاه تجدید نظر استان فرستاده شود.

رئیس حوزه قضایی

فرض دوم – رئیس حوزه قضایی یا معاون او با قرار صادره موافق نباشد. در این صورت جهت مخالفت خود را باید به طریق اولی به طور مستدل و موجه اعلام نماید.

جناب آقای حاکم محترم دادگاه شعبه نظر به این که معانیه محل انجام گرفته است و بیم امحای آثار جرم منتفی می‌باشد و از شهود تحقیق به عمل آمده و بیم تبانی نیز وجود

ندارد، قرایین و امارات کافی هم بر توجه اتهام دیده نمی شود، لذا قرار صادره موجه نیست و با آن موافقت نمی شود.

ریس حوزه قضایی

192

189 - اختلاف بین ریس حوزه قضایی و حاکم دادگاه، درباره قرار بازداشت موقت . - چنانچه اشاره شد، در خصوص اختلاف بین دو مقام قضایی مذکور، درباره صدور قرار بازداشت موقت، در قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، راه حل خاصی مقرر نشده است. با فقدان نص قانون، در محاذل علمی - قضایی ، سه دیدگاه متفاوت مطرح می باشد:

دیدگاه اول - تأیید ریس حوزه قضایی یا معاون او جنبه تشریفاتی دارد و نوعی نظارت استطلاعی است تا ریس حوزه قضایی یا معاون او در جریان امر قرار گیرند و از بازداشت فرد یا افرادی در حوزه قضایی مأموریت خود آگاهی یابند.(1) (تأیید) بیش از این معنی نمی دهد.

دیدگاه دوم - مستفاد از منطق ماده 33 ق.آ.د.ک این است که قرار بازداشت موقت زمانی کامل می شود که ریس حوزه قضایی یا معاون وی آن را تأیید کنند و اگر تأیید نکردند، اعتباری ندارند. منظور قانون گذار از کلمه (تأیید) آن است که قرار صادره به نظر مقامات مذکور برسد تا در باب آن اظهار نظر نمایند و مکلف به تأیید قرار صادره نیستند.(2)

اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه اعلام کرده است: با توجه به ماده 33 قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب سال 1378، چنانچه

1. زراعت، دکتر عباس و مهاجری، علی: شرح قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، ج 1، ص 136 .
در منبع فوق آمده است: «.. ریس حوزه قضایی باید با این قرار موافقت کند و تأیید او صرفاً از این جهت است که در مقام ریاست حوزه قضایی از کسانی که با قرار بازداشت موقت روزانه زندان می شوند استحضار اجمالی داشته باشد... و تأیید او فقط جنبه تشریفاتی دارد و از ارکان لازم برای بازداشت کردن متهم به وسیله قرار بازداشت موقت نمی باشد...»

1379 اداره حقوق قوه قضاییه	2	27 مورخ	1113 قسمت اخیر نظریه شماره
----------------------------	---	---------	----------------------------

193

ریس یا معاون حوزه قضایی با قرار بازداشت موقت صادره از سوی ریس دادگاه یا دادرس دادگاه موافقت ننماید، دادرس صادرکننده قرار مکلف به تبعیت از نظر ریس یا معاون حوزه قضایی است و بایستی قرار تأمین دیگری صادر نماید و رسیدگی به اعتراض متهم پس از تأیید قرار توسط ریس یا معاون حوزه قضایی است. (۱)

بر نظریه مذکور این ایراد مهم و اساسی وارد است که استقلال رأی و تصمیم گیری دادرسان دادگاه ها را نادیده می گیرد و در قلمرو امور قضایی نوعی سلسله مراتب به وجود می آورد. روشی که قرن ها است محکوم و متروک گردیده است. علاوه بر این سبب می شود تا کلیه قرارهای بازداشت موقت در یک حوزه قضایی معین با موافقت ریس حوزه یا معاون او صادر گردد که به استبداد قضایی منجر می شود. تفسیر اداره مذکور علمی – قضایی نبوده بلکه سیاسی و مصلحتی است. (۲)

\$ نظریه شماره	مورد	مورد	1378.
2. نظریه مشورتی اداره کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه به شماره 3467	15	7	5
« 1379 با توجه به ماده ۵ و ۱۲ از قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب و آین نامه اجرایی آن، ریس شعبه اول دادگاه عمومی محل، ریس حوزه قضایی محل است و بر دادگاه های عمومی و انقلاب نظارت و ریاست اداری دارد. دادگاه های انقلاب مستر در غیر مرکز استان نیز تحت ریاست ریس حوزه قضایی آن محل می باشند و در هر صورت ریس حوزه قضایی محل، نظارت و ریاست اداری بر دادگاه های انقلاب را نیز وفق قانون دارا می باشد و مستندا به ماده ۳۳ از قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸ بایستی قرارهای بازداشت موقت صادره از سوی قضايان دادگاه انقلاب نیز با توجه به عموم و اطلاع ماده مذکور به تأیید ریس یا معاون حوزه قضایی محل برسد، مگر این که با توجه به ماده ۱۲ آین نامه اجرایی قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، ریس حوزه قضایی تمامی یا بخشی از اختیارات خود از جمله حق اظهار نظر در مورد قرارهای بازداشت موقت را به ریسی شعبه اول دادگاه انقلاب تفویض نماید که در این صورت ریس شعبه اول دادگاه انقلاب در سمت معاون ریس حوزه قضایی انجام وظیفه می نماید و اختیار اظهار نظر پیرامون قرار بازداشت موقت صادره از سوی دادرس دادگاه انقلاب به عهده وی خواهد بود. مع ذلک این تفویض اختیار به هیچ وجه صلاحیت ریس حوزه قضایی را در باب تأیید یا عدم تأیید قرارهای بازداشت موقت موردن بحث، سلب نمی کند؛ \$	26	10	7

دیدگاه سوم – هر گاه بر مبنای مقررات قانون اصول محاکمات جزایی رفتار شود(1) و اختلاف حاکم دیدگاه با رئیس حوزه قضایی یا معاون او، درباره قرار بازداشت موقت، در دادگاه تجدیدنظر استان حل شود، اولی خواهد بود؛ زیرا دادگاه به هر صورت یک مرجع قضایی است و تبعیت حاکم دادگاه صادر کننده قرار از نظر یک دادگاه عالی را نمی توان تحمیلی دانست.

لازم به یادآوری است که نظارت قضایی رئیس حوزه قضایی یا معاون او بر عملکرد دادگاه ها توجیهی ندارد.

190 – تقویض اختیار . – آیا رئیس حوزه قضایی و یا معاون وی می توانند، اختیار تأیید قرار بازداشت موقت را به قاضی دیگر تقویض نمایند؟ به نظر می رسد با توجه به آمرانه بودن مقررات آین دادرسی کیفری و بان که قانون گذار تأیید شخص مقامات مذکور را مهم دانسته است، تقویض این اختیار به قاضی دیگر با روح قانون سازگار نباید. کما این که اداره حقوقی قوه قضاییه نیز در یک نظریه مشورتی اعلام داشته است: «تقویض اختیار تأیید قرار بازداشت موقت از ناحیه رئیس حوزه قضایی یا معاون وی به قاضی دادگاه موجز قانونی دارد.»(2)

191 – اختیار قاضی تحقیق . – قاضی تحقیق نیز در صورت ارجاع پرونده، می تواند قرار بازداشت موقت صادر کند. طبق ماده 34 ق.آ.د.ک: قاضی تحقیق می تواند در تمام مراحل تحقیقات، قرار بازداشت متهم و یا فرار اخذ تأمین و یا تبدیل تأمین را صادر نماید. در مورد

توضیح این که تبصره 2 ماده 249 آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب که حاکی است صلاحیت دادگاه عمومی و انقلاب نسبت به هم ذاتی است، نافی ریاست و نظارت رئیس حوزه قضایی (یعنی فرد واحد) بر هر دوی دادگاه های عمومی و انقلاب نیست و نمی تواند جواز قانونی اظهارنظر رئیس حوزه قضایی در خصوص قرارهای بازداشت موقت دادگاه انقلاب را سلب نماید.«
1. ماده 138 قانون اصول محاکمات جزایی.

1379.\$	8	7645	نظریه مشورتی شماره
7	8		مورخ

195

قرار بازداشت و یا قرار تأمینی که منتهی به بازداشت متهم شود، مکلف است حداقل ظرف مدت (24) ساعت پرونده را برای اظهارنظر نزد قاضی دادگاه ارسال کند. در صورت موافقت دادگاه با قرار بازداشت موقت و اعتراض متهم، برابر ماده 33 اقدام می شود...»

192 – صدور قرار بازداشت موقت از طرف رئیس حوزه قضایی . – رئیس حوزه قضایی یا معاون او همه جزء مقاماتی هستند که می توانند قرار بازداشت موقت صادر کنند؛ این قرار به تأیید

مقام خاصی نیازمند نبوده و پرونده جهت رسیدگی به اعتراض متهم به دادگاه تجدید نظر استان فرستاده می شود。(۱)

ریس حوزه قضایی و یا معاون او به عنوان حاکم شعبه خاص و معین، می توانند قرار بازداشت موقت صادر کنند، نه به اعتبار ریس حوزه قضایی و یا معاون بودن؛ در نتیجه بدون ارجاع پرونده به شعبه ای که آنان متصدی آن هستند چنین موقعیتی را ندارند؛ به عبارت دیگر مقامات فوق فقط درباره پرونده های شعب تحت تصدی خود این اختیار را دارا هستند.(۲)

193 – قابل اعتراض بودن قرار بازداشت موقت . – قرار بازداشت موقت ، ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ به متهم قابل اعتراض می باشد. مرجع رسیدگی به آن دادگاه تجدیدنظر استان است که باید در وقت فوق العاده و خارج از نوبت به اعتراض رسیدگی نماید؛ و در هر صورت ظرف یک ماه وضعیت متهم روشن شود.(۳)

بند ب. بازداشت موقت الزامی

194 تعریف و کلیات . – چنانچه از عنوان نیز پیدا است، در این گونه موارد،

1. برای اطلاع بیشتر ر.ک: آخوندی، دکتر محمود، آینه دادرسی کیفری، ج 4، ص 159.

2. تبصره ذیل ماده 33 ق.آ.د.ک.

3. ماده 33 همان قانون.

196

قاضی رسیدگی کننده مکلف به صدور قرار بازداشت متهم است و قانوناً حق ندارد از متهم تأمین دیگری بگیرد.

از نظر علمی، اجبار مرجع قضایی به صدور قرار بازداشت موقت توجیهی ندارد. در حقیقت تحمیلی است که قوّه مقننه بر قوّه قضاییه می نماید و نوعی مداخله در امور قوّه قضاییه محسوب می شود؛ و مخالف اصل تفکیک قوای کشوری است(۱) که در دنیای امروزی با احترام خاصی به آن می نگرند و نقض آن را جایز نمی دانند. بهتر است قوّه مقننه، فقط ضوابط صدور قرار بازداشت موقت را مشخص کند و پیاده کردن ضوابط با عمل ارتکابی را به عهده مراجع قضایی واگذار نماید. تحمیل نوع تأمین به داردس رسیدگی کننده با طبیعت دادرسی های جزایی سازگار نیست.

در عمل گاهی مشاهده می شود که مرجع قضایی با پرونده ای روبرو است که به حکم قانون باید متهم را بازداشت کند؛ در حالی که با توجه به شخصیت و موقعیت مرتكب، بازداشت او را مناسب تشخیص نمی دهد. در این گونه موارد دادرس علی رغم میل باطنی خود و اقتضای مصلحت پرونده و اوضاع و احوال وقوع جرم، مکلف می شود متهم را بازداشت کند؛ چنین الزامی قابل توجیه نیست.

قانون گذار در زمان تصویب قانون نمی تواند اشراف کافی به کیفیت و نحوه وقوع و جرم و شرایط آن داشته باشد. در نتیجه نمی توان تناسب تأمین را به درستی تشخیص دهد. بهتر آن است که آزادی عملکرد و تصمیم گیری های دارسان را خیلی محدود ننماید.

به علاوه بهتر است توصیه های بین المللی نیز فراموش نشود که بازداشت موقت اجباری باید در قوانین پیش بینی شود و موارد بازداشت موقت اختیاری هم در حد امکان کاهش یابد.(2)

1. طبق اصل 57 قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قوه مقننه، مجریه و قضاییه مستقل از یکدیگرند.
2. آیت الله هاشمی شاهروodi، رئیس قوه قضایی، در اولین همایش بین المللی بررسی راه های جایگزین

197

195 – مستند قرار بازداشت الزامی . – در قلمرو دادگاه های عمومی و انقلاب، مستند قانونی صدور قرار بازداشت الزامی، ماده 35 ق.آ.د.: می باشد.(1) به موجب ماده مذکور:

در موارد زیر با رعایت قیود ماده 32 این قانون و تبصره های آن، هرگاه قرایین و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید صدور قرار بازداشت موقت الزامی است و تا صدور حکم بدوى ادامه خواهد یافت؛ مشروط بر این که مدت آن از حداقل مدت مجازات مقرر قانونی جرم ارتکابی تجاوز ننماید:

الف. قتل عمد، آدم ربایی، اسید پاشی و محاربه و افساد فی الارض.

ب. در جرایمی که مجازات قانونی آن اعدام یا حبس دائم باشد.

ج. جرایم سرقت، کلاهبرداری، اختلاس، ارتشا، خیانت در امانت، جعل و استفاده از سند مجعل در صورتی که متهم حداقل یک فقره سابقه محکومیت قطعی یا دو فقره یا بیشتر سابقه محکومیت غیر قطعی به علت ارتکاب هر یک از جرایم مذکور را داشته باشد.

۵. در مواردی که آزادی متهم موجب فساد باشد.

هـ. در کلیه جرایمی که به موجب قوانین خاص مقرر شده باشد.

مجازات حبس اعلام فرموده اند: «بازداشت موقت پایه فساد است، باید برچیده شود، در اسلامی که برای متهم به قتل عمد اجازه بازداشت موقت بیش از شش روز را نمی دهد چگونه است که افرادی را از یک تا سه سال در بازداشت موقت نگه می داریم.»

روزنامه همشهری، شماره 2718 مورخ پنجشنبه 19

1381.

2

19

1. تبصره ماده 130 مکرر قانون اصول محاکمات جزایی (الحاقی خداداد 1352)؛ مقررات وزیر خود را داشته و بیان می دارد: «درباره کسانی که به اتهام سرقت و یا کلاهبرداری و یا جعل و یا استفاده از سند مجعل مورد تعقیب قرار می گیرند، هرگاه دلایل و قراین موجود، دلالت بر توجه اتهام به آن نماید و یک فقره سابقه محکومیت قطعی و یا دو فقره یا بیشتر سابقه محکومیت غیرقطعی، به علت ارتکاب هر یک از جرایم مذکور داشته باشند، قرار بازداشت صادر خواهد شد.»

198

196 – شرایط صدور بازداشت موقت الزامی . – دقت در مفاد ماده مرقوم می رساند که برای صدور قرار بازداشت موقت الزامی نیز قانون گذار شرایطی تعیین کرده است. این شرایط به مراتب بیشتر و دقیق تر از شرایطی است که برای بازداشت اختیاری مقرر می باشد: (1) و عبارتند از:

1- وجود قیود مذکور در ماده 32 ق.آ.د.ک و تبصره های آن.

2- وجود قراین و دلایل کافی علیه متهم.

3- وجود جرایم منصوص و معینی که قانون گذار آنها را تعیین و معرفی کرده است.

وجود شرایط فوق ایجاب می نماید تا صدور قرار بازداشت موقت، الزامی باشد. چنانچه شرایط فوق تحقق نیابد، فقط الزامی بودن صدور قرار بازداشت منتفی می شود، امکان صدور قرار بازداشت متهم هم چنان باقی می ماند و می توان آن را به استناد ماده 32 ق.آ.د.ک صادر کرد.

در شرایط فوق قرار بازداشت موقت الزامی است و باید تا صدور حکم بدوى ادامه یابد، بدون این که مدت آن از حداقل مدت مجازات قانونی عمل ارتکابی بیشتر باشد. (2)

بنابراین حداقل مدت آن تا زمان صدور حکم بدوى است و اگر صدور حکم

1. با توجه به این که قانون گذار در صدر ماده 35 قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری صدور قرار بازداشت موقت اجباری را مقید به رعایت قیود ماده 32 این قانون (از جمله بند «د» آن) کرده است و در این بند تشخیص ضرورت بازداشت (بیم فرار یا امحای آثار جرم)... به نظر مقام قضایی واگذار شده است، می توان چنین استدلال کرد که بازداشت موقت اجباری... از نظام تضمینی ما رخت برپسته است.« آشوری، دکتر محمد، آیین دادرسی کیفری، ج 2، ص 154.

2. هرگاه مقررات بند «د» ماده 32 (ق.آ.د.ک) با مقررات ماده 35 همان قانون جمع شود، نتیجه منطقی جمع شرایط چنین خواهد بود که بازداشت موقت الزامی سالبه به انتفاع موضوع است؛ زیرا، دادرس می تواند به بهانه فقدان شرایط بند «د» ماده 32 که تشخیص آن با قاضی می باشد از صدور قرار بازداشت الزامی خودداری کند.

199

بدوی به تأخیر افتد و مدت بازداشت متهم از حداقل مجازات قانونی جرم ارتکابی بیشتر باشد، دادرس مکلف است بازداشت موقت الزامی را، هر چند قبل از صدور حکم بدوي، فک نماید.

در این مورد، منظور قانون گذار فک کلی قرار تأمین کیفری نیست، بلکه تغییر و تبدیل آن است؛ لذا امکان دارد، دادرس، نوع تأمین را عوض کند و از متهم تأمین دیگری بگیرد و یا حتی قرار بازداشت موقت از نوع اختیاری آن صادر نماید.(۱)

اداره حقوقی قوه قضاییه درنظریه مشورتی شماره 9060	7 مورخ 16	3	اعلام داشته است که :
--	-----------	---	----------------------

در ماده 32 قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، موارد جواز صدور قرار بازداشت موقت احصا شده است، لیکن در ماده 35 همان قانون، موارد الزامی بودن صدور قرار بازداشت موقت تعیین شده است. بنابراین در جایی که بند «د» ماده 32 قابل تحقق بوده و جرایم نیز از جرم های مذکور در ماده 35 باشد، توقيف الزامی است، لیکن اگر بند «د» قابل تحقق نباشد، صدور قرار بازداشت موقت الزامی نخواهد بود. به عبارت دیگر هر جا از جرایم احصا شده در ماده 35 و همراه با قیود ماده 32 باشد، صدور قرار بازداشت موقت الزامی و در غیر این صورت جایز خواهد بود.

1. ممکن است توهمند شود بین ماده 35 (ق.آ.د.ک) با ماده 37 همان قانون، از لحاظ مدت بازداشت موقت، تعارض وجود دارد؛ لیکن با توجه به این که پس از یک ماه، قاضی می تواند در صورت ضرورت با ذکر دلایل و مستندات قرار بازداشت را ابقا کند که در این مورد مستند قاضی برای ابقاء قرار تأمین، نص قانون خواهد بود؛ در نتیجه تعارضی وجود ندارد.

نمی خواهیم .	ندرام رونوشت می خواهیم	<p>197— نمونه قرار بازداشت موقت الزامی .— قرار بازداشت موقت آقای «الف» فرزند «ب» متهم به ارتکاب یک فقره قتل عمد، با توجه به وجود دلایل و قرایین کافی بر توجه اتهام و بیم فرار و قیانی با اشخاص دیگر، مستندأ به بند «الف» ماده 35 قانون آینین دادرسی دادگاه های عمومی انقلاب در امور کیفری و بند «د» همان قانون الزامات صادر و اعلام می گردد. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان می باشد و تا صور حکم بدوى ادامه خواهد داشت. قرار حضوراً به متهم تفهم شد. اظهار داشت مطلع شدم نسبت به آن اعتراض دارم</p>
--------------	------------------------------	--

امضای متهم

مقام قضایی

198— موارد بازداشت الزامی .— علی رغم توصیه های بین المللی، موارد بازداشت الزامی در قوانین کشور ما فراوان است. برای آشنایی بیشتر با این موارد بندهای پنج گانه ماده 35 یاد شده توضیح داده می شود.

بند الف — قانون گذار در این بند، پنج نوع جرم را اسم برده است که درباره مرتكبین آنها، دادرس باید قرار بازداشت موقت صادر کند. این پنج جرم عبارتند از: قتل عمد، آدم ربایی، اسید پاشی، محاربه و افساد فی الأرض. هر کدام از این جرائم قلمرو اجرایی وسیع و گسترده ای دارند.

علاوه بر قتل عمد، صدور قرار بازداشت موقت درباره آن قابل درک و توجیه است.

قانون گذار آدم ربایی(1) را نیز یکی از جرایمی دانسته است که صدور قرار

1. به طور کلی آدم ربایی عبارت است از ربودن انسان زنده برخلاف رضایت وی یا اولیا یا کسانی که

بازداشت موقت در مورد مرتكب آن الزامی است. آدم ربایی شکل های گوناگون، مراحل مختلف و حسب مورد مجازات های متفاوتی دارد که متن متعرض آن ها نشده است و حتی این که با ربایش چه هدفی صورت می گیرد مورد توجه نیست.

آنچه که در کشور ما، از قدیم الایام، مرسوم بوده این عمل بیشتر به خاطر ربودن دختران و وادار کردن خانواده‌ها به رضایت در ازدواج صورت می‌گیرد که با توافق در ازدواج مسأله فیصله می‌یابد.⁽¹⁾

اسید پاشی نیز مانند آدم ربایی به صورت مطلق ذکر شده است؛ در حالی که این جرم صور و درجات گوناگون دارد، به نظر می‌رسد بهتر بود تنها اسیدپاشی منتهی به نتایج جنایی، مشمول مقررات بازداشت الزامی می‌گردید نه کلیه انواع آن.⁽²⁾

بند ب – در این بند قانون گذار، جرایمی را که مجازات قانونی آن اعدام یا حبس

قابل توجه است. در قوانین پس از انقلاب، ماده 621 ق.م. 1353 مقرر می‌کند: «هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حیله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس از 5 تا 15 سال محکوم خواهد شد. در صورتی که سن مجني علیه کمتر از 15 سال تمام باشد یا ربودن توسط وسائل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنبی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود مرتکب به حد اکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد.

12

\$ مسئولیت نگهداری او را به عهده دارند. از مقررات پیش از انقلاب درباره این جرم، «قانون تشدید مجازات ربانیدگان اشخاص» مصوب 18

تبصره – مجازات شروع به ربودن 3 تا 5 سال حبس است.

1. بند «ب» ماده 209 قانون مجازات عمومی (اصلاحی 29) 6 1312 سابق مقرر می‌دارد:

«هر کس به عنف یا تهدید و یا حیله شخصاً یا به وسیله دیگری، زنی را برای ازدواج با او برباید یا مخفی کند، به حبس جنحه ای از یک سال تا سه سال محکوم خواهد شد...» و به موجب بند «د» همان ماده: «هر کس شخصاً یا به وسیله دیگری، زنی را که بیش از پانزده سال داشته ولی به سن هیجده سال تمام نرسیده است با رضایت او برای ازدواج با او برباید یا مخفی کند به حبس جنحه ای از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد.

هر گاه جرم‌های مذکور در بند «ج» و «د» این ماده در مورد کسی واقع شود که 15 سال یا کمتر دارد، مجازات مرتکب، همان مجازاتی است که برای ارتکاب به عنف مقرر است. در مورد بند

«ب» و «د» این ماده، اگر مجني عليها راضى به ازدواج گشته و قبل از صدور قرار مجرميٰت ازدواج هم به عمل آمده باشد ديگر مرتكب تعقيب نخواهد شد...»

2- برای اطلاع از انواع گوناگون اسیدپاشی و نتایج آن و مجازات های مناسب با هر یک از آنها، ر.ک: ماده واحد مجازات پاشیدن اسید، مصوب 16 اسفند 1337.

202

دائم باشد، مشمول مقررات قرار بازداشت اجباری دانسته است. تعداد جرائم مستلزم مجازات اعدام در کشور ما زیاد است. با وجودی که در سیستم های کیفری دنیا، کمتر جرمی دیده می شود که مجازات آن اعدام باشد، مع الوصف با نکاهی اجمالی به مجموعه قوانین جزایی در کشور ما مشاهده می شود که برای حدود 85 جرم، مجازات اعدام تعیین شده است و چون وجود این مجازات، مستلزم صدور قرار بازداشت موقت الزامی می باشد، دارس باید آن موارد را به درستی بشناسد و اجرا کند.(1)

بند ج - مفتن در بند «ج» ماده 35 مرقوم، از چند جرم، نام می برد که قبل نیز صدور قرار بازداشت موقت درباره متهمین به ارتکاب بعضی از آنها اجباری اعلام شده بود.(2) جرم خیانت در امامت به این فهرست اضافه گردیده است.

بند د - طبق این بند، در مواردی که آزادی متهم موجب فساد باشد صدور قرار بازداشت او الزامی است. البته، شرایط عمومی صدور قرار بازداشت موقت باید وجود داشته باشد.

این بند، به علت گسترده‌گی و کلی بودن مفهوم آن قابل توجیه نیست. موجبات نقض حقوق متهمان را فراهم می کند و آنان را در معرض استبداد قضایی قرار می دهد، در این روش متهم در اختیار مقام قضایی قرار می گیرد تا به دلخواه او را بازداشت نماید، حتی ممکن است در موارد جرایم ساده‌ای، مثل ایجاد سد معبر یا اهانت ساده یا فحاشی، به بهانه بیم فساد بازداشت گردد.

قانون گذار فساد را تعریف هم نکرده و ضبطه ای برای تشخیص آن ارایه نداده است. هیچ معیار قانونی یا قضایی نیز در تعریف، شناسایی و بیان مصادیق آن دیده نمی شود. هر کس به ظن خود برداشتی دارد که قابل طرح در یک تحقیق علمی نیست. اظر نظر جامعه شناسی، فساد امری نسبی است. آنچه را قومی فساد می داند شاید

1. جهت اطلاعات بیشتر ر.ک: فصل ویژه ضمیمه کتاب.
2. تبصره ماده 130 مکرر قانون اصول محکمات جزایی.

203

در قوم دیگر، عملی مباح باشد.

به هر حال بهتر است متن ابتدا عناوین را تعریف کند و معنا و مفهوم آن را به صورت شفاف بیان نماید و بعد در قوانین بیاورد. از به کار بردن مفاهیم عادی که در تفسیر و معنای آن وحدت نظر وجود ندارد، اجتناب ورزد.

بند هـ— قبل از تصویب قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، در قوانین متفرقه، برای برخی از جرایم، قرار بازداشت موقت الزامی مقرر قبل اعلام شده بود، قانون گذار با افشاء این بند، بقای همه آنها را تأیید و بر اعتبار آنها می افزاید. به عبارت دیگر، موارد بازداشت موقت قبلی را از فسخ ضمنی نجات می بخشد.

صادیق این قرارها را باید در قوانین مختلف و متعدد جستجو کرد و یافت. برای نمونه فهرستی از این نوع قوانین در زیر آورده می شود: (1)

1344:

4

۱- برابر بند «ج» ماده واحده قانون لغو مجازات شلاق مصوب ۶

درباره کسانی که به اتهام ارتکاب جرح یا قتل به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر مورد تعقیب قرار گیرند چنانچه دلایل و قرایین موجود دلالت بر توجه اتهام به آنان نماید، قرار بازداشت صادر خواهد شد و تا صدور حکم ادامه خواهد داشت.(2)

با وجودی که در قانون، عنوان «حکم» به صورت مطلق بیان شده است و مفهوم

۱. این فهرست حصیری نیست.

در نظریه مشورتی شماره 10543	7 مورخ 10	11	آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری که تصریح دارد به این که «از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون، دادگاه های عمومی و انقلاب فقط بر اساس این قانون عمل نموده و قانون آین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۲۹۰ و اصلاحات بعدی آن و همچنین کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون نسبت به دادگاه های عمومی و انقلاب لغو می گردد» و چون تجویز صدور قرار بازداشت موقت در خصوص جرح با چاقو موضوع بند «ج» ماده واحده قانون لغو مجازات شلاق قانون خاص و مغایرتی نیز با قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب اخیر التصویب ندارد به خصوص که بند «هـ» ماده ۳۵ قانون مذکور نیز بدان اشاره نموده است، لذا نسخ نشده و به قوت خود باقی است \$.»	آین دادرسی قوه قضاییه آمده است: «با التفات به مفاد ماده ۳۰۸ قانون
--------------------------------------	-----------------	----	--	---

رویه قضایی چاقو را در مفهوم مضيق کلمه تفسیر نموده است تا کاربرد کمتری داشته باشد.(1) رویه قضایی هر آلتی را چاقو نمی داند. منظور از چاقو آلتی است که برای بریدن ساخته شده و عرفا به آن چاقو می گویند. بنابراین قیچی، تیغ صورت تراشی، داس، تبر، گزنه کفاسی، اره و هر آلتی که دندانه دار است حتی چاقوی دندانه دار، چاقو محسوب نمی شود.(2)

ناگفته نماند که چاقو غیر از اسلحه است. اگر قانون گذار چاقو را در کنار اسلحه ذکر نمی کرد، ماده واحده مرقوم شامل جرح با چاقو نمی شد.

هر آلتی که برای جنگیدن یا دفاع کردن ساخته شده است اسلحه نامیده می شود بنابراین، داس، بیل، اره و تبر اسلحه نیستند؛ چون آنها را برای جنگ و یا دفاع نساخته اند. اسلحه بر دو نوع است: اسلحه سرد و اسلحه گرم. شمشیر، قداره، سرنیزه و گرز اسلحه سرد محسوب می شوند. تفنگ، هفت تیر، مسلسل و تیربار اسلحه گرم می باشند. بمب و موشک و راکت را هم می توان اسلحه گرم دانست.

هوپیما و هلیکوپتر اسلحه نیست ولی تیربار یا راکت نصب شده روی آنها اسلحه است.

ناید مفاهیم چاقو و اسلحه و آلت قتاله را اشتباه کرد و یا آنها را یکی دانست. آلتی ممکن است قتاله باشد بدون این که چاقو و یا اسلحه به شمار آید؛ مانند داس،

<p>1378 اداره حقوقی قوه قضاییه بیان می دارد که: «گزن و موکت بر، اسلحه سرد و چاقو به شمار نمی آیند. بنابراین مرتکبین جرح با آنها از شمول بند «ج» ماده واحده قانون لغو مجازات شلاق مصوب سال 1334 خارج است و لذا صدور قرار بازداشت موقت الزامی نیست و قاضی حسب مورد می تواند هر قراری را که مقتضی بداند، حتی قرار بازداشت موقت، صادر کند .»</p>	<p>6</p>	<p>مورخ 9</p>	<p>7</p>	<p>\$ نظریه مشورتی شماره 3219</p>
<p>1379 امثال چاقوی مذکور تبصره ذیل ماده 614 باشد زیرا منظور از چاقو با توجه به لایحه قانونی مجازات حمل چاقو، چاقویی است که معمولا در منازعات و درگیری ها مورد استفاده واقع می شود (چاقوی ضامن دار) و مشابه آن کارد آشپزخانه و کاردهای قصابی است و شامل کارد میوه خوری و تیغ موکت بری نمی شود .».</p>	<p>3</p>	<p>مورخ 1</p>	<p>7</p>	<p>در نظریه مشورتی شماره 12398</p>

بیل و کلنگ که همگی آلت قتاله اند بدون این که چاقو و یا اسلحه باشند. اگر قتل با آلت قتاله صورت گیرد و مرتکب در ایراد ضرب عامد باشد حتی در صورتی که قصد قتل نداشته باشد، مجازات او قصاص است؛ ولی صدور قرار بازداشت درباره چنین متهمی الزامی نیست و از شمول ماده واحده لغو مجازات شلاق خارج می باشد.(۱)

کاربردی

نمی خواهم .	ندرام رونوشت می خواهم	<p>199— نمونه قرار بازداشت موقت به لحاظ ایراد جرح با چاقو .— قرار بازداشت موقت «الف» فرزند «ب» متهم به ایراد جرح با چاقو، با توجه به دلایل و قرایین کافی بر توجه اتهام وجود بیم فرار و تبانی با شهود، مستندآ به ماده ۳۵ قانون آینین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری و بند «ه» همان ماده ناظر به بند «ج» ماده واحده قانون لغو مجازات شلاق مصوب ۱۳۴۴ صادر و اعلام می گردد. این قرار تا صدور حکم بدوى ادامه خواهد داشت و در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان است. قرار حضورا به متهم تمهیم شد؛ اظهار داشت اعتراض دارم</p>
-------------	-----------------------	---

امضای متهم

مقام قضایی

2— طبق تبصره ۳ ماده ۱۸ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی، مصوب ۲۹ خرداد ۱۳۳۴، تحقیقات متهمین جرایم مجر در قانون مزبور

۱۳۷۹ اداره حقوقی قوه قضائیه آمده است: «چون تجویز صدور قرار بازداشت	۱۱	۷	\$ در نظریه
موقت در خصوص جرح با چاقو موضوع بند «ج» ماده واحده قانون لغو مجازات شلاق قانون خاص و مغایرتی نیز با ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ ندارد به خصوص که بند «ه» ماده ۳۵ قانون مذکور نیز به آن اشاره نموده است، لذا نسخ نشده و به قوت خود باقی است .».	۱۰	۱۰	مشورتی شماره ۱۰۵۴۳

206

به فوریت و محکمه آنها خارج از نوبت به عمل می آید، و بازپرس در صورت کشف داروی تقلبی مکلف است قرار توقيف متهم را صادر نماید و در مورد متهمین مشمول بندهای «الف» و «ب» متهم تا خاتمه بازپرسی در توقيف باقی خواهد ماند...

۳- طبق ماده ۱۷ لایحه قانونی تشدید مجازات مرتكبین جرایم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی به منظور مداوا و استغال به کار معتادین مصوب ۱۹

برای کلیه کسانی که به اتهام ارتکاب جرایم مذکور در مواد ۲، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۱، ۱۳، ۱۵ و ۱۶ این قانون تحت تعقیب قرار می‌گیرند چنانچه دلایل و قرایین موجود دلالت کافی بر توجه اتهام به آنان نماید قرار بازداشت صادر خواهد شد و در صورت ادامه بازداشت متهم تا تاریخ شروع دادرسی باصدور حکم برائت از دادگاه جزایی آزاد خواهد شد...

۴- برابر تبصره ۲ ماده ۶۹۰ ق.م. در مورد تصرف عدوانی یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق مذکور در ماده ۶۹۰ هر گاه تعداد متهمان ۳ نفر یا بیشتر باشند و قرایین قوی بر ارتکاب جرم وجود داشته باشد قرار بازداشت موقت صادر خواهد شد.

۲۰۰ - حق تجدید نظر خواهی . - الزامی بودن قرار بازداشت موقت، حق تجدید نظر خواهی متهم را ساقط نمی‌کند؛ زیرا امکان دارد مرجع قضایی صادر کننده، در تشخیص اجباری بودن قرار، دچار اشتباه شده باشد و حق متهم تضییع گردد؛ مثلاً در ایجاد جرح با چاقو، مقام قضایی با تصور این که آلت به کار رفته (۱) از مصادیق چاقو

۱. مثلاً تیغ صورت تراشی چاقو نیست و اسلحه نیز به شمار نمی‌آید.

207

است با استناد به بند «ج» ماده واحده لغو مجازات شلاق، متهم را بازداشت کند؛ در حالی که آن آلت از مصادیق چاقو نباشد. یا مرجع قضایی دلایل را در توجه اتهام کافی دانسته، در صورتی که چنین نبوده است. در این گونه موارد قرار بازداشت، هر چند اجباری، باید نقض گردد.

۲۰۱- بازداشت متهم در حقوق انسان . - طبق ماده ۳۶ ق.آ.د.ک:

در حقوق انسان جواز بازداشت متهم منوط به تقاضای شاکی است.(۱)

در رابطه با مقررات فوق باید دانست که منظور قانون گذار از «حقوق انسان» در ماده ۳۶ قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری آن دسته از جرایمی است که با شکایت شاکی، تعقیب شروع و با گذشت وی تعقیب موقوف خواهد شد. و سؤال این است که آیا حکم ماده مذکور اختصاص به قرار بازداشت موقت دارد و یا هر قرار تأمینی که منجر به بازداشت متهم می

شود – مثل قرار کفالت و یا قرار وثیقه منجر به بازداشت – نیز باید با تقاضای شاکی خصوصی صورت گیرد؟

کمیسیون آین دادرسی کیفری اداره حقوقی قوه قضائیه اظهارنظر کرده است: ضرورت درخواست شاکی خصوصی برای بازداشت متهم تنها در خصوص قرار بازداشت موقت می باشد و در سایر قرارهای تأمین، برای معرفی متهم به زندان، درخواست شاکی خصوصی لازم نیست.(2)

1378 مقررات ماده 36 ق.آ.د.ک را شامل هر دو نوع بازداشت موقت (اعم از اخباری و الزامی) دانسته است: «ماده 36 آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری عام است و شامل دو نوع بازداشت می باشد. بدیهی است که در تمام موارد، بازداشت منوط به وجود دلایل بر توجه اتهام به متهم می باشد ».»	10	2 مورخ 1	1. اداره حقوقی در نظریه مشورتی شماره 3331
---	----	----------------	---

2. همان.

208

گفتار ششم

قرار عدم خروج از کشور

202 – کلیات و سابقه تاریخی .— در عرف تقینی و قضایی کشور ما، ممنوعیت خروج از کشور افرادی که تحت تعقیب کیفری(1) قرار دارند و یا آن که در کشورهای خارجی مرتکب عمل خلاف شؤون ایرانی شده اند(2) بی سابقه نیست؛ لکن عدم خروج از کشور، به عنوان یک تأمین کیفری مستقل امر تازه‌ای است.

طبق ماده 133 ق.آ.د.ک:

با توجه به اهمیت و دلایل جرم، دادگاه می تواند علاوه بر موارد مذکور در ماده قبل، قرار عدم خروج متهم را از کشور صادر نماید. مدت اعتبار این قرار شش ماه است و چنانچه دادگاه لازم بداند می تواند هر شش ماه یک بار آن را تمدید نماید. این قرار پس از ابلاغ ظرف مدت

1. طبق ماده 128 قانون اصول محاکمات جزایی (اصلاحی خرداد 1311): «کسانی که تحت تعقیب جزایی هستند، باید از حوزه ای که مستنبط معین می کند بدون اجازه او خارج شوند. در موردی نیز که مدعی العموم بدون رجوع به مستنبط کسی را تعقیب می کند، خارج شدن از حوزه که مدعی العموم معین خواهد کرد بدون اجازه او منوع است.»

مراجع قضایی گاهی قلمرو اجرایی ماده 128 مذکور را در عمل گسترش می دادند و حوزه ممنوعیت خروج متهم را قلمرو حاکمیت ملی قرار می دادند که نتیجه مستقیم آن عدم امکان خروج متهم از کشور بود.

قانون گذرنامه، برای منع الخروج کردن شهروندان، اختیارات گسترده‌ای به مقامات قضایی تفویض نمود. به موجب ماده یاد شده :

8

ماده 16 اصلاحی

صوب 3

«به اشخاص زیر هیچ نوع گذرنامه برای خروج از کشور داده نمی شود:

(1) کسانی که به موجب اعلام کتبی مقامات قضایی حق خروج از کشور را ندارند.

(2) کسانی که در خارج از ایران به سبب تکدی و یا ولگردی و یا ارتکاب سرقت و کلاهبرداری و یا به هر عنوان دیگر دارای سوء شهرت باشند.

(3) کسانی که مسافرت آنها به خارج از کشور به تشخیص مقامات قضایی مخالف مصالح جمهوری اسلامی ایران باشد...»

209

روز قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان می باشد.

تبصره – در صورت فسخ قرار توسط مرجع صادر کننده، یا تقض آن توسط مرجع تجدیدنظر و یا صدور قرار منع پیگرد یا موقوفی تعقیب یا برائت متهم، دادگاه بدوى مکلف است مراتب را بلافصله به مراجع ذی ربط اطلاع دهد.

از لحاظ کاربردی این سؤال مطرح می شود که آیا می توان تأمین مذکور را به طور غایبی و بدون تقویم اتهام صادر کرد؟ و آیا برای صدور آن باید نخست از متهم بک تأمین مناسب گرفت و آنگاه او را منع الخروج از کشور اعلام نمود؟ در این مورد آیا امکان دارد متهم دو نوع تأمین داشته باشد؟

از یک طرف، اقتضای ممنوعیت خروج از کشور این است که با فوریت به موقع اجرا گذاشته شود؛ چون در غیر این صورت، نتیجه مطلوب از این اقدام که ممانعت از فرار متهم باشد، به دست نمی آید. از طرف دیگر، به حکم ماده 133 قانون مزبور، ممنوعیت خروج از کشور، نوعی تأمین کیفری است و باید با شرایط و قیود مقرر در ماده 132 همان قانون صادر گردد. از جمله این که دلایل کافی باشد و تقویم اتهام به عمل آید.

اداره حقوقی قوه قضاییه با عدول از صراحت ماده یاد شده اعلام داشته است که:

در صورت مهه بودن جرم ارتکابی و وجود دلایل بر بزه کاری متهم دادگاه می تواند خروج وی را از کشور ممنوع نماید، اعم از این که تأمین مقتضی از او اخذ شده باشد یا خیر، صدور قرار عدم خروج از کشور مستلزم حضور متهم و تفہیم اتهام نمی باشد، لکن با توجه به قابل اعتراض بودن قرار، ابلاغ آن ضرورت دارد. قرار عدم خروج از کشور،

210

تأمین جدید و مضاعف نیست، بلکه مستلزم سلب یکی از حقوق متهم است و شاید بتوان ماهیتا آن را اقدامی تأمینی دانست.(1)

203 – ممنوعیت خروج از کشور بعد از صدور حکم . – آیا پس از صدور حکم قطعی، دادگاه باز هم می تواند متهم را ممنوع الخروج اعلام نماید؟ اداره حقوقی قوه قضاییه در این باره چنین اظهار نظر کرده است:

فرض صدور قرار عدم خروج از کشور در ماده 133 قانون این دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی و رسیدگی آن هم تا قبل از مرحله اجرای حکم است، پس از قطعیت حکم که نوبت به اجرای حکم می رسد صدور آن به وسیله دادگاه موضوعا منتفی است و با توجه به ماده 133 قانون مرقوم قاضی اجرای احکام حق صادر گردن قرار ممنوع الخروج شدن را ندارد؛ بدیهی است که این امر مانع از آن نیست که در هت اجرای حکم قطعی به مأمورین مرزی دستور دهد که اگر محکوم علیه را در هنگام ورود یا خروج از کشور مشاهده نمودند، برای اجرای حکم قطعی کیفری به اجرای احکام معرفی نمایند. (2)

قرار تأمین اطفال

	1338، برای اطفال اقدامات خاصی را به عنوان تأمین کیفری پیش بینی کرد که با ماهیت جرایم اطفال و خصیصه های اصلاحی و تربیتی مجازات آنان سازگاری بیشتری داشت. به موجب ماده 19 قانون مذبور :	9	204 – سابقه تاریخی . – در کشور ما، برای نخستین بار، قانون تشکیل «دادگاه اطفال» بزهکار، مصوب 10
1380.		3	\$ نظریه شماره 336 1.
1380. \$		3	نظریه شماره 173. 2.

211

«در جریان تحقیقات مقدماتی به تشخیص دادگاه مخصوص اطفال ممکن است طفل به قسمت نگهداری وقت کانون اصلاح و تربیت(1) اعزام گردد، یا به ولی یا سپریست او تسليم شود، با التزام به این که هر وقت دادگاه اطفال او را خواست معرفی نماید و در صورت عدم معرفی وجه التزام را بپردازد.»

و به موجب ماده 20 همان قانون:

« در مورد جنایاتی که مجازات آن اعدام یا حبس مؤبد است، طفل در قسمت نگهداری مؤقت، توقيف خواهد شد. کیفیت توقيف در آئین نامه وزارت دادگستری معین خواهد شد. »

علاوه بر این که، این قانون، قلمرو اجرایی محدودی داشت؛ چون در اغلب شهرستان‌ها، کانون اصلاح و تربیت تشکیل نشده بود. (۲) اجرای این تأمین‌ها با مشکلاتی مواجه بود.

205 – مقررات قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در خصوص قرار تأمین اطفال . – این قانون اخذ تأمین خاص از اطفال را از باد نبرده و در ماده 224 مقرر داشته است که:

در جریان تحقیقات، چنانچه ضرورتی به نگهداری طفل نباشد، برای امکان دسترسی به او و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن وی با توجه به نوع و اهمیت جرم و دلایل آن، حسب مورد با رعایت مقررات مذکور در مبحث دوم از فصل چهارم باب اول این قانون یکی از تصمیمات زیر

در بعضی حوزه‌ها تشکیل شده است .	1374	1. کانون اصلاح و تربیت، به موجب مقررات فصل چهارم قانون تشکیل دادگاه اطفال بزرگوار (مواد 22 قا 28) و آئین نامه اجرایی سازمان کانون اصلاح و تربیت مصوب 9
---------------------------------	------	--

2. این کانون می‌بایست در مقرّه «دادگاه اطفال» وجود داشته باشد، ولی در همه شهرها تشکیل نشده بود.

212

اتخاذ خواهد شد.

الف. التزام ولی یا سرپرست قانونی طفل یا شخص دیگری به حاضر کردن طفل در موارد لزوم، با تعیین وجه التزام؛ اعتبار افراد مذکور باید احراز گردد.

ب – ولی یا سرپرست طفل یا شخص دیگری برای آزادی طفل، وثیقه مناسب (به نظر دادگاه) بسپارد.

تبصره 1 – در صورتی که نگهداری طفل برای انجام تحقیقات یا جلوگیری از تبانی، نظر به اهمیت جرم ضرورت داشته باشد یا طفل، ولی یا سرپرست نداشته یا ولی و سرپرست او حاضر به التزام یا دادن وثیقه نباشند، و شخص دیگری نیز به نحوی که فوقاً اشاره شد التزام یا وثیقه ندهد،

طفل متهم تا صدور رأی و اجرای آن در کانون اصلاح و تربیت به صورت موقت نگهداری خواهد شد.

تبصره 2 – اگر در حوزه دادگاه، کانون اصلاح و تربیت وجود نداشته باشد به تشخیص دادگاه در محل مناسب دیگری نگهداری خواهد شد.

با توجه به مفاد ماده مرقوم، خصوصیات مهم تأمین اطفال را می توان چنین بیان کرد:

۱- تأمین اطفال باید متناسب با وضع طفل باشد. برای این منظور، قانونگذار به جای بازداشت موقت، نگهداری در کانون اصلاح و تربیت، و در محل هایی که کانون اصلاح و تربیت وجود نداشته باشد، نگهداری در محل مناسب را پیش بینی کرده است که به هر حال نتیجه عمل آن، با عنایت به کمبود کانون اصلاح و تربیت، با صدور قرار بازداشت موقت یکسان می باشد.(۱)

۱. در یک نشست قضایی، در معاونت آموزش قوه قضاییه، در خصوص امکان صدور قرار تأمین کفالت از

213

۲ - چنانچه نگهداری طفل در جویان تحقیقات مقدماتی ضرورت نداشته باشد تأمین متناسب از اولیا و سرپرستان طفل گرفته می شود.(۱)

اطفال چنین اظهار نظر شده است.

« نوع تأمین در مورد اطفال طبق بندهای «الف» و «ب» ماده 224 قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری معین شده (التزام ولی یا سرپرست قانونی طفل یا سپردن وثیقه توسط آن یا شخص دیگر؛ بنابراین اخذ تأمین دیگر (کفالت) جایز نیست. مجموعه نشست های قضایی، ش ۵، ص 44

۱. برای گونه به بخشنامه زیر توجه فرمایید:

به واحدهای قضایی سراسر کشور شماره: 2050	8 - 1	80	2	1380.
---	-------	----	---	-------

سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور اعلام کرده است: «بعضًا مشاهده می شود که قضاة محترم محاکم، کودکان بالای ۲ سال همراه متهمان دستگر شده را پس از صدور قرار به همراه زندانی، به زندان معرفی زندان ناچار به پذیرش و نگهداری از آنها می باشد که با توجه به شرایط سنی این گونه کودکان و ساختار روحی و روانی آنان و آثار سوء نگهداری این نوباوگان در محیط زندان، آسیب های جبران ناپذیری به آنان وارد می گردد.»

نظر به اهمیت موضوع و پیشگیری از مشکلات مزبور، خواسته اند تا قبل از معرفی این گونه متهمین به زندان ها، نسبت به معرفی فرزندان بالای ۲ سال به مراکز مجهزی که بدین منظور، از سوی سازمان بهزیستی، فراهم گردیده است اقدام گردد. مراقب با توجه به تبصره ۲ ماده ۷۷ آین نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، جهت اطلاع قضاط محترم اعلام می گردد.

سید محمد هاشمی شاهروodi

رئیس قوه قضائیه

...۷۷ ماده»

تبصره ۲. زنان زندانی می توانند اطفال خود را تا سن دو سال تمام به همراه داشته باشند. رؤسای زندان ها موظفند در هر زندان نسبت به تغییک و جداسازی اطفال ۲ تا ۶ ساله در محل معجزا (مهد کودک) اقدام و یا نسبت به انتقال اطفال آنها به مؤسسات نگهداری اطفال مبادرت نمایند.»

215

فصل سوم

تناسب تأمین

206 – کاربرد هر یک از تأمین ها. – انواع و اقسام تأمین های کیفری بیان شد. اینک باید معلوم شود که هر یک از این تأمین ها، در چه مواردی و درباره چه جرایمی کاربرد پیدا میکند.

تطبیق نوع و میزان تأمین با جرم ارتکابی را «متناوب کردن قرار تأمین» می نامند. متناوب کردن تأمین از وظایف مهم، حساس و فوری قاضی تحقیق به شمار می آید. باید در تحقق آن دقت کرد و کوشید تا تأمین، با معیارها و ضوابط قانونی و مقتضیات پرونده و شخصیت و موقعیت متهم سازگار باشد.

مقام قضایی تحقیق کننده در صورتی مبادرت به صدور قرار تأمین کیفری می نماید که دلایل، قرایین و امارات کافی بر وقوع جرم و انتساب آن به متهم وجود داشته باشد؛ در غیر این صورت باید از صدور قرار تأمین امتناع ورزد.

با توجه به توضیح فوق، هر گاه مقام قضایی تصمیم به اخذ تأمین گرفت، انتخاب نوع و میزان، بسته به نظر او است؛ ولی نباید پنداشت که در این انتخاب، مقام

قضایی، آزادی مطلق دارد و پای بند هیچ ضابطه و معیاری نیست، بلکه بر عکس؛ ناچار است به بعضی ضوابط و معیارهای قانونی و یا عملی توجه کند و در آن چهارچوب حرکت نماید، در غیر این صورت در معرض ارتکاب تخلف و محکومیت انتظامی از درجه ۴ به بالا خواهد بود.(۱)

قانونگذار در عین واگذاری تشخیص تناسب تأمین به عهده مقام قضایی، او را مکلف می کند به ضوابطی نیز توجه کند.

گاهی قانون گذار نوع و میزان تأمین را مشخص می کند که آن را «ضوابط خاص» می گویند و زمانی نیز معیارهایی کلی را تعیین و معرفی می نماید تا به کمک آنها و بر مبنای استنباط خود، دادرسان تأمین مناسب را تشخیص دهند؛ این معیارهای کلی را «ضوابط عام» می نامند. و بالاخره با اجازه تشدید و یا تخفیف تأمین، امکان مناسب کردن آن را در تمام جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی در اختیار قاضی قرار می دهد.

برای بهتر روشن شدن موضوع، ابتدا ضوابط خاص، سپس ضوابط عام و در نهایت چگونگی تشدید و تخفیف تأمین، هر یک در بند جداگانه توضیح داده می شود. به این ترتیب فصل سوم این بخش دارای سه گفتار به شرح زیر است:

گفتار یک – ضوابط عام.

گفتار دو – ضوابط خاص.

گفتار سوم – تشدید و تخفیف تأمین.

1. تبصره ماده 130 قانون اصول محاکمات جزایی.

گفتار یکم

ضوابط عام

207 معیار ها . – قانون گذار ضوابط عام و کلی تناسب تأمین را در ماده 134 ق.آ.د.ک به شرح زیر تعیین و معرفی می نماید: (۱)

تأمین باید با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و از بین رفتن آثار جرم و سابقه متهم و وضعت مزاج و سنو حیثیت او متناسب باشد.

بنابراین ضوابط عام را می توان چنین معرفی کرد:

208 - 1. اهمیت جرم . - منظور از اهمیت جرم، قبح اجتماعی عمل ارتکابی و اثری است که وقوع بزه در جامعه به وجود می آورد (2) اهمیت جرم را نباید با شدت مجازات یکی دانست. قتل یک سیاستمدار برجسته و مورد احترام جامعه، یا قتل

1. در ماده 130 قانون اصول محاکمات جزایی مصوب 1290 نیز ضوابط عام به همین نحو معرفی شده است و ماده 134 قانون جدید همان متن ماده مذکور می باشد.

در	بخش	نامه	شماره	ریس قوه قضاییه	به رؤسای حوزه های قضایی و سرپرستان کلیه مجتمع های قضایی آمده است: «...بعضی قضاط، تحت تأثیر عواملی و از جمله اطمینان به قول متهمان و احساس رافت نسبت به آنان، با مرتكبان جرائم مالی، جانی، سالیان امنیت و آسایش عمومی، قاطعانه برخورد نکرده اند و با وجود دلایل کافی و سوابق سوء، برخی از این متهمان را با اخذ کفیل یا وثیقه کمی، آزاد کرده اند و این نحوه اقدام موجب فرار، تجری، تکرار جرائم، احساس ناامنی	موrex 4	موrex 2	موrex 3	موrex 7	9527	10	18826	80	

عوامل ضابط در ایجاد امنیت اجتماعی فراهم گردد \$				و نگرانی به ویژه در زنان، کودکان و نوجوانان و نیز کاهش انگیزه ضابطان در کشف و مبارزه با جرایم مهمن و خطیر شده است، اقتضا دارد همان گونه که در بخش نامه شماره 79			
---	--	--	--	--	--	--	--

218

یک دانشمند و محقق ارزشمند و شناخته شده ، با قتل یک شهروند عادی، مجازات یکسان دارند. همه افراد در برابر قانون و مجازات برابرند؛ لیکن اثر اجتماعی جرم اخیر کمتر از جرایمی می باشد که در بالا عنوان شد. در حقیقت اهمیت اجتماعی آنها متفاوت است.(۱)

209 – 2. شدت مجازات . – مسلم است که هر چه کیفر عمل ارتکابی بیشتر باشد، به همان نسبت هم باید تأمین شدیدتری گرفته شود؛ بر عکس هر چه مجازات عمل ارتکابی کمتر باشد، تأمین نیز خفیف تر خواهد بود.

210 – 2. کیفیت دلایل و اسباب اتهام . – چگونگی قرایین و امارات و کیفیت آنها، در نوع و میزان تأمین تأثیر دارد. هر چه دلایل بر توجه اتهام قوی تر باشد، به همان نسبت نیز باید تأمین شدیدتری اخذ گردد.

کاربردی

211 – تبدیل قرار. – در ابتدای تشکیل پرونده ممکن است دلایل و قرایین کافی در دسترس نباشد تا بتواند توجه اتهام را در نظر قاضی شفاف کند. مثلاً شکایت شاکی توأم با یک استشهادیه محلی ضمیمه پرونده است و هنوز دلیل دیگری وجود ندارد. در این فرص برای امکان دسترسی به متهم، می توان از او تأمین خفیف تری گرفت و بعد به تدریج که دلایل جمع آوری می شود و افزایش می یابد، (به عنوان مثال نظریه

1. ماجراهی اسیدپاشی دو نفر موتور سیکلت بر دو خواهر جوان، که در رسانه های گروهی انعکاس یافت، موجب تأثیر افکار عمومی گردید و حتی قانونگذار را بر آن داشت تا برای اسیدپاشی قرار بازداشت موقت الزامی پیش بینی کند. در حالی که اسیدپاشی یک جرم عمومی است، مجازات معینی دار که خیلی شدید هم نیست. اماً صحنه دلخراشی که با وقوع آن، به وجود آمد و در رسانه های گروهی انعکاس یافت، این جرم در جامعه اهمیت ویژه ای پیدا کرد تا حدی که قانون گذار نیز برای آن تأمین شدید ترین در نظر گرفت.

219

پژوهشی قانونی و یا کارداران فنی به پرونده ضمیمه می گردد)، تبدیل قرار نخستین و تشدید آن به نوع شدیدتر، امکان پذیراست.

۲۱۲ - ۴. احتمال فرار و یا مخفی شدن متهم . - تأمین باید به نحوی انتخاب شود که از فرار و یا مخفی شدن متهم جلوگیری کند.
دادرس مکلف است ترتیبی اتخاذ کند که تأمین برای متهم «مهم» باشد و بتواند او را از فرار یا مخفی شدن باز دارد.(1)

۲۱۳ - ۵. جلوگیری از امحای آثار جرم . - این ضابطه که در ماده ۱۳۴ به آن اشاره شده است، نیز به نوبه خود مهم می باشد و
دادرس مکلف است نسبت به آن توجه خاص مبذول نماید.

۲۱۴ - ۶. سابقه متهم . - باید از متهمی که سابقه ارتکاب جرم و یا محکومیت کیفری دارد تأمینی شدیدتر از متهمی که برای نخستین
بار مرتكب جرم شده است، اخذ کرد. به نظر می رسد هر نوع سابقه باید ملاک قرار گیرد؛ خواه مؤثر و یا غیر مؤثر باشد، نهایت این که
سابقه مؤثر باید تأثیر بیشتری بگذارد.

۲۱۵ - ۷. صحت مزاج . - منظور قانون گذار از عنوان «مزاج» در ماده ۱۳۴ ق.آ.د.ک ظاهرا سلامت روحی و جسمی متهم است که
باید مورد توجه قرار گیرد؛ به ویژه در خصوص متهمان مبتلا به امراض مسربی خطروناک باید کوشید تا حتی المقدور از روانه کردن آنان
به زندان خودداری شود.

۱. در یک حوزه قضایی، قاضی تحقیق از یک نفر متهم به ارتکاب دو فقره قتل عمد، هشتاد میلیون
ریال وثیقه گرفته بود. متهم با معرفی وثیقه، موجبات آزادی خود را فراهم آورده و از ایران خارج
و به یک کشور خارجی پناهنده شده بود. استرداد او نیز امکان نداشت. تأمین با مجازات عمل
ارتکابی تناسب نداشته و نتوانسته بود از فرار متهم پیش گیری نماید.

220

کاربردی

۲۱۶ - لزوم اطلاع شرایط خاص متهم به مقامات بازداشتگاه . - وقتی درباره متهمان مبتلا به امراض مسربی، چون ایدز، ج Zam،
طاعون، سارش و غیره تأمین اخذ می شود و به بازداشت آنان منجر می گردد باید دقت داشت که وضعیت جسمانی متهم بازداشت شده به
مقامات بازداشتگاه ها و زندان ها اطلاع داده شد تا احتیاط و مراقبت های لازم به عمل آید.

۲۱۷ - ۸. سن متهم . - متهمان جوان و کم سن و سال را باید در برابر تأمین های شدید قرار داد؛ به ویژه تأمین های سنگین مالی
برای آنان حکم بازداشت را دارد. مقام قضایی باید از وضع زندان ها و بازداشتگاه ها آگاه باشد و همواره آثار زیان بار این گونه
بازداشت ها را درباره افراد جوان در نظر گیرد.(1)

۲۱۸ - ۹. حیثیت متهم . - درباره رعایت حیثیت و شئون افراد تحت تعقیب در قوانین موضوعه ایران زیاد تأکید شده است. قانون
اساسی جمهوری اسلامی ایران رعایت شئون و حیثیت افرادی را که تحت تعقیب قرار گرفته اند لازم می داند.(2) میثاق بین المللی حقوق

مدنی و سیاسی نیز آن را توصیه می نماید.(3) قانون آین دادرسی کیفری نیز، به نوبه خود، قاضی را مکلف می کند تا در مقام صدور قرار

1. بند 2- «الف» ماده 10 میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی درباره عمومی متهمین می گوید: «متهمین جز در موارد استثنایی از محکومین جدا نگاهداری خواهند شد و تابع نظام جداگانه ای مناسب با وضع اشخاص غیر محکوم خواهند بود» و بند 2 «ب» درباره متهمان کم سال می گوید: «صغر متهم باید از بزرگسالان جدا بوده و باید در اسرع اوقات ممکن در مورد آنان اتخاذ تصمیم بشود.»

2. طبق اصل سی و نهم قانون اساسی: «هتك حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تعیید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.»

3. بند 1 ماده 10 میثاق مذکور مقرر می کند: «درباره کلیه افرادی که از آزادی خود محروم شده اند، باید با انسانیت و احترام به حیثیت ذاتی شخص انسان رفتار کرد.»

221

تأمین، این معیار را از نظر دور ندارد و با تأمین غیر متعارف موجبات زندانی شدن و هتك حرمت و حیثیت افراد را فراهم ننماید.

219- روش های متعارف در صدور قرار . - ضوابط نه گانه مذکور، همگی در پرونده و درباره یک متهم باید مورد رعایت قرار گیرد؛ به بیان دیگر، با توجهه مجموع این ضوابط، مقام قضایی تأمین مناسب را انتخاب می نماید. با در نظر گرفتن روش های عملی موجود در عرف قضایی کشور ما، به نظر می رسد بهتر باشد به ترتیب زیر رفتار شود:

1. در جرایم مستلزم اعدام، حبس دائم، قصاص نفس و اطراف، قطع عضو و حسنهای بیش از ده سال، قرار بازداشت موقت.

2. در حسنهای بیش از سه سال تا ده سال، قرار وثیقه .

3. در جرایم مستلزم حبس بیش از شش ماه و کمتر از سه سال، قرار معرفی کفیل.

4. در جرایم مستلزم جزای نقدی و حسنهای کمتر از شش ماه، حسب مورد، قرار التزام به حضور و یا قرار کفالت اخذ گردد.

222

گفتار دوم

ضوابط خاص

220 – کلیات . – علاوه بر ضوابط عام که شرح آن گذشت، گاهی قانون گذار ضوابط مستقلی برای موارد معین، تعیین و معرفی می کند که آنها را «ضوابط خاص» می گویند. در این صورت، مرجع قضایی مکلف است همان تأمینی را که قانون گذار مشخص نموده است، از متهم بگیرد و جز تأمین مورد نظر قانون گذار، حق ندارد قرار دیری صادر نماید.

این نحو قانون گذاری، از لحاظ علمی جایگاه مطلوبی نداشته و مورد ایجاد است. تعیین نوع و میزان تأمین باید به قاضی سپرده شود تا بتواند آن را با مقتضیات پرونده و کیفیت عمل ارتکابی و شخصیت متهم مناسب گرداند؛ به هر حال گاهی دیده می شود که قانون گذاران به این دیدگاه های علمی وفادار نبوده و نوع و میزان تأمین را خود مشخص می کنند.

221 – نمونه هایی از ضوابط خاص. – برای آشنایی با برخی از این ضوابط، چند نمونه در زیر آورده می شود:

1. به موجب ماده 18 قانون صدور چک، مصوب 16

در صورتی که وجه چک در بانک تأمین نشده باشد، مرجع رسیدگی مکلف است وجه الضمان نقدی با ضمانت نامه بانکی (که تا تعیین تکلیف نهایی معتبر باشد) معادل وجه چک یا قسمتی از آن که مورد شکایت واقع شده از متهم اخذ نماید...

بنابراین، در خصوص صدور چک بلا محل مرجع قضایی چاره ای ندارد جز این که قرار وجه الضمان نقدی یا ضمانت نامه بانکی معادل وجه چک یا قسمتی از آن

223

که مورد شکایت واقع شده است، صادر کند.(1)

ملاحظه می شود که قانون گذار نوع و میزان تأمین گیفری را مشخص کرده است؛ و برای ارزیابی تناسب تأمین، دیگر جهت دادرس، مجالی باقی نگذاشته است.(2)

کاربردی

نی خواهم ندارم .	نی خواهم وجه الضمان دارم	222 – نمونه قرار آزادی متهم با قید ایداع وجه الضمان. – قرار آزادی آقای «الف» فرزند «ب» متهم به صدور یک فقره چک بلا محل به مبلغ ده میلیون ریال، با قید ایداع وجه الضمان نقدی یا ضمانت نامه بانکی به مبلغ ده میلیون ریال صادر و اعلام می گردد که در صورت ایداع وجه الضمان مذکور و یا ضمانت نامه بانکی معتبر معادل آن و صدور قرار قبولی، آزاد و در غیر این صورت بازداشت خواهد بود. قرار حضوراً به متهم ابلاغ شد؛ اظهار داشت فهمیدم، رونوشت می خواهم
---------------------	-----------------------------------	--

امضا متن

مقام قضایی

<p>اعلام داشته است: «نوع قرار تأمین در مورد چک های موضوع ماده 13 قانون اصلاح صدور چک مصوب سال 1372 مستندا به ماده 18 قانون مذکور منحصراً وجه الضمان نقدی یا ضمانت نامه است و اخذ تأمین دیگری از متهم به استثنای موارد مصرحه در قانون فاقد وجاہت قانونی است ». 1376</p>	7	مورخ	7	\$ 1. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره 3351
<p>کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی – حسب مورد یکی از قرارهای تأمین کفالت یا وثیقه (اعم از وجه نقد یا ضمانت نامه بانکی با مال منقول وغیر منقول) اخذ می نماید . 1378</p>	6	مرجع رسیدگی: کننده جرایم مربوط به چک بلا محل، از متهمان در صورت توجه آنها، طبق ضوابط مقرر در ماده 134 قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری – مصوب 28	6	برابر 2. ماده 18 اصلاحی قانون صدور چک، مصوب 2

224

2. در ماده 18 یاد شده، ضابطه دیگری نیز دیده می شود:

... هر گاه صادر کنندگان چک متعدد باشند، مرجع تعقیب می تواند مبلغ وجه الضمان یا ضمانت نامه بانکی را به میزان مسئولیت هر یک از آنان و در صورت معلوم نبودن میزان مسئولیت به طور تساوی تقسیم نماید...

3. در ماده یاد شده رابطه سومی هم وجود دارد و آن این که:

در صورتی که یکی از متهمین معادل تمام مبلغ چک وجه الضمان یا ضمانت نامه بانکی داده باشد از بقیه متهمین تأمین مناسب اخذ خواهد شد...

4. در ورای ضوابط اختصاصی سه گانه مذکور، چنانچه متهم به صدور چک بلا محل، درخواست مهلت کند، مرجع رسیدگی در صورت اقتضا می تواند با اخذ تأمین مناسب دیگر، تا یک ماه به او مهلت دهد.(۱) که به موجب قسمت اخیر ماده مزبور در این صورت اگر متهم طرف مهلت مقرر وجه چک را نپردازد، تأمین مزبور به وجه الضمان تبدیل خواهد شد.

چنان که توضیح داده شد در موارد چهار گانه مذکور، نوع، میزان و چگونگی اخذ تأمین را قانون گذار به طور دقیق و مشخص تعیین کرده و قاضی را واداشته است تا همان ضوابط را رعایت کند.

5- طبق ماده 136 ق.آ.د.ک:

مبلغ وثیقه یا وجه الکفاله یا وجه الالتزام نباید در هر حال کمتر از

دادن مهلت برای متهم تا موجبات پرداخت وجه چک را فراهم نماید، را شرایط مقرر در قسمت اخیر ماده 18 اصلاحی قانون صدور چک، یک امر استثنایی است. بنابراین مهلت مذکور قابل تمدید نیست و مرجع قضایی نمی تواند آن را تمدید و یا مدت آن را کاهش یا افزایش دهد.

225

خسارت هایی باشد که مدعی خصوصی درخواست می کند.(۱)

در اجرای ماده مرقوم که میزان تأمین را قانون گذار مشخص کرده است، دادرس باید مدارک و مستندات شاکی و یا مدعی خصوصی را با دقت بررسی و آنها را ارزیابی کند، تا درخواست های جبران خسارت آنان معقول و متعارف بوده و مبنای قانونی داشته باشد. ادعای بدون دلیل را نمی توان مبنای میزان تأمین قرار داد.

6. قرارهای بازداشت موقع الزامی نیز به نوبه خود از جمله ضوابط خاص به شماره آید که از طرف قانون گذار معرفی شده و مرجع قضایی مکلف به رعایت آن می باشد.

1. \$اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره 5082	7 مورخ 3	8	اعلام 1378
--	----------	---	------------

«میزان و مبلغ وجه الضمان یا کفالت در هر حال باید با خسارت احتمالی که به شاکی خصوصی وارد شده، متناسب باشد و این تشخیص با مقام صادر کننده قرار تأمین است.»

226

گفتار سوم

تخفیف و تشدید تأمین

223 - کلیات و تقسیم بندی . - تناسب تأمین، به ابتدای صدور آن اختصاص ندارد. بعد از صدور قرار و اجرای آن نیز ممن است اوضاع و احوالی پیش آید که تغییر و تبدیل قرار را ایجاب کند. مرجع رسیدگی با توجه به وضعیت پیش آمده، تناسب تأمین را به دو روش فراهم می نماید:

بند الف. تخفیف تأمین.

بند ب. تشدید تأمین.

بند الف - تخفیف تأمین

224 - الف - تعریف و کلیات . - منظور از تخفیف تأمین این است که مقام قضایی پس از صدور قرار تأمین، به علت تغییر وضعیت پرونده و پیش آمد جهات مخففه، بخواهد قرار صادره را تخفیف دهد تا نوع و میزان تأمین با اوضاع و احوال جدید متناسب گردد و با معیارهای تازه به وجود آمده سازگارتر شود. برای این منظور قرار تخفیف تأمین صادر می نماید.

علل و جهاتی که بعد از صدور قرار تأمین ، م肯 است مورد توجه مرجع قضایی قرار گیرد و بتواند مبنای تخفیف تأمین باشد، فراوان بوده و قابل شمارش حصری نیست. اموری مانند: گذشت شاکی و یا مدعی خصوصی، به درازا کشیدن جریان تحقیقات مقدماتی، وضع جسمی و روحی عارض شده به متهم، طولانی شدن مدت بازداشت و عدم تناسب آن با مجازات قانونی عمل ارتکابی و غیره.

از دادگاه بدوى یا تجدید نظر تقاضای تخفیف و یا تبدیل تأمین کند...

227

در صورت تقاضای متهم، دادگاه مکلف است به درخواست وی رسیدگی کند و قرار مقتضی صادر نماید. حتی ماده مذکور اعلام داشته است که:

مطرح بودن پرونده در دیوان عالی کشور، مانع از آن نخواهد بود که دادگاه نسبت به این تقاضا رسیدگی کند.

چنان که ملاحظه می شود طبق ماده مذکور، در صورت تقاضای متهم، دادگاه مکلف است درباره لزوم تخفیف و یا تبدیل تأمین اظهار نظر کند و اگر تقاضایی نرسد چنین الزامی را نخواهد داشت.

قانون اصول محاکمات جزایی، در این خصوص مقررات دیگری دارد. در ماده 169 (اصلاحی مرداد 1337) این قانون آمده است:

دادستان شهرستان در جریان تحقیقات و حتی بعد از صدور قرار نهایی و قبل از تنظیم کیفر خواست می تواند از بازپرس درخواست تشدید یا تخفیف تأمین نماید. در صورت تقاضای تخفیف، بازپرس مکلف به قبول آن است... پس از تنظیم کیفرخواست دادستان شهرستان نیز می تواند از دادگاه جنحه موجّهاً درخواست... تخفیف نماید... قرار دادگاه در صورتی که مبنی بر تخفیف یا رد درخواست باشد قطعی است...

بنابراین برای صدور قرار تخفیف تأمین وجود یک قرار تأمینی قبلی ضروری است؛ به عبارت دیگر باید قرار تأمینی وجود داشته باشد تا بتوان نوع یا میزان آن را تخفیف داد. تخفیف تأمین در ابتدای صدور تأمین مورد ندارد.

در حال حاضر اگر این اختیار دادستان های سابق را از آن رؤسای حوزه های قضایی بدانیم آن زمانی می توانند از دادگاه درخواست تخفیف تأمین کنند که

228

تأمینی وجود داشته باشد.

225 – تقاضای تخفیف تأمین ضمن ارجاع پرونده . – زمانی که دادستان پرونده ای را ابتداءً جهت رسیدگی به بازپرس ارجاع می کند باید آن را به طور مطلق ارجاع نماید. ضمن ارجاع، حق تقاضای تخفیف تأمین را ندارد؛ زیرا هنوز در پرونده قرار تأمینی صادر نشده است تا بتوان تقاضای تخفیف آن را کرد.

در سیستم قضایی دادسر، طبق قانون اصول محاکمات جزایی، (1) هرگاه دادستان از بازپرس درخواست تخفیف تأمین کند بازپرس مکلف به قبول آن است.

دستور فوق از جمله موارد خاص و استثنایی است که بازپرس علی رغم استقلال قضایی، مکلف به پذیرش نظر دادستان می باشد.(2)

در صورت تقاضای تخفیف تأمین، بازپرس نوع تأمین را یک درجه تخفیف می دهد مثلاً قرار وثیقه را به کفالت و یا قرار کفالت را به التزام تبدیل و تخفیف می دهد و گاهی میزان تأمین را نیز کاهش می دهد.

در عمل دیده می شود گاهی بازپرسان به عنوان تخفیف، تنها میزان تأمین را اندکی کاهش می دهند. برای نمونه ۵۰ میلیون ریال وثیقه

۱. ماده ۱۶۹ قانون اصول محاکمات (اصلاحی مرداد ۱۳۷۷) مقرر می دارد: «دادستان شهرستان در جریان تحقیقات و حتی بعد از صدور قرار نهایی و قبل از تنظیم کیفرخواست، می تواند از بازپرس درخواست... تخفیف تأمین نماید... بازپرس مکلف به قبول آن است...»

۲. بازپرس با وجودی که استقلال قضایی دارد و قابع نظر دادستان نمی باشد؛ مع ذلک در سه مورد زیر مکلف است طبق نظر دادستان عمل کند:

الف – تقاضای دادستان مبنی بر تخفیف تأمین، که بازپرس علی رغم نظر شخصی خود، مکلف به قبول تقاضای دادستان می باشد.

ب – تقاضای رفع نقص تحقیقات، که به هر صورت باید تحقیقات را به ترتیبی که دادستان می خواهد تکمیل کند، هر چند شخصاً عقیده ای بر آن نداشته باشد.

ج – دستور بازداشت متهم، به این صورت که اگر دادستان دستور بازداشت متهم را بدهد و بازپرس با آن مخالف باشد، علی رغم مخالف بودن خود با بازداشت، باید متهم را بازداشت کند و تا حل اختلاف، متهم زندانی گردد.

229

تبدیل و تخفیف می دهند؛ گرچه این روش نیز از جهتی نوعی تخفیف تأمین به شمار می آید، ولی به نظر می رسد که با روح ماده ۱۶۹ قانون اصول محاکمات جزایی سازگار نباشد. اگر پذیرفته شود که در صورت درخواست تخفیف، نوع تأمین تغییر یابد، با هدف قانون گذار سازگارتر خواهد بود.

226 – درخواست تخفیف در تأمین های الزامی . – آیا پذیرش تقاضای تخفیف تأمین، در قرارهای تأمین الزامی نیز برای بازپرس لازم الاجرا است؟ پرسش به این لحاظ مطرح می شود که؛ از یک طرف این نوع تأمین ها را قانون تعیین می کند و در صورت تحقق شرایط قانونی، باید آن نوع قرار صادر شود، که جز با شرایط مقرر قانونی تغییر، تبدیل و تخفیف آنها جایز نیست؛ و از

طرف دیگر، بازپرس مکلف است تقاضای تخفیف دادستان را بپذیرد. جمع این دو دستور در عمل چگونه امکان پذیر است؟

به عنوان نمونه، در قرارهای بازداشت الزامی که به دستور قانون قرار تا صدور حکم نخستین باید ادامه داشته باشد، هر گاه دادستان، پیش از صدور حکم، تقاضای تخفیف تأمین نماید تکلیف چیست و یا در صدور چک بلا محل که تأمین آن به حکم قانون وجه الضمان نقدی است اگر دادستان درخواست تخفیف تأمین کند چگونه باید رفتار کرد؟

به نظر می رسد، در این گونه موارد چون صدور قرار خاص معین، یک الزام قانونی است، دادستان نمی تواند و نباید تقاضای تخفیف تأمین کند و اگر درخواست دادستان، نمی تواند مجوزی برای نقض قوانین باشد؛ لذا به جرأت می توان گفت لزوم پذیرش تقاضای دادستان، منحصر به مواردی است که تشخیص تناسب تأمین به عهده قاضی واگذار شده است.

227 – تقاضای تخفیف تأمین از دادگاه . – بعد از صدور کیفرخواست نیز،

230

دادستان می تواند از دادگاه رسیدگی کننده، تقاضای تخفیف تأمین کند. دادگاه در قبول یا رد تقاضای دادستان آزاد است.(1)

228 – تخفیف تأمین بدون تقاضا . – آیا دادگاه رسیدگی کننده مجاز است بدون تقاضای تخفیف تأمین از طرف دادستان، قرار تأمین صادره را تخفیف دهد؟ ملاحظه می شود که ماده 38 قانون اصول محاکمات جزایی به بازپرس اجازه داده است که در تمام مراحل تحقیقات مقدماتی رأسا یا به تقاضای دادستان قرار تأمین صادر و یا آن را تبدیل و تخفیف دهد؛(2) اما چنین مجوزی برای دادگاه ها پیش بینی نشده است.

ماده 169 قانون یاد شده به دادگاه اجازه داده است تا به تقاضای دادستان قرار تأمین صادره را تخفیف دهد.

در عمل، دادگاه های کیفری بدون تقاضای دادستان و یا نماینده او نیز، در صورت اقتضا اقدام به تخفیف تأمین می نمایند؛ زیرا به هر صورت پرونده ای که در دادگاه رسیدگی کننده مطرح است، در اختیار دادگاه می باشد. وقتی مرجعی بتواند حکم محکومیت و یا تبرئه متهمی را صادر

نماید چگونه می توان پذیرفت که چنین مرجعی حق تخفیف قرار تأمین صادره را نداشته باشد؟
چنین برداشتی مغایر موازین قضایی و اصول عدالت کیفری است.

کاربردی

13..پرونده تحت نظر است. ملاحظه می شود که شاکی خصوصی
گذشت کرده است. با توجه به ...

– نمونه تخفیف تأمین . 229
به تاریخ ...

1. ماده 169 قانون اصول محاکمات جزایی.
2. ماده 38 (اصلاحی خداداد 1311): «مستنطق رأساً و يا به تقاضاي مدعي العموم مي تواند در تمام مراحل تحقيقاتي، قرار توقيف متهم و همچنين قرار اخذ تأمین و يا تبديل تأمین را صادر نماید...»

231

گذشت شاکی خصوص و طولانی شدن مدت زندانی بودن متهم و این که هنوز موجبات دادرسی فراهم نیست، قرار کفالت صادره درباره آقای «الف» متهم به ارتکاب یک فقره خیانت در امانت، به همان مبلغ قرار التزام به حضور، تبدیل و تخفیف داده می شود، که در صورت تحالف مکلف است وجه مذکور را به صندوق بپردازد.

دفتر: مقرر است تبدیل قرار، در زندان به متهم ابلاغ و تذکر داده شود که متهم مذکور اگر به اتهام دیگری بازداشت نباشد، فوری مرخص و نتیجه اعلام گردد.

مقام قضایی

بند ب – تشدید تأمین

230 – ب. تعریف و کلیات . – منظور از تشدید تأمین این است که قرار صادره درباره متهم فک و به یک قرار شدیدتر تبدیل شود. این عملکرد درست نقطه مقابل قرار تخفیف تأمین است که به موجب آن قرار صادره به یک قرار خفیف تر تبدیل می یابد. برای امکان تحقق تشدید تأمین هم وجود یک تأمین قبلی ضرورت دارد تا بتوان به علل و جهات قانونی یا قضایی آن را تغییر داد و تشدید کرد تا تناسب تأمین محفوظ گردد.

قرار تشدید تأمین باید بسیار موجه و مستدل باشد تا حقوق و آزادی های متهم تضییع نگردد. در قلمرو قانون اصول محاکمات جزایی، این قرار قابل اعتراض نیز هست.(1)

طبق ماده 38 قانون اصول محاکمات جزایی، بازپرس در تمام مراحل تحقیقات

1. بند 3 ماده 171 قانون اصول محاکمات جزایی (اصلاحی مرداد 1337)

232

مقدماتی رأساً و یا به درخواست دادستان می‌تواند قرار تشدييد تأمین صادر کند. دادگاه نیز به تقاضای دادستان می‌تواند اقدام به تشدييد تأمین کند.

بازپرس و دادگاه در قبول و یا رد تقاضای تشدييد تأمین دادستان آزادانه می‌توانند تصمیم بگیرند، آن را قبول و یا رد کنند. تصمیم دادگاه قطعی است، اما اگر بازپرس تقاضای دادستان را نپذیرد ممکن است به اختلاف در تشدييد تأمین منجر شود که حل آن با دادگاه است.(1)

کاربردی

13..پرونده تحت نظر است. با ملاحظه گزارش های رسیده از پاسگاه انتظامی به شرح زیر اقدام می نماید :	231—نمونه قرار تشدييد تأمین — به تاریخ ...
--	--

در خصوص آقای «الف» متهم به ایراد یک فقره ضرب و جرح غیرعمدی، با توجه به این که طبق گزارش مأموران انتظامی مستند به گواهی پزشکی قانونی، مصدوم در بیمارستان فوت گرده است، قرار کفالت صادره درباره مشارالیه فک و قرار آزادی مشارالیه به قید سپردن وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول به مبلغ یکصد و پنجاه میلیون ریال تبدیل و تشدييد می گردد که در صورت ایداع

1378 182 132 132	اداره کل حقوق قوه قضائيه آمده است: «صرف نظر از اين که مفاد ماده قانون آين دادرسي دادگاه های عمومی و انقلاب در امور كيفري ظهور عرفي در تحفيف تأمین دارد و شامل تشدييد تأمین نمي شود، اساساً صدور قرار بازداشت موقت به استناد ماده مذكور و به تقاضای متهم به هر دليلي که باشد قابل توجيه نيسست؛ زيرا موارد صدور قرار بازداشت موقت به طور انحصراري در ماده 132 قانون ياد شده احصار گردیده است و كليه قوانين و مقررات آين دادرسی كيفري ناظر به نظم عمومی بوده و اراده افراد نمي تواند قلمرو اجraiي آن را تغيير دهد ».».	8	7 مورخ 16	\$ 1. نظریه مشورتی شماره 8379
---------------------------	--	---	-----------------	--

233

وثیقه و صدور قرار قبولی، آزاد و در غیر این صورت بازداشت خواهد بود.

دفتر : مقرر است قرار تشديد تأمین، در زندان به متهم ابلاغ گردد.

مقام قضایی

235

فصل چهارم

ضمانت اجرای قرارهای تأمین (۱)

232 – انواع ضمانت اجرا. – در میان قرارهای شش گانه تأمین کیفری، قرار نوع اول (قرار التزام به حضور با قول شرف)، قرار نوع پنجم (قرار بازداشت موقت) و قرار نوع ششم (قرار عدم خروج متهم از کشور) ضمانت اجرای خاصی ندارند. شاید در ماهیّت هم به ضمانت اجرا نیازمند باشند؛ زیرا:

یک – در التزام به حضور با قول شرف، متهم آبرو و حیثیت خود را در گرو مقام قضایی می‌نهد تا در موقع احضار، حضور یابد و اگر حضور نیابد، این امر می‌تواند عهده‌شکنی به شمار آید و نشانه آن باشد که وی شخصی متعهد و مسؤول نیست. در

اداره کل حقوقی آمده است: «مطابق تبصره ذیل ماده ۲۲۱ اصلاحی آیین نامه قانونی و مقررات اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب سال ۱۳۷۶، اخذ تأمین مناسب در ما نحن فیه پیش بینی شده است یعنی در زمان اعطای مخصوصی به زندان مقام اعطای کننده مخصوصی از زندان یا شخص ثالث حسب مورد تضمین یا تعهد کافی مثل کفالت یا وثیقه برای بازگشت به زندان اخذ می‌کند این تضمین و تعهد و نحوه چگونگی آن با توافق مقام اعطای کننده و قبول طرف و برابر مقررات ماده ۱۰ قانون مدنی به موجب قرارداد صورت می‌گیرد، النهاية در صورتی که زندانی یا شخص ثالث به ضمانت اجرای این تأمین به مانند ضمانت اجرای مقرر در قانون آیین دادرسی کیفری در صورت عدم انجام تعهد از طرف زندانی و بازگشت به موقع رضایت دهد و قراردادی بر این اساس تنظیم شود، مرجع قضایی طرف قرارداد می‌تواند بر طبق قرارداد مذکور عمل نماید.»	7	7	1. \$ در نظریه
		3	مشورتی شماره 4891

236

نتیجه نوعی ضمانت اجرای معنوی است.

دو – بازداشت موقت موجب زندانی شدن متهم را فراهم می کند و او را در اختیار مقام قضایی قرار می دهد و هدف از صدور قرار تأمین را برآورده می کند. به این ترتیب بحث ضمانت اجرا منتفی می شود.

سه – بالاخره در قرار منعیت خروج از کشور، متهم اجازه و امکان خروج از کشور را نمی یابد. به دستور مقام قضایی، اداره گذرنامه از صدور گذرنامه و اجازه خروج متهم از کشور امتناع می ورزد.

چنانچه متهم اقدام به خروج از راه های غیر مجاز نماید، عمل او از مصاديق جرم خروج غیر مجاز از کشور خواهد بود. (۱)

اما سه نوع دیگر تأمین کیفری از ضمانت اجراهای خاصی برخوردارند که به ترتیب عبارتند از:

الف . وصول وجه التزام از متهم که ضمانت اجرای قرار تأمین التزام به حضور با تعیین وجه التزام است.

ب. اخذ وجه الکفاله از کفیل، که ضمانت اجرای قرار کفالت به شمار می آید.

ج . ضبط وثیقه که ضمانت اجرای قرار وثیقه می باشد.

هر یک از ضمانت اجراهای مذکور با شرایط و تشریفات خاص قانونی به موقع اجرا گذاشته می شود. این شرایط در ماده ۱۴۰ ق.آ.د.ک عنوان شده است. طبق ماده فوق:

هر گاه متهمی که التزام یا وثیقه داده، در موقعی که حضور او لازم بوده بدون عذر موجه حاضر نشود، وجه الالتزام به دستور رئیس حوزه

قانون گذرنامه: «هر ایرانی که بدون گذرنامه یا اسناد در حکم گذرنامه از کشور خارج شود به حبس از یک تا دو سال یا پرداخت جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا پانصد هزار ریال محکوم خواهد شد ». ۷

1. \$ طبق ماده 34
14. (اصلاحی

قضایی از متهم اخذ و وثیقه ضبط خواهد شد. اگر شخصی از متهم کفالت نموده یا برای او وثیقه سپرده و متهم در موقعی که حضور او لازم بوده، حاضر نشده به کفیل یا وثیقه گذار اخطار می شود ظرف نیست روز متهم را تسليم نماید. در صورت عدم تسليم و ابلاغ واقعی اخطاریه، به دستور رئیس حوزه قضایی وجه الکفاله اخذ و وثیقه ضبط خواهد شد.

با عنایت به متن ماده مذکور و سایر قوانین و مقررات موجود، این شرایط را می توان به دو دسته تقسیم کرد:

الف. شرایط ماهوی.

ب. شرایط شکلی.

برای روشن شدن موضوع هر یک از ضمانت اجراءها به طور جداگانه بررسی می شود.

238

گفتار یکم

وصول وجه التزام

233 – شرایط ماهوی . – وصول وجه التزام از متهم، اجرای تخلف از التزام به حضور با تعیین وجه التزام است، شرایطی باید وجود داشته باشد تا بتوان آن را وصول کرد. این شرایط ماهوی عبارتند از: (1)

یک – متهم احضار شود.

دو – احضار متهم ضرورت داشته باشد. احضارهای غیر ضروری و تلفنی نمی تواند منشأ اثر قرار گیرد. احضار متهم برای گرفتن آخرین دفاع یا اخذ توضیح لازم با مشخص کردن موارد آن، مواجهه حضوری وغیره، از جمله مواردی است که امکان دارد احضار متهم را موجّه بنمایاند.

سه – احضاریه به متهم ابلاغ شود. فرقی نیست که ابلاغ احضاریه قانونی و یا واقعی صورت پذیرد، مهم این است که شرایط لازم برای ابلاغ احضاریه رعایت شود؛ یعنی احضارنامه به طور صحیح ابلاغ گردد.

چهار – متهم در وقت تعیین شده و یا در مهلت مقرر حضور نیابد.

پنج – برای عدم حضور خود عذر موجهی اعلام نکرده باشد.

در صورت تحقق شرایط پنج گانه مذکور، وجه التزام از متهم اخذ می شود.

234 – شرایط شکلی . – اخذ وجه التزام از متهم به دستور رئیس حوزه قضایی که جانشین دادستان است صورت می گیرد.

حاکم دادگاه رسیدگی کننده مجاز نیست خود دستور وصول به وجه التزام از متهم

1. ماده 140 (ق.آ.د.ک)

239

را صادر کند. در صورت تحقق شرایط پنج گانه ماهوی، مکلف است مراتب را به رئیس حوزه قضایی مربوط گزارش کند.

رئیس حوزه قضایی نیز به نوبه خود، باید پرونده امر را با دقت بررسی کند؛ و در صورت احزار شرایط ماهوی، دستور وصول وجه التزام را صادر نماید.

چنانچه رئیس حوزه قضایی در تحقق شرایط ماهوی وصول وجه التزام تردید کند و یا متوجه اشتباه حاکم دادگاه گردد، مراتب را برای رفع اشتباه به او اعلام می نماید.

کاربردی

235 – نمونه گزارش حاکم دادگاه به رئیس حوزه قضایی . –

ریاست محترم حوزه قضایی شهرستان...

نظر به این که آقای «الف» متهم به سرقت، آزاد با قيد التزام به حضور در موقع احضار، با وجه التزام به مبلغ یک میلیون ریال، با وجود ضرورت حضوری وی در دادگاه و ابلاغ احضاریه و نداشتن عذر موجه حاضر نشده است، مراتب به استحضار می رسد تا دستور فرمایید نسبت به وصول وجه التزام از متهم مذکور به نفع صندوق دولت اقدام لازم معمول و پرونده را اعاده نمایند.

مقام قضایی

از رئیس حوزه قضایی به حکم دادگاه

به تاریخ

...

...

التزام، مقرر است دفتر طبق

13.. پرونده تحت مطالعه و برسی قرار گرفت. با توجه به تحقق شرایط لازم جهت اخذ وجه

240

مقررات نسبت به وصول وجه التزام اقدام و پرونده را اعاده نماید.

رئیس حوزه قضایی

متعاقب این دستور، اجراییه صادر می شود و سپس پرونده به شعبه مربوط اعاده می گردد.

241

گفتار دوّم

أخذ وجه الكفاله

236 – شرایط ماهوی . – شرایط و نحوه اخذ وجه الكفاله از کفیل با چگونگی وصول وجه التزام از متهم، متفاوت می باشد. این شرایط را می توان به ترتیب زیر احصا کرد:

یک – متهم احضار شود.

دو – احضار متهم ضرورت داشته باشد.(1)

سه – احضاریه متهم صحیحاً ابلاغ گردد.

چهار – متهم حاضر نشود.

پنج – متهم عذر موجہ اعلام نکند.(2)

شش – دستور جلب متهم صادر شود.

هفت – جلب متهم مقدور نگردد.

هشت – به کفیل اخطار شود تا ظرف بیست روز متهم را معرفی کند.(3)

نه – این اخطاریه به کفیل ابلاغ واقعی گردد.(4)

۵۵ – کفیل ظرف مهلت تعیین شده متهم را تسلیم ننماید.

یازده – کفیل بر عدم انجام تعهد خود عذر موجهی نداشته باشد.

دوازده – زمانی می توان وجه الکفاله را از کفیل وصول کرد که حاکم دادگاه ضمن

۱. طبق ماده ۱۴۲ ق.آ.د.ک: «خواستن متهم از کفیل... جز در موردی که حضور متهم برای تحقیقات یا محاکمه یا اجرای حکم ضرورت دارد، ممنوع است.»

۲. چنان که ملاحظه می شود پنج شرط نخست برای وصول وجه الکفاله از کفیل، همان پنج شرط است که برای اخذ وجه التزام از متهم مقرر شده است.

۳. ماده ۱۴۲ ق.آ.د.ک.

۴. ماده ۱۴۰ ق.آ.د.ک.

242

صدور قرار قبولی کفالت به کفیل تفهیم نماید که در صورت احضار متهم و عدم حضور او بدون عذر موجه یا عدم معرفی وی از ناحیه کفیل یا وثیقه گذار، نسبت به وصول وجه الکفاله و ضبط وثیقه، طبق مقررات ادام خواهد شد. (۱)

به نظر می رسد بدون تفهیم تذکر فوق، وصول وجه الکفاله از کفیل موقعیت قانونی نداشته باشد.

در نتیجه، مقام قضایی باید دقیق نماید تا ضمن صدور قرار قبولی کفالت، این تذکر قانونی را رعایت نماید.

237 – شرایط شکلی . – در صورت تحقق شرایط ماهوی برای وصول وجه الکفاله، حاکم دادگاه به همان ترتیبی که برای اخذ وجه التزام عنوان شد، مراتب را جهت صدور دستور وصول وجه الکفاله از کفیل به اطلاع رئیس حوزه قضایی می رساند. رئیس حوزه قضایی نیز هرگاه شرایط قانونی برای وصول وجه الکفاله را محرز تشخیص دهد، نسبت به وصول آن اقدام مناسب را انجام می دهد.

کاربردی

– 238 – نمونه دستور وصول وجه الکفاله .

ریاست محترم حوزه قضایی

نظر به این که آقای «ب» کفیل آقای «الف» متهم به سرقت، با وجود ابلاغ واقعی اخطاریه و انقضای مهلت قانونی و نداشت عذر موجّه مکفول خود را معرفی نکرده است، پرونده به نظر می‌رسد تا دستور فرمایید نسبت به اخذ وجه الکفاله نفع دولت اقدام لازم به عمل آید.

مقام قضایی

1. تبصره ماده 132 ق.آ.د.ک.

243

ریس حوزه قضایی نیز به نوبه خود باید بررسی کند تا از تحقق شرایط قانونی وصول وجه الکفاله مطمئن گردد و آن گاه دستور وصول آن را صادر و سپس پرونده را به مرجع رسیدگی کننده اعاده نماید. دستور وصول را می‌توان با این اعبارات صادر کرد:

دفتر – با توجه به این که کفیل با وجود ابلاغ واقعی اخطاریه و انقضای مهلت قانونی، بدون عذر موجّه متهم را معرفی ننموده است علی هذا دستور وصول وجه الکفاله صادر می‌گردد. پس از اقدام لازم پرونده به دادگاه رسیدگی کننده اعاده شود.

ریس حوزه قضایی

244

گفتار سوم

ضبط وثیق

239 – شرایط شکلی و ماهوی . – با توجه به ماده 140 ق.آ.د.ک و تبصره ماده 132 همان قانون، مشخص می‌شود که شرایط شکلی و ماهوی ضبط وثیقه به نفع دولت با شرایط وصول وجه الکفاله از کفیل، یکسان است. در نتیجه تمام شرایط و تشریفات لازم برای وصول وجه الکفاله، در ضبط وثیقه نیز باید مورد رعایت قرار گیرد.(1)

240 – نحوه وصول وجه التزام از متهم و وجه الکفاله از کفیل . – در زمان حاکمیت ماده 136 مکرر قانون اصول محاکمات جزایی، اخذ وجه التزام از متهم و وصول وجه الکفاله از کفیل امر

ساده‌ای بود. بدین معنی که هرگاه متهم وجه التزام را پرداخت نمی‌کرد و یا کفیل وجه الکفاله را نمی‌پرداخت به دستور دادستان بازداشت می‌شدند. طبق ماده‌ی مذکور:

... در صورت عدم تأديه وجه الکفاله، کفیل در مقابل هر پنجاه ریال یک روز توقيف خواهد شد و مدت توقيف در هر حال از یک سال تجاوز نخواهد کرد...

با تصویب قانون منع بازداشت افراد در قبال الزامات و تعهدات مالی، مصوب ۱۳۵۲، امکان بازداشت کفیل برای وصول وجه الکفاله از بین رفت.(۲)

<p>اعلام داشته است: «با توجه به نسخ قانون آینین دادرسی کیفری ۱۳۷۸ و حاکمیت ماده ۱۴۰ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ در مواردی که حضور متهم لازم باشد و متهم خود را حاضر ننماید به وثیقه گذار مانند کفیل اخطار می‌شود. با توجه به ماده ۱۳۹ قانون مذکور هرگاه متهم در مواعده مقرر حاضر نشده باشد در صورتی که مرجع قضایی عذر وی را در تأخیر موجه بداند وثیقه مسترد و کفیل از مسئولیت مبرأ می‌شود ».»</p>	8	7 مورخ 11	۱. \$ اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۴۹۷۰
<p>اداره حقوقی قوه قضاییه می خوانیم: «جلب کفیل فاقد \$</p>	4	7 مورخ 12	۲. در نظریه شماره ۱۶۲۹

245

در حال حاضر، برای وصول وجه الکفاله از کفیل و یا وجه التزام از متهم، رئیس حوزه قضایی مجاز نیست دستور بازداشت آنان را صادر کند. به این ترتیب، برای اخذ وجه التزام از متهم یا وصول وجه الکفاله از کفیل ضمانت اجرای مؤثری وجود ندارد.

یادآوری می‌نماید که قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی نیز نمی‌تواند شامل این گونه موارد باشد؛ زیرا، در التزام متهم و یا در تعهد کفیل حکم دادگاه وجود ندارد تا در اجرای آن دادستان بتواند در خواست بازداشت متهم و یا کفیل را بنماید.(۱)

241 - حق اعتراض . - متهم نسبت به پرداخت وجه التزام و یا ضبط وثیقه - اگر شخصاً آن را سپرده باشد - و کفیل نسبت به پرداخت وجه الکفاله و وثیقه گذار نسبت به ضبط وثیقه، حق اعتراض دارند.

مهلت این اعتراض، ۵۵ روز از تاریخ ابلاغ دستور رئیس حوزه قضایی است.(۲)

				\$مجوز قانونی است. در صورتی که کفیل هیچ گونه مالی اعم از منقول و یا غیرمنقول و یا حقوق وظیفه نداشته باشد تا وجه الکفاله از محل آن تأمین شود نمی توان کفیل را توقيف نمود، چون مقررات ماده ۲ قانون اخیر التصویب محکومت های مالی هم ناظر به محکومت های مالی است که با صدور حکم از دادگاه به مرحله اجرا گذاشته می شود. لذا مستندی برای بازداشت کفیل بدون این که محکوم به پرداخت وجه الکفاله شده باشد نیست. توضیح این که دستور اخذ وجه الکفاله حکم نیست بنابراین غیر ملی بودن کفیل به فرض این که از اول هم ملائمه نداشته عنوان کلاهبردای پیدا نمی کند که جنبه جزایی داشته باشد، به عبارت دیگر اثر حکم اعسار آزاد شدن از زندان است، بنابراین در جایی که نمی توان کفیل را بازداشت کرد قبول یا رد اعسار او از حیث نتیجه یکسان است ولی در اصل موضوع باید گفت اسار یا از هزینه دادرسی است یا از محکوم به و یا در مقابل اجراییه ثبتی و مورد استعلام هیچ یک از آنها نیست.» نظریه مشورتی شماره 3914
1380.	5	7 مورخ 15		اعلام داشته است: «به موجب قانون منع بازداشت بدھکاران، مقررات ذیل ماده ۱۳۶ مکرر ق.آ.د.ک ۱۲۹۰ نسخ شده است و مقررات ماده ۲ قانون اصلاحی نحوه اجرای محکومیت های مالی هم ناظر به محکومیت های مالی است که با اصدار حکم از دادگاه به مرحله اجرا گذاشته می شود، در حال حاضر نمی توان کفیل را باستناد ماده مذکور توقيف نمود.»
	4	7 مورخ 12		۱۱. اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره ۱۶۲۹

2. صدر ماده 143 ق.آ.د.ک.

246

242 - موارد حق اعتراض . - موارد حق شکایت، در بندهای چهارگانه ماده 143 ق.آ.د.ک به شرح زیر احصا و معرفی شده است:

الف. در صورتی که بخواهند ثابت نمایند متنهم در موعد مقرر حاضر شده یا او را حاضر نموده اند یا شخص ثالثی متنهم را حاضر نموده است.

ب. هر گاه بخواهند ثابت نمایند به جهات یاد شده در ماده (116) این قانون متنهم توانسته حاضر شود و یا کفیل به یکی از آن جهات توانسته او را حاضر کند.

ج. هر گاه بخواهند ثابت نمایند پس از صدور قرار قبول کفالت یا التزام، معسر شده اند.

د. در صورتی که بخواهند ثابت نمایند پس از صدور قرار قبول کفالت یا التزام، معسر شده اند.

علاوه بر موارد چهار گانه مذکور که در ماده 143 به آنها تصریح شده است، شرایط شکلی و ماهوی وصول وجه التزام و وجه الکفاله و ضبط وثیقه، که شرح آن گذشت نیز باید مورد توجه قرار گیرد و وجود آنها محقق باشد. با فقدان هر یک از شرایط مذکور، حاکم دادگاه بنابراین بخواست رئیس حوزه قضایی، باید اقدام به صدور دستور اخذ وجه التزام یا وجه الکفاله و یا ضبط وثیقه بنماید.

به نظر می رسد بهتر بود نکاتی که توضیح داده شد، همگی در ماده 140 قانون آین دادرسی کیفری به صراحت بیان می گردید؛ گرچه عدم ذکر آن ها در ماده فوق، نمی تواند موجب تفسیع حقوق صاحبان حق گردد.

243 - مرجع رسیدگی . - به این اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استانی رسیدگی می شود که دستور وصول و یا ضبط در آنجا صادر شده است، دادگاه مذبور مکلف است در تمام موارد نسبت به شکایت، خارج از نوبت و بدون تشریفات دادرسی

247

رسیدگی کند.

شکایت مانع ادامه عملیات اجرایی نیست و مادامی که دادگاه با دستوری خاص، عملیات اجرایی را موقوف نموده یا حکم به نفع کفیل یا وثیقه گذار یا متنهم صادر نکرده، عملیات اجرایی ادامه می یابد.(1)

در صورت صدور حکم به نفع معتبر، عملیات اجرایی متوقف می شود و وجوده و اموال اخذ گردیده و یا ضبط شده بازگردانده می شود.(2)

1. تبصره ماده 143 ق.آ.د.ک.
2. همان.

248

249

فصل پنجم

مدت تأمین کیفری

244 – اعتبار قرار تأمین کیفری، تا شروع اجرای حکم جزایی و یا قطعی شدن قرار تعليق اجرای مجازات است.
طبق تبصره 2 ماده 139 ق.آ.د.ک:

به محض شروع اجرای حکم جزایی و یا قطعی شدن قرار تعليق اجرای مجازات، قرار تأمین ملغی الاثر می شود. (۱)

تبصره فوق یک قاعده کلی را بیان می کند که استثنای قراوانی دارد. این حکم حداقل مدت اعتبار قرارهای تأمین کیفری را نشان می دهد؛ به عبارت روشن تنها حداقل مدت اعتبار را بیان می نماید و معرض حداقل آن نشده

1. \$اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره 6345	7مورخ	12	8	1380اعلام داشته است :
--	-------	----	---	-----------------------

«قرارهای تأمین در دو مورد ملغی الاثر می شود؛ یکی در صورت صدور قرار منع پیگرد یا موقوفی تعیب یا حکم برأة و مختومه شدن پرونده که در ماده 144 ق.آ.د.ک 1378 آمده است و دیگر با شروع به اجرای حکم می باشد که در تبصره 2 ماده 139 آن قانون ذکر گردیده است؛ در سایر موارد قرار باقی می ماند، مگر این که قاضی آن را تبدیل نماید و چنانچه متهم به دیه که جزای مالی است محکوم شده باشد قبل از شروع به اجرای حکم نمی توان تأمین را ملغی الاثر دانست و چنانچه مهلت پرداخت تمام نشده باشد، بهتر است تبدیل به تأمینی شود که متنه به بازداشت محکوم عليه نگردد.»

250

است. حداقل زمان اعتبار قرار تأمین کیفری با قاضی رسیدگی کننده است که هر وقت موجبات رفع قرار تأمین را محقق دید باید آن را فک نماید.

با این نگرش، جهت آگاهی بیشتر در خصوص چگونگی انتفاع قرارهای تأمین کیفری بهتر است به نکات زیر توجه شود:

یک – برای بعضی از قرارهای تأمین کیفری مدت‌های خاصی در قانون پیش‌بینی شده است که در آن مدت قرار تأمین باید فک و یا تبدیل شود. به عنوان نمونه قرارهای زیر چنین هستند:

الف. قرارهای بازداشت موقت الزامی تا صدور حکم بدوى ادامه خواهد یافت. مشروط بر این که مدلت آن از حداقل مجازات مقرر قانونی جرم ارتکابی تجاوز ننماید.⁽¹⁾ بدیهی است حکم فوق ناظر به حداقل مدت قرار تأمین کیفری است. حداقل آن مدت ندارد. وجود این دستور مانع از آن نیست که قرار تأمین حتی قبل از صدور حکم بدوى نیز به جهات مختلف منتفی شود.

ب . در قرارهای بازداشت موقت اختیاری، هر وقت علتی که موجب صدور قرار شده است از بین رفت، قرار بازداشت موقت نیز باید فک گردد.⁽²⁾

100 ریال بیشتر باشد بازداشت مرتكب حداقل به مدت یک ماه الزامی است. ⁽³⁾	200 ریال و یا مبلغ اختلاس به همان ترتیب از 000	ج. در جرایم ارتشا و اختلاس، چنانچه مبلغ ارتشا به دفعات و یا دفعتاً واحده از 000
--	--	---

به علاوه، قسمت اخیر ماده 37 ق.آ.د.ک مقرر می‌کند:

همچنین قاضی مکلف است در کلیه موارد پس از مهلت یک ماه در

1. صدر ماده 35 ق.آ.د.ک

2. ماده 38 قانون اصول محاکمات جزایی (اصلاحی خرداد 1311)

3. تبصره های 4 و 5 ماده 4 و تبصره های 4 و 5 ماده 5 قانون تشدید مجازات مرتكبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری، مصوب 15 آذرماه 1367 مجمع تشخیص مصلحت نظام.

251

صورت ضرورت با ذکر دلایل و مستندات، قرار بازداشت موقت را تجدید و در غیر این صورت با قرار تأمین مناسبت متهم را آزاد نماید.⁽¹⁾

دو – در موارد زیر قرار تأمین کیفری، قبل از شروع اجرای حکم منتفی می‌شود:

245 – الف . قرار موقوفی تعقیب . – مقام قضایی، هنگام صدور قرار موقوفی تعقیب، باید قرار تأمین متهم زندانی را فک و او را آزاد کند.

هر چند قرار موقوفی تعقیب متهم از سوی شاکی و یا مدعی خصوصی قابل اعتراض می باشد، و این امکان وجود دارد که قرار در مرحله تجدیدنظر تأیید نشود؛ اعتراض می باشد، و این امکان وجود دارد که قرار در مرحله تجدیدنظر تأیید نشود؛ اما به نظر می رسد وجود این احتمال و یا هر احتمال دیگر نمی تواند دلیل بر این باشد که متهم به علت صدور قرار تأمین، در زندان بماند و مرجع قضایی برای آزاد کردن او منتظر اقدام شاکی و یا مدعی خصوصی و یا نتیجه حکم دادگاه تجدیدنظر باشد. این روش با روح دادرسی عادلانه سازگار نیست.

246 - ب. قرار منع تعقیب . - در صورت صدور قرار منع تعقیب، خواه قطعی و یا غیر قطعی، مرجع قضایی مکلف است متهم زندانی را مخصوص کند و حتی نباید منتظر قطعیت قرار مذکور باشد.

247 - ج. بایگانی شدن پرونده . - طبق ماده 17 قانون اصول محاکمات جزایی (اصلاحی بهمن 1335) در صورت صدور قرار اناظه کیفری و ابلاغ آن.

چنانچه یکی از طرفین دعوا یا شخص ذی نفع حداقل در ظرفت مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ قرار، به دادگاه صلاحیت دار رجوع نکرده و تصدیق آن را تقدیم مرجع جزایی ننماید پرونده کیفری بایگانی

1379 اداره حقوقی قوه قضاییه آمده است: «در کلیه مواردی که قرار بازداشت موقت صادر می شود پس از یک ماه اگر ضرورت باقی بود با ذکر دلایل و مستندات قرار بازداشت موقت به مدت یک ماه دیگر تمدید بشود و به شرح مندرج در اول ماده 35 همان قانون صدور قرار بازداشت موقت رأس هر ماه صادر و تا صدور حکم بدوى ادامه خواهد داشد ». »	3	7	مورخ	7	\$ در نظریه مشورتی شماره 1385
--	---	---	------	---	-------------------------------

252

می شود.

در این صورت اگر نسبت به جنبه کیفری دعوا از متهم تأمین اخذ شده باشد، با بایگانی شدن پرونده، قرار تأمین صادره منتفی می شود.

248 - د. حکم برائت . - در صورت صدور حکم برائت، هر چند غیرقطعی متهم زندانی باید آزاد شود. طبق ماده 213 ق.آ.د.ک:

چنانچه رأی دادگاه مبنی بر برائت یا تعلیق مجازات متهم باشد و متهم بازداشت باشد، فوراً آزاد می شود مگر آن که از جهات دیگر بازداشت باشد...

249 - اخذ تأمین مجدد . - در موارد چهارگانه مذکور، قرار تأمین کیفری منتفی می شود؛ و اخذ تأمین دیگر لازم نیست. مگر در موارد خاص و استثنایی که رسیدگی جدیدی تجویز شود.

لیکن در موارد زیر هر چند قرار تأمین کیفری قبلی منتفی است؛ ولی، باید تأمین مناسب دیگری از متهم اخذ شود:

الف . در صورتی که به لحاظ تخلف متهم، دستور اخذ وجه التزام از او صادر شده باشد. در این فرض تأمین قبلی منتفی است و چون پرونده بدون تأمین می باشد، مرجع قضایی در حدود مقررات قانونی اقدام به صدور قرار تأمین جدیدی خواهد کرد.

همین که ریس حوزه قضایی دستور اخذ وجه التزام را صادر کرد و پرونده جهت ادامه رسیدگی به دادگاه مربوط اعاده شد، مرجع رسیدگی کننده، تأمین مناسبی اخذ می کند؛ اعم از این که وجه التزام وصول شده و یا وصول نشده باشد، به عبارت دیگر صرف دستور ریس حوزه قضایی برای اخذ وجه التزام از متهم، تأمین قبلی را از بین می برد. وصول و یا عدم امکان وصول آن، مسئله ای جداگانه است و به تأمین

ب. در صورت صدور دستور اخذ وجه الکفاله به وسیله ریس حوزه قضایی نیز طبق روشی که فوقاً بیان شد، باید از متهم تأمین جدیدی گرفته شود؛ خواه وجه الکفاله وصول شده و یا وصول آن با مانع رو برو باشد.

ج . وقتی دستور ضبط وثیقه به نفع دولت از سوی ریس حوزه قضایی صادر می شود.(1)

250 - انفای قرار قبولی کفالت و قرار قبولی وثیقه . - در مواردی نیز قرار قبولی کفالت و یا قرار قبولی وثیقه منتفی می شود، بدون این که اصل قرار کفالت و یا قرار وثیقه اعتبار خود را از دست بدهد. در این صورت مرجع قضایی قرار قبولی جدید کفالت و یا وثیقه صادر می کند. این موارد عبارتند از:

الف . فوت کفیل . – چنانچه پیش از ابلاغ واقعی اخطاریه بیست روزه و یا بعد از آن و قبل از انقضای مهلت قانونی، کفیل فوت کند، قرار معرفی کفیل به اعتبار خود باقی می ماند؛ اما قرار قبولی کفالت منتفی می شود. زیرا کفالت عقدی وابسته به شخص است، به عبارت دیگر شخصیت کفیل، علت عمدۀ عقد است و تعهدات وی به ورثه منتقل نمی شود. در نتیجه متهم یا باید کفیل دیگری معرفی کند و یا به بازداشتگاه معرفی می شود.

اگر کفیل پس از ابلاغ واقعی اخطاریه و انقضای مهلت قانونی و عدم معرفی متهم، فوت کند، او مشغول ذمه خواهد بود، زیرا در این فرض، تعهدی مالی بر

1. \$اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره 6308	7 مورخ 3	7 اعلام 1380
--	----------	--------------

«دستور ریس حوزه قضایی به ضبط وثیقه کافی است و نیاز به دخالت دادگاه و صدور اجراییه ندارد. در ضمن معنی و مفهوم ضبط وثیقه این نیست که سند مالکیت وثیقه گذار ابطال شود، یعنی ملک مورد وثیقه از مالکیت وثیقه گذار خارج و در ملکیت دولت مستقر شود؛ بلکه منظور از ضبط وثیقه این است که ریس حوزه قضایی وثیقه را به فروش رسانیده و از وجه حاصل از فروش وثیقه، معادل وثیقه را از آن برداشت و به صندوق دولت واریز و در صورت وجود الباقی، مابقی را به وثیقه گذار مسترد نماید.»

254

دوش کفیل قرار گرفته است و فوت، مانع اشتغال ذمه یا باعث برای الذمه شدن او نیست. در نتیجه، ورثه مکلف به پرداخت وجه الکفاله – مانند سایر دیون و تعهدات مالی متوفی – هستند، و از متهم تأمین دیگری اخذ می گردد.

ب . فوت وثیقه گذار . – همان طور که اشاره شد در حقوق مدنی ایران، عقد کفالت و عقد وثیقه تفاوت ماهوی دارند: در وثیقه، مال مورد وثیقه بیشتر از شخص وثیقه گذار مورد توجه قرار می گیرد و حق ذی نفع به عین مال تعلق می گیرد؛ اما در کفالت، شخصیت کفیل مهم است. به هر حال از لحاظ معرفی متهم، در قلمرو آینین دادرسی کیفری، وثیقه گذار و کفیل وضع مشابهی دارند. بدین معنی که طبق تبصره ماده 132 ق.آ.د.ک به وثیقه گذار نیز باید اخطار شود تا ظرف بیست روز متهم را معرفی کند و این ابلاغ باید واقعی باشد. حال اگر در این مدت وثیقه گذار فوت کند، الزام ورثه او به انجام تعهد مذکور، خالی از اشکال نخواهد بود؛ ظاهراً نمی توان ورثه وثیقه گذار را به انجام چنین تعهدی وداداشت. (1)

1. \$در نظریه مشورتی شماره 3613	5 مورخ 7	7 اعلام 1379
---------------------------------	----------	--------------

« ۱ – فوت وثیقه گذار موجب فک وثیقه نیست و چنانچه اخطاریه قسمت اخیر ماده ۱۴۰ ق.آ.د.ک دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، مصوب ۱۳۷۸ به وثیقه گذار ابلاغ و مهلت قانونی مقتضی و سپس فوت شود و متهم ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه مذبور به مرجع قضایی معرفی نشده باشد، وثیقه ضبط خواهد شد.

۲- در تعهد وثیقه گذار مبنی بر معرفی متهم به مرجع قضایی یک تعهد قائم به شخص است و لذا به ورثه وی منتقل نمی شود و بنابراین ورثه را نمی توان به معرفی متهم مکلف کرد مع ذلک به لحاظ رعایت حقوق ورثه، اولی این است که در صورت لزوم حضور متهم و عدم حضور وی پس از ابلاغ اخطاریه به او و قبل از ضبط وثیقه، مرجع قضایی به ورثه اخطار کند که چنانچه متهم ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه به ورثه در مرجع قضایی مربوط حاضر نشود، وثیقه ضبط خواهد شد.»

6	1379، وثیقه گذار وفات یابد، اولاً، تعهد وثیقه گذار مبنی بر معرفی متهم به مرجع قضایی – که یک تعهد قائم به شخص است — به ورثه او منتقل نمی شود، ثانیاً، مرگ وثیقه گذار، موجب فک وثیقه یا انحلال قرارداد وثیقه نیست و بنابراین ورثه نمی تواند به لحاظ فوت وثیقه گذار، رفع توقیف از مال \$	1376 آمده است: «چنانچه قبل از ابلاغ اخطاریه موضوع ماده ۱۴۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، مصوب ۲۸	11	7	مورخ ۱۰	و نیز در نظریه مشورتی شماره ۳۷۰۰
---	---	---	----	---	---------	----------------------------------

255

مورد وثیقه را بخواهند.

با عنایت به مراتب مذبور و رعایت حقوق ورثه اولی این است که در صورت لزوم حضور متهم و عدم حضور وی پس از ابلاغ اضافی و قبل از ضبط وثیقه، مرجع قضایی طی اخطاریه ای به ورثه اطلاع دهد که چنانچه متهم ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه به ورثه، در مرجع قضایی مربوط حاضر نشود، وثیقه ضبط خواهد شد.»

256

257

بخش چهارم
قرارهای نهایی

258

بخش چهارم

قرارهای نهایی

253 – تعریف . – یکی دیگر از اعمال قضایی که به عنوان تحقیقات مقدماتی، در کنار جمع آوری دلایل و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می گیرد، اظهار نظر بعد از اتمام تحقیقات مقدماتی است.(۱) اظهار نظر بعد از پایان تحقیقات مقدماتی و با صدور قرار اعلام می شود که آن را «قرار نهایی» می گویند . بنابراین «قرار نهایی» عبارت از قراری است که از پایان تحقیقات مقدماتی خبر می دهد. تا تحقیقات مقدماتی پایان نیابد، صدور «قرار نهایی» نمی تواند مصدق داشته باشد.

254 – انواع قرارهای نهایی . – با عنایت به مجموعه قوانین موجود می توان گفت که در سیستم قضایی کشور ما سه نوع «قرار نهایی» پیش بینی شده است:

۱. قرار موقوفی تعقیب.

۲. قرار منع تعقیب.

۳. قرار مجرمیت.

۱. طبق ماده ۱۶۲ قانون اصول محاکمات جزایی: «اگر مستنطق را عقیده بر آن شد که عمل شخص متهم متنضم هیچ جرمی از خلاف یا جنحه یا جنایت نیست، عقیده خود را بر عدم تقصیر مشارالیه در ذیل تحقیقات اظهار می دارد و اگر عقیده مستنطق بر تقصیر متهم است صریحا آن را قید می کند.»

بند «ک» ماده ۳ اصلاحی قانون آینین دادرسی کیفری اعلام داشته است که برای صدور قرار نهایی باید پایان تحقیقات مقدماتی را اعلام داشت و قرار نهایی صادر کرد. به موجب این بند: «پس از آن که تحقیقات پایان یافته، بازپرس آخرین دفاع متهم را استماع نموده با اعلام ختم تحقیقات و اظهار عقیده خود، پرونده را نزد دادستان می فرستد...»

به نظر می رسد «قرار نهایی» نوع دیگری وجود نداشته باشد، به عنوان مثال، قرار عدم صلاحیت را نمی توان یک «قرار نهایی» دانست؛ زیرا فرض بر این است که هنگام صدور قرار عدم صلاحیت، تحقیقات مقدماتی پایان نمی پذیورد، بلکه پرونده از یک مرجع به مرجع دیگر فرستاده می شود و تحقیقات مقدماتی باید همچنان ادامه داشته باشد، و این وصف با تعریف «قرار نهایی» سازگار نیست.(۱)

در این بخش ابتدا هر یک از انواع سه گانه قرار نهایی مورد گفتگو قرار می گیرد و سپس موارد و نحوه صدور هر یک از آنها از نظر خوانندگان ارجمند می گذرد.

با این توضیح بخش حاضر سه فصل به شرح زیر را دارا خواهد بود:

فصل یکم – قرار موقوفی تعقیب.

فصل دوم – قرار منع تعقیب.

فصل سوم – قرار مجرمیت.

۱. علاوه بر قرارهای مذکور «... که جزو قرارهای نهایی محسوب می شود قرارهای دیگری از جمله دو قرار عدم صلاحیت و موقوفی تعقیب نیز ممکن است در پایان تحقیقات مقدماتی صادر شوند. آیا این دو قرار را نیز می توان در زمرة قرارهای نهایی به شمار آورد؟ علت تردید این است که بین این دو قرار و قرارهای نهایی دیگر تفاوت هایی وجود دارد...» آشوری، دکتر محمد، آین دادرسی کیفری، جلد دوم، ص ۱۳۱.

261

فصل یکم

قرار موقوفی تعقیب

255 – جهات موقوفی تعقیب . – قرار موقوفی تعقیب، یک قرار شکلی است. دادرس بدون این که وارد ماهیت امر جزاگی شود، به جهتی از جهات قانونی، تعقیب جزاگی متهم را موقوف می کند.

علی الاصول، تعقیبی که مطابق قانون شروع شده است نباید متوقف یا موقوف گردد؛ مگر به علل و جهاتی که قانون تعیین می کند. به بیان دیگر، جز در مواردی که قانون مشخص کرده است نمی توان تعقیب امر کیفری را موقوف نمود. طبق ماده ۶ ق.آ.د.ک:

تعقیب امر جزاگی و اجرای مجازات که طبق قانون شروع شده باشد موقوف نمی شود، مگر در موارد زیر:

اول – فوت متهم یا محکوم علیه در مجازات های شخصی.

دوم – گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت.

سوم – مشمولان عفو. (۱)

1. بند 3 ماده 8 قانون اصول محاکمات جزایی، عفو عمومی، آن هم فقط در جرایم سیاسی را از جهات

262

چهارم – نسخ مجازات قانونی.

پنجم – اعتبار امر مختومه.

ششم – مرور زمان در مجازات های بازدارنده.

تبصره – هر گاه مرتکب جرم قبل از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود تا زمان افاقه تعقیب متوقف خواهد شد.(1)

با توجه به مفاد ماده موقم معلوم می شود که در حال حاضر در کشور ما جهات قانونی موقوفی تعقیب همان جهات مذکور در ماده 6 ق.آ.د.ک است.

هر یک از جهات موقوفی تعقیب در گفتاری جداگانه بررسی می شود.

سقوط دعوای عمومی می شناخت.

1. بند اوّل ماده 8 قانون اصول محاکمات جزایی، جنون متهم یا مقصو را از موارد موقوفی تعقیب معرفی می کند.

263

گفتار یکم

فوت متهم یا محکوم علیه در مجازات های شخصی

256 – کلیات . – در جهان امروز محاکمه و مجازات، برای انسان های زنده است. تعقیب و یا مجازات کردن اجساد، ارواح، حیوانات و اشیا ممنوع می باشد. در سیستم های گذشته، به روایت تاریخ، مردگان را نیز محاکمه می کردند و آنان را به مجازات محکوم می نمودند. گاهی جسد را در آتش می سوزاندند و گاهی نیز شلاق می زدند و یا در جاهای متغیر دفن می کردند. عقیده داشتند با این عمل، ارواح مردگان آزرده خاطر می شوند و تنبیه می گردند.

در حقوق اسلامی، از چهارده قرن قبل و در کشورهای غیر اسلامی از حدود سه قرن پیش محاکمه علیه مردگان و اجساد ممنوع شده است. همین که افوت متهم اطمینان حاصل شد، مرجع تعقیب کننده مکلف به صدور قرار موقوفی تعقیب می باشد. به همین لحاظ است که بند اوّل ماده 6 ق.آ.د.ک، فوت متهم یا محکوم علیه در مجازات های شخصی را از علل و جهات صدور قرار موقوفی تعقیب معرفی می نماید.

13..در وقت فوق العاده پرونده تحت نظر است و به شرح زیر اقدام به صدور قرار می نماید :

— نمونه قرار موقوفی تعقیب . . —
به تاریخ ...

قراردادگاه — در خصوص اتهام «الف» مبنی بر ارتکاب یک فقره خیانت در امامت، نظر به این که طبق شماره پایگاه انتظامی... و با توجه به

264

گزارش سازمان پزشکی قانونی تهران و گواهی سازمان بهشت زهراء، متهم فوق فوت گرده است، به استناد بند اول ماده 6 قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، قرار موقوفی تعقیب وی صادر و اعلام می گردد. این قرار ظرف بیست روز از شاکی قابل اعتراض در دادگاه های تجدیدنظر استان می باشد.

مقام قضایی

دفتر: قرار به شاکی ابلاغ شود.

258 — مجازات های شخصی . — در بند «الف» ماده 6 ق.آ.د.ک، قانون گذار فوت محکوم علیه را در مجازات های شخصی سبب موقوفی تعقیب دافنته است، بدون این که تصریح کند منظور از مجازات شخصی چیست؟

به نظر می رسد منظور قانون گذار از عبارت «مجازات های شخصی» در این ماده، کیفرهایی باشد که ناظر به شخص محکوم علیه است و فقط درباره او قابلیت اجرایی دارد مانند حبس، شلاق، اعدام و رجم که مجازات به شخص متهم تحمل می شود؛ در صورتی که مجازات های غیرشخصی، کنیزهایی هستند که به طور غیرمستقیم درباره غیرمحکوم علیه نیز اجرا می شوند. این مجازات ها، جنبه مالی دارند و در نتیجه، اعمال آنها به طور مستقیم یا غیرمستقیم متوجه ورثه محکوم علیه متوفی نیز گردد.(1)

البته عبارت قانون خوب انشا نشده است؛ جا دارد در بازنگری قانون آین دادرسی کیفری مورد اصلاح قرار گیرد.

.1. ر.ک: آخوندی، دکتر محمود، آین دادرسی کیفری، ج 1، ص 229 الی 232.

265

گفتار دو

گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت

259 — کلیات . — در نظام قضایی کشور ما، قرار موقوفی تعقیب، بیشتر در صورت گذشت متضرر از جرم صادر می گردد؛ لذا گذشت شاکی یا مدعی خصوصی، در جرایم قابل گذشت، نقش مهمی دارد. قرارهای موقوفی تعقیب، به این اعتبار، کاربرد زیادی پیدا می کند.

برای صدور قرار موقوفی تعقیب به علت گذشت متضرر، قانونگذار، دو شرط اساسی مقرر داشته است: یکی این که جرم ارتکابی قابل گذشت باشد؛ و دیگری آن که شاکی یا مدعی خصوصی گذشت گرده باشد.

بند یک – جرایم قابل گذشت

260 – تعریف . – قانون گذار جرایم قابل گذشت را به صورت صريح و روشن تعریف نکرده است.(۱) از نظر علمی، زمانی جرم قابل گذشت محسوب می شود که با شکایت متضرر از جرم تعقیب آن شروع و با گذشت او تعقیب موقوف گردد.

261 – فلسفه جرایم قابل گذشت . – قانونگذار، گاهی منافع متضرر از جرم یا مجنی عليه را مد نظر قرار می دهد،(۲) زمانی مصالح دولت و ملاحظات سیاسی را در نظر می گیرد(۳) و در برخی موارد منافع اقتصادی جامعه را مورد توجه قرار

1. آخوندی، محمود، آین دادرسی کیفری، ج ۱، ص ۲۳۸ الی ۲۴۲.

2. مانند کلیه جرایم عنوان شده در کتاب سوم و چهارم ق.م.۱، در خصوص قصاص و دیات؛ همچنین بزه چک بلامحل جزم موضوع ماده ۷ و ۱۳ قانون صدور چک، به وجب ماده ۱۲ قانون مذکور: «هرگاه قبل از صدور حکم قطعی شاکی گذشت نماید... مرجع رسیدگی قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد کرد.»

3. نمونه این موارد، جرم سوء قصد به مقامات سیاسی خارجی است، تبصره ماده ۵۱۷ ق.م.۰

مقرر

266

می دهد(۱) و تعقیب جرم را به شکایت متضرر از جرم منوط می کند. در این هر سه گونه موارد چنانچه متضرر از جرم یا مجنی عليه تعقیب متنهم را درخواست نکند، دادستان نمی تواند رأساً و به نمایندگی از طرف جامعه، بزهکار را مورد تعقیب قرار دهد.

تفکیک جرایم قابل گذشت از غیر آن، آثار مهم حقوقی – قضایی دارد؛ زیرا، چنانچه گفته شده در جرایم قابل گذشت تعقیب به درخواست شاکی خصوص منوط است و با گذشت او موقوف می گردد، اما در جرایم غیر قابل گذشت به درخواست شاکی خصوصی نیازی نیست.

262 – راه های شناسایی جرایم قابل گذشت از غیر آن . – چکونه می توان جرم قابل گذشت را از جرایم غیر قابل گذشت تشخیص داد؟ برای این شناسایی دو روش وجود دارد:

الف . روش ضابطه قانونی.

ب. روش احصای قانونی.

می کند: «اعمال مواد این فصل منوط به تقاضای دولت مربوطه به نماینده سیاسی آن دولت مربوط یا مطالبه مجذی علیه یا ولی او است و در صورت استرداد تقاضا، تعقیب جزایی نیز موقوف خواهد شد.»

1. مانند جرایم ارزی و بانکی. طبق قسمت اخیر ماده 7 قانون واگذاری معاملات ارزی به بانک ملی ایران مصوب 24 اسفندماه 1334: «تعقیب کیفری منوط به شکایت بانک ملی ایران بوده و بانک ملی مجاز است تا قبل از صدور حکم قطعی شکایت خود را مسترد دارد.»

لازم به یادآوری است که طبق بند 3 ماده 85 قانون بانکی و پولی کشور، مصوب خرداد ماه 1339، کلیه که اختیارات و مزایای مذکور در قانون واگذاری معاملات ارزی ... به بانک مرکزی منتقل گردیده است.

1351: «تأسیس بانک و اشتغال به بانکداری بدون رعایت مقررات این قانون و استفاده از نام بانک در عنوان مؤسسات اعتباری ممنوع است .	4	همچنین برابر تبصره بند «ب» ماده 42 قانون پولی و بانکی کشور مصوب 18
--	---	--

مرتكب به حبس تأدیبی تا شش ماه محکوم خواهد شد و در صورت اقتضا دادستان می تواند به درخواست بانک مرکزی ایران موقتا دستور تعطیل مؤسسه را تا تعیین تکلیف نهایی آن از طرف دادگاه بدهد.

تبصره – تعقیب کیفری در موارد فوق منوط به شکایت بانک مرکزی ایران است.

267

263 – الف. روش ضابطه قانونی . – در این روش، قانون گذار یک یا چند معیار قانونی تعیین و معرفی می نماید تا دادرس بر اساس آن ها جرایم قابل گذشت را از غیر آن تشخیص دهد. به عنوان مثال: در قوانین بعضی کشورها، جرایم ارتکابی بین زن و شوهر، در ارتباط با روابط زناشویی، قابل گذشت می باشند. همچنین در قوانین بسیاری از کشورها پیش بینی می شود که سرقت،(1) خیانت در امانت، کلاهبرداری و جرایمی که در حکم کلاهبرداری هستند، اگر بین همسر و یا اقربای نسبی تا درجه سوم و یا اقربای سبی تا درجه دوم شاکی خصوصی صورت گرفته باشد، قابل گذشت است.(2)

درست است که قانون گذار باید اجازه دهد در جرایم خانوادگی و به ویژه در امور مربوط به روابط زناشویی، قاضی مداخله ناخواسته کند؛ لیکن در عمل، وجود این نوع ضوابط، موجب پیدایش تفسیرها و برداشت های گوناگون از متن قانون می گردد و قدرت اجرایی آن را تضعیف می نماید.

به علاوه، به رغم تلاش های علمی، هنوز حقوق دافنان نتوانسته اند در این خصوص ضابطه و معیار کلی ارایه دهند که در تمام یا اغلب جرم ها قابل اعمال باشد. نتیجه این که در حال حاضر کم روش ضابطه قانونی ارزش و اعتبار پیشین خود را از دست می دهد.(3)

264 - ب. روش احصای قانونی . - مطابق این روش، فرض بر این است که هیچ جرمی قابل گذشت نیست و کلیه جرایم مرتبط با نظم عمومی هستند. اگر جرمی به علت خاص قابل گذشت باشد قانون گذار آن را باید صریحاً در قانون معرفی نماید. با عمل به این روش، قانون گذار، تکلیف متهم، وکلای دادگستری، شاکیان، دادرسان

1. با توجه به قانون مجازات اسلامی، سرقت بعد از شکایت به قاضی، قابل گذشت نیست، اعم از این که مرتكب از اقارب شاکی باشد یا نه.

2. بند 5 تبصره 2 ماده 8 قانون اصول محاکمات جزایی.

3. برای اطلاع بیشتر ر.ک: آخوندی، دکتر محمود، آیین دادرسی گیفری، ج 1، ص 189 الی

.198

268

و مفسران قانون جزا را مشخص می کند.

در نتیجه، اصل بر غیر قابل گذشت بودن جرایم بوده و قابل گذشت بودن آن، خلاف اصل و یک امر استثنایی است که باید در قانون تصریح گردد. هیچ جرمی بدون نص قانون، قابل گذشت به شمار نمی آید.

265 - در ایران . - منش قانون گذار ایران، پیش از انقلاب اسلامی، پیروی از روش دوم بود و قسمت اعظم جرایم قابل گذشت در ماده 277 قانون مجازات عمومی و قوانین متفرقه دیگر احصا شده بود.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی این نظم به هم خورد. ابتدا مفنن می خواست از همین روش احصای قانونی بهره گیرد. کما این که می بینیم به طور ناقص و تنها درباره چند جرم، این روش را پیاده گرده است، مانندن اهانت به مأموران سیاسی کشورهای خارجی که طبق ماده 515 قانون مجازات اسلامی، با شکایت شاکی خصوصی تعقیب آغاز و با گذشت او تعقیب موقوف می گردید.

این گونه موارد احصا شده بسیار محدود و ناچیز بود و درباره بسیاری از جرایم تعیین تکلیف نشده بود.

شاید اراده قانون گذار بر این بوده است تا بتواند ضابطه ای قانونی و فقهی ارایه بدهد. بدون تردید آن ضابطه «حق الله» و «حق الناس» بود. بدین معنی که در حق الله جرم غیر قابل گذشت و در حق الناس تعقیب و مجازات متهم متوقف بر مطالبه صاحب حق یا قائم مقام قانونی او باشد.(1)

قانون گذار، برای «حق الله» و «حق الناس» آثار حقوقی مهمی مترقب می کرد؛ مع الوصف مفهوم و تعریف این دو اصطلاح را در قانون روشن نکرده بود، با فقدان تعریف قانونی، هر کس مطابق سلیقه خود از آن برداشت می کرد، عده ای عقیده

1. طبق ماده 2 ق.آ.د.ک «کلیه جرایم دارای جنبه الهی است...» به عقیده برخی محسین این قانون منظور از «جنبه الهی» همان «حیثیت عمومی» جرایم می باشد.

269

داشتند منظور از «حق الله» کلیه جرایم است، چون هر جرمی نافرمانی از خدای بزرگ محسوب می شود. پس هیچ جرمی قابل گذشت نمی باشد.

عده ای دیگر بر این باور بودند که منظور از «حق الله» تنها چند جرم معین و مشخص است که در قانون مجازات اسلامی با عنوان حدود معرفی شده است. باقی این جرم‌ها «حق الناس» بوده و قابل گذشت تلقی می شوند.

هیچ یک از تفسیرهای مذکور نمی تواند پاسخ گوی نیازهای جامعه امروزی باشد. به ناچار فکر دیگری باید کرد و آن این که بین «حق الله» و «حق الناس» نوع سومی نیز باید وجود داشته باشد؛ که نه «حق الله» به شمار آید و نه «حق الناس» محسوب شود. این نوع جرایم را حقوق ولایی و حکومتی نامید که به تدریج در محاذل حقوقی رونق گرفته و پذیرفته شد.

قانون آین دادرسی دادگاهی‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری از این فکر الهام گرفته و جرایم را به سه دسته تقسیم می کند.
طبق ماده 2 قانون مذکور:

کلیه جرایم دارای جنبه الهی است و به شرح ذیل تقسیم می گردد:

اول – جرایمی که مجازات آن در شواع معین شده، مانند موارد حدود و تعزیرات شرعی.

دوم – جرایمی که تعددی به حقوق جامعه و یا مخل نظم همگانی (۱) می باشد.

سوم – جرایمی که تعددی به حقوق شخص یا اشخاص معین حقیقی یا حقوقی است...

و در ماده 3 قانون مذکور آمده است:

تعقیب متهم و مجرم از جهت جنبه الهی و حفظ حقوق عمومی و

1. منظور از عبارت «نظم همگانی» همان اصطلاح شناخته شده «نظم عمومی» است. به نظر می رسد بهتر آن است که در قانون نویسی از اصطلاحات رایج در هر مورد استفاده کرد و از تفnen در

عبارت، که گاه موجب ابهام و تردید در مراد قانونگذار و بروز تفسیرهای مختلف می‌شود، اجتناب نمود.

270

حدود اسلامی برابر ضوابط قانونی به عهده رئیس حوزه قضایی می‌باشد و از جهت جنبه خصوصی با تقاضای شاکی خصوصی شروع می‌گردد.

البته این که چه جرمی قابل گذشت است و چه جرمی قابل گذشت نیست، آن طور که در تبصره‌ماده ۲ ق.آ.د.ک آمده است از طرف قانونگذار مشخص می‌شود.(۱)

۲۶۶ – جرایم قابل گذشت نسبی . – در تعریف جرایم قابل گذشت گفته شد که برای تحقق این نوع جرایم، وجود دو شرط لازم است. یکی این که تعقیب با شکایت شاکی خصوصی آغاز شود و دیگر آن که با گذشت او تعقیب موقوف شود.

قانونگذار در ماده ۷۲۷ ق.م.۱ انواع خاصی از جرایم را پیش‌بینی کرده است که شروع به تعقیب آن‌ها منوط به درخواست شاکی خصوصی است؛ اما در صورت گذشت او، دادگاه می‌تواند در مجازات مرتکب تخفیف دهد و یا با رعایت موازین شرعی از تعقیب مجرم صرف نظر نماید. به موجب ماده مذکور:

جرائم مندرج در مواد ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۶۰۸، ۶۲۲، ۶۳۲، ۶۴۲، ۶۴۸، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۶۹، ۶۷۷، ۶۷۶، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۹۰، ۶۹۴، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰ جز با شکایت شاکی خصوصی تعقیب نمی‌شود و در صورتی که شاکی خصوصی گذشت نماید دادگاه می‌تواند در مجازات مرتکب تخفیف دهد و یا با رعایت موازین شرعی از تعقیب

۱. تبصره مذکور مقرر می‌دارد: «جرمی که دارای دو جنبه باشد، می‌تواند موجب دو ادعا شود:
الف . ادعاهای عمومی برای حفظ حدود الهی و حقوق و نظم عمومی.

ب. ادعاهای خصوصی برای مطالبه حق از قبیل قصاص و قذف یا ضرر و زیان اشخاص حقیقی یا حقوقی.»

گفتنی است درباره اصطلاح «حدود الهی» که در بند «الف» این تبصره به کاررفته، برخی محسین از این قانون معتقدند: منظور از «حقوق الله» است نه «حدود» در معنای خاص آن که طبق ماده ۱۳ ق.م.۱ عبارت است از: «...مجازاتی... که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع، تعیین شده است.»

مجرم صرف نظر نماید.

با این توضیح به خوبی روشن می شود که در سیستم قضایی ما سه نوع جرم وجود دارد:

الف. جرایم غیر قابل گذشت.

ب. جرایم قابل گذشت نسبی.

ج. جرایم قابل گذشت مطلق.

این تقسیم بندی با روح و مفاد ماده ۴ ق.آ.د.ک سازگار می باشد. به موجب این ماده:

جرائم از جهت اقامه و تعقیب دعوا به سه دسته به شرح زیر تقسیم می شوند:

۱. جرایمی که تعقیب آنها به عهده رئیس حوزه قضایی است، چه شاکی خصوصی شکایت کرده یا نکرده باشد. رئیس حوزه قضایی می تواند این وظیفه را به یکی از معاونان خود تفویض کند.

۲. جرایمی که با شکایت شاکی تعقیب می شوند و با گذشت وی تعقیب موقوف نخواهد شد.

۳. جرایمی که با شکایت شاکی تعقیب می شوند و با گذشت وی تعقیب موقوف خواهد شد.

تبصره – تفکیک و تعیین این که امر جزایی تابع کدام یک از انواع یاد شده است، به موجب قانون می باشد.

کاربردی

... پرونده 13..در وقت فوق العاده،	267— متن نمونه صدور قرار موقوفی تعقیب به لحاظ گذشت شاکی خصوصی ۰— به تاریخ ...
---	------------	--

کلاسه تحت نظر است و به شرح زیر اقدام می شود.

در خصوص اتهام فرزند متهم به صدور دو فقره چک بالامحل، با توجه به این که شاکی خصوصی اعلام گذشت کرده است و بزه ارتکابی از جرایم قابل گذشت می باشد، مستندا به بند دوم ماده ۶ قانون آینین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری ناظر به ماده ۱۲ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵، قرار موقوفی تعقیب متهم صادر و اعلام می گردد. این قرار ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض از طرف شاکی خصوصی در دادگاه تجدید نظر استان می باشد.

بند دو – گذشت شاکی یا مدعی خصوصی

268 – طرح مسأله . – گفته شد برای صدور قرار موقوفی تعقیب به اعتبار گذشت شاکی یا مدعی خصوصی تحقق دو شرط لازم است: یکی قابل گذشت بودن جرم ارتکابی که شرح آن گذشت و دیگری گذشت شاکی و یا مدعی خصوصی، که ذیلاً توضیح داده می شود.

269 – تشریفات گذشت . – قانون گذار برای گذشت کردن ، تشریفات خاصی تعین نکرده است و به صورت هر ممکن خواه کتبی، خواه شفاهی می تواند تحقیق یابد. گذشت شفاهی در صورت جلسه ای نوشته می شود و به امضا و یا اثر انگشت گذشت کننده می رسد.

گذشت کتبی ممکن است رسمی و یا غیر رسمی باشد. به گذشت نامه ای، رسمی گفته می شود که در یکی از دفترخانه های اسناد رسمی یا در نزد مقامات صالح، در حدود صلاحیت آنان تنظیم گردد. در صورتی که گذشت نامه ای، غیر رسمی باشد، برای صحت انتساب آن باید دقیق بیشتری به عمل آید. گذشت

273

رسمی و غیر رسمی و یا کتبی و شفاهی ارزش یکسان دارند. مهّم، محتوای گذشت است. مضمون گذشت نامه، باید مدلّ و حاکی از حصول توافق و رضایت بین متضرر از جرم و متهم باشد. لفظ عبارات و کلمات مهم نیست، دلالت آن ها بر وجود مصالحه اعتبار دارد. در عرف قضایی کشور ما، عباراتی چون: گذشت کردم، رضایت می دهم، دیگر شکایتی ندارم، آشتی کردیم و نظایر آنها میان اراده متضرر از جرم در اعلام گذشت می باشد. به هر حال گذشت باید صریح و روشن بوده و منجز و قطعی باشد و بدون قید و شرط صورت گیرد. با صیغه ماضی یا مضارعی که دلالت بر گذشت نزدیک کند ادا شود.

270 – شرایط گذشت کننده . – گذشت کننده باید دارای حق گذشت و اهلیت بوده و صلاحیت بر اعمال این حق را نیز داشته باشد. به عبارت دیگر گذشت کننده باید دارای دو نوع حق باشد. اوّل – حق تمنع یعنی حق شکایت کیفری. دوم – اهلیت استیفاده از این حق.

271 – اوّل : حق تمنع . – کسی که گذشت می کند، باید حق شکایت کیفری داشته باشد تا بتواند آن را اعمال نماید. فردی حق شکایت کیفری دارد که از وقوع جرم متضرر گردد. بنابراین حق گذشت از آن شاکی یا مدعی خصوصی است.

گاهی قانون گذار دارنده حق شکایت کیفری را در خود قانون معین و مشخص کرده است. به عنوان مثال: ماده 11 قانون صدور چک، مصوب 1355 اعلام داشته است:

جرائم مذکور در این قانون بدون شکایت دارنده چک قابل تعقیب نیست... منظور از دارنده چک در این ماده شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارایه داده است...

این روش بسیار مطلوب است. شاکی خصوصی در قانون معین شده، در نتیجه تشخیص دارنده حق گذشت با مشکل خاصی روبرو نیست.

در اغلب موارد، قانون گذار این روش پسندیده را فراموش کرده و شاکی و مدعی خصوصی را مشخص ننموده است. در این فرض، تشخیص دارنده حق شکایت کیفری با مرجع قضایی رسیدگی کننده است. در این گونه موارد علی الاصول متضرر از جرم و یا مجنی عليه این حق را دارد. تشخیص متضرر از وقوع جرم شاید کار ساده و آسانی باشد و مراجع قضایی به سهولت بتوانند آنان را تشخیص دهند؛ لیکن شناسایی و تشخیص متضرر از معنوی، به دقت نظر قضایی بیشتری نیاز دارد. زیرا افراد زیادی از وقوع جرم ضرر معنوی می‌بینند. در اثر ارتکاب یک جرم ممکن است کلیه افراد یک خانواده وی یک طایفه و قبیله از نظر معنوی متضرر گردند؛ لیکن نمی‌توان همه آنها را دارای حق شکایت کیفری شناخت.⁽¹⁾

به نظر می‌رسد بهترین ضابطه در این باره، آن است که مجنی عليه را متضرر واقعی از جرم دانسته و حق شکایت کیفری را از آن او بدانیم. در نتیجه فقط او می‌تواند شکایت و نیز اعلام گذشت کند؛ زیرا کسی که حق استیفا داشته باشد، علی الاصول می‌تواند آن را نیز اعمال نماید.⁽²⁾

272 – دوم : اهلیت استیفا . – محجورین (صفار، مجانین) اهلیت تمتع دارند، اما اهلیت استیفا ندارند. اگر محجوری اعلام شکایت کند، شکایت او پذیرفته شده و در صورت جلسه ای درج می‌شود، اما ادامه تعقیب، منوط به این است که او لیای

1. در یکی از شهرستان‌ها، پزشکی در مطب خود عمل منافی عفت مرتكب شده بود. طبیب دیگری بر علیه او اعلام شکایت می‌کرد. با این استدلال که اقدام او اطباء را بی‌آبرو می‌کند و حیثیت معنوی آنها را جریحه دار می‌سازد و رفتار این طبیب باعث کاهش مراجعین به سایر پزشکان نیز می‌شود.

1380اعلام داشته است :	5	7مورخ	3671مشورتی شماره
-----------------------	---	-------	------------------

«ادارات و سازمان‌های دولتی طبق قوانین و مقررات یا من باب تکالیف قانونی خود اعلام جرم می‌نمایند که در این صورت اختیار گذشت ندارند و گذشت آنان قابل ترتیب اثر نیست، مگر در مواردی که قانون تصریح نموده باشد و یا به عنوان شاکی اعلام جرم می‌نمایند که در این صورت اختیار گذشت دارند ماده 1 آئین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز، مصوب 1374 که سازمان‌های شاکی احصا شده است. بنابراین چون وزارت آموزش و پرورش اعلام کننده جرم است نه شاکی، گذشت شاکی محسوب نمی‌شود و قابل ترتیب اثر نیست.»

قانونی آنان، آن را پی‌گیری کنند.

محجورین، مستقلاً حق گذشت ندارند. گذشت آنان باید به وسیله اولیای قانونی آنان صورت گیرد. گذشت شخصی افراد محجور نمی تواند ارزش و اعتباری داشته باشد. برابر ماده 72 ق.آ.د.ک:

در مواردی که تعقیب امر جزایی منوط به شکایت شاکی خصوصی است و متضرر از جرم محجور (صغری، غیر رشید یا مجنون) بوده و دسترسی به ولی یا قیم او نباشد یا مجنی عليه، ولی یا قیم نداشته باشد و نصب قیم موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور شود، تا حضور مداخله ولی یا قیم و همچنین در صورتی که ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده یا مداخله در آن داشته باشد، دادگاه شخص دیگری به عنوان قیم وقت تعیین می کند و یا خود، امر جزایی را تعقیب نموده و اقدامات ضروری را برای حفظ جمع آوری دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم به عمل آورد...

273 – تعدد متضرران از جرم .– چنانچه افراد متعددی از وقوع جرمی متضرر گردند، با شکایت هر یک از آنان تعقیب کیفری شروع می شود؛ اما برای صدور قرار موقوفی تعقیب، گذشت کلیه شاکیان ضرورت دارد.(1) بدیهی است چنانچه متضرری اعلام شکایت نکرده باشد، برای صدور قرار موقوفی تعقیب گذشت او لازم نخواهد بود.

274 – عدول از گذشت .– با تحقق گذشت، عدول از آن جایز نیست. از نظر علمی درباره عدول از گذشت، دو نظریه متفاوت وجود دارد:

1 – عده ای معتقدند که گذشت برای عمل ارتکابی است بدون اینکه نتیجه حاصل از آن مورد توجه باشد؛ به عبارت روشن تر زمانی که شاکی گذشت می کند،

1. مستفاد از بند دوم ماده 6 ق.آ.د.ک.

276

یعنی از فعل یا قرک فعل ارتکابی صرف نظر می نماید. به عنوان مثال: در ایراد ضرب عمدى، شاکی خصوصی، بدون ملاحظه نتیجه جرم، از متهم گذشت می کند. قانون مجازات عمومی ایران و اغلب قوانین خارجی، براساس این فکر و عقیده تدوین شده و تفسیر می شود؛ در نتیجه عدول از گذشت، در هیچ شرایطی پذیرفته نیست.

2. برخی معتقدند که گذشت نسبت به آثاری است که گذشت کننده، در زمان گذشت، نسبت به آن آگاه بوده است. تا وقوف کامل به آثار جرم حاصل نشود، گذشت نسبت به آن تحقیق نمی یابد.

اداره حقوقی و تدوین قوانین قوه قضاییه، این نظریه را پذیرفته و بارها آن را به عنوان نظریه ارشادی به دادگاه ها اعلام کرده است.

این روش، در عمل موجب سوء استفاده هایی می شود؛ شاکی خصوصی امکان می یابد؛ چند روز بعد از اعلام گذشت، به بهانه افزایش آثار صدمات یا ضرب و جرح دوباره اعلام شکایت کند و از متهم اخاذی نماید.(1)

چنانچه توضیح داده شد از نظر علمی گذشت به طور مطلق باید غیر قابل عدول شناخته شود.

275 – منجز بودن گذشت . – گذشت باید منجز بوده و مشروط یا معلق نباشد. بر مبنای گذشت مشروط یا متعلق نمی توان تعقیب کیفری را موقوف کرد. بنابراین چنانچه شاکی خصوصی اعلام کند که در صورت جبران ضرر و زیان گذشت می فرماید این گذشت مشروط است و نمی توان بر مبنای آن تعقیب کیفری را موقوف

1. از سوی دیگر ممکن است متضرر با تصور این که مثلاً با هزینه کردن یکصد هزار تومان، خسارات وارد به او قابل جبران است، با حسن نیت گذشت کند، اما در پایان معالجات معلوم می شود در اثر جرم، یک میلیون تومان خسارت به او وارد آمده، در این فرض چگونه می توان گفت این خسارت جبران نشده باقی بماند؟ به ویژه آن که قاضی مکلف نیست نتایج گذشت – از جمله غیر قابل بدون بودن آن را – به زیان دیده از جرم یادآوری کند.

277

نمود هر چند آن دو شرط بعداً تحقق یابد.

276 – انتقال حق گذشت . – گذشت از جمله حقوق قابل انتقال به ورثه می باشد. این انتقال در صورتی محقق می شود که خود متوفی دارای چنین حقی بوده و در زمان حیات آن را اسقاط نکرده باشد.

برای روشن شدن موضوع باید فرض های قابل تصور در زمان فوت دارنده حق شکایت کیفری را بررسی نمود.

فرض اول – هرگاه جرم ارتکابی منجر به فوت مجنی علیه شود، یعنی بین وفوع جرم و فوت مجنی علیه، فاصله زمانی برای شکایت وجود نداشته باشد، حق شکایت کیفری به ورثه منتقل خواهد شد.

فرض دوم – چنانچه مجنی علیه در مقام شکایت کیفری برآمده و پس از آن فوت کرده باشد، در این صورت نیز حق گذشت به ورثه منتقل می گردد.

فرض سوم – چنانچه در یک فاصله زمانی معقول ، بین جرم و فوت، مجنی علیه با وجود امکان شکایت، در این مقام برپنامده باشد، ورثه نیز حق شکایت کیفری نخواهد داشت؛ زیرا در این گونه موارد مساعدترین فرض به نفع متهم آن است که گفته شود، صاحب حق خود اعلام شکایت نکرده، پس قصد آن را نداشته است و امر معذوم به ورثه منتقل نمی شود. مگر این که مجنی علیه عذر موجه داشته باشد؛ مانند این که نتوانسته یا امکان مراجعه به مقامات قضایی یا انتظامی را در مدت قانونی نداشته است. در این صورت حق شکایت مجنی علیه استصحاب شده و به ورثه منتقل می شود.

در قوانین قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، فرصت شاکی خصوصی برای شکایت شش ماه تعیین شده بود؛ بدین صورت که در جرایم قابل گذشت، شاکی خصوصی می بایست حداقل تا شش ماه از تاریخ وقوع جرم اعلام شکایت کند. بدیهی است با افقضای این مهلت، ورثه نیز از حق اعلام شکایت محروم می شوند.

278

در قوانین فعلی، در این خصوص مدت خاصی وجود ندارد.⁽¹⁾ در مورد چک بلا محل استثنائی دارنده چک باید در ظرف شش ماه از تاریخ صدور آن به بانک مراجعه و گواهی عدم پرداخت دریافت کند و یا شش ماه از تاریخ دریافت گواهی عدم پرداخت، اعلام شکایت نماید، در غیر این صورت حق شکایت کیفری نخواهد داشت.⁽²⁾

۱. به نظر می رسد در حال حاضر اگر شاکی ظرف مدت های تعیین شده در ماده ۱۷۳ ق.آ.د.ک اقدام نکند، ورثه حق شکایت کیفری ندارند.

۲. ر.ک: ماده ۱۱ قانون چک (مصوب تیرماه ۱۳۵۵).

279

گفتار سوم مشمولان عفو

۲۷۷ – کلیات و تقسیم بندی . – قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری «عفو» را از جهات موقوفی تعقیب معرفی می نماید. در اینجا منظور، مشمولان عفو عمومی است.^(۱)

توضیح این که از نظر علمی، در سیستم های قضایی پیشرفت جهان، دو نوع عفو در قوانین پیش بینی می شود: الف – عفو عمومی. ب – عفو خصوصی.

۲۷۸ – الف. عفو عمومی. – عفو عمومی را قانون اعطای می کند. هر وقت مصلحتی در جامعه ایجاد کند تا مرتكبین تمام یا بعضی از جرایم مجازات نشوند قانون عفو عمومی یا همگانی به تصویب می رسد. عفو عمومی که به موجب قانون مخصوص اعطای می شود، تعقیب و دادرسی را موقوف و در صورت صدور حکم محکومیت جزایی، اجرای مجازات را موقوف کرده و آثار محکومیت را زایل می کند.^(۲)

با تصویب قانون، عفو عمومی، خصیصه کیفری تمام و یا بعضی از اعمال ارتکابی را در برده ای از زمان، کلا از بین می برد. عفو عمومی تابع قانون است. در نتیجه امکان دارد، قانون گذار جرایم خاص یا افراد معینی را مشمول عفو عمومی قرار دهد.

۲۷۹ – ب. عفو خصوصی . – عفو خصوصی، بخششی است که عالی ترین مقام

۱۳۷۸ اعلام داشته است: «اطلاق بند ۳ ماده ۶ قانون آیین دادرسی کیفری دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب سال ۱۳۷۸ شامل هر دو نوع عفو عمومی و خصوصی است. ».	10	7 مورخ 25	\$ بند ۳ ماده ۸ قانون اصول محاکمات جزایی مقر می دارد: «در موقع صدور عفو عمومی در مورد تقصیرات سیاسی.» اداره حقوقی قوه قضاییه در نظریه مشورتی شماره 7406
--	----	-----------------	---

280

اجرایی هر کشور، درباره محکومان جزایی اعطای می کند تا قسمتی از محکومیت جزایی آنان تخفیف یابد. در کشورهای سلطنتی اختیار از آن پادشاه و در کشورهای جمهوری از آن رئیس جمهور و در کشور ما از آن مقام رهبری است. طبق بند 11 از اصل یکصد و دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصلاحی سال 1368 یکی از وظایف و اختیارات رهبر:

عفو یا تخفیف مجازات محکومین در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رئیس قوه قضائیه است.

280 – تفاوت های عفو عمومی و عفو خصوصی . – این تفاوت ها را می توان به شرح زیر بیان کرد:

<p>1358 مصوب شورای انقلاب اسلامی می باشد. به موجب این قانون که به صورت ماده واحده است :</p>	<p>یک – چون عفو عمومی به موجب قانون مقرر می شود، در هر مورد شرایط و افرادی که از آن برخوردار می شوند و در قانون تعیین می گردد. قانون گذار با رعایت موازین شرع و اصول عالیه حقوق و اخلاق، آزادانه می تواند همه و یا بعضی از مرتكبان جرایم را مشمول عفو عمومی قرار دهد و برخی زار شمول آن خارج کند. به عنوان نمونه، در کشور ما، قانون عفو عمومی مصوب سال 1325، مربوط به قیام آذربایجان، جرایم ارتکابی کلیه کسانی را که در حکومت سید جعفر پیشه وری شرکت داشتند، مشمول عفو قرار داد، اما کسانی را که به عنوان وزیر در آن حکومت شرکت داشتند، از مشمول عفو خارج گرد. به نظر می رسد آخرین قانون عفو عمومی در کشور ما، «قانون عفو متهمان و محکومان جزایی تا تاریخ 28</p>
<p>در مراجع قضایی 1358 مورد تعقیب قرار گرفته اند، اعم از این که حکم قطعی در مورد آنان صادر شده یا</p>	<p>کلیه کسانی که تا تاریخ 18</p>

281

نشده باشد، حسب مورد از تعقیب یا مجازات معاف خواهند شد و این عفو تأثیر در حقوق خصوصی متضرر از جرم ندارد...

عفو خصوصی این خصیه ها را دارا نیست، چنانچه از بند 11 اصل یکصد و دهم قانون اساسی نیز مستفاده می شود، این نوع عفو تنها درباره محکومان جزایی است.

دو – امکان دارد، عفو عمومی تمام مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی را شامل گردد؛ اما عفو خصوصی چنین نیست. ماده 56 قانون سابق مجازات عمومی در این خصوص مقررات بسیار جالب و ارزشمند ای داشت. به موجب این ماده:

در مورد جرایم سیاسی تمام یا قسمتی از مجازات و در سایر جرایم مجازات محکومین به حکم قطعی به ترتیب زیر ممکن است مورد عفو قرار گیرد:

1- مجازات اعدام به حبس دائم یا حبس جنایی درجه یک تبدیل می شود.

2- مجازات حبس دائم به حبس جنایی درجه یک تبدیل می شود.

3- مجازات حبس جنایی درجه دو تا شش ما حبس جنحه ای تبدیل می شود.

4- سایر مجازات ها تا حداقل مجازات حبس جنحه ای یا به جزای نقدی تبدیل می شود.

5- جزای نقدی اعم از این که تنها یا توأم با مجازات دیگر باشد تا حداقل جزای نقدی جنحه ای تبدیل می شود.

282

در احکام صادره از دادگاه های دادگستری تقاضای عفو از طرف وزیر دادگستری پیشنهاد و به وسیله نخست وزیر به عرض... می رسد.

در قوانین و مقررات قعلى نیز برای اعمال و اجرای عفو عالی ترین مقام اجرایی تشریفات خاصی تعیین شده است. از جمله این که:

1- محکوم در زندان باشد.

۲- مجازات در حدی که اجرا شده در روحیه محکوم علیه موثر و موجب تنبیه او شده باشد.

۳- محکوم علیه مدعی خصوصی نداشته یا رضایت وی را جلب یا ترقیب پرداخت ضرر و زیان مورد حکم را داده باشد.

۴- محکوم علیه در جلس دائم ده سال و در مورد سایر محکومیت های ناشی از جرایم عمدى یک سوم و در مورد جرایم غیر عمدى یک چهارم از مدت محکومیت خود را تحمل کرده باشد.

۵- در مورد محکومیت به جزای نقدی، محکوم علیه با رعایت قسمت اخیر ماده یک قانون بازداشت بدل از جریمه یا جزای نقدی را گذرانده و یا نصف جزای نقدی را پرداخت کرده باشد.(۱)

سه - عفو عمومی کلیه آثار محکومیت را از بین می برد، همانند این که انسان از اول مرتكب جرمی نشده است. سابقه محکومیت از سجل کیفری محو می شود و محکوم، به اعاده حیثیت نایل می گردد. از حیث تکرار، تعدد، آزادی مشروط، تعليق اجرای کیفر و از لحاظ محرومیت های اجتماعی برای متهم یا محکوم علیه مانعی به وجود نمی آورد.

1. \$ ماده ۴ آین نامه کمیسیون عفو و بخشودگی، مصوب ریس قوه قضائیه در تاریخ 16

283

در حالی که عفو خصوصی این نتایج را ندارد و تنها اجرای مجازات را در حدی که موردن عفو قرار گرفته است موقوف می نماید.

چهار - عفو عمومی به موجب قانون مقرر می شود، لذا جنبه آمرانه ای دارد، برای اعمال آن، به موافقت متهم یا مراجع قضایی و انتظامی نیازی نیست. همین که قانون عفو عمومی به تصویب رسید، تعقیب جرم در هر مرحله ای که باشد باید موقوف گردد. چنانچه قانون قبل از تعقیب جرم به تصویب رسید تعقیب آغاز نمی شود. دادسرا و مأموران انتظامی یا دادگاه نمی توانند برخلاف آن عمل کنند. متهم نیز حق ندارد درخواست کند تا به اتهام او رسیدگی شود که بتواند بی گناهی خود را اثبات نماید.

در صورتی که عفو خصوصی این خاصیت را نیز دارا نیست و قبول آن برای متهم اجباری نمی باشد. کما این که عالی ترین مرجع اجرایی نیز می تواند از پذیرش آن امتناع ورزد.

در اغلب موارد اعطای عفو خصوصی به درخواست محکوم علیه منوط می شود.

پنجم - چنانچه گفته شد عفو عمومی در هر مرحله ای از دادرسی های کیفری قابل اعمال است؛ در مرحله کشف، تحقیقات مقدماتی، تعقیب، دادرسی و اجرای حکم می توان افراد را مشمول عفو عمومی قرار داد. در حالی که عفو خصوصی مختص مرحله بعد از صدور حکم قطعی است و پیش از آن قابل اعمال نیست.

281 - وجه مشترک . - وجه مشترک عفو عمومی و عفو خصوصی این است که هیچ یک در حق مدعیان خصوصی یا متضرران از جرم تأثیر ندارند به نحوی که اگر در قوانین مربوطه نیز به این امر تصریح نشود، باید به عنوان اصول عالیه حقوقی آن را پذیرفت.

285

کاربردی

13...در وقت فوق العاده، پرونده تحت نظر است و به
شرح زیر اقدام به صدور قرار می نماید .

282 - نمونه متن قرار موقوفی تعقیب با توجه به
قانون عفو عمومی . - به تاریخ ...

قرار دادگاه - در خصوص اتهام فرزند دایر بر ارتکاب یک فقره تحریب
عمدی با توجه به این که بزه ارتکابی در سال 1356 واقع شده است. با عنایت به قانون عفو عمومی
متهمان و محکومان جزایی، مصوب سال 1358 شورای انقلاب اسلامی و مستندا به بند سوم ماده
قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، قرار موقوفی تعقیب متهم صادر
و اعلام می گردد. این قرار در مهلت قانونی از سوی شاکی خصوصی قابل اعتراض در دادگاه
تجدیدنظر استان می باشد.

مقام قضایی

دفتر : قرار به شاکی خصوصی ابلاغ شود.

285

گفتار چهارم

نسخ مجازات قانونی

283 – تعریف و کلیات . – بند 4 ماده ۶ ق.آ.د.ک، نسخ مجازات قانونی عمل ارتکابی را از علل موقوفی تعقیب دانسته است. این جهت در قانون اصول محاکمات جزایی پیش بینی نشده بود و دادسراهای دادگاه‌ها در مورد آن به گونه‌ای متفاوت عمل می‌کردند. گاهی آن را از جهات موقوفی تعقیب می‌دانستند و زمانی آن را از موارد ممنوعیت تعقیب به شمار می‌آوردن. برای هیچ کدام از این روش‌ها مستند قانونی وجود نداشت. قانون جدید به این نوع تردیدها خاتمه داده و آن را از جهات موقوفی تعقیب به شمار آورده است.

منظور قانونگذار از نسخ مجازات قانونی عمل ارتکابی، نسخ کلی مجازات آن عمل است. نسخ جزیی از مجازات، یا تقلیل و کاهش میزان آن را نمی‌توان نسخ دانست و به بهانه آن، تعقیب کیفری را موقوف نمود.

منظور از نسخ مجازاتی قانونی، از بین رفتن خصیصه کیفری عمل ارتکابی است؛ به سخن دیگر، هرگاه در زمان ارتکاب، عمل جرم بوده و در زمان تعقیب، جرم نباشد دیگر قابل تعقیب نیست و درباره متهم باید قرار موقوفی عقیب صادر شود. به نظر می‌رسد که در کشور ما جرم انگاری همیشه رو به افزایش بوده و تعداد عنایین مجرمانه، هر روز بیشتر می‌شود و در مقابل جرم زدایی کمتر دیده شده است تا عملی از فهرست جرایم خارج گردد.

در عین حال می‌توان مواردی را ذکر کرد که در گذشته دارای خصیصه کیفری بوده و در حال حاضر این خصیصه را ندارد. به عنوان نمونه شاید بتوان به داشتن و

286

استفاده از ویدیو اشاره نمود که در برده‌ای از زمان جرم شناخته می‌شد(1) و در حال حاضر چنین نیست.(2)

کاربردی

13..در وقت فوق العاده پرونده تحت نظر است و
به شرح زیر اقدام می‌شود .

284 – نمونه متن قرار موقوفی تعقیب به علت نسخ
مجازات قانونی . – به تاریخ ...

قراردادگاه – در خصوص اتهام فرزند دایر بر داشتن یک دستگاه ویدیو و استفاده از نوارهای آن که به گزارش ضابطین دادگستری در سال ۱۳۶۲، صورت گرفته است، با توجه به این که در حال حاضر داشتن ویدیو و استفاده از نوارهای آن فاقد خصیصه جزایی می-

باشد، با استناد به بند 4 ماده 6 قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری قرار موقوفی تعقیب متهم صادر و اعلام می گردد.

مقام قضایی

– فرض های گوناگون . 285

1. چنانچه ارتکاب جرم، پیش از نسخ مجازات قانونی آن صورت گرفته باشد،

1365 .	12	\$تبصره 1 ماده 5 «قانون نحوه رسیدگی به تخلفات و مجازات فروشندهان لباس هایی که استفاده از آنها در ملا عالم خلاف شرع است و یا عفت عمومی را جریحه دار می کند. مصوب 28
شورای انقلاب 1375 قوانين کیفری زیر نسخ گردید :	6	طبق لایحه قانونی الغاء قوانین: متعدد الشکل نمودن البسه اتباع ایران در داخل مملکت، تشدید مجازات اشخاص بدسابقه و شرور، شکاربان های شکارگاه ها و قرق های سلطنتی، حفظ و گسترش فضای سبز... و ماده 39 قانون ثبت احوال، مصوب 13

1 – قانون متعدد الشکل نمودن البسه اتباع ایران در داخل مملکت، مصوب دی ماه 1307.

2 – قانون تشدید مجازات اشخاص بد سابقه و شرور مصوب، مرداد ماه 1332.

3 – قانون شکاربان های شکارگاه ها و قرق های سلطنتی، مصوب آذر ماه 1350.

4 – قانون حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی رویه درخت، مصوب مرداد ماه 1353.

287

بدون تردید باید قرار موقوفی تعقیب متهم صادر شود؛ زیرا عمل ارتکابی در زمان وقوع آن جرم بوده و مرتكب می باشد تعقیب می شد، ولی با نسخ مجازات قانونی، عمل ارتکابی از فهرست جرائم حذف گردیده است در نتیجه مشمول بند 4 ماده 6 ق.آ.د.ک، قرار می گیرد.

2. چنانچه جرم بعد از نسخ مجازات قانونی واقع شود، از آنجا که عمل ارتکابی در زمان وقوع جرم نبوده، متهم قابل تعقیب نمی باشد؛ بنابراین از موارد موقوفی تعقیب نیست و باید درباره متهم حسبمورد قرار منع تعقیب یا حکم تبرئه صادر شود.

3. چنانچه قانون جدید در مواردی قلمرو شمول جرم را محدودتر کند همین اثر را خواهد داشت. مثلاً در قانون مجازات اسلامی سابق عدم ثبت واقعه ازدواج، جرم شناخته می شد(1) و به موجب آن علاوه بر زوج، عاقد نیز مجازات می گردید. در ماده 645 ق.م.۱، فعلی در عدم ثبت واقعه ازدواج، طلاق و یا رجوع؛ تنها مورد مستحق مجازات شناخته شده است و عاقد و زوجه از شمول مجازات خارج می باشند؛ لذا در مورد عمل عاقد ازدواج ثبت نشده، اگر قبل از نسخ قانون سابق صورت گرفته باشد قرار موقوفی تعقیب و چنانچه در زمان حاکمیت قانون لاحق صورت پذیرد، به علت مجرمانه نبودن عمل ارتکابی قرار منع تعقیب صادر می شود.

4. چنانچه در قانون جدید، میزان مجازات تغییر یابد حکم مسأله از دو حال خارج نخواهد بود:

الف. در صورتی که مجازات انشاء شده از مجازات سابق شدید تر باشد، قانون جدید عطف به ماسبق نمی شود.

1. همچنین ر.ک: ماده 1 قانون راجع به ازدواج (اصلاحی 1316 و 1317).

288

ب. در صورتی که مجازات انشا شده خفیف تر از مجازات سابق باشد و عمل ارتکابی هنوز منجر به صدور حکم قطعی نشده باشد، باید محکمه طبق قانون لاحق صورت گیرد؛ اما چنانچه حکم قطعی صادر شده باشد، در این صورت مورد از جهات اعاده دادرسی خواهد بود(1).

ماده 272 ق.آ.د.گ، موارد اعاده دادرسی، از احکام قطعی دادگاه ها، اعم از این که حکم صادره به مرحله اجرا گذاشته شده یا نشده باشد، را بیان می کند. در بند 7 مقرر می دارد:

در صورتی که قانون لاحق، مبتنی بر تخفیف مجازات نسبت به قانون سابق باشد که در ۱ یتصورت پس از اعاده دادرسی، مجازات جدید باید از مجازات قبلی شدیدتر باشد.

1. در نظریه مشورتی 9059	7	مورخ 8	12	کل حقوقی قوه قضاییه آمده است: «با توجه به ماده 272 قانون 1378 آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال 1378 که موارد اعاده دادرسی را احصا نموده و بند 7 ماده مذکور که مقرر می دارد «در صورتی که قانون لاحق مبتنی بر تخفیف مجازات نسبت به قانون سابق باشد که در این صورت پس از اعاده دادرسی مجازات جدید باید از مجازات قبلی شدیدتر باشد.» و با عنایت به ماده 308 همان قانون که کلیه قوانین و مقررات مغایر با قانون مذکور را ملغی اعلام نموده، بند 2 ماده 11 قانون مجازات اسلامی مصوب سال 1370 به لحاظ مغایرت با بند 7 ماده 272 قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب را در امور کیفری منسخ می باشد ».».
-------------------------	---	--------	----	--

289

گفتار پنجم

اعتبار امر مختومه

286 – کلیات . – هرگاه نسبت به اتهامی رسیدگی و درباره آن رأی قطعی، اعم از حکم یا قرار، صادر شده باشد، نباید دوباره به آن اتهام رسیدگی کرد و به خاطر آن عمل، مرتکب را مورد تعقیب و مجازات قرار داد. این عدم امکان مجدد تعقیب را اعتبار امر مختومه می گویند.(1)

قدرت بازدارندگی امر مختومه، از آنجا ناشی می شود که مرتکب نباید برای یک عمل بیش از یک بار مجازات گردد. به علاوه فرض بر این است که رأی قطعی مراجع قضایی به بهترین وجه صادر شده و عدالت قضایی را به درستی تأمین گردد است و نباید متزلزل شود.

برای تحقق اعتبار امر مختومه لازم است بین جرمی که مورد قضاوت قرار گرفته و درباره آن حکم یا قرار قطعی صادر شده با جرمی که در حال دادرسی است مشابهت هایی وجود داشته باشد که عبارتند از:

1- وحدت متهم.

2- وحدت شاکی.

3- وحدت فعل ارتکابی.

4- وحدت زمان.

در صورت وجود این «چهار وحدت» باید موضوع را امر مختومه دانست، به علاوه وحدت های مذکور باید یک جا و توأمًا وجود داشته باشند.

در صورت مختومه بودن موضوع، دادرس وارد ماهیت عمل ارتکابی نمی شود

1. اعتبار امر مختومه را اعتبار قضیه محکوم بها و اعتبار امر قضاوت شده نیز می گویند.

290

و لازم است درباره متهم قرار موقوفی تعقیب صادر نماید.

کاربردی

287- نمونه متن قرار موقوفی تعقیب با توجه به اعتبار امر مختومه . – به تاریخ ...

در وقت فوق العاده، پرونده تحت نظر است و به شرح زیر اقدام می شود

13..، با توجه به این که طبق رونوشت رأی پیوستی که از شعبه ... دادگاه های عمومی ... صادر شده است، متهم موصوف، قبلاً به خاطر همین آتهام مورد تعقیب قرار گرفته و به تحمل شش ماه حبس تعزیری قطعی محکوم گردیده است، لذا موضوع، اعتبار امر مختومه پیدا نموده و مستنداً به بند 5 ماده 6 قانون آینین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، قرار موقوفی تعقیب او صادر و اعلام می گردد؛ این قرار در فرجه قانونی از طرف شاکی خصوصی، قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر استان می باشد.

قراردادگاه – در خصوص آتهام آقای «الف» مبنی بر سرقت دو قطعه فرش از منزل «ب» در تاریخ ...

مقام قضایی

دفتر: قرار به شاکی خصوصی ابلاغ شود.

چنانچه متهم زندانی باشد دستور آزادی او نیز باید داده شود.

291

گفتار ششم

مروز زمان در مجازات های بازدارنده

288 – تعریف . – منظور از مروز زمان، گذشتن مدتی است که به موجب قانون پس از سپری شدن آن، تعقیب متهم و یا اجرای حکم قطعی کیفری موقوف می شود؛ به عبارت دیگر، هو گاه رسیدگی به جرم و یا اجرای حکم قطعی مدت معینی به تقویق افتد، دیگر به آن جرم رسیدگی نمی شود و حکم قطعی به موقع اجرا درنمی آید. در این صورت گفته می شود جرم مشمول مروز زمان شده است.

289 – اهمیت مروز زمان . – مروز زمان تأسیس حقوقی بسیار مهم و ارزشمند ای با کاربرد فراوان می باشد. دنیای امروز، جهان مروز زمان هاست. به جرأت می توان گفت که اگر مروز زمان در جامعه ای پذیرفته نشود نظام در آن جامعه مختلف می گردد. اغلب امور به زمان نیاز دارد. به عنوان مثال، برای ثبت نام جهت استخدام، در یک سازمان یا نهاد معین دولتی، مهلتی تعیین می شود، تا در آن مدت متقاضی مدارک خود را تسلیم نماید. تقاضای خارج از مهلت پذیرفته نمی شود. یا برای ثبت نام آزمون ورودی دانشگاه ها به متقاضیان فرصت داده می شود تا ثبت نام کنند. همه اینها از مصادیق مروز زمان می باشد.

در مسائل کیفری نیز مروز زمان همین حالت را دارد. نباید تن مروز زمان باعث می شود تا دادگاه ها با دعاوی کهنه و قدیمی روبرو شوند که اتخاذ تصمیم و صدور رأی درباره آنها با مشکلات فراوانی مواجه است.

با گذشت مدت زمان طولانی، جمع آوری دلایل و ارزیابی آنها مشکل تر می شود و اشتباه های قضایی افزایش می یابد. شاید بیشتر شهود در قید حیات نباشند و اگر هم زنده باشند آثار و علایم جرم را فراموش کرده باشند. در چنین

شرايطی نمی توان به کواهی آنان اعتماد کرد. در نتیجه هر لحظه ممکن است دادرس راه خطا پیماید و به ناحق، متهمی را تبرئه کند و یا بی گناهی را بی جهت محکوم نماید.(۱)

290 – مرور زمان در جمهوری اسلامی ایران . – در زمان حاکمیت قانون مجازات عمومی، مرور زمان کیفری، در قوانین موضوعه کشورما به صورت بسیار تکامل یافته ای پیش بینی شده بود و با دقت خاصی مورد عمل قرار می گرفت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نظم موجود به هم خورد. فقهای شورای نکبان، مرور مزان را مغایر با موازین شرعی تشخیص دادند. در نتیجه، در اصلاح قانون مجازات عمومی مرور زمان مورد توجه قرار نگرفت و با تصویب قانون راجع به مجازات اسلامی، مواد مربوط به زمان حذف گردید و به رغم اظهار نظرها و تحلیل های موشکافانه، درباره مرور زمان، در محافل علمی و قضایی، مدت ها این تأسیس مورد توجه قانونگذار قرار نگرفت.

با توجه به فواید عملی که مرور زمان دربرداشت و با عنایت به نیازهای اجتماع، بالاخره قانون گذار در بند ۶ ماده ۶ ق.آ.د.ک، مرور زمان در جرایم بازدارنده را پذیرفت و آن را از موارد موقوفی تعقیب اعلام کرد و با این عمل به یک نیاز اجتماعی پاسخ درخور و مناسب داد.

مقنن با انشای مواد ۱۷۳ و ۱۷۴ قانون مذکور، مرور زمان در مجازات های بازدارنده را، به شرحی که توضیح داده می شود وارد قلمرو حقوق موضوعه گرد و شرایط شمول آن را اعلام داشت.

291 – مجازات های بازدارنده . – برابر قوانین موضوعه، مرور زمان، تنها در مجازات های بازدارنده یا اقدامات تأمینی و توبیتی پذیرفته شده است. بنابراین

۱. برای اطلاع بیشتر از فلسفه مرور زمان و دلایل موافقان و مخالفان این تأسیس حقوقی، ر.ک: آخوندی، دکتر محمود، آین دادرسی کیفری، جلد ۱، ص 246 تا 263.

قلمرو اجرایی آن محدود می باشد. طبق ماده ۱۲ ق.م.ا:

مجازات های مقرر در این قانون پنج قسم است:

۱- حدود، ۲- قصاص، ۳- دیات، ۴- تعزیرات، ۵- مجازات های بازدارنده و طبق ماده ۱۷ همان قانون، مجازات بازدارنده، تأديب یا عقوبتي است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظام و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظمات حکومتی تعیین می گردد از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع اقامت در نقطه معین و مانند آن.

در قوانین موضوعه حد و مرز بین مجازات های بازدارنده با سایر اقسام مجازات ها شفاف نیست؛ به ویژه در آنچه که مربوط به تعزیرات است، ابهامات زیادی وجود دارد که لازم به توضیح می باشد:

الف . عده ای بر این باروند که هر مجازاتی جنبه بازدارندگی دارد، و نمی توان پذیرفت که عقوبی، مجازات محسوب شود اما بازدارنده نباشد. اگر بازدارندگی ذاتی هر مجازات دانسته شود، مروز زمان قلمرو اجرایی وسیعی پیدا می کند و بسیاری از جرایم را شامل می گردد

اداره حقوقی قوه قضائیه، کیفر جرایم متعددی را، از مصادیق مجازات های بازدارنده اعلام کرده است، از جمله:

1— با توجه به تعریف مجازات بازدارنده، در ماده 17 قانون مجازات اسلامی 1375 که نوع و میزان آن در قانون مشخص شده و برای حفظ نظام و مصلحت اجتماعی اعمال می شود، کیفر چک بلا محل مجازات بازدارنده است و می تواند مشمول مقررات مروز زمان ق.آ.د.ک 1378

294

شود. (1)

2— با توجه به تعریف مجازات بازدارنده در ماده 17 ق.م.ا، مجازات کلاهبرداری و ارتشا و اختلاس مجازات بازدارنده است و لذا می تواند مشمول مقررات مروز زمان قانون آینین دادرسی کیفری باشد. (2)

3— بزه چک بلا محل مشمول ماده 173 ق.آ.د.ک، 1378 می باشد. همچنین بزه های اختلاس، ارتشا، کلاهبرداری و جعل و موارد مشابه از مجازات های بازدارنده بوده، ممکن است مشمول مروز زمان شود. (3)

4— مجازات های مذکور در قانون مبارزه با مواد مخدر مصوّب مجمع تشخیص مصلحت نظام و جزای نقدی، مجازات بازدارنده است. (4)

ب. علی رغم مصادیق متعددی که از طرف اداره حقوقی قوه قضائیه اعلام شده است، هیأت عمومی دیوان عالی کشور در یک رأی واحد رویه اعلام داشته است:

مجازات های بازدارنده مذکور در ماده 17 ق.م.ا. مصوّب هشتم مرداد ماه 1370 به ضرورت حفظ نظام و مصلحت اجتماع درباره کسانی اعمال می شود که مرتکب جرم عمدى شده و تعیین مجازات تعزیزی مقرر در قانون برای تنبیه و تنبیه مرتکب کافی نباشد که در این صورت دادگاه می تواند بر طبق ماده 19 ق.م.ا، مجازات بازدارنده هم به عنوان تتمیم مجازات در حکم خود قید نماید و تعیین حد اکثر مجازات تعزیزی مانع تعیین مجازات بازدارنده نمی باشد... (5)

1278 اداره حقوقی قوه قضائیه .	12	25—7	\$نظریه مشورتی شماره 8927
1379 اداره حقوقی قوه	2	5—7	نظریه مشورتی شماره

قضاییه .				1344
اداره حقوقی قوه قضاییه .	1380	3	7 » 21	3. نظریه مشورتی شماره 2406
اداره حقوقی قوه قضاییه .	1375	3	2 - 7	4. نظریه مشورتی شماره 1171
	هیأت عمومی دیوان عالی کشور \$.	1372	11	5. رأی شماره 590 مورخ

295

292 – انواع مرور زمان . – از مواد 173 و 174 ق.آ.د.گ، چنین برمی آید که در کشور ما سه نوع مرور زمان پیش بینی شده

است:

1 – مرور زمان شکایت .

2 – مرور زمان تعقیب .

3 – مرور زمان اجرای حکم .

ماهه 173 مقرر می گند:

در جرایمی که مجازات قانونی آن از نوع مجازات بازدارنده یا اقدامات تأمینی و تربیتی باشد و از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعده مشرووحه ذیل تقاضای تعقیب نشده باشد و یا از تاریخ اقدام تعقیبی تا انقضای مواعده مذکوره به صدور حکم منتهی نشده باشد تعقیب موقوف خواهد شد...

بنابراین در حقوق کشور ما، علی رغم قوانین سایر کشورهای جهان مهلت های مرور زمان شکایت، تعقیب و اجرای حکم یکسان تعیین شده است.(1)

293 – مهلت مرور زمان . – در ماهه 173 مذکور مهلت های مرور زمان در مجازات های بازدارنده به شرح زیر می باشد:
 الف. چنانچه حداقل مجازات مقرر برای جرم ارتکابی بیش از سه سال حبس یا جزای نقدی بیش از یک میلیون ریال باشد، با انقضای مدت ده سال جرم مشمول مرور زمان می شود.

با 1355 اصلاحات بعدی \$).	4	<p>1. \$ مرور زمان اعلام شکایت در جرایم قابل گذشت، پیش از انقلاب اسلامی، 6 ماده مقرر شده بود. در حال حاضر در خصوص چک بلا محل دو نوع مرور زمان شکایت دیده می شود که مهلت هر دو شش ماه می باشد. بدین صوروت که دارنده چک بلا محل هر گاه ظرف مهلت شش ماه چک را به بانک ارایه ندهد و گواهی عدم پرداخت دریافت نکند و یا ظرف شش ماه از تاریخ دریافت گواهی عدم پرداخت اعلام شکایت ننماید، دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت) . ماده 11 قانون صدور چک، مصوب 16</p>
---------------------------------	---	---

296

ب. چنانچه حداکثر مجازات عمل ارتکابی کمتر از سه سال حبس یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال باشد، با انقضای پنج سال مشمول مرور زمان می شود.

ج. چنانچه مجازات عمل ارتکابی غیر از حبس یا جزای نقدی باشد، با انقضای مدت سه سال مشمول مرور زمان می شود.

در همه فرض های مذکور، مواردی که مجازات قانونی جرم، حبس یا جزای نقدی یا شلاق یا هر سه باشد، مدت حبس ملاک احتساب خواهد بود.

294 – مبدأ مرور زمان . – مبدأ مرور زمان تعقیب، تاریخ وقوع جرم و یا اولین اقدام تعقیبی تا انقضای موارد مذکور می باشد مبدأ مرور زمان اجرای حکم، تاریخ قطعیت آن است.(1)

کاربردی

13..در وقت فوق العاده، پرونده تحت نظر است و در خصوص آن به شرح زیر اقدام به صدور قرار می نماید	295 – نمونه قرار موقوفی تعقیب به جهت شمول مرور زمان . – به تاریخ ...
--	-----	---

قرار دادگاه – در خصوص انهام فرزند مبنی بر ارتکاب یک فقره

اعلام داشته است: «بعضًا مشاهده می شود که به علت اطاله دادرسی در بعضی از پرونده ها در اثر تجدید اوقات رسیدگی و احیانا تعیین نوبت های طولانی، آقایان قضات با استناد به ماده 173 قانون آینین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مباردت به صدور قرار موقوفی تعقیب نموده و پرونده امر را بایگانی می نمایند. نظر به این که این امر نه تنها موجب فرار مجرمین از مجازات شده و بی اعتمادی و بدینی مودم را از دستگاه قضایی در پی خواهد داشت؛ بلکه سبب تحری بزهکاران و خصوصاً متجاوزین به حقوق عمومی	11	1 مورخ 27	81	\$ درباره لزوم رسیدگی و صدور رأی قبل از حصول مرور زمان، قوّة قضاییه در بخشنامه شماره 21605
---	----	-----------------	----	---

خواهد شد؛ لذا اقتضا دارد قضات رسیدگی کننده سعی و دقت نمایند حتی المقدور قبل از حصول مرور زمان مقید در ماده مرقوم، نسبت به صدور رأی لازم، اقدام نمایند.

رؤسای حوزه ها و سرپرستان مجتمع قضایی مسؤول نظارت بر حسن اجرای این بخشنامه می باشند و در صورت مشاهده تخلف، مراقب را گزارش خواهند کرد.»

297

تقلب در انتخابات، با توجه به تاریخ وقوع جرم و عنایت به بند «ب» ماده 173 قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری، به لحاظ این که بیش از پنج سال از تاریخ اوّلین اقدام تعقیبی گذشته و پرونده منجر به صدور حکم نگردیده است، مستندآبا به بند ۶ ماده ۶ همان قانون قرار موقوفی تعقیب متهم صادر و اعلام می گردد. این قرار در حدود مقررات قانونی قابل اعتراض از طرف شاکی خصوصی در دادگاه تجدید نظر استان می باشد.

مقام قضایی

299

فصل دوّم

قرار منع تعقیب

296 – تفاوت قرار موقوفی تعقیب با قرار منع تعقیب . – قرار موقوفی تعقیب، یک قرار شکلی است. در صدور آن، رسیدگی کننده، وارد ماهیّت امر کیفری نمی شود. موضوع را به همان حالتی که وجود دارد خاتمه می دهد. در حقیقت موضوع را در حدی که مورد تحقیق قرار گرفته است، رها کرده و تعقیب امر جزایی را موقوف می کند. اماً در قرار منع تعقیب، به رغم آن که قاضی رسیدگی کننده، کلیه اقدامات لازم و ضروری را تا پایان تحقیقات انجام می دهد، ولی به نتیجه مطلوب نمی رسد؛ و چون نمی تواند بر بزه کاری متّهم تصمیم بگیرد ناچار تعقیب را رهایی کند و به تحقیقات پایان می دهد. در حقیقت دست از تعقیب بر می دارد. بنابراین قرار منع تعقیب یک قرار ماهوی است، یعنی مقام قضایی در ماهیّت موضوع اظهار نظر می کند.

297 – موارد صدور قرار منع تعقیب . – در سیستم قضایی ما، قرار منع تعقیب، به دو جهت صادر می شود:

الف . جرم نبودن عمل ارتکابی .

ب. فقد دلیل یا فقدان دلایل کافی بر انتساب جرم.

این دووجهت با هم متفاوتند و در زمان صدور قرار باید با دقّت اعمال شوند.

گفتار یکم

قرار منع تعقیب به جهت جرم نبودن عمل ارتکابی

298 – کلیات . – در مرحله تحقیقات مقدماتی، هر گاه عمل ارتکابی فاقد جنبه کیفری باشد، برای متهم قرار منع تعقیب صادر می شود.

299 – لزوم توجه به تفاوت شکایت های کیفری و حقوقی . – گاهی در عمل مشاهده می شود که شکایت های حقوقی و مدنی، به صورت کیفری، اقامه می شود تا از امتیاز های دادرسی های جزایی برخوردار گردد. بدین معنی که مدييون و یا متعهد را با مشکلات خاص مانند رفت و آمد به پاسگاه های انتظامی، توقيف های 24 ساعته پلیس، و زحمت فراهم آوردن مال برای بردن وثیقه و یا معرفی کردن کفیل و غیره مواجه کنند و در نتیجه خوانده را ملزم نمایند تا دین خود را زودتر ادا کند و یا تعهد خود را سریعت تر انجام دهد. (1)

تصمیم گیری در مورد این نوع پرونده ها امر ساده ای نیست؛ زیرا از یک طرف چون قوانین کیفری را باید به نفع متهم تفسیر کرد، نمی توان قرض گرفتن را از مصادیق کلاهبرداری دانست و از طرف دیگر با توجه به شرایط و چگونگی

1. حتی دیده می شود، دعاوی حقوقی محمولی به مراجع جزایی ارایه می گردد و درخواست می شود تا (بدهگار) به عنوان (کلاهبردار) تحت تعقیب قرار گیرد.

به عنوان مثال – چندی پیش شهروندی با استناد به یک فقره سند عادی مدعی شده بود که یکصد میلیون ریال به دوست خود، به عنوان قرض الحسن پرداخت کرده است، اما گیرنده آن را ادا نمی کند آن گاه به عنوان کلاهبرداری، درخواست تعقیب کیفری قرض گیرنده را می گرد، دارنده سند قرض الحسن توضیح می داد که دوستش به بیانه عروسی دختر خود این مبلغ را از او قرض گرفته و قرار بر این بوده در ظرف دو ماه آن را پرداخت کند و اکنون پس از سپری شدن یک سال از تاریخ قرض الحسن نه عروسی انجام شده و نه

قرض خود را پرداخته است و نتیجه می‌گرفت که متهم از اول قصد کلاهبرداری داشته است و نمی‌خواسته این وجه را برگرداند، عروسی دختر خود را بهانه قرار داده و به این ترتیب به وسیله متقابله برای بردن مال غیر مستول شده است.

302

عمل ارتکابی نمی‌توان آن را خارج از مصاديق کلاهبرداری فرض کرد. در هر صورت موضوع قابل تأمل و تفکر می‌باشد. گاهی هم موارد مشاهده می‌شود که به تفسیر قوانین جزایی نیاز پیدا می‌کند.

ماده 180 قانون محاکمات جزایی (اصلاحی مرداد 1337)، قرار منع تعقیب به لحاظ جرم ندانستن عمل ارتکابی را قابل فرجام شناخته است. طبق همان ماده:

رأی دادگاه استان بر منع تعقیب متهم به علت عدم کفایت دلیل قطعی است ولی رأی دادگاه مذبور در مورد ثبت ملک غیر و همچنین از لحاظ جرم ندانستن عمل انتسابی یا مشمول مرور زمان از طرف دادستان یا شاکی خصوصی قابل شکایت فرجمی است...

در قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، در این مورد نص خاصی وجود ندارد.

کاربردی

13..در وقت فوق العاده، پرونده تحت نظر است و به شرح زیر اقدام به صدور قرار می‌نماید	300—نمونه متن قرار منع تعقیب به لحاظ جرم نبودن عمل .—به تاریخ ...
--	-----	---

قرار دادگاه — در خصوص اتهام فرزند مبنی بر ارتکاب یک فقره کلاهبرداری، به این شرح که نامبرده مبلغ یکصد میلیون ریال از شاکی به عنوان قرض الحسنه برای خرید جهیزیه دختر خود دریافت کرده است و آن را ادا نمی‌کند: نظر به این که عمل ارتکابی از مصاديق قرض (موضوع ماده 648 قانونی مدنی) می‌باشد و فاقد جنبه کیفری است؛ با توجه به ماده

303

2 قانون مجازات اسلامی و بند «الف» ماده 177 قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری به لحاظ جرم نبودن عمل ارتکابی، قرار منع تعقیب متهم صادر و اعلام می

گردد. این قرار در مهلت قانونی قابل اعتراض از سوی شاکی خصوصی در دادگاه تجدید نظر استان می باشد.

مقام قضایی

دفتر – قرار به شاکی خصوصی ابلاغ شود.

304

گفتار دو

قرار منع تعقیب به جهت فقد دلیل یا فقدان دلایل کافی

301 – کلیات . – این نوع قرار زمانی صادر می شود که دلایل کافی علیه متهم وجود نداشته باشد. چنانچه هیچ قرینه و اثماره ای علیه متهم وجود نداشته باشد، انشاء کننده قرار می نویسد: به علت فقد دلیل، قرار منع تعقیب متهم صادر و اعلام می گردد و اگر قرایینی علیه متهم وجود داشته باشد که به نظر مقام قضایی برای ثبوت بزهکاری متهم کافی نباشد، در متن قرار نوشته می شود « به علت فقدان دلیل کافی، بر توجه اتهام قرار منع تعقیب صادر می شود.»

خصوصیت مهم قرار اخیر این است که در صورت به دست آمدن دلایل جدید، بر توجه اتهام به متهم، عدول از آن جایز می باشد و مرجع قضایی می تواند بار دیگر متهم را تحت تعقیب قرار دهد.

در حقیقت قرار منع تعقیبی که به این لحاظ صادر می شود اعتبار امر مختومه را ندارد. در حالی که قرار منع تعقیب نوع اول، اعتبار مطلق امر مختومه را می یابد.

کاربردی

13..در وقت فوق العاده، پرونده تحت نظر است و
به شرح زیر اقدام به صدور قرار می نمایند .

302 – نمونه متن قرار منع تعقیب به لحاظ فقد دلیل و دلایل کافی علیه متهم . – به تاریخ ...

قرار دادگاه – در خصوص اتهام فرزند مبنی بر ارتکاب یک فقره سرفت تعزیری، نظر به این که جز شکایت شاکی دلیل دیگری علیه متهم در پرونده امر وجود ندارد، به لحاظ فقد دلیل کافی علیه متهم، قرار منع

تعقیب او صادر و اعلام می گردد. قرار صادره در مهلت قانونی قابل اعتراض از سوی شاکی خصوصی در دادگاه تجدیدنظر استان می باشد.

مقام قضایی

دفتر – قرار به شاکی خصوصی ابلاغ شود.

303 – تقدم و تأخیر دو نوع قرار منع تعقیب . – صدور قرار منع تعقیب به لحاظ جرم نبودن عمل ارتکابی، مقدم بر نوع دیگر آن است؛ زیرا، نخست باید برای مقام قضایی روشن شود که عمل ارتکابی دارای خصیصه جزایی است و یا فاقد ویژگی های آن می باشد. اگر عمل را یک فعل مجرمانه تشخیص ندهد دنبال دلایل رفتن خطا است و مفهومی ندارد. و باید قرار نوع اول را صادر کند. ولی اگر عمل ارتکابی را دارای خصیصه کیفری بشناسد، قرایین و امارات آن را برسی نماید. در این صورت چنان که دلایل را بر توجه اتهام کافی تشخیص نداد، با لحاظ اصل برائت، قرار منع تعقیب از نوع دوم را صادر کند.

باید توجه داشت که، اگر در پرونده معین و مشخصی، جهات منع تعقیب در هر دو اعتبار وجود داشته باشد؛ باید در یک قرار، هر دو جهت لحاظ گردد، زیرا، آثار این دو قرار متفاوت می باشد. ذکر یک جهت کافی است. صدور قرار منع تعقیب به لحاظ جرم نبودن عمل ارتکابی، مقدم می باشد.

304 – تقدم و تأخیر صدور بین انواع قرارها . – باید دقّت داشت که زا جهت تقدم و تأخیر صدور قرارها، صدور قرار موقوفی تعقیب، مقدم بر سایر انواع قرارها است. اگر جهات موقوفی تعقیب وجود نداشته باشد، صدور قرار منع تعقیب مطرح می شود که در این صورت صدور قرار منع تعقیب به جهت جرم نبودن عمل ارتکابی مقدم خواهد بود.

به طور کلی می توان گفت که تقدم و تأخیر قرارهای نهایی به ترتیب زیر است:

اول – قرار موقوفی تعقیب .

دوم – قرار منع تعقیب :

1 – به جهت جرم نبودن عمل ارتکابی.

2 – به جهت فقد دلیل و یا فقدان دلایل.

سوم – قرار مجرمیت.

307

فصل سوم

قرار مجرمیت

305 – کلیات . – آخرین نوع قرارهای نهایی، قرار مجرمیت می باشد که نشان دهنده بزهکاری متهم بوده و مقدمه دادرسی های جزاگی است؛ از آن جا که در قلمرو دادگاه های عمومی و انقلاب، قرار مجرمیت صادر نمی شود از بحث درباره آن خودداری می گردد. (1)

1. در جلد ششم، که اختصاص به دادسرای دارد، قرار مجرمیت توضیح داده می شود.

309

نوشتار ویژه

اعدام در نظام کیفری ایران

306 – پیشگفتار . – از آنجا که در جمهوری اسلامی ایران (1) صدور قرار بازداشت موقت، برای جرایم مستلزم مجازات اعدام، الزامی است؛ برای آشنایی هو چه بیشتر خوانندگان ارجمند با موارد اعدام و در نتیجه با موارد صدور قرار بازداشت موقت الزامی، مطالب بایسته در این رابطه جداگانه نوشته شد و فهرست موارد اعدام نیز بر آن اضافه گردید تا به سهولت بتوان مراجعه کرد و جهات اعمال آن را شناخت.

یادآوری می نماید که در مواد مذکور در فهرست پیوستی، گاه مجازات مرتكب به طور صریح و شفاف اعدام تعیین شده است؛ گاه مرتكب با عنوان «محارب»، «در حکم محارب» و «مفاسد فی الارض» معروفی شده است که مستلزم مجازات اعدام می باشد. هر چند طبق ماده 191 ق.م. حدّ محاربه و افساد فی الارض یکی از چهار چیز است:

1) قتل، 2) آویختن به دار، 3) اول قطع دست راست و سپس پای چپ، 4) نفی بلند – ولی در هر صورت، چون مجازات اعدام یکی از مجازات های محتمل است،

310

لذا صدور و قرار بازداشت موقت، الزامی خواهد بود.

307 – مقدمه . – اعدام شدیدترین نوع مجازات ها است. سعی جامعه جهانی بر این است که این مجازات از فهرست کیفرهای قانونی حذف گردد؛ و یا لااقل موارد اعمال آن بسیار کاهش یابد.

در تمام ادوار تاریخ، بشر کوشیده است تا اساسی ترین و بالارزش ترین حق انسان ها، که حق حیات باشد، آسیب نبیند، تحقق این آرزو جز با لغو مجازات اعدام، امکان پذیر نیست. هرگاه با لحاظ رعایت نظم جامعه و امنیت شهروندان لغو کلی مجازات اعدام نتواند پاسخگوی نیازهای جامعه باشد باید تلاش کرد تا این کیفر به مهم ترین جنایت ها اختصاص یابد.

بدون تردید، در جوامع امروزی، قتل عمدی با سبق تصمیم و تهیه مقدمات، مهم ترین جنایت ها می باشد. اگر بتوان مجازات اعدام را تنها به این جنایت هولناک اختصاص داد، شاید تا حدی بشریت توانسته باشد به ندای وجود پاسخ گوید.

با همه کوشش ها و تلاش هایی که در لغو مجازات اعدام یا کاهش موارد آن وجود داشته و دارد؛ متأسفانه تا امروز نتیجه این تلاش ها رضایت بخش نبوده است. کما اینکه، در قوانین بسیاری از کشورهای جهان، هنوز مجازات اعدام دیده می شود.

308 – فهرست موارد اعدام . – علی رغم کوشش های سازمان های بین المللی و با وجود توصیه های مکرر نهادهای حقوق بشری و با وجود پیشرفت های روز افزون حقوق جزا، در قوانین موضوعه ایران مجازات اعدام کاربرد فراوانی دارد.

به جرأت می توان گفت که در میان حدود 1600 عنوان کیفری موجود در نظام قضایی کنونی، برای بیش از 85 مورد آن به طور صریح در قوانین، مجازات اعدام پیش بینی شده است.

311

ناگفته نماند که در کشور ما مجازات ها به پنج دسته مهم تقسیم می شوند که عبارتند از:

1- حدود، 2- قصاص، 3- دیات، 4- تعزیرات، 5- مجازات های بازدارنده.(1)

مجازات اعدام در چهار نوع از پنج نوع مجازات های اعلام شده در قانون، کاربرد دارد. علاوه بر قلمرو قوانین حدود و قصاص که گفته می شود مبنای فقهی و شرعی دارد و اعدام بر آن مبنای صورت می گیرد و به این اعتبار گفتگو درباره آنها جایز نیست و یا به اجتهاد مجدد و بررسی های نو در مبانی فقه نیازمند است، در قلمرو جرایم تعزیری و بازدارنده نیز مجازات اعدام فراوان دیده می شود که بازنگری در آنها و تغییر و کاهش مجازات اعدام درباره آنها اشکال شرعی ندارد. اماً تاکنون در این خصوص اقدام لازم به عمل نیامده است.

نخست به قوانین موجود می نگریم:

فهرستی از مواد قانونی که در آنها برای مرتکبان بعضی از جرم‌ها، مجازات اعدام پیش بینی شده است، با اطلاق عنوان «محارب» یا «در حکم محارب» امکان اعدام آنها را فراهم آورده، به شرح زیر ارایه می شود.(2)

الف. قانون مجازات اسلامی

ب. قانون اصلاح قانون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و الحاق موادی به آن.

ج. قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح.

د. قوانین متفرقه.

توضیحات مربوط به موارد چهارگانه مذکور در گفتارهای جداگانه ای ارایه می گردد و در گفتار پنجم در خصوص رژیم قضایی مجازات اعدام در ایران مطالبی کوتاه می شود.

۱. ماده ۱۲ ق.م.

۲. ممکن است این استقرار کامل نباشد، اماً به جرأت می توان گفت که نزدیک به واقعیت است.

در قانون مجازات اسلامی، مصوب سال ۱۳۷۰ و کتاب پنجم همین قانون با عنوان تعزیرات و مجازات های بازدارنده، مصوب سال ۱۳۷۵، بیست مورد اعدام پیش بینی شده است:

۱- ماده ۸۲ ق.م.ا: «حد زنا در موارد زیر قتل است و فرقی بین جوان و غیر جوان و محسن و غیر محسن نیست:

الف. زنا با محارم نسبی.

ب. زنا با زن پدر که موجب قتل زانی است.

ج. زنای غیر مسلمان با زن مسلمان که موجب قتل زانی است.

د. زنای به عنف و اکراه که موجب قتل زانی اکراه کننده است.

۲- ماده ۸۳ ق.م.ا: «حد زنا در موارد زیر رجم است:

الف. زنای مرد محسن،...

ب. زنای زن محسنه با مرد بالغ...»

۳- ماده ۹۰ ق.م.ا: «هرگاه زن یا مردی چند بار زنا کند و بعد از هر بار، حد بر او جاری شود، در مرتبه چهارم کشته می شود.»

۴- ماده ۱۱۰ ق.م.ا: «حد لواط در صورت دخول، قتل است و کیفیت نوع آن در اختیار حاکم شرع است»

۵- تبصره ماده ۱۲۱ ق.م.ا: درباره حد تفحیذ «در صورتی که فاعل غیر مسلمان و مفعول مسلمان باشد حد فاعل قتل است.»

۶- ماده ۱۲۲ ق.م.ا: «اگر تفحیذ و نظایر آن سه بار تکرار و بعد از هر بار، حد

۷- ماده ۱۳۱ ق.م.ا: «هرگاه مساحقه سه بار تکرار شود و بعد از هر بار حد جاری گردد، در مرتبه چهارم حد آن قتل است.»

8. ماده 157 ق.م.ا: «هرگاه کسی چند بار اشخاص را قذف کند و بعد از هر بار حد بر او جاری شود، در مرتبه چهارم کشته می شود.»

9- ماده 179 ق.م.ا: «هرگاه سی چند بار شرب مسکر بنماید و بعد از هر بار حد بر او جاری شود، در مرتبه سوم کشته می شود.»

10- ماده 190 ق.م.ا: «حد محاربه و افساد فی الارض یکی از چهار چیز است:

1- قتل، 2- آویختن به دار، 3- اول قطع دست راست و سپس پای چپ، 4- نفی بلد.»

11- ماده 201 ق.م.ا: «حد سرقت به شرح زیر است:

الف. ، ب - ، ج - ، د - در مرتبه چهارم اعدام، ولو سرقت در زندان باشد.

موارد فوق جملگی در ابواب مختلف «كتاب حدود» قانون مجازات اسلامی آمده است و همان گونه که گفته شده، تغییر در آنها به بررسی و اجتهاد فقهاء و لحاظ آرای دیگر فقهی و عنایت به برخی مصالح اجتماعی و فلسفه احکام و هدف از مجازات ها نیاز دارد.

12- ماده 205 ق.م.ا: «قتل عمد برابر مواد این فصل موجب قصاص است و اولیای دم می توانند با اذن ولی امر قاتل را با رعایت شرایط مذکور در فصول آتیه قصاص نمایند...»

این مورد در کتاب قصاص از قانون مجازات اسلامی آورده شده است:

13- ماده 504 ق.م.ا: «هر کس نیروهای رزمیه یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند، تحریک مؤثر به عصیان، فرار، تسلیم یا عدم اجرای

وظایف نظامی کند، در صورتی که قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را داشته باشد، محارب محسوب می شود و...»

14 - طبق ماده 513 ق.م.ا: «هر کس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیای عظام یا ائمه طاهرين(ع) یا حضرت صديقه طاهره(س) اهانت نمای، اگر مشمول حکم ساب النبی باشد اعدام می شود و...»

15— ماده 675 ق.م: هر کس عمدأً عمارت یا بنا یا کشتی یا هواپیما یا کارخانه یا انبار و به طور کلی هر محل مسکونی یا معّد برای سکنی یا جنگل یا خرمن یا هر نوع محصول زراعی یا اشجار یا مزارع یا باغ های متعلق به دیگری را آتش بزند، به حبس از دو تا پنج سال محکوم می شود.

تبصره 1 — اعمال فوق در این فصل در صورتی که به قصد مقابله با حکومت اسلامی باشد، مجازات محارب را خواهد داشت...

16— ماده 687 ق.م: هر کس در وسایل و تأسیسات مورد استفاده عمومی از قبیل شبکه های آب و فاضلاب، برق، نفت، گاز، پست و تلگراف و تلفن و مرکز فرکانس و ماکروویو (مجازات) و رادیو و تلویزیون و متعلقات مربوط به آنها اعم از سد و کanal و... که به هزینه یا سرمایه دولت یا با سرمایه مشترک دولت و بخش غیر دولتی و یا توسط بخش خصوصی که برای استفاده عمومی ایجاد شده و همچنین در علایم راهنمایی و رانندگی و سایر علایمی که به منظور حفظ حیات انسان یا تأمین تأسیسات فوق یا شوارع و جاده ها نصب شده است، مرتکب تخریب یا ایجاد حریق یا از کار انداختن یا هر نوع خرابکاری دیگر شود، بدون آن که منظور او اخلال در نظام و امنیت عمومی باشد به حبس از سه تا ده سال محکوم می شود.

تبصره یک — در صورتی که اعمال مذکور به منظور اخلال در نظام و امنیت جامعه و مقابله با حکومت اسلامی باشد، مجازات محارب را خواهد داشت.

315

گفتار دوم

قانون اصلاح قانون مجازه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن

در مصوبه فوق 8	در مصوبه فوق 3	1367 مجمع تشخیص مصلحت نظام و اصلاحات آن در سال 1376 که جمعاً 42 ماده است، چندین مورد مجازات اعدام به شرح زیر دیده می شود :
-------------------	-------------------	--

1— «ماده 2— هر کس مبادرت به کشت خشکاش یا کوکائین کند و یا برای تولید مواد مخدر به کشت شاهدانه پردازد، علاوه بر امحای کشت، بر حسب میزان کشت به شرح زیر مجازات خواهد شد:

1— بار اول... 2— بار دوم ... 3— بار سوم... 4— بار چهارم، اعدام.»

۲— «ماده ۴— هر کس بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیره، سوخته و یا تفاله تریاک را به هر نحوی به کشور وارد و یا به هر طریقی صادر و ارسال نماید، یا مبادرت به تولید، ساخت، توزیع و فروش کند یا در معرض فروش قرار دهد، با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد مذکور به مجازات های زیر محکوم می شود... ۴— بیش از ۵ کیلوگرم، اعدام و مصادره اموال به استثنای هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم..... تبصره در اوزان بالای بیست کیلوگرم مرتکبین تحت هر شرایطی اعدام می شوند.»

۳— «ماده ۵— هر کس تریاک و دیگر مواد مذکور در ماده ۴ را خرید، نگهداری، مخفی یا حمل کند، با رعایت تناسب و تا توجه به مقدار مواد و تبصره ذیل همین ماده به مجازات های زیر محکوم می شد: ۱— تا ۵۰ گرم.... ۲— بیش از ۵۰ گرم تا ۵۰۰ گرم.... ۳— بیش از ۵۰۰ گرم تا ۵ کیلوگرم ۴— بیش از ۵ کیلوگرم تا ۲۰ کیلوگرم، برای بار اول،.... و در صورت تکرار برای بار دوم.....، و برای بار سوم اعدام و مصادره اموال به

۴— «بند ۵ ماده ۵— بیش از ۲۰ کیلوگرم تا یکصد کیلوگرم، علاوه بر مجازات مقرر در بند ۴ به ازای هر کیلوگرم دو میلیون ریال به مجازات جزای نقدی مرتکب اضافه می گردد و در صورت تکرار، اعدام و مصادره اموال به استثنای...»

۵— «بند ۶ ماده ۵— بیش از یکصد کیلوگرم، علاوه بر مجازات جریمه نقدی و شلاق مقرر در بندهای ۴ و ۵، حبس ابد و در صورت تکرار اعدام و مصادره اموال به استثنای...»

تبصره— مرتکبین جرایم فوق چنانچه به صورت زنجیره ای عمل کرده باشند و مواد برای مصرف داخل باشد، مشمول مجازات های ماده ۴ [بیش از ۵ کیلوگرم، اعدام] خواهند بود و چنانچه یکی از دو شرط موجود نباشند، به مجازات های این ماده محکوم می گردند.»

۶— مطبق ماده ۶... «چنانچه در نتیجه تکرار جرایم موضوع بندهای مذکور از ماده ۴ میزان مواد به بیش از ۵ کیلوگرم برسد، مرتکب به مجازات اعدام و مصادره اموال محکوم می شود و...»

7- «ماده 8 - هر کس هروین، مرفین، کوکائین و دیگر مشتقات شیمیایی مرفین و کوکائین را وارد کشور کند یا مبادرت به ساخت، تولید، توزیع، صدور، ارسال، خرید و فروش نماید و یا در معرض فروش قرار دهد و یا نگهداری، مخفی یا حمل کند یا رعایت تناسب و با توجه به میزان مواد، به شرح زیر مجازات خواهد شد: ۱- تا ۵ سانتی گرم ... ۲- بیش از ۵ سانتی گرم تا یک گرم ۳- بیش از یک گرم تا ۴ گرم... ۴- بیش از ۴ گرم تا ۱۵ گرم... ۵- بیش از ۱۵ گرم تا سی گرم... ۵- بیش از ۳۰ گرم، اعدام و مصادره اموال به استثنای هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم.

تبصره یک - هرگاه محرز شود مرتكب جرم موضوع بند (6) این ماده برای بار اول

317

مرتكب این جرم شده موفق به توزیع یا فروش آن هم نشده، در صورتی که میزان مواد، بیش از یکصد گرم نباشد یا جمع شروط مذکور یا عدم احراز قصد توزیع یا فروش در داخل کشور با توجه به کیفیت و مسیر حمل، دادگاه به حبس ابد و مصادره اموال به استثنای... حکم خواهد داد.»

8- «ماده 9- مجازات های مرتكبین جرایم مذکور در بندهای ۱ تا ۵ ماده ۸... چنانچه در مرتبه چهارم مجموع مواد مخدر در اثر تکرار به سی گرم برسد، مرتكب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می شود...»

9- «ماده 11- مجازات اقدام به قاچاق مواد مخدر موضوع این قانون به طور مسلحانه، اعدام است...»

10- «ماده 40 الحاقی - هر کس عالمًا عامدًا به قصد تبدیل یا تولید مواد مخدر، مبادرت به ساخت، خرید، فروش، نگهداری، حمل، ورود، صدور و عرضه مواد صنعتی و شیمیایی... سایر مواد مندرج در جداول یک و دو ضمیمه به ماده 12 کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان گردن مصوّب 1988 میلادی و اصلاحات و الحالات بعدی آن بنماید، همچنین نسبت به ورود، خرید، فروش، ساخت، مصرف، نگهداری یا صدور کدین و متادون اقدام بنماید با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد، حسب مورد به مجازات های مقرر در ماده ۵ قانون مبارزه با مواد مخدر محکوم خواهد شد.»

گفتار سوّم**قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح**

1371، نود و شش ماده دارد، در مواد متعددی از این قانون، برای عمل ارتکابی مجازات اعدام پیش بینی شده، یا با اطلاع عنوان «محارب» و «در حکم محارب» «امکان اعدام مرتكب را فراهم آورده است. این مواد به ترتیب عبارتند از :	5	قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح (۱) مصوب ۱۸
---	---	--

مواد 8، 9، 11، 12، 15، 16، 17، 19، 20، 22، 25، 26، 33، 43، 44، 45، 46، 47، 49، 50 و 90.

\$ این قانون مصوب کمیسیون امروز قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی است و مجلس در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ 3	3	با اجرای آزمایشی آن به مدت 5 سال موافقت کرده است .
---	---	--

گفتار چهارم**قوانين متفرقه**

در بعضی قوانین متفرقه دیگر نیز مجازات اعدام دیده می شود. از جمله:

1350.	11	۱- بند ۱ ماده ۱ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح، مصوب 26
1320.	12	۲- ماده ۶ قانون راجع به جلوگیری از احتکار، مصوب 27
1358.	9	۳- تبصره ماده واحده لایحه قانونی راجع به متجاوزین به اموال عمومی و مردم اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی، مصوب 22
1343 .	3	۴- بند «الف» ماده ۱۸ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی، مصوب 29
1346.	4	۵- ماده ۳ (اصلاحی ۱۸) قانون مواد خوردنی و

		آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی، مصوب 22		
1351.	10	۶- ماده ۱ قانون مجازات اخلال کنندگان در تأسیسات آب و برق و گاز و مجازات کشور، مصوب 12		
1353.	2	۷- ماده ۱ قانون مجازات اخلال گران در صنایع، مصطفوب 2		
1336.	7	۸- ماده ۱ قانون مجازات اخلال گران در صنایع نقتم ایران، مصوب 16		
1338.	10	۹- ماده واحده قانون مربوط به تشدید مجازات سرقت مسلحانه، مصوب 27		
1320.	1	۱۰- ماده ۱ قانون کیفر بزه های مربوط به راه آهن، مصطفوب 31		

۱۱- بند 2 ماده واحده قانون مجازات اخلال کنندگان در امنیت پرواز هوایپما و

320

1349.	12	خرابکاری در وسایل و تأسیسات هوایی، مصوب 4
1369.	9	۱۲- ماده ۲ قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور، مصوب 19

321

۳۰۹ - موارد اعدام . - با توجه به مجموعه مواد قانونی ارایه شده، معلوم می شود که در جمهوری اسلامی ایران، برای حدود ۸۵ عنوان جزایی، مجازات اعدام و یا امکان قانونی اعدام مرتكب، به شرح زیر پیش بینی شده است.

الف . قانون مجازات اسلامی، 20 مورد.

ب. قانون مبارزه با مواد مخدر، 11 مورد.

ج. قانون مجازات نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران، 42 مورد.

د. قوانین متفرقه، 12 مورد.

310 – فراوانی مورد پیش بینی اعدام در قوانین . – چنانچه ملاحظه می شود؛ حدود 85 مورد قوانین مختلف وجود دارد که برای عمل ارتکابی مجازات اعدام مقرر شده است. جالب توجه تر این که هر ماده قانونی خود چند فرض و یا چند عنصر مادی دارد که تعداد عمل مجرمانه را افزایش می دهد و در نتیجه بر موارد اعدام افزوده می شود.

باید بر فهرست فوق عناوین محاربه و افساد فی الارض نیز افزوده شود. جرمی که حد و مرز شناخته شده ای ندارد و کاهی مورد تفسیرهای گوناگون قرار می گیرد.

مفهوم افساد فی الارض تا آنجا گسترش می یابد که قاضی می تواند هر جرمی را از مصاديق محاربه و یا افساد فی الارض تشخیص دهد و متهم را به اعدام محکوم نماید.

مثال – ارتقا و اختلاس و کلاهبرداری جرایم شناخته شده ای بوده و مجازات معینی دارند، اما امکان دارد در شرایطی، عمل مرتکبی این جرایم از مصاديق جرم

322

افساد فی الارض شناخته شود و مشمول مجازات اعدام گردند.(1)

311 – تکلیف قاضی در صدور قرار بازداشت موقت و آثار آن. – صدور قرار بازداشت موقت، برای مرتکبان جرایم مستلزم اعدام الزامی است.(2) دادرس به حکم قانون، و شاید علی رغم میل باطنی خود، مکلف است متهم را تا صدور حکم و اجرای آن بازداشت کند. این روش باعث می شود که موارد بازداشت موقت قبل از صدور حکم توسعه یابد.

در دادگاه های جزایی کشور ما، روش وحدت قاضی حاکم می باشد. در نتیجه جرایم مستلزم مجازات اعدام نیز همانند سایر جرایم با روش وحدت قاضی مورد رسیدگی و محاکمه واقع می شود. این نظام قضایی برای شهروندان ایجاد نگرانی می کند.(3)

بعضی از جرایم مستلزم مجازات اعدام، در دادگاه های عمومی مورد رسیدگی قرار می گیرد و برخی دیگر در دادگاه های انقلاب، یا در دادگاه های نظامی ۱ و یا در دادگاه ویژه روحانیت رسیدگی می شود.

هر سه نوع دادگاه اخیر از انواع دادگاه های اختصاصی به شمار می آیند. در همه این دادگاه ها روش وحدت قاضی حکم فرما است. به عبارت دیگر یک نفر قاضی که در مواردی حتی تجربه قضایی زیادی هم ندارد، بدون حضور هیأت منصفه، به

<p>۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام) مقرر می دارد: «گسانی که با تشکیل رهبری شبکه چند نفری به امر ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مبادرت ورزند علاوه بر ضبط کلیه اموال منقول و غیر منقولی که از طریق رشوی کسب کرده اند به نوع دولت و استرداد اموال مذکور در مورد اختلاس و کلاهبرداری و رد آن حسب مورد به دولت یا افراد، به جزای نقدی معادل منوع آن اموال و انفصال دائم از خدمات دولتی و حبس از ۱۵ سال تا ابد محکوم می شوند و در صورتی که مصدق مفسد فی الارض باشند مجازات آنها، مجازات مفسد فی الارض خواهد بود ». .</p>	<p>۹</p>	<p>۱۳۶۴ (۱۵)</p>	<p>۶</p>	<p>\$ ماده ۴ قانون تشدید مجازات مرتكبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب 28</p>
---	----------	----------------------	----------	--

2. بند ب ماده ۳۵ ق.آ.د.ک.

<p>۱۳۸۱، در این راستا گام های مهمی برداشته است \$.</p>	<p>7</p>	<p>۳. خوشبختانه، قانون اصلاح، تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب، مصوب 28</p>
---	----------	--

323

موضوع رسیدگی و حکم مجازات اعدام صادر می کند که جای نگرانی است.

312 – قطعی بودن برخی احکام اعدام و نتایج آن . – احکام اعدام با وجود شدید بودن مجازات، در بعضی موارد قطعی است. محکوم علیه حق تجدید نظر خواهی و پژوهش خواهی و فرجام خواهی ندارد. به عنوان نمونه، می توان به احکام اعدام در خصوص جرایم مواد مخدر اشاره کرد که آرای آن قطعی است و به اعتراض محکوم علیه ترتیب اثر داده نمی شود. گاه جوانان کم تجربه، به دلیل اعمال مختلف مربوط به مواد مخدر – قاچاق، ورود و خروج، خرید و

فروش، استعمال، حمل و نگهداری آنها که در کشور ما جرم است – به وسیله قاضی واحد، به اعدام محکوم می شوند و نمی توانند به حکم محکومیت به اعدام خود اعتراض کنند.

313 – نظری به روش های اجرای حکم اعدام . – در جوامع بشری منظور از اعدام قطع حیات محکوم علیه است. تحمیل درد و رنج و یا هرگونه شکنجه جسمی و روحی برای محکوم به اعدام محلی ندارد. شاید به این مناسبت سعی می شود که در اجرای مجازات اعدام راحت ترین وسیله ها به کار گرفته شود، حتی طریق اجرای مجازات اعدام را محکوم علیه انتخاب می کند.

در کشور ما، برای اجرای مجازات اعدام دو روش عمومی وجود دارد که عبارتند از: به دار آویخته و تیرباران کردن.

علاوه بر این دو روش عمومی، برای محکومان به زنای محسن و محسنه سنگ سار نمودن نیز در قوانین پیش بینی شده است که برگرفته از فقه اسلامی می باشد.

درباره محکومان به بزه لواط، از بلندی انداختن، با شمشیر کشتن، زیر دیوار گذاشتن و زنده در آتش سوزاندن وجود دارد.

324

اجرای حکم قصاص به همان طریقی که مجني علیه به قتل رسیده است صورت می گیرد. بنابراین، هشت طریق برای اجرای مجازات اعدام پیش بینی گردیده است.

به امید آن که روزی موارد اعلام شده در فهرست ارایه شده، کاهش یابد؛ به ویژه این امر در مجازات های بازدارنده و تعزیری مورد بازنگری کامل قرار گیرد و محاکمات جزایی به صورت عادلانه ای انجام شود و محکومین به اعدام در هر شرایطی حق اعتراض به محکومیت خود را داشته باشند.

339

فهرست منابع و مآخذ

علاوه بر منابع و مآخذ که در جلد های اول و چهارم دوره آیین دادرسی کیفری معرفی شد خوانندگان ارجمند می توانند به منابع زیر نیز مراجعه فرمایند:

- ۱- مجموعه آزای فقهی قضایی در امور کیفری، مرکز تحقیقات فقهی قوهٔ قضاییه، معاونت آموزش و تحقیقات، جلد اول، قم، ۱۳۸۱.
- ۲- مجموعه آرای فقهی قضایی در امور کیفری، جلد دوم، کلیات حقوق جزا و آین دادرسی، مرکز تحقیقات قوهٔ قضاییه، قم، ۱۳۸۱.
- ۳- مجموعه آرای فقهی قضایی در امور کیفری، جلد سوم جرایم علیه عفت عمومی، مرکز تحقیقات قوهٔ قضاییه، قم، ۱۳۸۱.
- ۴- مجموعه نظریات مشورتی فقهی در امور کیفری، مرکز تحقیقات فقهی قوهٔ قضاییه، جلد اول، قم، ۱۳۸۱.
- ۵- مجموعه نشست های قضایی، جلد اول، مسائل کیفری، معاونت آموزش و تحقیقات قوهٔ قضاییه.
- ۶- مجموعه نشست های قضایی، جلد دوم، قانون مجازات اسلامی، معاونت آموزش و تحقیقات قوهٔ قضاییه، قم، ۱۳۸۱.
- ۷- مجموعه نشست های قضایی، جلد سوم، مسائل آین دادرسی کیفری، معاونت آموزش و تحقیقات قوهٔ قضاییه، قم، ۱۳۸۱.

340

- ۸- ضابطین دادگستری، تکلیف و مسئولیت ها، از انتشارات معاونت آموزش و تحقیقات قوهٔ قضاییه، قم، ۱۳۸۱.
- ۹- مجموعه بخشنامه های قوهٔ قضاییه، تدوین و گردآوری معاونت آموزش و تحقیقات قوهٔ قضاییه، جلد های اول و دوم، قم، ۱۳۸۲.

341

فهرست تحلیلی مطالب

پیش گفتار 11

۱- قانون مبنای نگارش

تحقیقات مقدماتی 13

۲- تعریف

بخش یکم : کلیات

بخش یکم

کلیات 17

۳- تقسیم بندی

فصل یکم

ویژگی های تحقیقات مقدماتی 19

۴- صفحات چهار گانه

۵- سریع بودن

۶- غیر علنی بودن

۷- کتبی بودن

۸- غیر تدافعی بودن

فصل دوم

مراجع انجام دهنده تحقیقات مقدماتی 19

۹- طرح موضوع

گفتار یکم: مراجع قضایی 32

۱۰- روش های دو گانه دادرسی

۱۱- اول: دادگاه های عمومی و انقلاب

12-الف. قاضی دادگاه

13-ب. قاضی تحقیق

14-کاربردی: ارجاع به قاضی تحقیق

15-دوم: سازمان قضایی نیروهای مسلح

342

گفتار دوم ضابطین دادگستری 39

16-تعریف

17- تقسیم جرایم به مشهود و غیر مشهود

18-الف. وظایف ضابطین دادگستری در مقابل جرایم غیر مشهود

19- کاربردی: نحوه اعلام جرم

20-اول: عزیمت به محل وقوع جرم

21- دوم: اعطای نمایندگی

22- کاربردی: نمونه قرار اعطای نمایندگی

23- ب. وظایف ضابطین دادگستری در مقابل جرایم مشهود

24- کاربردی: یک، مرجع صالح

25- دو. تحت نظر نگهداشتن متهم

26- سه حق ورود به منازل افراد

27- چهار. جرم مشکوک

28- پنج. ورود مقام قضایی به صحنه وقوع جرم

فصل سوم

شروع به تحقیقات مقدماتی 49

29- جهات شروع به تحقیق

30- تفاوت های شکایت و اعلام جرم

31- ارجاع

32- کاربردی: ارجاع به پاسگاه انتظامی

بخش دوم

جمع آوری دلایل 61

33- کلیات و تقسیم بندی

34- الف. دوره باستان

35- ب. دوره دلایل مذهب

36- ج. دوره دلایل قانونی

37- د. دوره دلایل معنوی

38- هـ دوره دلایل علمی

39- بررسی مسأله با توجه به قوانین

40- بررسی دلایل از نظر ماهوی و شکلی

فصل یکم

تحقیق از شاکی 69

41- تعریف شاکی

گفتار یکم: شکایت 71

42- شکواییه یا شکایت نامه

43- شکایت کتبی و شفاهی

44- ثبت شکواییه

45- کاربردی: لزوم ثبت

343

46- طرز صدور دستور ثبت

گفتار دوم : شاکی 74

47- طرز تحقیق از شاکی

48- تکلیف سازش

49- شکایت افراد محجور

50- قیم موقت

51- کاربردی: نصب قیم موقت

52- تصمیمات مقام قضایی

53- الف. قرار امتناع از رسیدگی

54- کاربردی: نمونه قرار امتناع از رسیدگی

55- ب. قرار عدم صلاحیت

56- کاربردی: نمونه صدور قرار عدم صلاحیت ذاتی.

57- کاربردی: نمونه صدور قرار عدم صلاحیت محلی

58- ج. گذشت شاکی

۵۹- جرم نبودن عمل ارتكابی

فصل دوم

تحقیق از متهم ۸۳

۶۰- تعریف متهم

گفتار یکم: احضار متهم ۸۵

۶۱- احضار نامه

۶۲- کاربردی: احضار بدون احضار نامه

۶۳- نکاتی که باید در احضار نامه درج شود

۶۴- مشخصات متهم

۶۵- تاریخ حضور

۶۶- الف. وقت معین

۶۷- ب. دادن مهلت یا تعیین ضرب الاجل

۶۸- عدم کارایی مهلت یا ضرب الاجل

۶۹- علت احضار

۷۰- محل حضور

۷۱- کاربردی: ناقص نوشتمن محل حضور

۷۲- نتیجه عدم حضور

۷۳- احضار افراد با عنوانی غیر از متهم

۷۴- کاربردی: دستور احضار

۷۵- امضای احضار نامه

۷۶- شماره، تاریخ و مهر

۷۷- ابلاغ احضار نامه

۷۸- احضار متهم از طریق روزنامه

گفتار دوم : جلب متهم ۹۶

۷۹- صمانت اجرای احضار نامه

۸۰- برگ جلب

۸۱- تقاویت های احضار نامه و جلب

۸۲- شرایط جلب متهم

۸۳- کاربردی: نمونه دستور احضار مجدد

۸۴- الزامی بودن جلب

344

۸۵- دستور جلب

۸۶- کاربردی: نمونه دستور جلب

۸۷- جلب بودن احضار

۸۸- کاربردی: دستور جلب بدون احضار

۸۹- کاربردی: نمونه دستور درباره متهم فاقد محل اقامت و شغل

۹۰- جلب سیار

۹۱- کاربردی: شرایط جلب سیار

92- جلب شبانه

93- کاربردی: نمونه قرار جلب شبانه

94- وضعیت متهم مغلوب

95- جلب بودن دستور قضایی

96- دستور جلب و اجازه ورود به منازل مسکونی

گفتار سوم: تحقیق در منزل 110

97- کلیات

98- کاربردی: قرار تحقیق در منزل

99- تحقیق از شاکی یا شاهد و یا مطلع در منزل

گفتار چهارم: بازجویی متهم 112

100- کلیات

101- امنیت

102- تأخیر ناپذیری تأخیر

103- امکان داشتن وکیل مدافع

104- 1. مواردی که جنبه محرومانه دارد

105- 2. حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد

106- 3. جرایم امنیتی

107- کاربردی: نمونه قرار رد درخواست حضور وکیل در مراحل تحقیق

108- تفهیم اتهام

109- کاربردی: نمونه تفهیم اتهام

110- امنیت تبصره

111- کیفیت بازجویی

112- صریح بودن پرسش ها

113- مفید بودن پرسش ها

114- معقول بودن پرسش ها

115- حق سکوت

116- ممنوعیت شکنجه

117- پرسش های تلقینی

118- فریب متهم

119- بازجویی انفرادی و بازجویی دسته جمعی

120- رعایت موازین شرعی

121- اخذ آخرین دفاع

122- کاربردی: نمونه آخرین دفاع

بخش سوم

129- تأمین کیفری

123- تقسیم بندی

مبنای تأمین کیفری 131

124- کلیات

گفتار یکم: جهات اخذ تأمین 133

125- علل قانونی

126- یک - امکان دسترسی به متهم

127- دو - حضور به موقع متهم

128- سه - جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متهم

129- چهار - تبانی متهم با دیگران

گفتار دوم: لزوم تأمین کیفری 135

130- اجباری یا اختیاری بودن قرار تأمین

131- الف. مقررات قانونی اصول محاکمات جزایی

132- کاربردی: آزادی بدون قید متهم

133- ب. مقررات قانون آینین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری

134- کاربردی: مشکل عملی اجباری بودن صدور قرار تأمین کیفری

فصل دوم

141- انواع قرارهای تأمین کیفری

135- احصای انواع قرارهای تأمین

136- میزان تأمین

137- تقسیم بندی مطالب فصل دوم

گفتار یکم: التزام به حضور با قول شرف 145

138—کلیات

139—کاربردی: نمونه متن قرار آزادی متهم به قید التزام به حضور با قول شرف

140—التزام به عدم خروج از حوزه قضایی

141—کاربردی: نمونه متن قرار در قلمرو ماده 129 قانون اصول محاکمات جزایی

گفتار دوم: التزام به حضور با تعیین وجه التزام 148

142—کلیات

143—کاربردی: نمونه متن قرار آزادی متهم با قید التزام حضور در موقع احضار

144—تبديل وجه التزام به وجه الکفاله

145—کاربردی: نمونه متن قرار التزام به حضور با وجه التزام

146—ارزیابی نظریه های فوق

346

گفتار سوم: اخذ کفیل با وجه الکفاله 153

147—قرار کفالت

148—کاربردی: نمونه متن قرار کفالت

149—جريان پرونده بعد از صدور قرار کفالت

150—کاربردی: وظیفه دادرسی در صورت اظهار عجز متهم از معرفی کفیل

151—قرار قبولی کفالت

152—کاربردی: تشریفات قرار قبولی کفالت و نمونه متن این قرار

۱۵۳- کاربردی: دستور آزادی متهه

۱۵۴- تبدیل کفالت به وثیقه

۱۵۵- ۱. اجباری بودن قبول وثیقه به جای کفالت

۱۵۶- ۲. اختیاری بودن قبول وثیقه به جای کفالت

۱۵۷- ۳. منوعیت پذیرش وثیقه به جای کفالت

گفتار چهارم: وثیقه ۱۶۳

۱۵۸- کلیات

۱۵۹- تقاوتهای وثیقه کفالت

۱۶۰- مال مورد وثیقه

۱۶۱- کاربردی: قانون و عمل در باره معرفی اموال منقول به عنوان وثیقه

۱۶۲- تحلیل قضایی قرار وثیقه

۱۶۳- کاربردی: نمونه قرار وثیقه

۱۶۴- کاربردی: اقدامات قاضی پس از صدور قرار وثیقه

۱۶۵- قرار قبولی وثیقه

۱۶۶- حضور وثیقه گذار

۱۶۷- کاربردی: نمونه اظهارات وثیقه گذار

۱۶۸- کاربردی: نمونه قرار قبولی وثیقه

۱۶۹- ارزیابی اموال

۱۷۰- به وسیله کارشناسان رسمی دادگستری

۱۷۱- به وسیله اداره ثبت

۱۷۲- وجه الضمان

۱۷۳- صدور قرار قبولی بر مبنای وجه نقد

۱۷۴- کاربردی: نمونه قرار قبولی وثیقه بر مبنای وجه نقد

۱۷۵- معرفی متهم به دادگاه

۱۷۶- گفتار پنجم: بازداشت موقت

۱۷۶- تعریف

۱۷۷- بازداشت موقت در ایران

۱۷۸- انواع قرار بازداشت موقت

۱۷۹- شرایط صدور قرار

۱۸۰- موارد صدور قرار بازداشت موقت اختیاری

۱۸۱- ه. بازداشت با تقاضای اولیای دم

۱۸۲- تأیید ریس حوزه قضایی

۱۸۳- کاربردی: نمونه متن قرار بازداشت موقت اختیاری

347

۱۸۴- محتوای قرار بازداشت موقت

۱۸۵- دستورات قضایی بعد از صدور قرار بازداشت

۱۸۶- ۱. معرفی متهم به بازداشتگاه

۱۸۷- ۲. کسب نظر ریس حوزه قضایی یا معاون او

188- کاربردی: نمونه متن کسب نظر از رئیس حوزه قضایی

189- اختلاف بین رئیس حوزه قضایی و حاکم دادگاه درباره قرار بازداشت موقّت

190- تفویض اختیار

191- اختیار قاضی تحقیق

192- صدور قرار بازداشت موقت از طرف رئیس حوزه قضایی

193- قابل اعتراض بودن قرار بازداشت موقّت

194- تعریف و کلیات

195- مستند قانونی قرار بازداشت الزامی

196- شرایط صدور قرار بازداشت موقت

199- کاربردی: نمونه قرار بازداشت موقت الزامی

200- حق تجدید نظر خواهی

201- بازداشت متهم در حقوق الناس

گفتار ششم: قرار عدم خروج از کشور 208

202- کلیات و سابقه تاریخی

203- ممنوعیت خروج از کشور بعد از صدور حکم

قرار تأمین اطفال 210

204- سابقه تاریخی

205- مقررات قانون آین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری

فصل سوم

لزوم رعایت تناسب در صدور قرار تأمین 215

206—کاربرد هر یک از تأمین ها

گفتار یکم: ضوابط عام 217

207—معیارها

208—1. اهمیت جرم

209—2. شدت مجازات

210—3. کیفیت دلایل و اسباب اتهام

211—کاربردی: تبدیل قرار

212—4. احتمال فرار و یا مخفی شدن متهم

213—5. جلوگیری از امحای آثار جرم

214—6. سابقه متهم

215—7. صحت مزاج

216—کاربردی: لزوم اطلاع شرایط خاص متهم به مقامات بازداشتگاه و زندان

217—8. سن متهم

218—9. حیثیت متهم

348

219—کاربردی: روش های متعارف در صدور قرار

گفتار دوم: ضوابط خاص 222

220—کلیات

221— نمونه هایی از ضوابط خاص

222— کاربردی: نمونه قرار آزادی متهم با قید ایداع وجه الضمان

گفتار سوم: تخفیف و تشدید تأمین 226

223— کلیات و تقسیم بندی

224— تخفیف تأمین

225— تقاضای تخفیف تأمین ضمن ارجاع

226— درخواست تخفیف در تأمین های الزامی

227— تقاضای تخفیف تأمین از دادگاه

228— تخفیف تأمین بدون تقاضا

229— کاربردی: نمونه تخفیف تأمین

230— ب. تشدید تأمین

231— کاربردی: نمونه قرار تشدید تأمین

فصل چهار

ضمانت اجرای قرارهای تأمین 235

232— انواع ضمانت اجرا

گفتار یکم: وصول وجه التزام 238

233— شرایط ماهوی

234— شرایط شکلی

235— کاربردی: نمونه گزارش حاکم دادگاه به رئیس حوزه قضایی

گفتار دوم : اخذ وجه الکفاله 241

236—شرایط شکلی و ماهوی

237—شرایط شکلی

238—کاربردی: نمونه دستور وصول وجه الکفاله

گفتار سوم: ضبط وثیقه 244

239—شرایط شکلی و ماهوی

240—نحوه وصول وجه التزام از متهم و وجه الکفاله از کفیل

241—حق اعتراض

242—موارد حق اعتراض

243—مرجع رسیدگی

فصل پنجم

مدت تامین کیفری 249

244—اتفاقی تامین

245—الف. قرار موقوفی تعقیب

349

249—ب. قرار منع تعقیب

247—ج. بایگانی شدن پرونده

248—د. حکم برائت

249—تامین مجدد

250—از بین رفتن قرار قبولی

251—الف. فوت کفیل

252—ب. فوت وثیقه گذار

بخش چهارم
قرارهای نهایی 259

235—تعریف

236—انواع قرارهای نهایی

فصل یکم
قرار موقوفی تعقیب 261

255—جهات موقوفی تعقیب

گفتار یکم : فوت متهم یا محکوم علیه در مجازات های شخصی 263

256—کلیات

257—کاربردی: نمونه قرار موقوفی تعقیب

258—مجازات های شخصی

گفتار دوم : گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت 265

259—کلیات

1. جرایم قابل گذشت 265

260—تعریف

261—فلسفه جرایم قابل گذشت

262—راه های شناسایی جرایم قابل گذشت

262—راه های شناسایی جرایم قابل گذشت از غیر آن

263—الف. روش ضابطه قانونی

264—ب. روش احصای قانونی

265—در جمهوری اسلامی ایران

266—جرائم قابل گذشت نسبی

267—کاربردی: متن نمونه صدور قرار موقوفی تعقیب به لحاظ گذشت شاکی خصوصی

گذشت شاکی یا مدعی خصوصی 272

268—طرح مسئله

269—تشrifات گذشت

270—شرایط گذشت کننده

271—اول: حق تمتع

272—دوم: اهلیت استیفا

273—تعدد متضرران از جرم

274—عدول از گذشت

275—منجز بودن گذشت

350

276—انتقال حق گذشت

گفتار سوم: مشمولان عفو 279

277—کلیات و تقسیم بندی

278—الف. عفو عمومی

279—ب. عفو خصوصی

280—تفاوت های عفو عمومی و عفو خصوصی

281—وجه مشترک

282—کاربردی: نمونه متن قرار موقوفی تعقیب با توجه به قانون عفو عمومی

گفتار چهارم: نسخ مجازات قانونی 285

283—تعریف و کلیات

284—کاربردی: نمونه متن قرار موقوفی تعقیب با توجه به فسخ مجازات قانونی

285—فرض های گوناگون

گفتار پنجم: اعتبار امر مختومه 289

286—کلیات

287—کاربردی: متن نمونه قرار موقوفی تعقیب با توجه به اعتبار امر مختومه

گفتار ششم: مرور زمان در مجازات های بازدارنده 291

288—تعریف

289—اهمیت مرور زمان

290—مروز زمان در جمهوری اسلامی ایران

291—ماجرات های بازدارنده

292—انواع مرور زمان

293—مهلت مرور زمان

294—مبدأ مرور زمان

295—کاربردی: نمونه قرار موقوفی تعقیب به جهت مرور زمان

فصل دوم

قرار منع تعقیب 299

296—تفاوت قرار موقوفی تعقیب با قرار منع تعقیب

297—موارد صدور قرار منع تعقیب

گفتار یکم: قرار منع تعقیب به جهت جرم نبودن عمل ارتکابی 301

298—کلیات

299—کاربردی: لزوم توجه به تفاوت های شکایت های حقوقی و مدنی

300—کاربردی: نمونه متن قرار منع تعقیب به لحاظ جرم نبودن عمل

351

گفتار دوم: قرار منع تعقیب به جهت فقد دلیل یا فقدان دلایل 304

301—کلیات

302—کاربردی: نمونه متن قرار منع تعقیب به لحاظ فقد دلایل کافی علیه متهم

303—تقدّم و تأخّر انواع قرار منع تعقیب

304—تقدّم و تأخّر صدور بین انواع قرارها

فصل سوم: قرار مجرمیت 307

305—کلیات

اعدام در نظام کیفری ایران 309

306 – پیشگفتار

307 – مقدمه

308 – فهرست موارد اعدام

گفتار یکم: قانون مجازات اسلامی 312

گفتار دوم: قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاقی موادی به آن 315

گفتار سوم: قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح 318

گفتار چهارم: قوانین متفرقه 319

گفتار پنجم: رژیم قضایی مجازات اعدام 321

309 – موارد اعدام

310 – فراوانی موارد پیش بینی اعدام در قوانین

311 – تکلیف قاضی در صدور قرار بازداشت مؤقت و آثار آن

312 – قطعی بودن برخی احکام اعدام و نتایج آن

313 – نظری به روش های اجرای حکم اعدام

ضمائمه 325

فهرست منابع و مآخذ 339

تدوین جزوه:

بهنام اسدی

مدیر وب قانون یار

بانک جامع کتب و مقالات و جزووات حقوقی در تمام مقاطع

www.ghanonyar.ir